



انشارات دانشگاه تهران

شماره ۱۷۴۹

فرهنگ فارسی به خط لوی

تألیف

دکتر محمد اسماعیل فروغی

فرهنگ

فارسی به چپلوی

تألیف

دکتر محب‌زخم فردوشی

این کتاب توسط مسعود تهیه و اسکن و پی دی اف شده است

آدرس صفحه من در وبسایت کلوب

http://www.cloob.com/name/opportunist_edge007

و بلاگ من

<http://ketabestan4uiran.blogspot.com/>

اگر کتابهای مشابه با موضوعات مشابه ای میخواهید اسپانسر ما شوید

شماره حساب ۱۵۸۶۶۲۱۷۹۵ بنام بنده مسعود ف ا

یا شماره کارت عابری بانک ملت ۶۱۰۴۳۳۷۲۴۹۹۳۱۷۲۴

این کتاب توسط اسپانسر تهیه شده است



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۱۷۴۹

شماره مسلسل ۴۳۹۱

فره‌فرشی، بهرام، ۱۳۰۴ - ۱۳۷۱.
فرهنگ فارسی به پهلوی / تألیف بهرام فره‌وشی — تهران: دانشگاه تهران،
مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۸۱.
ب. ۵۷۱ ص — (انتشارات دانشگاه تهران: شماره ۱۷۴۹).
ISBN 964-03-4391-9: ۳۱۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
ص.ع.به انگلیسی: Bahram Faravashi: Persian Pahlavi Dictionary.
چاپ سوم.
۱. فارسی — واژه‌نامه‌ها — پهلوی. الف. دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات
و چاپ. ب. عنوان.
۲۲ ف ۲ / ۱۹۲۵ PIR ۳۵۰/۰۷۳
کتابخانه ملی ایران
۷۳۴۵-۸۰ م

شابک ۹۶۴-۰۳-۴۳۹۱-۹ ISBN 964-03-4391-9

عنوان : فرهنگ فارسی به پهلوی

تألیف : دکتر بهرام فره‌وشی

ناشر : مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

تاریخ انتشار : تابستان ۱۳۸۱ (چاپ سوم)

چاپ و صحافی : مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران

مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است.

«کلیه حقوق برای دانشگاه تهران محفوظ است»

بها : ۳۱۰۰۰ ریال

بیاد پدرم

روانشاد علی محمد فره‌وشی «مترجم همایون»

(۱۳۴۸-۱۳۵۶)

ترتیب الفبای لاتینی این فرهنگ و معادل فارسی آنها

a	اَ	m	م
ā	آ	n	ن
b	ب	o	اُ
č	چ	ō	اُ بلند
d	د	p	پ
e	اِ	r	ر
ē	بلند یا یاء مجهول	s	س
f	ف	š	ش
g	گ	t	ت
γ	غ	u	او
h	ه	w	و
i	ای	v	و
ī	ای بلند	x	خ
j	ج	y	ی
k	ک	z	ز
l	ل	ž	ژ

مهربانم که به پسر دی آنان چاپ این کار پایان پذیرفت کمال سپاس را دارم .
 از محبت های آقایان شهامت دوست وزنجانی ، مدیران هنرمند کارگاه های
 چاپ و بویژه از آقای ابری حروف چین بیمانند مؤسسه که کار حروف چینی وی
 تقریباً تصحیحی در پی ندارد سپاسگزارم و اگر هنر و مهارت اینان نبود ، این کار
 بدین پاکیزگی از چاپ بیرون نمی آمد .

بهرام فره‌وشی

تهران، مهرماه سال ۱۳۵۸ خورشیدی

پیشگفتار

پس از نگارش فرهنگ پهلوی که شش سال پیش در سال ۱۳۴۶ خورشیدی انتشار یافت بر آن بودم که بخش دوم این مجموعه را که شامل فرهنگ نامه فارسی به پهلوی است فهرست وار فراهم آورم. ولی بعدها که فراغت حاصل شد بهتر دانستم که آنرا بصورت کتابی جداگانه آماده سازم تا جوینده را نیازی به فرهنگ پهلوی نباشد مگر در پژوهش های ژرف تر. از اینرو اصل واژه های پهلوی در برابر واژه های فارسی نهاده شد و دفتری جداگانه فراهم آمد.

این مجموعه بخش سومی هم خواهد داشت و آن فهرست کلمات پهلوی به خط پهلوی است که بکار کسانی خواهد آمد که از اصل متون پهلوی سود خواهند جست. اکنون که شش سال از انتشار فرهنگ پهلوی میگذرد، من خود بیش از همه به کم و کاست آن آگاهم و چون این فرهنگ برپایه کتاب پیشین من «فرهنگ پهلوی» فراهم آمده است از اینرو این یک نیز بی کم و کاست نتواند بود و اگر در عرضه کردن آن دلیری کرده ام بیشتر به لطف و مهربانی دوستان و دانشجویانی که خواستار آن بوده اند دلگرم بوده ام و نیز همیشه بیاد گفته استاد فرزانه روانشاد پورداود هستم که میگفت «زمانه در گذراست و زندگی ناپایدار و کاری که کرده می شود اگر در همان سال های نخست عرضه نگردد، گاه هرگز عرضه نخواهد گشت و برگ های یک کتاب چاپ نشده، پس از برگ آدمی از دکان عطاری برای پیچیدن دارو سر در خواهد آورد».

آرزوی من اینست که این کار بزرگ که خود به تنهایی سندی گران بها از فرهنگ مردم ایرانزمین است پایان پذیرد و مجموعه ای از واژه های پهلوی بجای مانده، فراهم گردد.

برای دانشورانی که از این فرهنگ نامه سود خواهند جست یادآوری نکاتی

چند را لازم میداند:

۱- چون این واژه‌نامه برپایه فرهنگ پهلوی سامان یافته است، اگر در آن نارسائی‌هایی وجود داشته باشد بایستی به فرهنگ پهلوی نگاه کرد تا معنی خاص واژه روشن شود.

۲- گاهی واژه‌های نامأنوسی بویژه دراسم مصدرها و ترکیب‌های مجرد بکاررفته است و آوردن این واژه‌ها که گاه دربرخی از گویش‌های فارسی نیز بجای مانده‌اند برای نمودن آن دسته از واژه‌های فارسی است که بزندگی خود ادامه نداده‌اند.

۳- دربرخی موارد، واژه‌های پهلوی شکل‌های گوناگون دارند و آن از اینروست که کلمات به شکل‌ها و تلفظ‌های گوناگون توسط دانشمندان مختلف خوانده شده‌اند و یادرسیر تحولی خودبه اشکال گوناگون کهن‌تر و جدیدتر در آمده‌اند.

۴- درآوانویسی کلمات پهلوی از شیوه و روش استادان پهلوی‌شناس برجسته چون استاد «نوبرگ» از سوئد و «دومناش» و «بنونیست» و «موله» از فرانسه و «زنر» و «بیلی» از انگلستان و «بارتولومه» و «مارکوارت» و «هوبشمن» و «یوستی» و «یونکر» از آلمان و «دابر» و «کاپادیا» و «مودی» و «سنجانا» و «کانگا» از هند، پیروی شده است.

۵- پیشی و پسی واژه‌های پهلوی که در برابر یک واژه فارسی آمده‌اند تا اندازه‌ای نمودار درجه پیوستگی مفهوم آن واژه‌ها با واژه فارسی است.

* * *

در پایان ناگفته نگذارم که اگر کوشش خستگی‌ناپذیر همسر «هما» که سالی چند، چندین هزار برگه واژه‌ها را فراهم و بآنها نظم و سامان داد، نمی‌بود، این فرهنگ هرگز پدید نمی‌آمد. از کوشش و مهربانی و دقت و شکیبایی اوسپاس بسیار دارم.

بهرام فره‌وشی

اسفندماه ۱۳۵۲

آ

āpān rōč	آبان روز (نام روز)	āp	آب
zōhr	آب تقدیس شده	āpāt	آباد
parāhōm		āpātān	آبادان
šnāyašnikih	آب تنی	āpātān kartan	آبادان کردن
xšēn	آب تیره	āpātānēnitan	
vašk	آبجو	frāxvēnitan	
paršak	آب جوی	āpātihā	آبادانه
xvētih	آب چشم	āpātānih	آبادانی
āpxvār	آب خوار	xvāwargarih	
āp-xvar	آب خور (نگ. آبشخوار)	xvāpargarih	
āpōmand	آب دار	āpātihōmand	(دارای آبادانی)
āpdān	آبدان	dēh frāxvēnītār	آبادکننده کشور
xayūk	آب دهان (خیو)	fšōnišnōmand	آبادگر
tuf		āpātih	آبادی
armēšt	آب راکد	āpātihōmand	آبادی مند (دارای آبادی)
		āpān māh	آبان (نام ماه)

kafč	آب گردان	hū-āp	آبرودار
āp-čihrak	آب گوهر	āprēč	آبریز (ابریق)
āp-i tan tuxmak	آب گیاه	nikun āp	آب زیرزمینی (نگ، قنات)
varm	آبگیر	āpsārik	آبساری
āpakēnak	آبگینه (نگ، شیشه)	āpus	آبستن
āpgēnak		āpustan	
āpakēnakēn	آبگینه‌ای	burtār	
āpgēnakēn		pusōmand	
āpilak	آبله	tanburtār	
zōhr	آب مقدس	varōmand	
zōhrak		zahakōmand	
āpōmand	آبمند (آب‌دار)	āpusēnītan	آبستن شدن
vašk	آب میوه	hambavēnītan	
āpnūs	آب‌نوس	hunušakēnītan	آبستن موجودا هر یمنی بودن
šēz		višūtan	
āpīh	آبی	āpusēnītan	آبستن کردن
āpīk (آبکی، منسوب به آب)		gawr kartan	
xvārēnītan	آبیاری کردن	vušn kartan	
xašēn	آبی تیره	ēvak bār	آبستن (زنی که نخستین بار آبستن میشود)
kapōt (کبود)	آبی رنگ	āpusih	آبستنی
pašanjak	آبی که بادست روی چیزی باشند	āpustih	
ātaš	آتش	āpustanih	
ātaxš		burtih	
ātar		āp-čihrak	آب سرشت
ātarōk		āpxvar	آبشخوار
ātur		paršak	آب قنات
brizisvang	آتش آتشکده‌ها	āp-kāmak	آبکامه (نوعی غذا)
		āpīh	آبکی

ātur gušnasp	آتشکده گشنسپ	spēništ	آتش آسمانی
vartāstar	آتشکده ورت آستر (در بلخ)	ātaxš vazēnītār	آتش افروز
āturān	آتشکده‌ها	ātarvaxših	آتش‌بانی (نگاهداری و مراقبت آتش بوسیله پیشوای دینی)
ātaxš-gās	آتشگاه	ātaxš i vāhrāmān	آتش بهرام
āturgās		ātaxš i varhrān	
mān i ātaxšān		ātaxš i vahrām	
ātarōk	آتش مقدس کوچک	varahrām	
ātur farrobāg	آتش موبدان	varahrān	
ātaxš niyāyišn	آتش نیایش		آتش بی‌خورش (همیشه سوز)
āturān	آتش‌ها	ātaxš i axvarišnīk	
hamēšak sōč	آتش همیشه سوز	ātaxš i parmkar	آتش پرمکر (آتشکده)
ātaxšīk	آتشی	ātaxš tōhmak	آتش تخمه
vāzišt	آتشی که برای افروختن بکار برند	āsro-karp	آتش تن
	آتشی که خود بخود و بی‌هیزم بسوزد	duwrak	آتشدان (ظرف آتش)
ātaxš i axvarišnīk		āsēpišn	آتش زدگی
vēh franaftār	آتشی که در مردم و چارپایان است	āsiftan	آتش زدن
urvāzišt	آتشی که در گیاهان نهفته است	āsro-karp	آتش شکل
hamafrōk	آتشی که همیشه فروزان است	dāt-gās	آتشکده
ātur dāt	آتورداد (نام خاص)	mān i ātaxšān	
ātviyān	آتویان (نام خاندانی)	gumbat	
hamharz	آجودان	ātur burzēn-mitr	آتشکده برزین مهر
axtan	آختن	ātaxš i vahrām	آتشکده بزرگ شهر
afdom	آخر	ātur farnbay	آتشکده فرنبغ
afdomih		ātur farrobag	
pas-ič	آخر الامر	ātur karkōi	آتشکده کرکوی
apdomih	آخر بودگی (انتهای)	ātaxš i karkōi	
huhamārih	آخرت (معنقد بودن به آخرت)		

āturpātakān	آذربایجان	avdom	آخری
burzēn mitr	آذربرزین مهر (آتشکده)	afdom	
ātur bandak	آذربنده (نام خاص)	avdom	آخرین
virōzāk	آذرخش	apdom	
ātur sōč	آذر سوز	pasēn	
āsro-karp	آذر شکل	hamaspatmaidēm	آخرین گامانبار
ātur farrobāg	آذر فرنیغ	āxvar	آخور
ātur i kātakān	آذر کاتکان (آتشکده)	gō-band	
āturgās	آذرگاه	aspistān	
ātur gušnasp	آذر گشسپ (آتشکده)	āxvar sardār	آخور سالار
ātur gōnak	آذر گونه	kartak	آداب مذهبی
ātur māh	آذر ماه	kartakān	
tūšak	آذوقه	nīrang	
pihan		mašya	آدم
pihn		mašā	
pit		mahrē	
hanbār (آذوقه انبار شده)		malhā	
ārāstārīhā	آراستارانه	mihrē	
ārāstārīh	آراستاری	mitrē	
ārāstakīh	آراستگی	mart ōpār	آدمخوار
rāḡēnākīh/rāy ~		awzatār	آدم کش
rāḡēnītārīh/ rāy~		gadōk	
rāḡēnišn/ rāy~		gayōmart	آدم نخستین
rāḡēnišniḥ/ rāy~		gayyōmart	
rāžēnišn		dōpādān/yān	آدمیان
vērāyišn		ātar	آذر
		āturpāt	آذرباد (نام خاص)

آرام	•	آراستن
rāmēnīt	آرام شده	ārāstan
rāmīhastan	آرامش یافتن	vināristan
hūkārītan	آرام کردن	rāḡēnītan/ rāy~
rāmēnītan		rāžēnītan
ĵānakān	آرامگاه	ārāstak
ārāḡ/y	آرای	pēsīt
ārāyišn	آرایش	pēšīt
pēsišn		pistak
ārāstak	آرایش شده	rāḡēnāk/ rāy~
pēsīt		rāḡēnišnīk/ rāy~
pēsītak		ārāspē
pēsītan	آرایش کردن	ārāstī
azrāyītan		ārām
hūčihrgar	آرایشگر	rām
ārāstār	آراینده	rāmēnīt
ārāy		rāmišnīk
ārāḡ		tōšīt
vīrāy		tušt
ārd	آرد	tušn
ārt		rāmīstan
ārtak		astartakīh
pīst		drōt
past		xvāhragīh
pīst	آرد سرخ کرده	vētvarīh
ārtan	آرد کردن	rāmišn dātār
ārzōk	آرزو	axvikīh
kām		āsān mēnišnīh
kāmak		rāmīhastan
		آرام بودن
		آرامش
		آرامش دهنده
		آرامش روح
		آرامش فکر
		آرام شدن

āzāt-kām	آزاد گاه (مختار)	apāyast	
āzāt-kāmih	آزاد گاه (مختار)	žah	
āzāt-kartārih	آزاد کرداری	xvāstārih	
višātan	آزاد کردن	xvāsišn	
āzātakān	آزادگان	ayyastan	آرزو داشتن
āzātakih	آزادگی	ayyastan	آرزو کردن
āzāt martān	آزاد مردان	xvāstār	آرزومند
āzāt martih	آزاد مردی	xvādišnōmand	
rāt	آزاد منش	dēv ayyās	آرزومند پیوستگی بادیوان
āzātak	آزاده	xvatāy kāmakih	آرزوی فرمانروایی
asnōtak		dēž i nipišt	آرشیو سلطنتی
apar mānīk		āramītan	آرمیدن
pārs āzāt	آزاده پارسی	āranj	آرنج
āzāt čihrak	آزاده نژاد	ērvārak	آرواره
sak āzāt	آزاده سکائی	zanūk	
āzātih	آزادی	ēr	آریایی
pardāzišn		āz	آز
āzātih kar	آزاد بخواه	rusdih	
āzātih kar	آزاد پیگر	āzāt	آزاد
āzātih guftan	آزادی گفتن	harzak	
āzār	آزار	pargut	
āzarm		rastak	
bēš		kām zīvišn	
bēših		āzāt čihrak	آزاد چهره
bēšišn		rastan	آزاد شدن
vēšišn		parēxtan	آزاد شدن از قید
bēšišnih		varanīk	آزاد فکر مذهبی

stōš آزادی که در سه شب پس از مرگ تحمل میشود

dartih آزردگی

dušrāmih

patiyārakōmandih

āzārtan آزرده

āzartan

āzāritan

dušrām آزرده

dušrāmišn

vitang

patiyārakōmand

mustgar آزرده دل

mustgarīh آزرده دلی

āzarm آزم

āzarmih

āzarimišn

hušarmih

āzarmik آزمی

āzarmīkih آزمی بودن

āz čīhr patiših آضطبی

āz kāmākih آز کامگی

āz kāmāk آز کامه

āz kāmih آز کامی (داشتن تمایل مفرط به چیزی)

varan i arāh آز گمراه کننده

āzmāyišn آزمایش

ōzmāyišn

ūzmāyišn

var آزمایش ایزدی

dastak

gazand

rānakih

stahm

tarvēnišnih

zanišn

rānakih dātār آزار دهنده

tarvēnišn

vizand kartār

zatan آزار رسانیدن

āzārišn آزارش (رنج، صدمه)

tapāhītan آزار شدن

xrōstak آزار شده

āzārtan آزار کردن

āzāritan

bēšītan

bištan

rānakēnītan

tapāhēnītan

tarvēnītan

xrōsītan

vināsītan

āzārtār آزار کننده

bēšītār

tapāhēnītār

tarvēnītār

bēšītār آزار گر

vizandkār

vizandgar

hugar		mas kār (برای مبراشدن از گناه)	آزمایش ایزدی
sapūk		mahist kār	
xvārtar	آسان تر	stōš	آزمایش رفع آور
xvārtōm	آسان ترین	uzmāyišnik	آزمایشی
āsānih	آسانی	varanik	آزمند
āsānih dātār	آسانی دهنده	āz kāmakih	آزمند بودن
āsāyišn	آسایش	varanih	آزمندی
hanbārih		varanikih	
xūbih		āzmūtan	آزمودن
xvārih		ōzmūtan	
xvārakih		uzmūtan	
āsānēnitan	آسایش دادن	nikiritan	
hamāk xvārih	آسایش تام و همیشگی	nikirišn	
pur āsānih	آسایش کامل	pasāxtan	
āsāyitan	آساییدن	āzmūtak	آزموده
āspikān	آسپیکان (نام خاندانی)	ōzmūtak	
āstānak	آستانه (جای خواب و آراش)	ūzmūtak	
dargāh	آستانه در	kart-kār	
asmān	آسمان	vartak	
spihr		pasāxt	آزمون
sag		āzvar	آزور
sak		āzvarihā	آزورانه
spihr i axtarān	آسمان دوم	āzvarih	آزوری
āsmān rōč	آسمان روز (روز بیست و هفتم)	āsān	آسان
mēnōkik	آسمانی	xvār	
mēnōyik		xvārak	
mēnōkih			
garōtmānikih	آسمانی بودن		

zīnītan	آسیب زدن	kāmak axvīh	آسودگی باطن
xastan		āsūtan	آسودن
vizāstan		āsānēnītan	
zanēnītan	آسیب وارد آوردن	āsānīhōmand	آسوده
āš	آش	xvār ziyīšnīh	آسوده زیستن
kāmak	آش (نوعی آش)	āsūristān	آسورستان
spēt pāk	آش ماست	āsūrīk	آسوری
xvartan	آشامیدن	asūrāyīk	
xvārtan		āsyāw	آسیاب
xvārītan		āsyāy	
xvārišn		āsiyāp	
žūyišn	آشامیدن (اهریمنی)	āsiyā	
pāk	آشپز	āsyāy pat dast	آسیاب دستی
āštīh	آشتی	ārtan	آسیاب کردن
āšt		hrōm	آسیای صغیر
āštakīh		āk	آسیب
āšt-xvāhīh	آشتی خواهی	ziyān	
āštīh dātār	آشتی دهنده	ziyānīh	
āšōftārīh	آشفتاری	vināstārīh	
āšōftārīh	آشفتگی	vizūtakīh	
āšōp		vizūtārīh	
višōpišn		āzarm	
viškōw		xvar	
vōīk		zanēnītan	آسیب رساندن
āšōftan	آشفتن	vināsītan	
āšōptan		vizūtār	آسیب رساننده
šuftan			

pētākēnītan	آشکار ساختن	višuftan	
ō pētākīh āwartan		višōpēnītan	
pētākēnītan	آشکار کردن	višōftak	آشفته
āškārākēnītan		višuft	
āškārākēnītārih	آشکار کنندگی	višuft kārih	آشفته کاری
āškārākēnītār	آشکار کننده	āšōftan	آشفته کردن
daxšakēnītār		višōpēnītan	
mānsrdōbāk	آشکار کننده* کلام ایزدی	višōp	آشفته کننده
āškārakīh	آشکاری	āškārak	آشکار
āškārīh		paitāk	
pētākīh		pētāk	
paitākīh		pat dīt	
dītārih		frāč pētāk	
nikēž		pētākēnītak	
āšmōk	آشموغ (بی دین)	čašm dīt	
ahramōg		čašm kās	
āšnāk	آشنا	čašmakās	
āšnā		rōšnak	
āšōp	آشوب	rōšnāk	
višuftār	آشوبگر	vēnaft	
āsūrīk	آشوری	nikērišnīk	
asūrāyīk		čihr	
āšyān	آشیان	daxšak	
āšyān	آشیانه	nišak	
sar	آغاز	tāšt	
sārēnišn		āškārīhā	آشکارانه
patisār		daxšakōmandīh	آشکارایی
		pētākīhastan	آشکار شدن

āfrītak	آفریده	fratōmīh	
dāmak		bunīh	
dahišn		nazdist	
dām	آفریدهٔ ایزدی	bun artik	آغاز جنگجویی
dušdahāk	آفریدهٔ بد	frakānēnītan	آغاز کردن
dušdām		nivinn-	
hūdām	آفریدهٔ خوب	sārēnītan	
hūdahak		āgištak	آغشته
dātīh	آفریده شدگی	āōstān	آغل
tāšīt	آفریده شده	pahast	
xvadāt	آفریده شده بخودی خود	pahastān	
mēnōg dahišn	آفریده مینوی	āftāp	آفتاب
fratom dām	آفریدهٔ نخستین	xvar	
ōhrmazd-dāt	آفریدهٔ هرمزد	āfrītkār	آفریدگار
āfrīn	آفرین	āfrītār	
āfrīn kartār	آفرین کننده	brinōmand	
āfrīnītan	آفرین گفتن	āfrītārīh	آفریدگاری
āfrīn gōwišnīh	آفرین گوئی	dahišnīh	
dahišnīk	آفرینش (منسوب به آفرینش)	bundahišnān	آفریدگان آغاز خلقت
dahišnīh		dāmān	آفریدگان نیک ایزدی
dām		dahišnīh	آفریدگی
tāšišnīh		dātīh	
čitr dāt	آفرینش نژاد	āfrītan	آفریدن
gētīk dahišnīh	آفرینش گیتی	dātan	
bundahišn	آفرینش نخستین	frāč kartan	
bundahišnīh		karītan	
bunē-dātīh		kirrēnītan	
		tāštan	
		tāšītan	

ākantan	آگندن	hamāk dahišnih	آفرینش همه جهان
frāč nivēdišnih	آگهی	brinkar	آفریننده
zēn afzār	آلات و افزار جنگی	day	
ālālak	آلاه	karrēnītār	
afzār	آلت	dahmān āfrīn (دعا)	آفرین پرهیزکاران
afčār		patīh	آفانی
zāy		āk	آک (بدی، درد)
zahār	آلت تناسلی	ākās	آگاه
kīr	آلت رجولیت	čašmkās	
kēr		azd	
škēnjak	آلت شکنجه	ākāsīhā	آگاهانه
šīšak	آلت موسیقی (نوعی آلت موسیقی)	dēn ākās	آگاه به امور دینی
rōt	آلت موسیقی زهی	ākāspat (بزرگ آگاهان، دانشمند بزرگ)	آگاهید
ālag	آلو	harvisp ākās	آگاه به همه چیز
ālūtakīh	آلودگی	azd matan	آگاه شدن
āhōkēnišn		ākās kār	آگاه کار (مطالع)
hēxar		ākāsēnītan	آگاه کردن
hixr		dānākēnītan	
rīmanīkīh		čihēnītan	
nasuš		azd kartan	
nasruštīh		ākāsīh	آگاهی
patvēšak		dušākāsīh	آگاهی بد
mutrišn		dānišn šnāsīh	آگاهی بر علوم
hīxrīh	آلودگی به چیز ناپاک	vispākāsīh	آگاهی جهانی
ālūtan	آلودن	bavandak ākāsīh	آگاهی کامل
āstārēnītan			آگاهی که از سوی وهومن بانسان داده شود
		vohuman ākās dahišnih	

pasāxtan	آماده کردن	ālū	آلوده
sāxtan		āhō _h cnāk	
patrāstan		hamrēt	
pazāftan		nasrušt	
sēcītan		patvēšakōmand	
vēnārtan		nasāōmand	آلوده (بر اثر تماس با جسم مرده)
virāstan		āhōkēnītan	آلوده کردن
pērāyēnītan		āhōkēnītār	آلوده کننده
āyōxtan	آماده کردن اسبان	pasačak	آماده
ārāstārih	آماده کنندگی	āmār	آمار
virāstārih		āmārišnīh	
ārāstār	آماده کننده	āmārēnītār	آماردار (محاسب)
matārih	آمدگی	āmārišn	آمارش
āmatan	آمدن	āmārēnītan	آمار کردن
matan		amargar	آمارگر
frāč matan (فراز آمدن)		āmārgar	
frāč matan (ناگهان آمدن)		āmārtan	آمار گرفتن
rasītan		anāmārišnik	آمار نکردنی
āsītan		āmārik	آمارى
rašišn		rāḍēnišn	آمادگی
āvarītan		rāyēnišn	
āyišnīh		sāxtārih	
awyastan		vēnārišn	
matārih		virāstārih	
apar āmatan (بر آمدن)		pasijak	آماده شده
framān pat	آمر	sāxtak	
framātār		puxtak	
kāmak hanjām			
framānīh	آمر بودگی		

ōšān	آموزدیا	āmurzišn	آمزش
hamōk	آموز	huāmurzitārih	آمزش خوب
āmōzānītan	آموزانیدن	āmurzišnōmand	آمزش مند (آمزشیده شده)
āmōžānītan		āmurzitār	آمزشنده
dānēnītan		āmurzitārih	آمزشداری
āmōžišn	آمزش	āmurzitārih	آمزشدگی
hamōzišn		bōžišn	
āmōxtišn		āmurzītan	آمزشیدن
āmōxtišnīh		pur bōžišn	آمزشیده
čāšišn		buxtak	
čāšišnīh		bōžītan	آمزشیده شدن
duš āmōzišn	آمزش بد	hūfravart	آمزشیده شده
frahangistān	آمزشگاه	čāšt	آموشخت
آمزش نیک که از سوی فرشته بهمن داده می شود		āmōxtār	آموشختار
vōhuman āmōxtišn		hamōxtār	
čāšišnīk	آموشی	frahaxtīh	آموشختگی
frahangīk	آمزش یافته	frahangīkīh	
āmōžkār	آمزشگار	āmōxtan	آموشختن
hamōžkār		hamōxtan	
āmōxtār		ōmūxtan	
āmōžkārīh	آمزشگاری	frahaxtan	
āmōxtārīh		frahang kartan	
čāšišn	آمزشدگی	čāšītan	
āmōžāk	آمزشنده	vičīstan	
čāšītār		xratēnītan	
hamōxtār		āmōxtak	آموشخته
frahang pat		frahaxt	
dušīh āmōxtār	آمزشنده بدی	frahangīk	

gumēčakīh		zand čāšītār	آموزنده زنده
hamvimēžišnīh		gumēčakīh	آمیختگی
tan vimēxtan	آمیزش کردن (مقاربت)	hamkarčakīh	
hān	آن (ضمیر)	vat amēčišnīh	آمیختگی با بدی
hō		āmēxtan	آمیختن
hān-ič i	آن نیز که	gumēxtan	
-ān	آن (پسوند جمع)	vimēxtan	
tak zamān	آن (لحظه)	apyōxtan	
pat gēvāk	آن (برجای)	hārēftan	
ōišān	آنان (ایشان)	srištan	
ōd	آنجا	šēp-	
ānōd		gumēčišnik	آمیختنی
kū	آنجا که	gumēčakōmand	آمیخته
čekāmič	آنچه هم	āmēxtak	
tar	آنسوی	āmēz	
tarist		gumēk	
avarōn		gumēxtak	
tarīh	آنسویی	gumēčak	
ōyōn	آنطور	apar gumēxt	
and	آنقدر	hamkarčak	
hand		barhamak	
andčand		yumāk	
adak	آنگاه	āmēč/z	آمیز (نوعی خوراک مخلوط)
ōyōn	آنگونه	āmēzišn	آمیزش
adak	آنوقت	āmēčišnīh	
ušān	آنها	gumēzišn	
ōišān		gumēčišn	
		gumēčišnīh	

آورش	۱۶	آواره
apākēnitan (باهم آوردن)	آورش	ēvārak kārdāk viyāpānik
āpurišn	آورشی	āvāz
āwarišn	آورنده	ēvāč
āpurišnih	آورنده	srōt
āpurtār	آورنده	vāčik
apurtār	آورنده	vāng
āwurtār	آورنده	burz vāngihā (بآواز بلند)
burtār	آوشن (گیاه)	srūtan
āpurāk	آویختن	āvāzak
awišan	آویخته	nām
āvīxtan	آویخته	nāmakih
ākustan	آویزان	nāmīkih
ākust	آویشن (گیاه)	nang
ākustak	آهک (ساروج)	ēvāčīkih
ākust	آه کشیدن	āwurtār
awišan	آهکی	apurtār
čārūk	آهن	āwarišn
xvāsišn	آهن	barišn
čārūkēn	آهنجشی	āpurišnih
āhan	آهنجیدن	āpurtan
āhēn	آهن درخشان	āwurtān
āsan	آهنجشی	āwartan
āsēn	آهنجیدن	āwaritan
āhanjišnih	آهن درخشان	ānitan
āhanjitan	آهن درخشان	vāzēnitan
xvēn āhēn (خماهن)	آهن درخشان	ōnitan

āhōk	آهو (عیب)	xvēn āhēn	آهن شعله‌ور
āhūk		xvēn āsēn	
āhūk	آهو (غزال)	xvan āsēn	
āhōkēn	آهو گین (نا پاک)	āsinkar	آهن کار
āhōkēnītan	آهو گین کردن	āsingar	
āhixtan	آه بختن	āhang	آهنگ
āhanjītan		vāčik	آهنگ (در موسیقی)
hakar	آیا	nivāk	
āyišn	آیش (همل آمدن)	huniyāk	آهنگ خوش
āyaft	آیفت (مراد، حاجت)		
matārīh	آیندگی	āsēn vitaxt	آهن گداخته
matār	آینده (کسی که می آید)	xvēn āhēn	
advēn	آیین	āhankār	آهنگر
advēnak		āhangar	
āyēnak		āsinkar	
āfrīngān	آیین آفرینگان	āsingar	
mazdakīh	آیین مزدک	pōlāwt patkar	
ōhrmazd dātīh	آیین اورمزدی	āhangarīh	آهنگری
advēnak	آینه	xvēn āhēn	آهن مذاب
āyēnak		āhēnēn	آهنین
gēn		āsēnēn	

hamākīhā ěstīšn
hamāk rawišnīh
hamē rawišnīh

abr
awr
mēy
miharg
dūt (دود، ابر)
maznāh
snōd
nazm (ابرمترانگم)
zafā

apar
awar

awrāhim
awrāhām

ابر

ابر (بالای)

ابراهیم (نام خاص)

apāk
fratōm
bun
patisār
nazdist
naxun
frahistīh
apat
katārčē
hambun-ič
nihišn
hamēšakīh
hamēik
akanārak zamān
akarānak zamānīh
hamāyīkīh
hamē būtīh

/ با (با)

ابتدا

ابتدائی

ابد

ابدأ

ابداع

ابدی

ابدیت

mūtakīh	ابهام	zahāk	ابر باران ده
startakīh		snōdān	
startīh		awrpāyak	ابرپایه (یکی از پایگاه های آسمان)
varōmandīh		awrōmand	ابر دار
aparsēn	اپرسن (کوه)	abrōmand	
aparag	اپرگ (نام خاص)	aparōk šatr	ابر شهر (شهرنیشابور)
aparōk	اپروک (نام خاص)	apar šatr	
aparōk šatr	اپروک شهر (شهر)	abrōmand	ابر مند (دارای ابر)
aparvēč	اپرویز (پرویز = پیروز مند)	awrōmand	
katak	اتاق	bravad	ابرو
ēvakīh	اتحاد	brūy	
ēvīh		brūk	
ēv kartakīh		brūk tāk	(طاق ابرو)
hamīh		aprēšom	ابریشم
hamahīh		aprēšam	
hamikīh		tarāz	
āyōj		kač	ابریشم خام (ابریشم کج)
āyōjišn		aprēšamēn	ابریشمین
ērmānīh		afzār	ابزار
patišīh		afčār	
patvand		zēn	ابزار جنگی
ēv zōrīh	اتحاد نیرو	asištak	ابله
hambandišn	اتصال	halakīhā	ابلهانه
hambandišnīh		sturtakīhā	
hambandīh		halak kārīh	ابلهانه رفتار کردن
patvastārīh		halak kunišn	ابله رفتار
āyōj		halakīh	ابلهی
		ōvām mēnišnīh	ابن الوقت بودن

frēčvānītan	اجباری کردن	andāxtan	اتفاق افتادن
hanjaman	اجتماع	handāxtan	
harvisp hamrasišnih	اجتماع بزرگ	ētōnīhītan	
pahrēč	اجتناب	ōftātan	
pahrēčišn		rasītan	
anāyišn		matan	
aparod		xvatātīh	اتکاء بخود
anāpišn		passāxt	اتمام
pahrēxtakīhā	بطریق اجتناب	pēšēmārīh	اتهام
vičīrišnik	اجتناب پذیر	pēšimārīh	
pahrēxtan	اجتناب کردن	ērang	
vičīristan		mānak	اثاث البیت
par būtan		sūtārīh	اثر
apēčār	اجتناب ناپذیر	mōzd	اجاره بها
avičīrišnik		mizd	
niyākān	اجداد	parvānakīh	اجازه
mizd	اجر	hištan	اجازه دادن
mozd		parvānak	اجازه عبور
pāt dāšn		barēj	اجاق
pāt dahišn		brēzan	
nīrmat		kalak	اجاق گلی
kunišnih	اجرا	parēčvānik	اجبار
rawākīh		frēčpānih	
pat kār dāštan		frēčvānih	
hangartikih		ōvām	
pasaxtak	اجرا شده	frēc	
pasāxtan	اجرا کردن	frēcpanik	اجباری
andar kartan		parēčvānik	
hangartēnītan			

dōšārm		varzītan	
dušārm		pat kartak āwurtan	
dōšārmih		vičār	اجرا کننده
dōšišn		kunišn varz	
franāmišnih		hūvaršt kunišnih	اجرای کار نیک
hūškōhīh		pātdāšnēnītan	اجر دادن
nivāxtakīh		pātdāšnōmand	اجر دار
šnāyēnītārīh		pātdāšnēnītār	اجر دهنده
tarsakāsīh		parvandišn	احاطه شدگی
tarsišn		pēčītakīh	
franāmītan	احترام کردن	parvast	احاطه شده
stāyēnītan		parvastak	
šnāsītan		pēčītak	
šnāyītan		parčīnōmand	
šnāyēnītan			
yaštan		parvastan	احاطه کردن
vandītan		kustan	
parastītan		xanjīstan	
parastātan		vartēn	احاطه کننده
arzānīk (قابل احترام)		vartišn	احتراز
rat franāmišnih	احترام کردن به پیشوای مذهبی	āzarm	احترام
fravastakīh	احتوا	āzarmih	
niyāz	احتیاج	āzarmišn	
niyāzak		pās	
niyāzakīh		pāsdārīh	
niyāzīh		spās	
nivāzišn		šnāyišn	
niyāzōmandīh		šnāyītārīh	
apāyast		burzēnākīh	
tangīh			

star ōšmur	اختر شناس	kas-ič	احدی نیز
star ōšmār		sōhišn	احساس
axtarīk	اختری	šnāsak	
hangirtih	اختصار	mārišn	
xvēšēnītan	اختصاص دادن	mārišnōmand (قابل احساس)	
vāspuhrakānīh	اختصاصی	snahītan	احساس کردن
nihān	اختفا	sōhistan	
nihuftakih		mārišnōmand	احساس کردنی
mānīh		āyaft	احسان
nikirāy	اختلاس کننده	xvāpargarīh	
āmēč	اختلاف	xvānišn	احضار
āmēzišn		vāčāfrāh	
āmēxtan		frāč xvāntan	احضار کردن
gumēčakīh		dātistānōmandih	احقاق حق
gumēčišn		halak	احمق
gumēčišnīh		asištak	
hamgōmīh		dōš	
yutarīh	اختلاف	dušākās	
ayōjišnīh		axtar	اختر
anayuxtakih		stār	
patyārakih		stārak	
yut dātistānīh	اختلاف عقیده	gad	
vizuxtak	اخته شده	nihišn	اختراع
āzāt-kāmīh	اختیار	axtar-mar	اختر شمار
kāmakīk	اختیاری	axtar-āmār	
rānakih	اخراج	kandāk	
uzdēhikih		kundākīh	
pazdakih		axtar-mārīh	اختر شماری
		axtarāmārīh	

kašitan	ادامه دادن	hištan	اخراج کردن
pāyitan	ادامه داشتن	pazdēnitan	
patāyitan		daxšak	اخطار
patūtan		daxšakih	
pattūtan	ادامه یافتن	kartak	اخطار قانونی
franāmišn	ادای احترام	frāč daxšakih	اخطار قبلی
gōwišnīh	ادای سخن	kartan	اخطار کردن
niyāyišnīh	ادای شکر	xvarg	اخراج
tūxtan	ادای قرض	xurag	
tūzišn		xurg	
čarpīh	ادب	dīwān	اداره
čarp zuwānīh		rāyēnīhitan	اداره کردن
huēvāčih		rāyēnītārīh	
		rāyēnītan	
xūp nipēk	ادبیات	vinārtan	
čamiš	ادرا	framūtan	
čamišk		vinārtār	اداره کننده
čamišn		kišvar vīrāy	اداره کننده کشور
mīzišn		tōxtan	ادا کردن
mēzišn		vāčišn	
mēšak		dranjēnitan	
mīzišnīh	ادرا کردگی	vičārtan (ادای وظیفه)	
mēzitan	ادرا کردن	vāčitan (ادا کردن سخن)	
pēšārvār kartan		tūxtār	ادا کننده
mīzišnik	اداری	drang	ادامه
mārišn	ادراک	dirang	
ōryā	ادسا (شهر)	pattāyišn	
pēšimārīh	ادعا	patvandišnīh	

dēhūkānīh	ارباب بودن	afzār	ادویه طعام
art	ارت (نام روز)	īānakīh	اذیت
pusarih	ارتباط پدر و فرزندی	rānakēnitan	اذیت کردن
apāč stāyistan	ارتداد	xastan	
artištārān sardār	ارتشتاران سردار	raxtan	
ratēštārīh	ارتشتاری	rah	ارابه
artēštār	ارتشی (نظامی)	ras	
bālist	ارتفاع	vartiyun	
masāi		āyōj	
aparmānd	ارث	ray	ارابه جنگی
rēxn		čahār āyōjišn	ارابه چهاراسب
arj	ارج	āyōxtār	ارابه‌ران
arž		vartēn dār	
varj		artēštārīh	ارابه‌رانی
arjāsp	ارجاسپ (نام خاص)	kām	اراده
harkitāršn	ارجدرشن (نام خاص)	kāmak	
arjōmand	ارجمند	kāmišn	
arzōmand		nikēžišn	
arzānik		axv	
āzarmik		axvik	ارادی
garāmik		kāmik	
arzānikān	ارجمندان	kāmakik	
garāmikihā	ارجمندانه	nikēžišn	ارانه
garāmikēnitan	ارجمند داشتن	nikēžišnīh	
arjōmandīh	ارجمندی	nikēžitan	ارانه حکم
arzānīh		nikēžitan	ارانه دادن
		nikēxtan	
		fravārtan	

arzānīh (بهاداری)	ارزانی	garāmīkih	
arzānikān	ارزانیان	hunarōmandih	
arzānikēnītan	ارزانییدن	artāy fravart	اردافروور
arzišn	ارزش	artā fravart	
arz		artaxšēr	اردشیر (نام خاص)
arž		artaxšatr	
arj		artašīrān	اردشیران (گیاه)
arg		artaxšēr xvarrah	اردشیرخوره (شهر)
hunar		ardavān	اردوان (نام خاص)
sang		artavān	
vahāk (بها)		artāy virāz	ارداویراز (نام خاص)
arzānikēnītan	ارزشی دادن	artāy virāf	ارداویراف (نام خاص)
vahāk burtan		nišastan	اردو زدن
arzānik	ارزشمند	arduš	اردوش (درجه‌ای از گناه)
arzānik	ارزشمند	bunak	اردو گناه
arzānīhā	ارزشمندانه	ardavisūr	اردویسور (اناهیت)
arzānikih	ارزشمندی	kai gāh	اردوی شاهی
arzōmandih		artavahišt	اردی بهشت
arjōmandih		ašavahišt	
arzan	ارزن	urtvahišt	
gāvars		urtvahišt mäh	اردی بهشت ماه
alum		arz	ارز
arzānik	ارزنده	arž	
arzūr	ارزور (کوه)	arzānik	ارزان
arzah	ارزه (کشور)	arzānīhā (بطور ارزان)	
arzītan	ارزیدن		
visē	ارسال		

ērīz	اریز (نام کوه)	arš	ارش (دیو)
hač	از	arišn	ارش (مقیاس صوت)
patisār	از آغاز تا انتها	dēvān	ارشو
hač hān frāč	از آن پس	hūšnōsr	ارضاء شده
hač bun	از اصل	sagr	
hač-iš	از او	ōšnūtak	
hač nūn frāč	از این پس	rāmēnītan	ارضاء کردن
parōn		šnāyēnītan	
ēt rāy	از این جهت	xšnūtān	
ēt rāδ		šnāyēnītār	ارضاء کننده
hamčīm rāδ	از اینرو	vičārtan	ارضای هوس
ušmurišn	از بر خواندن	arṣavān	ارغوان
ušmurtan		arg	ارگ
xvastan	از بر کردن	ērmān	ارمان (نام ایزد)
našk mārišnīh	از بر کردن کتاب مقدس	arman	ارمن (ارمنستان)
ham bun-ič	از بن	armanik	ارمنی
hač bun		arang	ارنگ (نام رود)
az... ōrōn	از... به اینطرف	arenk	
az... ōrōn	از... به بعد	arvastān	اروستان (نام محل)
xvētōdat	ازدواج با خویشان	arvand rōt	اروند رود (دجله)
xvētōdatih		diglat	
xvētōkdāt		diglat	
xvētōkdas		arvič i birātān	ارویج بیراتان (نام خاص)
xvētōkdasih		arak	اره
vēšišn	از دپاد	arrak	
ačārakihā	از روی ناچاری	arhest	ارهست (نام شهر)
hač-iš	ازش	karrēnītan	اره کردن

ōstām		akārīhastan	از کار افتادن
mātagdān		asar	ازل
gōhrihā	اساساً	asarih	از لیت
bunyaštakihā		akarānak zamānīh	
frakānīh	اساس بودن	tar	از میان
frakānītan	اساس چیزی را گذاشتن	hač-ič	از... نیز
bunik	اساسی	ēt rāy	ازیرا
mātak		ēt rāḡ	
mātakvar		ūzīrīn	ازیرین گاه (از سه بعد از ظهر تا هنگام غروب)
mātikān		ham čīm	ازینرو
mātiyān		āz	ازدها
matakih		až	
ōstikān		aži	
vēšmātak		kirm	
xānik		až tuxmak	ازدهانژاد
xvatik		aži dahāk	ازدهاک (ضحاک)
mātakvarīh	اساسی بودن	vas kamār	ازدهای چندسر
asp	اسب	aži srubar	ازدهای شاخدار
bārak		aži dahākīh	ازدهایی
stōr		grawīh (گروئی)	اسارت
zbār (نوعی اسب)		parvandišn	
zēn afzār	اسباب سواری	dast grawīh	
afzār	اسباب کار	bunīh	اساس
afčār		frakān	
āyōžišn	اسبان گردونه	pāḡak	
āyōjišn		pāyak	
asp āpik	اسب آبی		
asp bālāḡ/y (به بلندی یک اسب)	اسب بالا		
asuvārītan	اسب تاختن		

rāz kirrōk	استاد بنا	asp tāk	اسب تاز
ōstāt mart	استاد مرد	arvand asp	اسب تندرو
frahaxtīh	استادی	arvand aspīh	اسب تندرو داشتن
frahaxt kārīh		frahaxt	اسب تربیت شده و جنگی
awistān	استان	korind	اسب خاکستری رنگ
kām kārīh	استبداد رأی	aspōmandīh	اسب زیاد داشتن
stawrak (دیبای به زر ساخته شده)	استبرق	aspistān	اسبستان
staparak		asuvārītan	اسب سوار شدن
yut hač	استثناء (به استثنای)	asp karp	اسب شکل
arzānikīh	استحقاق	bōr	اسب کهر
saxtīh	استحکام	asp i rāh	اسب گردونه
awistwārīh		mātyān (مادیان)	اسب ماده
ōstakīh		gušasp	اسب نر
ōstikānīh		asp varčvar	اسب ورج دار (دارنده)
pattōkīh		aspāndār	اسباندار (نام خاص)
darpuštīh		sparmak	اسب رخم
drupuštīh		asprōč	اسب روز (کوه)
darpušt	استحکامات	asparōč	
drupuštīh		asprēs	اسب ریس
darband	استحکامات نظامی	aspanjarōš	اسب نجرش (دیورعد)
āsnītan	استحمام	spul	اسبول
tan pat āpzan kartan		ēstēt	است
staxr	استخر	ōstāt	استاد
var		awistāt	
varm		āmōžāk	
staxr	استخر (شهر)	frahang pat	
		pēš raftār	

tuwānih		ast	استخوان
awzārōmandih		astak	
āfrās	استعلام	astaxvān	
frašn		astaxān	
kār framūtan	استعمال کردن	astōmand	استخوان دار
zabāyišn	استغاثه	muhrak	استخوان مهره
zabāyitan	استغاثه کردن	gōwākīh	استدلال
patēt	استغفار	astar	استر
patētiḥ		āsānih	استراحت
šnāxtārīh		haspin	
šnāyēnītār	استغفار کننده	apar pātan	استراحت کردن
patētik	استغفاری	āsānēnitan	
bahrmandih	استفاده	visāy-	
vahrōmandih		xuspitan (خسبیدن)	
vāmītan	استفراغ کردن	xuspēn	استراحت کرده
gōkārtan		aparrēčišnih	استراحت نداشتن
ham pursitan	استفسار	awistartan	استردن
pātārīh (پایداری)	استقامت	awistarišn	استریش
stēnik rawišnih		ōstartak	استرده
stēnik zangih		ustarak (تیغی که موی بدان بسترند)	استره
tuxšn (توش)		awistarak	
patirak rawišnih	استقبال	pulitan	استصفا
patirak rawišnikih		tuwān	استطاعت
pativrištārīh (پذیرفتاری)		ātāvih	استعداد
		nērōk	
		nērōkih	

ostowārih	استواری	giyākōmandih	استقرار
awistwārih		kāmkārih	استقلال رأی
ostavānih		vāspuhrakānih	استکمال
astovānih		šnavišn	استماع
ōstakih		apastān	استمداد
ōstikānih		hastikih	استمرار
stēnik zangih		patvastārih	
استودان (گودالی که استخوان مرده را پس از متلاشی شدن جسد در آن میریزند)		patvandišnih	
astōdān		hamāyih	
hazzān		hamākihā ēstišn	
afsōsgarih	استهزاء	patūkih	
apasōsih		hamē hamē rawišnih	استمرار ابدی
riyahrih		hamē rawišnih	
afsōskar	استهزاء کننده	rōwāk dahišnih	استمرار بخشیدن
afsōsgar		hamāk rawišnih	استمرار جاودانی
apasōskar		bavišn rawišnih	استمرار حیات
dāt pasaxvih	استیفای حقوق	gēhānān bavišnih	
rāzik	اسرار آمیز	hamāk rawišn	استمرار همیشگی
vandgarih	اسراف	ostowār	استوار
spandarmat mäh	اسفندماه	awistwār	
spand-dāt	اسفندپار (نام خاص)	ōstik	
spandidāt		stēnik	
spendāt		ništavānak	
aswiyān	اسفیان (نام خاص)	xružd	
asfiyān		astovānitan	استوار بودن
alaksandar	اسکندر (پادشاه مقدونیه)	ōstikihā	استوارانه
sukandar			
sikandar			

pardāzišnih	اشتغال به چیزی	asnavand	اسنوند (نام کوه)
xvārtārih	اشتها	asp bārak	اسوار
ēvāčikih	اشتهار	bastak	اسیر
niyāzišn	اشتیاق	griftār	
kasān	اشخاص	dast-graw	
vazurgān	اشراف (بزرگان)	dast gir	
rōčēnitārih	اشراق	vartak	
dōisr		vart	
ašk	اشک	vartak grifan	اسیر گرفتن
ars		-aš	اش (ضمیر سوم شخص متصل)
arš		sērih (سیری)	اشباع
aškān	اشکان (منسوب به اشک)	sagr	اشباع شده
aškānān	اشکانیان	spul	اشپول
dušvārih	اشکال	spihr	
anāsānih		aštāt	اشقات (نام ایزد و نام روز بیست و هشتم ماه)
axvārih		ērang	اشتباه
aškar	اشکر (شهر)	ērangih	
gryān	اشکر ویزان	zaspān	
ašim vahuk	اشم و هو (دعا)	zēfān	
ašišvang	اشیشونگ (ایزد)	zēfānih	
hū-tōhmih (اصالت نژاد)	اصالت	apandih	
ērih		uštar	اشتر
ērtanīh		ōstor	
bunyaštih (اصل و بن داشتن)		hamih	اشتراک
bunyaštakihā	اصالة	hambāgih	
		ēv-kartakih	اشتراک مساعی
		ōštaristān	اشترستان

bunyaštak	اصل اولیه گیهانی	xvat gōhrīh	اصالت ذات
frakānīh	اصل بودن	ērmēnišnīh	اصالت فکر
bunīk	اصلی	hast gōhrīh	اصالت وجود
gōhrīk		stōr gās	اصطبل
frahist		aspistān	
mātak		āxvar	
mātakvar		spāhān	اصفهان (شهر)
mātīkān		frakān	اصل
mātiyān		gōhr	
vēš mātak		gōhrak	
xānīk		naxun	
xvatīk		tuxmak	
vičart		bunist	
vāspuhr		bunyašt	
dātīkīh	اصول قسمت داتیکه اوستا	bunyaštak	
hunōmand	اصیل	uruspar	
pat-gōhr		axv	
gōhrīk		xvatīh	اصلاً
pat gōhrīk		gōhrīhā	
hūtōhmīk		hač bun	
hūtōxmak		frāč vīrāyišnīh	اصلاح
hūzahāk		vīrāstārīh	
hūzāt		vīrāyišn	
hūpēt		vīrāstan	اصلاح کردن
hūniyāk		bunistak	اصل اولیه
čīhrānōmand		buništak	
ērīk		buništīh	

ēvarīh		vēh zāyišnīh	اصیل بودگی
ōstowārīh		matakīh	
vistāxvīh		mātakvarīh	
xvastūkīh		gōhrikīh	اصیل بودن
apēgumānīh dātan	اطمینان بخشیدن	hamēstārān	اضداد
vāvarikān	اطمینان کردنی	tapišnīh	اضطراب
xōst		framān burtārīh	اطاعت
frēc	اضافه	hūframānīh	
ayārtišn	اضطراب	nigōšišnīh	
sēž	اضطرار	niyōkšītārīh	
ačārakīhā	اضطراراً	niyōxšišn	
nikēž	اظهار	niyōxšītārīh	
nikēc		namāč	
nikēžišn		tarsakāsīh	
nikēž	اظهار دین	niyōkšītan	اطاعت کردن
nimūtārīh	اظهار شریعت	šapistān	اطاق خواب
paitākēnītan	اظهار کردن	vistarak gās (بسترگاه)	
nikēxtan		pērāmōn	اطراف
bīm nimūtārīh	اظهار وحشت کردن	kustakīhā	
vičurtīh	اعتبار	pargavār	
patmānikīh	اعتدال	ākāsīh	اطلاع
patmān gōwišnīh (به حد اعتدال سخن گفتن)		azd	
hūpahrečīšnīh	اعتدال در امور زندگی	dēsakīh	
vikirāyīh	اعتراض	azdēnītan	اطلاع دادن
patkār		vāvarikānīh	اطمینان
patkārišn		agumānīh	
vikirāy	اعتراض کردنی	agumānikīh	

apastān	اعتماد	xvastūkīh	اعتراف
apastām		astovānīh	
vistāxvīh		ōstavānīh	
tājīkān	اعراب	pētāk franāmišn	اعتراف به دین و ایمان
tāzīkān		franāmišn	
baxšītan	اعطا کردن	franāmišnīh	
pātixšāyēnītan	اعطای پادشاهی	patēt	اعتراف بگناه
vičītār dahišnīh	اعطای قوه* تمیز	astovānītan	اعتراف کردن
nivēdišn	اعلام	āškārākēnītan	
nivēdišnīh		garzītan	اعتراف کردن به گناه
frāč nivēdišnīh		yut framān	اعتزالی (کسی که بدین دیگر میگرود)
pētākīh		yut ristak	
nivēdēnītan	اعلام کردن	gravišn	اعتقاد
kartan		giravišn	
nivistan		vāvarīkānīh	
nivēkēnītan		virravišn	
nivēdēnītār	اعلام کننده	virravišnīh	
dā tastān nivēdēnītār	اعلام کننده* قانون	virravišnik	(اعتقادی، قابل اعتقاد)
vičīr	اعلامیه	baxš rawišnīh	اعتقاد به جبر و تقدیر
pahrōm	اعلی	duš virravišnīh	اعتقاد به دین بد
apargar		hu-hamārīh	اعتقاد به روز شمار
oi bag	اعلی حضرت	hast-mēnišnīh	اعتقاد به فلسفه مادی
oi bay		hast-mēnišnīh	اعتقاد به هستی
im bay		zandīkīh	اعتقاد به یکی از فرقه های مذهبی (زندقه)
šmāh bayān (در خطاب)		virravistan	اعتقاد داشتن
kartakān	اعمال	amēnōg virravišnīh	اعتقاد نداشتن به عالم مینوی

frēftakīh	اغفال شدگی	ašōkān-kārih	اعمال پرهیزکارانه
frēftan	اغفال کردن	dēnkart	اعمال دینی
viyāpānēnītan		ayazišnih	(بجای نیاوردن اعمال دینی)
druxtan		duškām kartārih	اعمال قدرت بد
drūjītan		ruwānikān	اعمال مذهبی برای روان درگذشتگان
frēftār	اغفال کننده	ērāš dēv	اغاش دیو (نام دیو)
dafr		šēpišn	اغتشاش
viyāpānēnītār		ayrīrat	اغریرت (نام خاص)
drujastak	اغفالگر	akrīrat	
niyāzānēnītan	اغوا کردن	frēp	اغفال
ōftišn	افتادگی	frēpišn	
ōftišnih		frēftārih	
startih		frēftārihā	(از روی اغفال)
ōftātan	افتادن	ērang	
ōpastan		druxtārih	
kaftan		drōnih	
patkaftan		mitōxtih	
patītan		pačipākīh	
ōpatak	افتاده	vidēftan	
ōpastak		vidēftakīh	
patkaftak		viyāpāngarih	
ōftēnītan	افتادن	viyāpānēnītārihā	(از روی اغفال)
burzišn	افتخار	viyāpānih	
buržišn		zōr	
farrah		zūr	
garāmīh		frēpihītan	اغفال شدن
garāmīkīh		frēftak	اغفال شده
brāh/ah			
burz-brāhīh	افتخار بزرگ		

afrōč	افروز	spazgih	افترا
afrōz		ōftišn	افتش (افتادگی)
afrōčišn	افروزش	ōftišnīh	افت کردگی
afrōzišn		afd	افد (شگفت)
āsēpišn		awd	
afrōšak	افروشه (نوعی کلوچه)	awdīh	الدی (شگفتی)
frikā	افریقا	afrāč	افراز (فراز)
afčār	افزار	frangrāsiyān	افراسیاب
afzār		frangrāsiyāp	
apazār		frangrāsiyāk	
awzār		frāsiyāk	
		frāsiyāp	
afzārōmand	افزارمند	afrāsiyāp	
awzārōmand		afrāxtan	افراختن
afzāyēnītan	افزایاندن	afrāst	افراخته
afzāyišn	افزایش	afrāštan	افراشتن
apazāyišn		afrāst	افراشته
fradahišnīh		stēr	
frāyōmandih		frāhīh	افراط
gavākīh		frēhbūt	
frēhīh		frāybūtīh	
vālišn		apatmānīhā	(از روی افراط)
vaxš		frēmīstīh	
fšōnišn		gētīh frēhbūt	افراط کار دراموردینی
afzāyišn		frēhbūt mēnišnīh	افراط منشی
frēhdātār gēhān	افزایش گر گیهان	afrōxtan	افروختن
fšōnišnōmand	افزایشمند	vazēnītan	
		vaxšītan	

anayuxtakih	افسار گسیختگی	afzāyēnītār	افزاینده
afsōn	افسانه	vālišn dātār	
apēsar	افسر (تاج)	afzāyītan	افزاییدن
šatrikān	افسر (مأمور دولتی)	afzāyēnītan (سوجب افزایش شدن)	
afsart	افسرت (نوعی غذای سرد است)	afzāyišnikih	افزودگی
afsārišn	افسردگی	afzōtan	افزودن
afsartan	افسردن	vihēčēnītan	
apasārtan		afzōn	افزون
afsart	افسرده	frēh dahišnīh	افزون دهشی
nišīp		farrah afzāyišnīh	افزون شدگی فره
dramanak	افسنطین	vaxšēnītan	افزون شدن
afsōs	افسوس (ریشخند، استهزاء)	āzāyišnik	افزون شونده
apsōs		afzāyišnikih	افزون کردگی
apasōs		fšōnēnītan	افزون کردن
apasōsbar	افسوس بر (استهزاء شده)	afzāyēnītār	افزون کننده
afsōsgar	افسوسگر (استهزاء کننده)	vaxšēnītār	
apasōskar		afzōnīh	افزونی
apasōsgar		afzōnikih	
apasōsāk		frāhīh	
afsōsgarihā	افسوسگرانه (مستهزانه)	frēhīh	
apsōsgarihā		frāyōmandīh	
afsōsgarih	افسوسگری (استهزاء)	afzōnītār	افزونیدار
afsōn	افسون	afzōnītār	افزونی دهنده
mārik		frēh dātār gēhān	افزونی دهنده جهان
nērang		patisār	افسار
		nihaxtan	افسار کشیدن

bavandak sardārīh	اقتدار کامل	nikēž	افشاء
franāmišn	اقدام	nikēč	
anāk rawišnīh	اقدام بد	nikēžītan	افشاء کردن
mahist kār	اقدام بزرگ	nikēxtan	
dātīhā kart	اقدام قانونی	afšārtan	افشاردن
kartak		viškītakīh	افشاندگی
frāčītan	اقدام کردن	afšāntan	افشاندن
franāftan		pālāyišn	افشردگی
uzītan		mār	افعی
handāxtār	اقدام کننده	šēpāk	
raftār		višaḡak	افکندگی
rawāk		afgantān	افکندن
vazurg kartārīh	اقدام مهم	apakandan	
ōstavānīh	اقرار	ōškandan	
sartakān	اقسام	ōjatan	
kēhist	اقل	apačand	افکنده
kahist		nišēpīk	افول
kamist	اقلأ	apiyōn	افیون
pat kamistīh		mānišn	اقامت
kamistīh	اقلیت	mānišnīh	
kišvar	اقلیم	māndan	اقامت داشتن
kišvariḡā	اقلیم‌ها	māništ	اقامتگاه
ak (پسوند اسم مفعول، صفت و تصغیر)		farg	اقبال
handōčišn	اکتساب	baxtārīh	
handōzišn		jāyišn	
gōšōsrūt	اکتسابی	dastwarīh	اقتدار
gōšānsrūt		dēr frāčtom patīh	اقتدار طویل‌الدوام

ērang		nūn	اکنون
yut dāstānīh		ōknū	
zandīkīh (زندقه)		avas	
ayōj	الحاق	nūn-ič	اکنون هم
frēčvānīh	الزام	hakar	اگر
frēčvānītan	الزام کردن	hat	
ham apāyastīh	الزام مشترك	ka	
frēčvānīk	الزامی	hakar-at	اگر تو
patvastan	الصاق کردن	and-čand	اگر چه
almāst	الماس	hančand	
pačēn	المثنی	kā	
magistīk (رساله در نجوم از بطلمیوس)	المجسطی	alā	الا
dārūk	الوار	xar	الاغ
tāxtak		alburz	البرز (کوه)
frasp	الوار طاق	harburz	
alvand	الوند (کوه)	zādišnīh	التماس
alvēnd		lāpak-karīh	
arvand		sūtē karīh	
alvandīk (الوندی منسوب به الوند)		lāpak-garīhā (ملتسانه)	
yazatīh	الوہیت	zādītan	التماس کردن
nikēžišn	الهام	lāpak-kar	التماس کننده
nikēžišnīh		āk-dēnīh	الحاد
vaxš burtārīh		asrōštīh	
vāzišnīh		dēn adātīh	
yān	الهام خداوند	druvandīh	
		duš dēnīh	
		duš virravišnīh	

kun marz	امرد باز	-am	ام (ضمیر متصل اول شخص)
framūtan	امر کردن	nihātak	امانت
urmūt	امرود (گلابی)	apaspārtan	امانت دادن
im-rōč	امروز	stūr	امانت دار
amahraspand	امشاسپند	stūrīh	امانت داری
amešōspand		ēmētān (پسر امید)	امتان (نام خاص)
amšōspand		ōzmāyišn	امتحان
tuwān	امکان	ūzmāyišn	
šāyēndakīh		gumān kārīh	
nērōkīh		nikirišn	
šāyēt būtan	امکان داشتن	ōzmūtan	امتحان کردن
kār ut dātistān	امور دنیوی	ūzmūtan	
duš-kāmakīh	امیال بد داشتن	gumēzišn	امتزاز
tan-kāmakīh	امیال جسمانی	gumēčišn	
dēv kāmihā (با امیال شیطانی)	امیال شیطانی	gumēkīh	
ōmēt	امید	spōžišn	امتناع
ēmēt		čīš	امر (اسور)
hēmēt		kār	
ōmētak		dātaštān	
ōmētēnišn		framān	امر
ōmētēnītan	امید داشتن	framāyišn	
ōmētvār	امیدوار	parvānak	
umētvār		mānsr	امر الهی
ōmētdār		mas dātaštān	امر بزرگ قانونی
bāristān		amurdat	امرداد (مرداد)
ōmētīh	امیدوار بودگی	amurdat māh	
		framān dātan	امر دادن
		vinārtan	

hanbārtan	انباردن	ōmētēnitan	امیدوار بودن
hambārītan		frazand ōmētak	امیدوار به داشتن فرزند
hanbārišn	انبارش	niyāzānēnitan	امیدوار گرداندن
hambārišn	انبارشدگی	ōmētīh	امیدواری
hamburt	انبارشده	ōmētēnišn	
hanbārtan	انبار کردن	bāristānīh	
hambārītan		ōmētīh	امیدی
ōpār (پرکننده)	انبارکننده	ōstavān	امین
hambārak	انبار کوچک	stōr	
hambāz	انبار	gās pat	امین خزانة
hanbāz		anār	انار
ambāzīh	انبازی	anārgōn	انارگون
hambaštan	انباشتن	anāhīt	انامید (ایزد)
hanbāštan		ardavišūr	
ōbārtan		artavišūr	
ōpārtan		anbār	انبار
ničitan	انباشتن بر روی هم	hamābēr	
hamvašt	انباشته	hambār	
hanbān	انبان	hanbār	
hambān		bun	
frāxvīh	انبساط	bun katak	
vistarišnīh		ganjēnak	
anbūh	انبوه	nipast	
anbūsihītan	انبوه شدن	vārastān	
hamīh	انبوهی	varm	
		kān kirpak	انبار ثواب
		hanbārtār	انباردار

kēnvarih	انتقام جویی	vičišn	انتخاب
kēnēnītan	انتقام گرفتن	vičēn	
kēnītan		vičītārīh	
		vēčišn	
frajām	انتها	vēzišn	
fražām		dōšišn	
sar		čītan	انتخاب کردن
dum		vičītan	
dumb		vēxtan	
faš		dōšītan	
awdomih		vičītār	انتخاب کننده
druvāsp	انتهای تیر	dōšītār	
frajāmīk	انتهای	vičēnkar	
hanjām	انجام	frāč vistarišnīh	انتشار
afdom		viškītakīh	
afdomih		nayišnīh	
passāxt		dēn rōwākīh	انتشار دین
anjāmēnītan	انجام دادن	ōmēt	انتظار
hanjāmēnītan		ēmēt	
frajaftan		ōmētak	
kartan		ōmētēnišn	
pat kartak āwurtan		ōmētēnītan	انتظار داشتن
pasāxtan		apar vinārišn	انتظام
hangartēnītan		kēn	انتقام
frahanjītan		kēnik	انتقام جو
kartār	انجام دهنده	kēn mēnišn	
passāxtār		kēnvar	
anjāmišn	انجامش		

vartakih	انحراف	passāxtakih	انجام شدگی
apārōn marzišnīh dōšak marz (منحرف جنسی)	انحراف جنسی	kartak frajaft pasaxtak passāxtak hangartik	انجام شده
nišēp nišēpīk (در حال انحطاط)	انحطاط		
niyārišn visustakih	انحلال	afdomih	انجام یافتگی
and hand	اند	anjāmītan frajaftan	انجامیدن
andāxtan handāxtan handāxtārīh ōftēnītan rānēnītan ōškandan vistan (تیر انداختن) patkāftan (تیر انداختن)	انداختن	akart afdomih ēstātak anjāman hanjāman hangām ārasan nišast	انجام نشده انجام یافتگی انجام یافته انجمن
andāčak čandān (باندازه) andčand (باندازه) handāčak handāč mar marak masāi masāk patmān	اندازه	hamāk hanjāmanakih ham duwāristan ham duwārišnīh hanjāmanīk hanjāmanīkih anjīhr	انجمن بزرگ انجمن کردن اهریمنی انجمن موجودات اهریمنی انجمنی انجمنی بودن انجیر

must masā/y	اندازه* یک مشت (باندازه)	patmānak	
nāi	اندازه* یک نی	patmānik	
nāḍ		pur patmānihā	(باندازه پیمانه پر)
vitist drānā	اندازه یک وجب	sēnak masāk	اندازه* باری که یک بغل باشد
hāsr masāi	اندازه یک هاسر	asp bālāḍ/y	اندازه* بلندی یک اسب
handāxtārih	اندازی	mart bālāḍ/y	اندازه* بلندی یک انسان
andām	اندام	sīnak masāi	اندازه* پهنای سینه
handām		sīnak masāk	
hannām		tan masāi	اندازه* تن انسان
tanbar		patmānak	اندازه* زمانی
pēšak		arišn kaft	اندازه* طول یک ارش
viškītan	اندام بیرون آوردن	bāžāk masāk	اندازه* طول یک بازو
andar	اندر	patmānak	اندازه* طولی
andarg		patmūtan	اندازه گرفتن
dar		tarāzēnītan	
andar	اندر (دیو)	ōzmūtan	
andar matan	اندر آمدن	handāxtan	
andar tuwān	اندر توان	handāčišn	اندازه گیری
andarz	اندرز	patmān vinārišnīh	
handarz		katak masāi	اندازه مساحت یک خاله
pand		handāčak nimūtan	اندازه نمودن
sōbārišn		ham brēh	اندازه هم
gilak		paḍ/y	اندازه یک پا
dar andarz-patīh	اندرزبندی دربار	pahlu masāi	اندازه یک پهلو
dar handarz-patīh		pay	اندازه یک قدم

kēm		andarzēnītan	آندرز دادن
kīm		handarzēnītan	
kast		sōbārītan	
huzār		viyaxman	آندرز دهنده
hambun		handarzēnītan	آندرز کردن
nisang		čāšītār	آندرز گر
xoǰārak		sōbār	آندرز گو
andak andak	اندك اندك	andar zamān	آندر زمان
kastagīh	اندك بودگی	andar damān	
andak xvāstakīh	اندك خواستگی	pat zamān	
kūtak sūr	اندك خور	handarz anigoxš	آندرز نبوش
čand	اندکی	andar šutan	آندر شدن
čekāmič		vihēzak	آندر گاه
ham bun-ič	اندکی نیز	vihēzakīk	آندر گاهی (سال کیسه دار)
andōxtan	آندوختن	vihēzakīh	
handōxtan		darvāy	آندروای
handōxt	آندوخته	andarvāyīk	آندروایی (معلق در هوا)
handōčišnik	آندوخته دار	andarōn	آندرون
handōčišnih	آندوخته کردن	niyandar	
handūtak	آندود شده	andarōn	آندرون خانه
handūtan	آندودن	rōtikān	آندرون شکم
handūtak	آندوده	andarōnik	آندرونی
guh vart	آندوده به کثافت	andar hištan	آندر هشتن
handōčišn	آندوزش	andak	اندك
handōzišn		handak	
andōh	آندوه	kam	
handōh			

handēšišn	اندیشه	andāk	
mēn		sōk	
mēnišn		pim	
mēnišnik		čašāk	
gumān		zarik	
sikāl		tīmār	
uskārišn		vitang	
uskārišnīh		vitangīh	
dām mēnitārīh	اندیشه آفرینش مخلوق	andōhgēn	اندوهگین
mēnišnik	اندیشه‌ای	handōhakēn	
duš hūmat	اندیشه بد	handōhakan	
dušmat		andōhkan	
pahrōm mēnišnīh	اندیشه برقر	andākēn	
rōšn mēnišnīh	اندیشه تابناک	andāgēn	
hūmat	اندیشه خوب	ašāt mēnišn	
hūmēnišn		dušrām	
vohuman		raxtan	اندوهگین کردن
hūmānīh	اندیشه خوب داشتن	bēšt	اندوهناک
hūmēnišn	اندیشه صحیح	mustgar (مستگر)	
frēh-hūmat	اندیشه عالی	vitangīhā	اندوهها کانه
frāhūmat		handēšēnītan	اندیشانیدن
bavandak mēnišn	اندیشه کامل	handēšitār	اندیشمند
bavandak mēnišnīhā	(با اندیشه کامل)	mēnitār	
dušmat	اندیشه گناه آمیز	mēnišnōmand	
hōš mēnišn	اندیشه مرگ	mēnitārīh	اندیشمندی
āsnītak mēnišn	اندیشه ملهم	hamēšak mēnitārīh	
mēt mēnišnīh	اندیشه ناصواب	handēšitār	اندیشناک

patān	انعکاس صوت	vahman	اندیشه نیک
hangōštak	انعکاس نور	frārōn mēnišnīh	اندیشه نیک داشتن
ēvāzīk	انفرادی	andēšītan	اندیشیدن
škastakīh	انفصال	handēšītan	
škanišn		uskāritan	
		uskārtan	
sačišnīh	انقضاء	šnāsak	اندیشیده شده
nigirāy	انکار	armēšt gās	افزواگاه
nakirāyīh		mart	انسان
nikērāyīh		paitištān	
afrāč-guftār	انکار کننده	dopāδ	
hangār	انگار	mart ōpār	انسان خوار
hangārtan	انگاردن	mart dōst	انسان دوست
angārtan		martōm dōstīh	انسان دوستی
hangārišn	انگارش	martōm zātakīh	انسان زادگی
hangārak	انگاره	mart karp	انسان شکل
angārak		martōm zātak	انسان نژاد
angāštan	انگاشتن	martōmān	انسانها
angārtan		martōmīk	انسانی
hangārtan		martōmīh	انسانیت
angubīn	انگبین	martōm zātakīh	
angapīn		anastōb	انستوب (نام خاص)
angust	انگشت	rāsān yut rawišnīh	انشعاب جاده‌ها
angus pān	انگشت بان	miyānčakīh	انصاف
angūr	انگور	miyānjakīh	
vaškal		srōšīkīh	انضباط
raz			
kūtak i raz			

frāč apasahišnih	انهدام کامل	hāčitan	انگیزختن
hastih	آب	hangextan	
anayrān	انیران	haxtan (برانگیزختن)	
anagr i rōšn	انیران روشن	hangextār	انگیزاننده
anērānistān (کشور خارجی)	انیرانستان	hangēzišn	انگیزش
avē	او (ضمیر)	hāčišn	
ōi		sārēnišn	
hō (پارتی)		gumānkārīh	انگیزه
iš (باو)		sartakān	انواع
aviš (باو)		gōnak gōnak (انواع مختلف)	
bēš (باو)		anōšak	انوشه
patiš (باو)		anōšak ruwānīh	انوشه روانی
uš	او را	anōšakīh	انوشهی
patiš		anōšak ruwān	انوشیروان
apāč kartakīh	اوراق کردگی	nēstih	انهدام
ōpārtan (بلع کردن)	اوباردن	nēst čiših	
bālist	اوج	nasēnišn	
urišlim	اورشلیم	gukān	
hormazd	اورمزد	apasīhišn	
ōrmazd		apasihēnišnih	
ōhrmazd		apasīnišn	
awrang	اورنگ	apaxšišn	
urvāxš (نام برادر گرشاسپ)	اورواخش	anahast-kārīh	
urvatat nar (نام پسر زرتشت)	اورونت نر	avin būtīh	
urvar vijak (نام خاص)	اورور ویجک	avin būtakīh	
ūzairin	اوزیرین گاه	āšuft kārīh	
		frōt bavišnih	

hunušak	اهریمن زاده	apastāk	اوستا
ērān šatrik	اهل ایران	avistāk	
patišxvārgarik	اهل پتشیخوارگر	ōšnar	اوشنر (نام خاص)
katakik	اهلی	ušahīn	اوشهین گاه (از نیمه شب تا سحرگاه)
hrōmik	اهل روم شرقی	fratōm	اول
mādik	اهل ماد	nazdist	
mučrāik mānišn	اهل مصر	naxvist	
mēhnāyik	اهل مهنه	zahak	اولاد
vahāk	اهمیت	zākīh	
vahāk burtan	اهمیت دادن	fratōmīh	اولویت
hamīh mātīkān	اهمیت کلی	pēšīh	
ahurāy-mazd	اهورامزدا	naxustēn	اولین
dātār ōhrmazd		naxvistēn	
ahurāy		ōvrišt	اورپشت (نوعی گناه است)
hormazd		āzār	اهانت
ōhrmazd		riyahrīh	
ōhrmazd xvatāy		nivēdišnīh	اهداء
ōrmazd xvatāy		nivēdītan	اهداء کردن
		nivēdēnītan	
ahunavar	اهونور (دعا)	ahrīman	اهریمن
ay	ای (حرف ندا)	ahraman	
i	ای (کسره اضافه)	gannāk mēnōk	
hē	ای (ضمیر دوم شخص مفرد)	ganāh mēnōk	
ayāsrīm	ایاسریم (گاهانبار)	awigat	
		pityārak	
		patyārak	
		ganāk	
		ahraman	

ایالت	• •	ایدون
ایالت	kust	ایدون تر
	ōstān	ایدون چون
	awistām	
	zand	ایدونی
	rōtastāk	ایرا (ارا = ازایرو)
	pāt kōst	
	pāt kōs	ایراد
ایالتی	zandīk	ایران
ایجاد	tāšišn	ایران آسان کرد قباد (شهر)
ایجاد اندام در بدن	viškītakīh	ērān āsān kart kavāt
ایجاد شدن	anbūsītan	ایران خره کرد شاپور (شهر)
ایجاد شده	tāšīt	ērān xvarrah kart šāhpūhr
ایجاد کردن	dātan	ērān spāhpat ایران سپهبد
	tāšītan	aryastān ایرانستان
	kārēnītan	ērān-šatr ایران شهر
	ānītan	ērān šahr
	vispurtan	šahr i ērān
ایجاد کننده	tāšītār	ērān šatrik ایران شهری
ایجاد کننده سود	sūt tāšītār	ērān šahrīk
ایجاد کلی	hamāk dahišnih	ērān gušasp ایران گشسپ
ایجاد مخلوق	gēhānān bavišnih	ērān vinārt kavāt ایران وینارد قباد (شهر)
ایجاد نطفه در رحم	andar dātan	ērān vēj ایران ویج
اید	hēt	ēr ایرانی
ایدر	ētar	ērānšahrīk
		ērānšatrik
		ērānak
ایدون	ētōn	anērānih (ناایرانی)

anāhit yazat	ایزد ناهید	ērānakān	ایرانیان
hordat	ایزد نگهبان آب	ērānagān	
hordāt		ērīh	ایرانی بودن
art	ایزد نگهبان دارایی	anērīh	ایرانی نبودن
sōk i vēh	ایزد نگهبان فلزات	ērmānīh	ایرمانی (رفاقت)
vāi	ایزد هوا	ērēč	ایرج (نام خاص)
spihr xvatāy		ērač	
rām i vēh		ērak	ایرک (نام خاص)
hōm yazat	ایزد هوم	yazat	ایزد
yazatīh	ایزدی	izat	
yazatīk		yazēt	
yazēt yād	ایزدیاد (نام خاص)	āpān nāf	ایزد آپان ناف
izat ayyār	ایزدیار (نام خاص)	mēnōgān	ایزدان
yazat ayyār		yazatān	
mānišn	ایست	izdān	
astāk	ایستا	hūmat	ایزد اندیشه نیک
ōstakīh	ایستادگی	ahrišvang	ایزد اهریشونگ
hamēstārēnītan	ایستادگی کردن	tištar	ایزد باران
ēstātan	ایستادن	burz izat	ایزد برز
avistātan		rat	ایزد پرهیزکاران
astitan		mēnōg nigaritārih	ایزد توجه مینوی
ōstātan		aštāt	ایزد راستی و درستی
ustātan		rašn i rāst	ایزد رشن
ēstātak	ایستاده	zāmyāt	ایزد زمین
stadak		spandarmat	
stēndak		mitr	ایزد مهر
ustān			
afrāz			

ētar	اینجا	ēstānītan	ایستاندن
ōrōn		astēnītan	
āvar		ēstēnītan	
ētariḥ	اینجایی	astāntan	
ētarīḥ	این جهانی	astāk	ایستاده
ōgōn	این چنین	īsatvāstar	ایست و استر (پسر بزرگ زرتشت)
indar	ایندر (نام دیوی است)	avēšān	ایشان
nazdik axvān	این دنیا	ōišān	
avarōn	این سوی	ušān	
ōrōn	این طرف	baydēspānīh	ایلمچی گری
ētōn	این طور	astovānīh	ایمان
ōyōn		ōstavānīh	
ōyōnak		vāvarīkānīh	
ētōn	این گونه	gravišn	
ōgōn		dēn	
ōyōnak		ōstavār	(با ایمان)
ēn-ič	این هم	gravītan	ایمان آوردن
airyaman	ایریمن (نام ایزدی است)	ēt	این
aiwisrūk srim	ایوی سروسریم گاه	ēn	
		im	

ب

afzārōmand	باحشمت	apāk	با
čāštan	باخبر ساختن	gumē	
apāxtar	باختر	gumay	
apāxtarik	باختری	garāmik	با ارزش
vāxtan	باختن	grāmik	
pat apākēnītan	باخود بردن	varjāvand	
bāt	باد	varjōmand	
vāt		pāpak	بابک
vāy		bāwil	بابل (شهر)
damak		bābil	
pātafrās	بادافره	āsūristān	
vātām	بادام	bāž	باج
vātām advēn	بادام گون	bāč	
vātpān	بادبان	sāy	
		sāk	
		garmōk	با حرارت
		taftik	

bār	بار	damēnak	بادبزن
bunak		vāt i bačak	بادبد (که در بدن انسان جای دارد)
vārān	باران	vāt i jānīk	بادجانی (بادی که در سر جای دارد)
mānēnak	باران آور (ابر)	vātrang bōy	بادرنجبویه
duš vārānīh	باران بی وقت	vātrang	بادرننگ
vārēnītan	باراندن	vātrang bōy	
vārān kartārīh	باران کرداری	xār vātrang	
	باران ملکوسان (سیل آسا)	vāt i jān hanj	باد شدید
vārān i markūsān		vātgīs	بادغیس (شهر)
duš vārānīh	باران نامساعد	vātgīsān	بادغیسان (شهر)
vārānīk	بارانی	damīg	بادکش
apivārān		astītak	بادوام
āpsārān		pattōk	
mānēnak		sālvār	
bār burtan	باربردن	dēr pattāy	
bāryāmak	بارجامه (خرجین)	bātak	باده
xvāwargar	باردار (پرحاصل)	vātīk	بادی
ham bavišnīh	باردار شدن (آبستن شدن)	vāt i jānīk dāštār	بادی که حافظ جان است
āvartākīh	بارداری (آبستنی)	frōt āhang	بادی که روپهائین می وزد
barīh		kart	بار (دفعه)
barīšn		gart	
barīšnīh		bār	
dōgānīk	بار دوم	jāvar	
barzān	بارزان (نام جا)	pardak	
bārzān		partak	
bārjān		rīn	
		vīn	

apāč ārastārih	باز آراستگی	vārastān	بارستان (انبار)
apāč matan	باز آمدن	vārān kartārih	بارندگی
apāč āvartan	باز آوردن	bārandak	بارنده
rastak	بازار	zahāk	
vāčār		bār	بارو
vāzār		fravār	
vāčarak	بازاری	hūdahak	بارور
apāč ēstātan	باز ایستادن	hūdahāk	
apar ōstātan		hudāk	
		zahāk	
apāč burtan	باز بردن	gawr kartan (آبستن کردن)	بارور کردن
višātakih	باز بودگی	bārak	باره (اسب)
apāč pursitan	باز پرسیدن	ĵāvar-ē	باری
apāč virāstan	باز پیراستن	vārītan	باریدن
vičōrtih	باز جوئی	vaštan	
viĵustan	باز جوئی کردن	fravītan	
tūxtār	باز خریدار	bārik	باریکه
apāč dāštār	باز دارنده	tanuk	
patērāngar		tunuk (تنک)	
vizūtār		apāč	باز (قید)
apāč dārišnīh	بازداشتگی	bāz	باز (مرغ شکاری)
apāč astišnīh		čaxrvāk	
		hēlak	
apāč dāštan	باز داشتن	čihrāp	
patērānitan		sārigar (نوعی باز)	
spōxtan		ustik	باز (گشاده)
vinārišn	بازدید	višāt	
ēvarz (بازدید نظامی)		višatak	

vāštan	بازگرداندن	čašmakān	بازرسان ویژه
apāč vartītan	بازگردیدن	apāč rasišnīh	بازرسیدگی
apāč statan	بازگرفتن	apāč rasišnīh	بازرسیدن
gašt	بازگشت	apāč raftan	بازرفتن
vištārīh		vāčārak	بازرگان
apāč rasišnīh	بازگشتگی	vāčārkan	
apāč vaštan	بازگشتن	vāzārakān	
frōt vartītan		kārdāk	
apāč vartītan		kārvānik	
vaštan		vāzārakānīh	بازرگانی
bē gaštan		vāzurkānīh	
māndakān	بازمانده گان	apāč statan	بازستدن
apāč māndan	بازماندن	apāč sar	بازسر
māndan		apāč sarīh	بازسری
parrēxtan		viškaftan	بازشدن
napat	بازمانده (نواده)	viškōftan	
parrēčānik	بازمانده (باقی مانده)	škōftan	
parrēčišn		škōftak	بازشده
parrēxt		uzvārtan	بازشناختن
frēč		uzvārišn	بازشناسی
bāzūk	بازو	apāč kartakīh	بازکردگی
bāzē		apāč kartan	بازکردن
bāzai		višātan	
bāžāk		viyōz-	
vāz		gāftan	بازکردن دهان
bāzē pānak	بازوبان (بازوبند)		
pat zōrtar	بازورتر		

varjōmand		vāčik	بازی
vas afzār		vāzik	
xvarik		kātak	
xvarrahōmand		vāčik	بازی (نواختن آلت موسیقی)
xvarrōmand		vāzitan	بازی کردن
xvatāyvār		bāž	باز (باج)
awrangikihā (شکوهمندانه)		bē-kā	باستثنای
bavih	باشندگی	magar	
bavišn ēstišnih	باشنده بودگی	yut-ič hač	
bēt	باشید	dārāk xēm	باشخصیت
bit		bāt	باشد (از فعل بودن)
ačārakihā	باضطرار	bāmik	باشکوه
patērānēnitan	باطل کردن	burzāk	
patērānitan		burzēn	
patērāngar	باطل کننده	buržišnōmand	
huparrōn	باطن خوب (دارای)	buržōk	
nasānēnitan	باعث نابودی شدن	farrahōmand	
farrahōmand	باعظمت	hūškōh	
bāγ	باغ	pahrōm	
bāγpān	باغبان	rāyōmand	
bāγastān	باغستان	rōčanāk	
vafišn	بافت	rōšn	
tatan	بافتن	sahik	
vāfihasan	بافته شدن	sahist	
tatak	بافته	sahēn	
buz pašmēn	بافته ای از کرک بز	varčāvand	
		varčēn	
		varjāvand	

bālāδ/y	بالا	farrahōmand	بافره
bālist		farrahōmandih	بافره بودگی
azapar		hunarōmand	بالضیلت
ōj		nēvaktom	
ul			
var	بالا (اندام)	vafišn	بافندگی
uzāyišnih	بالا آمدگی	jūlāhak	بافنده
uzdahišnih		vāf	بافه
xēzistan	بالا آمدن	vāfān čin	بافه چین
uzīr	بالا انداخته شده	māndan	باقی ماندن
ahrāmītan	بالا بردن	māntan	
ahrāmišn		mānītan	
apartar	بالا تر	mānistan	
hačapartom	بالا ترین	patāyītan	
bālistān bālist	بالا ترین طبقه بهشت	pattūtan	
ahrāmišn	بالا رفتن	parēxtan	
ahrāftan		parrēxtan	
ul āhang	بالا رونده	apārikān	باقی ماندگان
vaxšēnītārih	بالا ندگی	apārik	باقی مانده
vālišn dātār	بالا ننده	parrēxt	
bālēnītan	بالا نیدن	parrēčānik	
vālēnītan		xvāpar	با گذشت
apar	بالای	bālak	بال
hačapar		parr	
tar		parrak	
tarist		parik	

vaxšišnīh		dōš	بالای پشت
viyāstakīh		ulīh	بالایی
vālišn dahišnīh	بالندگی دادن	uparyavan	
vaxštōmand	بالنده	aparak	
vātrang	بالنگ	škāftan	بال برهم زدن
vātrang bōy		hōyak	بال چپ سپاه
bālitan	بالیدن	parīk	بالدار
vālitan		parvar	
vaxšēnitan		parrakīk	
vaxšišn		parragīk	
vaxšitan		vāyēndak	
bālēn	بالین	parrōmand	
vālēn			
bālēn gās	بالین گاه	xvat-gōhrihā	بالذات
aškōp	بام	dašnak	بال راست سپاه
aškōw		bālišn	بالش (نمو کردن)
bān		vālišn	
dār		nāzišn	بالش (ببخود بالیدن)
bāmdāt	بامداد	vālišn dahišnīh	بالش دهندگی
ōšbām		vālišn dātār	بالش دهنده
ušbām		bālišn gās	بالش گاه (تخت خواب)
uš		purnāy	بالع
ōš		rasīt	
nazd bām		masātar	
bāmīk	بامدادی	ō patmān matan	بالع شدن
pat mēčak	بامزه	bālišn	بالندگی
mazakōmand		vālišn	
mičakōmand		vaxšārišn	
aškōwēnitan	بام ساختن		

gumē		bāmiyān	بامیان
gumay		vāng	بانگ
ham		drāyišn	
hamahik			
ham būtik		borz vāng	بانگ بلند
hamgās		vāng zatan	بانگ زدن
hamōgēn		vāngih	بانگی
ĵōmā			
pat ham		bānūk	بانو
pat aknēn		nāirik	
yumē		nārik	
ham burtan	باهم بردن	katak bānūk	بانوی خانه
		mān mānpatīn	
hōš ayāpak	باهوشی	mān patak	
xratik		mānpat nārik	
		ziyānak	
virōmandih	باهوشی	bānūkīh	بانویی
apāyēt	باید	sūtēnitār	بانی محیر
bavišn	باید بودن	apar	با وجود
apāyēt būtan		vāvar	باور
		virravišn	
apāyast	بایست	vāvarikānīh	باورداشتگی
apāyastan	بایستن	virravišnīh	
apāyistan		virravistan	باورداشتن
apāyastak	بایسته	virravāk	باورکردنی
apāyišnīk		virravišnīk	
apāyastih	بایستی	astuvān	باوفا
apāyastik		aknēn	باهم
ham čamišnīh	با یکدیگر راه رفتن	apāk	

pat-gyāk	بجا	karīta nipišt (دژنوشت)	بایگانی اسناد کشور
pat gēvāk		ōyōnak	باین ترتیب
bē hač	بجز	ēt rād	باین جهت
čašmihā	بچشم	ham čim	
bačak	بچه	bawr	ببر
vačak		but	بت
kūtak		uzdēs	
rasik		dēv	
rētak		dēv yasn	بت پرست
apurnāyak		dēv yazak	
apurnāyag		dēvizak	
mart vēptakih	بچه بازی	uzdēs parast	
kūtak	بچه دان	uzdēs parastak	
zahār		dēv yasnān	بت پرستان
māhik xortak	بچه ماهی	dēv izakih	بت پرستی
murvēčak	بچه مرغ	dēv yazakih	
haft māhik	بچه هفت ماهه	dēv yasnih	
ham patkārišnih	بحث	dēvēsnih	
uskār		uzdēsih	
uskārišn		uzdēs parastih	
star gōwišnih	بحث درباره* نجوم	uzdēs parastišnih	
patkār ratih	بحث مجاز	uzdēs-čār	بتکده
patkārenītan	بحث و مجادله کردن	uzdēs-zār	
dūt	بخار	uzdēs-tačār	
kup		xār	بته تیغ
hōšēnāk	بخار آلود	šan	بته شاهدانه
baxt	بخت	banjak	
baxtakih			

gāsānik	بخش الهی اوستا	farg	
apaxšāyišn	بخشایش	ḡahišn	
apaxšišn		ḡāyišn	
apōxšāyišn		baxtāfrīt	بخت آفرید (نام خاص)
apaxšāyandīh		baxtakīh	بخت آورده (بطور بخت آورده)
āmurzišn		bē šutak baxt	بخت برگشته
apaxšāyišnih		baxt xosrō	بخت خسرو (نام خاص)
vixšayišn		buxtakān	بختکان (نام خاص)
apaxšāyišnkār	بخشایشگر	ḡahišn ayyār	بخت یار
apaxšāyišnkar		ḡahišn ayyārīh	بخت یاری
apaxšāyišngar		xratīk	بخرد
apaxšāyišnkārīh	بخشایشگری	baxš	بخش
apaxšāyišnkārīhā	بخشایشمندان	bahr	
apaxšitārīh	بخشایندگی	bāg	
xvāwarīh		brīn	
apaxšāyand	بخشاینده	baxtišn	
apaxšitār		bōzišn	
apōxšāyāvand		ḡāt	
xvāwar		ḡatak	
vixšayišnik		nisang	
apaxšāyitan	بخشاییدن	tow	
baxšišn	بخشش	fragart	(بخش کتاب)
dahišn		frakart	~
dahišnih		nēmak	
dātārīh		pārak	
hilišn		vēčak	
savākīh		yāt	
nivēk			
āyaft			
drōn			

āmurzišnōmand	بخشوده شده	baxtišn	بخشش (عمل قسمت کردن)
apaxšitārīh	بخشیداری	hūdahišn	بخشش خوب
baxšītan	بخشیدن	hēt dahišnīh	بخشش دایمی
baxšēnītan		viškītakīh	بخشش شدگی
dātan		baxšīhastan	بخشش شدن
baxtan		baxt	بخشش شده
hištan		dātār	بخشش کننده
vixšay- arzānīh kartan		rāt dahišn	
baxtārik	بخشیدانی	baxtan	بخشش کردن
pat xrat	بخرد	viškītan	
xūpihā	بخوبی	bahrīk	بخشش کردنی
nāzišn	بخود بالیدن	baxtār	بخشش کننده
bōy	بخور	āšōftan	بخشش آوردن
bōδ		frahistān	بخشش عمده
bōy vaĵarak		vandgarīh	بخشندگی
bōyēnītan	بخور دادن	vixšayišnīh	
hū-bōyītan		rāt	بخشنده
vat	بد	hūrāt	
vatak		hudāhak	
vattar (بدتر)		rātīh kartār	
duš		vēhdāk	
dušak			
anāk		apaxšūtār	بخشودار
avēh		vixšayišnik	بخشودگی (قابل بخشودگی)
apārōn		apoxšāyītan	بخشودن
gannāk		āmurzītan	
duš-dāmak	بدآفریده	tūxtan	

duš farrag		duš-āmōxt	بدآموزه
duš-xvarrah		duš-ākās	
zat xvarrah		duš-āmōz	بدآموز
zatak		duš-āmōxtār	
tapāh (تپاه)		duš-āmōxtār	بدآموزنده
patiyārakōmand		duš-āmōzišnīh	بدآموزی
anākīh	بدبختی	vat āmēčišnīh	بدآموزشی
zat brēhīh		dusrav	بدآوازه
zatakīh		vat dātīh	بد آئینی
āstānak		xafakīh	بدار آویختگی
tangīh		duš-xvatīh	بداصلی
duš farragīh		duš karp	بد اندام
zat xvarrahīh		duš hūmat	بداندیش
duš-rawišnīh		kēn mēnišn	
anāpātānīh		vattar mēnišn	
vas anākīh	بدبختی بزرگ	duš-vir	
gandak	بدبو	dušmēn	بد اندیشه
duš-gand		duš mēnišn	
gandakīh	بد بویی	duš-xrat	
duš-gandīh		dušmēnīh	بد اندیشی
duš-gandakīh		dušmēnišnīh	
duš-vahāk	بدبها	vat hangār	بدانگار
dušmēn	بدبین	duš vārānīh (خشکسالی)	بد بارانی
vat hangār		vatbaxt	بدبخت
dušmēnišnīh	بدبینی	dušbaxt	
duš-patvand	بدپیوند	dušfarg	
duš-tōhmīk	بد تخمه		
vat tōhm			
anāk tuxmak			

vat xvāhīh	بدخواهی	vattar	بدتر
duš-čašmīh		vattar mēnišn	بدتر منش
duš-kāmakīh		vattarih	بدتری
vat kāmakīh		vattom	بدترین
duš-manātīh		vattartom	بدترین بد
anāk kāmakīh		vattomīh	بدترینی (نهایت بدی)
anākīh kāmakīh		vatak	بدجنس
duš-kām kartārih	بدخواهی کردن	vat gōhr	
vat xrat	بد خرد	vat zahrak	
duš-xrat		vatakīh	بدجنسی
vat xēm	بدخوی	duš-čašm	بد چشم
duš-xēm		duš-čašmīh	بد چشمی
dušak		duš-doisrih	
duš-rawišn		sūr čašmīh	
vat čihrak		duš čašmihā	بدچشمانه
dēvīh	بدخویی	duš-čih	بدچهره (بدگوهر)
duš-rawišnīh		vat čih	
frēh dēvānīh	بدخویی زیاد	vat čihrak	
vat xēm	بدخیم	vat hamār	بد حساب
duš-xēm		duš-čašm	بدخواه
duš-dān (کسی که آگاهی بد و مضر دارد)	بد دان	duš-kām	
vat dil	بد دل	vat kāmak	
vat dilīh	بد دلی	kēnik	
duš-daft	بددم (بد نفس)	kēn mēnišn	
vat dōšārmīh	بد دوستی	duš čašmihā	بدخواهانه

handōxtan	بدست آوردن	ākdēn	بد دین
anāyāftan	بدست نیاوردن	duš-dēn	
duš saxvan	بدسخن	vat-dēnih	بد دینی
frā-duš-huxt		duš-dēnih	
jōyītan	بد سخن گفتن	āk-dēnih	
dandītan		dravandīh	
		druvandīh	
duš saxvanīh	بد سخنی	pur māh	بدو
duš-čīhr	بدسرشت	škarvītan	بد راه رفتن
vat gōhr		škarvītakīh	
vat tōhm		duš-burtīh	بد رفتاری
duš-xēm		anākēnih	بد رفتاری بزیردستان
duš-tōhmīk		ākruwān	بد روان
duš nihātīk		ākruwānih	بد روانی
duš-dahāh		rāstīhā	بدرستی
sēz čīhr		pat nāmčīšt	
duš-čīhrīh	بد سرشتی	duš-rawišn	بد روش
vat gōhrīh		anāk rawišnih	بد روشی
vat čīhr	بد شکل	duš-rawišnih	
vaxr		vat axv	بد زندگی
āhōkēnītan	بد شکل کردن	vat zahrak	بد زهره
viškaftan		duš-yārīh	بد سالی
vat hamār	بد شمار	duš sāyīkīh	بد سایگی
vat gōhr	بد طینت	duš-sāyak	بد سایه
vat čīhr		duš sāyīk	
vat čīhrak		vidast	بدست (وجب)
vat tōhm		vitast	
duš nihātīk			

mar		duš-čašm	
bēšitār		sēz čīhr	
frā-duš-hūvaršt (بسیار بد کار)		sēj čīhr	
duš-kartārih	بد کاری	vatakih	بد طینتی
duš kunišnih		yut dāstānih	بدعت
duš-varzih		vat dātih	
duš-kāmakih	بد کامگی	varanik	بدعت گذار در دین
vat kāmakih		yut vēnišnih	بدعت گذاری
anāk kāmakih		dušik kār	بد عمل
vat kāmāk	بد کامه	duš-varzītār	
duš-kāmik		dušak marz (منحرف جنسی)	
anāk kāmāk		duš kunišnih	بد عملی
anākih kāmākih	بد کامی	duš xvarrah	بد فره
duš-kartār	بد کردار	duš hūmat	بد فکر
anāk kartār		dušman	
anākih kartār		dušmen	
duš hūvaršt		duš-xrat (بد خرد)	
duš-kartārih	بد کرداری	dušmanih	بد فکری
vat kunišnih		dušik kār	بد کار
duš-kunišn	بد کنش	anāk kartār	
anāk kunišn		anāk kunišn	
duš kunišnih	بد کنشی	duškār	
vatgarih		dušdā	
kēnik	بد کینه	duš-varzītār	
duš virravišnih	بد گروهی	duš-kunišn	
duš-huxt	بد گفتار	duš hūvaršt	
		anāk	
		dušak	

vat čihr	بد نژاد	duš gōwišn	بدگو
vat čihrak		spazg	
duš-čihr		vat gōhr	بد گوهر
vat tōhm		vat čihr	
duš-tōhmik		duš-xvatih	بد گوهری
anāk tuxmak		vat gōhrih	
duš-čihrih	بد نژادی	duš-gōwih	بد گویی
duš-čašm	بد نظر	duš-gōwišnīh	
duš-daft	بد نفس (بد دم)	spazgih	
duš-dār	بد نگاهدارنده	duš-mičakih	بد مزگی
vat nigarītārīh	بد نگرشی	duš-mičak	بد مزه
tanik	بدنی	akōmandihā	بدمندانه (از روی بدی)
tankart		vattar mēnišn	بدمنش
tankartih		duš-mēnišn	
dušman	بد نیت	tan	بدن
dušmēnišn		karp	
frādušmat		kālpāt	
vat dilih	بد نیستی	dušnām	بد نام
dušmanih		dusraw	
bē	بدون	duš sraw	
bē-hač		dusrawēnitak	
apē		dušāpak	
afrayūt	بدون کسر بودن	čašm kās	
vat hunar	بد هنر	dusrawēnitān	بد نام کردن
vat hunarīh	بد هنری	dusrawih	بد نامی
duš karp	بد هیکل	dušāpakih	
		duš ēvāčih	

bar		vatih	بدی
ōj		vatakih	
ul		vattarih	
bar	بر (میوه)	duših	
mivak		āk	
var	بر (سینه، پهلوی)	vizāyih	
varm	بر (ازبر = درسینه حفظ داشتن)	yuttarih	
brātrōkrēš	برائتروت (نام خاص)	anākīh	
brātarōrēš		apārōnīh	
frāxvīhā	براحتی	duših āmōxtār	بدی آموز
āhītīh	برآشفتگی	harvisp vattarih	بدی کامل
āšōftan	برآشفتن	bēštan	بدی کردن
āhīt	برآشفته	anāk kartār	بدی کننده
pēštakīh	برآمدگی	frēh dēvānīh	بدی مفرط
uzāyišnīh		ēt rāy	بدین جهت
uzītan	برآمدن	čīhr	بدی‌په‌ی
stīk	برآمده	tōm	بذر
uzīrišnīk		tōhm	
ōšmārītan	برآورد کردن	tōhmak	
āhanjītan	برآهیختن	tuxm	
burāk	برا (تیز)	šusr	
hamvar	برابر	kištan	بذر افشاندن
ham kunīh	برابری	mang	بذر البنگ
brātōrōš	برائوروش (نام خاص)	vandgar	بذل کننده
		apar	بر (بالا)
		awar	

rā		brāt	برادر
rāδ		brātar	
rāy		apēbrāt (می برادر)	
vasnād	برای اینکه	ham mātak	برادر تنی
ēt		brātarōt	برادر دروغین
čim	برای چه	brātar zāt	برادرزاده
apar bastan	بر بستن	brātīh	برادری
barbut	بر ربط	ērmānīh	
barbat		āhixtan	بر افراشتن
barbut srāy	بر ربط نواز	rāst	بر افراشته
stadak	بر پا شده	tēz	بران
uzīr		tēž	
uzīrišnik		tigr	
afrāštan	بر پا کردن	handāčišn	بر انداختن
astēnītan		dastwar zatār	بر اندازنده* دستور و قانون
ul dāštan		hāčītan	بر انگیزختن
yaštan	بر پا کردن مراسم دعا	haxtan	
apartar	بر قر	hangēzītan	
aparak		hangēžēnītan	
apēr		naxvārītan	
apargar		rānakēnītan	
aparmand		sārēnītan	
tarvēnītār		hangēžīhītan	بر انگیزخته شدن
pahrōm		žumbāk	بر انگیزنده
pahlōm		ō	برای
patīhak		pat	
hačiš mas			

gāw	برج ثور	hačiš masān	برقران
nahāzīkān	برج جدی	tarmēnišn	برقر منش
vahik		aparīh	برقری
viyūtakān (منسوب به برج جدی)		apartarīh	
dō patkar (دو پیکر)	برج جوزا	apartōmīh	
hōšak	برج دختر	ulīh	
dūl (دول)	برج دلو	tarīh	
dōl		frāčīh	
dō āpdān		fratōmīh	
mēš	برج حمل	pahrōmīh	
varak		pahlōmīh	
varrak		masīh	
		patīh	
		pēš rawišnīh	
karčang (خرچنگ)	برج سرطان	sālārīh	
hōšak	برج سنبله	aparvēčīh	
xvartak	برج قمر	yazdān pahrōmīh	برقری خدایی
nēmasp (نیم اسپ)	برج قوس	apartōm	برقرین
tarāzūk	برج میزان	hačapartōm	
kōfak	برج جدی	barēn	
viyāstakīh		pahrōm dāt	برقرین آفریده
		bālistān bālist	برقرین برقر
ĵastan	برج جستن	mahist ākāsih	برقرین دانش
uzītan		axtar	برج
ĵastak	برج جدی	šēr (شیر)	برج اسد
stik		šagr	
uzīr		nahāzīkān	برج بره
uzīrišnik			

patkōxšišn	برخورد دشمنانه	ōstišnih	برخاستگی
patkōftak	برخورد کرده	ustišnih	
patkōftan	برخوردن دولشکر بهم	uzišnih	
ēčand	برخی	uzdahišnih	
ōstēnītan	برخیزاندن	āxastan	برخاستن
barōmand	بردار	āxēzišn	
burtār	بردار (برنده)	āxīstan	
burtārīh	برداری	āxēzītan	
burtārīh	بردباری	āxēzīstan	
bār burtan	بردباری کردن	xāstan	
burtan	بردن	xēzīstan	
ham burtan		uzēnīhītan	
barišn (عمل بردن)		uzītan	
barišnih (بردگی)		ustan	
āpurtan		ul āmatan	
appurtan		ul ustan	
nītan		ul uzišnih	
ānītan		ōjītan	
vāčītan		ōstātan	
vāčēnītan		frāč šutan	
vāčišn (عمل بردن)		apar āxīstan	
vāzišn (عمل بردن)		rist vīrāyih	برخاستن مردگان در روز قیامت
vāzītan		ōstān	برخاسته
vāzēnītan		ustān	
vībarišn (به اطراف بردن)		uzīr	
vībarišnih (به اطراف بردن)		drōžan	برخلاف حقیقت
zamēnītan		adātīhā	برخلاف شرع
apar duwāristan	بردویدن	adātastān	برخلاف قانون
		adātīhā	

varzigar	برزگر	bandak (بنده)	برده
varzēkar		apār	برده شده
varzvar		appār	
varz kartār		burtār	برفده
vāstryōš		vičustārīh	بررسی
vālan	برزن	vičuyišn	
burzēnākīh (جلال)	برزناکی	vičōhišn	
burzak (نام خاص)	برزو	vičōdišn	
burzōk		viḡuhišn	
burzēn mitr (نام خاص)	برزین مهر	vičuyišnīh	
barsam	برسم	nikīr	
barsom		uskār	
barsom čin	برسم چین	apar rasītan	بر رسیدن
barsam čin		viḡustan	بررسی کردن
barsam dān	برسم دان	vičustan	
māhrōy		viḡūyīhītan	
urvarēn barsam	برسم گیاهی	apar rasītan	
barišn	برش (عمل بردن)	nikīr	بررسی کننده
karrēnišn	برش (عمل بریدن)	viḡustār	
brištan	برشتن	burz	برز
brištak	برشته	burž	
ušmurišn	برشماری	burz ātūr	برز آذر (نام خاص)
xvāndan		burz īzat	برز ایزد (نام خاص)
ušmurtan	برشمردن	hamistakān	برزخ
ušmurišn		buržišnōmand (متعالی)	برزشمنه
hangārtan		buržišnōmandih (تعالی)	برزشمندی

vinārtak	برقرار شده	baršnom	برش نوم (تطهیر، غسل)
nihātan	برقرار کردن	pēs	برص
nišāstan		sišd	برطرف شده
astēnītan		bē kartan	برطرف کردن
ēstānītan		pardāxtan	
ēstēnītan		nišastan	
kartan		vičārtan	
astēnītār	برقرار کننده	vafr	برف
vinārtārīh	برقراری	snahr	
vīrāstārīh		snēhr	
aparkār	برکار	snazak	
āfrikānīh	برکت	snēzak	
āpātīh		vafrēn	برف آلود
harvisp āpātīh	برکت کامل	snēžak	برف آور
axtan	برکشیدن	vafrōmand	برف دار
āhixtan		vafrōmand	برف مند (نام کوه = برف دار)
hanjītan		snēžak	برلی
uzītan		vafrēn	
frahaxtan		vafrēnak	
ul burtan		vafrēnak	برفینه (شیرینی)
āhanjīšnīh	برکشیدگی	vīr	برق
kustak-tar	برکنارتر	virōzāk	
barg	برگ	ātaxš i vāzišt	برق آسمان
varg		vinārtan	برقرار ساختن
vark		vīrāstan	
valg		vinārtār	برقرار سازنده

virinǝ	برنج (دانه)	tandih	برگ در آوردن
brinǝ		dār varǝ	برگ درخت
brinǝn	برنجین	dāt hūš	برگ درخت افار
tēzih	برفدگی (بریدن)	giyākīčak	برگ سبزه
appurišn	برفدگی (بردن)	čīnišn	برگزیدگی
vāzēnītār	برفده (بردن)	vičišn	
āwurtār		čīnītan	برگزیدن
appurtār		čītan	
burāk	برنده	vēxtan	
karēnītār		čītak	برگزیده
karrēnītār		avičīn	برگزیده نشده
brinǝn	برنزی	برگزیده اندرز پوریوتکیشان (نام کتاب)	
davāzdahān	برج دوازده گانه	čītak handarz i pōryōtkēšān	
varōmand	برومند	bē vartišnīh	برگشتگی
barōmand		bē gaštan	برگشتن
mēš	بره	vargōmand	برگ مند
varak		barmāyōn	برمایون (نام خاص)
varrak		āškārākēnītan	برملا کردن
ō ham kartan	برهم زدن	apar mēnišn	برهم نش
brahnakīh	برهنگی	apurnāy	برنا
brahnak	برهنه	aparnāyīk	
vrahn		apurnāyīk	
rūtak		purnāy	
lūtak		apurnāy zātakān	برناپان
vrahn pāyān	برهنه پایان	apurnāyīgān	
apityāarak	بری از عیب	apurnāyīh	برنای
brištan	بریان کردن	brinǝ	برنج (فلز)

mazan		brītan	بریدن
burzāk		brīnītan	
buržāk		brīnīšn (باید بریدن)	
girān (گران)		burītan	
mēh		karītan	
ākāš-pat	بزرگ آگاهان	karēnītan	
mas ōmēt	بزرگ امید	kirrēnītan	
vazurgān	بزرگان	karēnīšn	
vazurgakān		karrēnīšn	
aparakān		darūtan (درویدن)	
		tāšītan	
mas mēnīšn	بزرگ اندیشه	vāstr dravišnih	بریدن علف
patān i dēn	بزرگان دین	burritak	بریده
mas-tar	بزرگتر	kartak kartakih	بریده بریده بودگی
hačiš mas		kartak	بریده شده
hačiš masān	بزرگتران	bālist	برین (برترین)
masist	بزرگترین	barēn	
katak xvatāy	بزرگ خانواده	buz	بز
masēnītār	بزرگ دارنده	buzak	
mas dā tastān	بزرگ داستان	vazurg	بزرگ
masēnīšn	بزرگداشت	vazurk	
masīkēnīšn		vuzurg	
burzītan	بزرگ داشتن	stawr	
masēnītan		sturg (سترك)	
ākās-pat	بزرگ دانشمندان	aparak	
dīpīrān i mahist	بزرگ دبیران	aparmānīk	
dāt-mas	بزرگسال	zand	
		mas	

varj		bālitan	بزرگ شدن
varčōmandih (ارجمندی)		vālitan	
masāi (وسعت)		vālēnitan	
hamēšak masēnišn	بزرگی همیشگی	vaxšitan	
vahik	بزرگاله	vaxšēnitan	
vāik		vaxšišn	
vēsak		vaxšēnitanīh	بزرگ شدنی
buzak	بزرگ	vazurg framatār	بزرگ فرماندار
pāčan	بزرگوهی	vazurg kunišn	بزرگ کنش
pāzan		vaxšēnitan	بزرگ گرداندن
vahik		mas martih	بزرگمردی
bazm	بزم	mas mēnišn	بزرگ منش
bazmāvart	بزم آورد (شیرینی)	vazurk mēnišn	
xar-buč	بزم ماده	vazurg mēnišn	
xar-buz		vazurk mēnišnīh	بزرگ منشی
buz i nar	بزر نر	rātih	
vačak	بزه	buxtakān	بزرگمهر بختگان
bačak		girān tuxmak	بزرگ نژاد
bazak		buržišnōmandih	بزرگواری
bazakīh		vazurgih	بزرگی
bazak advēn	بزه آیین	vuzurgih	
bazak āyēn		burz	
ahrāyih kartārīh	بزه و تقوی عمل کردن	axvih	
bačakgar	بزه کار	bulandih	
bačak-kar		masā	
bačak-kārīh	بزه کاری	masih	
		škōd (شکوه)	

bastan	بستن	bačakar	بزه گر
vastan		bazak-gar	
frāč kartan		vačak-gar	
pašēnēnītan		vas	بس
pašēnītan		passāxtakīh	بساختگی (انجام شدگی)
dranjēnītan		passāxtak	بساخته (انجام شده)
ākustan		bast	بست (بسته)
bast	بسته	bast	بست (شهر)
bastak		bust	
ākustak		bōstān	بستان
bastišn	بسته بودگی	vastarg	بستر
patvandītan	بسته شدن	vistarg	
bastvar	بستور (نام خاص)	vistarak	
bastīk	بستی	vastar	
bustīk	بستی (منسوب به شهر بست)	taxt-gāh	
vas xvāstakīh	بس خواستگی (ثروت)	dušak	
vussat	بسد (مرجان)	pasišn	
vassat		mātak	
vassatēn	بسدین	mēy	بستر رود
vas dušmanīh	بس دشمنی	rōstāk	
pasačakīhā	بسا	rōtastāk	
rawākēnītārīh	بسط	vistarak gās	بسترگاه
vaxšārišn		manikān	بستگان
sahmānak		bastišn	بستگی
		paivand	
		patvand	

buš	بش (یال)	frāxvēnītan	بسط دادن
hū-rām	بشاش	frāxvēnītār	بسط دهنده
bē šāyēt	بشاید	apēr	بسیار
patiš-xvār	بشقاب	vazyār	
tašt		vasikār	
astak	بشقاب گرد	vas	
bašn	بشن	vasihā	
bašn	بشن (ستاره)	vas-pur	
šnāsak	بصیر	saxt	
xup šnāsak		frēh	
pursišnik		vas āpīh	بسیار آبی
nikēžišn	بصیرت	vattartom	بسیار بد
xup šnāsakīh		vas xvāstak	بسیار خواسته (مالدار)
mēnōg vēnīh	بصیرت مینوی	vēšast	بسیار زیاد
mēnōg vēn	(دارای بصیرت مینوی)	vēšist	
ĵāmak	بطری	vas kamār	بسیار سر
šīšak		purgāh	بسیار مسن
patalmuš	بظلمیوس (نام خاص)	vas ōž	بسیار نیرومند
ahonsandihā	بطور غیر عمد	pur nēvak	بسیار نیک
	بطوریکه چیزی نقصان نپذیرد	xvēškārihātom	بسیار وظیفه شناسانه
afrayūt hačišihā		vasān	بسیارها
pas	بعد	pasījak	بسیج شده
ūzīrīn	بعد از ظهر (سه بعد از ظهر تا شب)	pasīčak	
pasēn	بعدی	bēš	بش (گیاه زهرآگین طبی)
and	بعضی		

kārēnītan	بکار واداشتن	bē	بمکس
hač bun	بکلی	bē	بغلاره
āstānak	بلا	baɣ	بغ
margih		bag	
balātur	بلاتور (نام زهر و داروئی است)	bagān dāt	بغان داد
balādur	بلادور (داروئی است)	baɣānik	بغانی
valaxš	بلاش	baydāt	بقداد
valaxš šāhpuhr	بلاش شاپور (شهر)	bagdāt	
huzvānikih	بلاغت	bagān dāt	
ham-zamān	بلافاصله	bakdāt	
ham-damān		aštāt	بغدخت راستی ودرستی
andar zamān		spandarmat	بغدخت زمین
nazd hač		baɣ varjāvand	بغ شکوهمند
has		kaš	بغل
pat gyāk		kašak	
bāxl	بلغ	afkārihā	بفر اوانی
ōpārīh	بلغ	ēstišn	بقا
žūtārīh		asačišnīh	
gukārīhitan	بلغ کردن	māndakān	بقایا
ōpār	بلعنده	apārīk	بقیه
žūtār		frēč	
gilak ōpār	بلعنده گله و شکایت	han	
ōpārtan	بلعیدن	hān	
ōbārtan		parrēčānīk	
žūtan		frāč burtan	بکار بردن
žutan		dōšičakīh	بکارت

buland ravišnih	بلند روشی	ĵōyišn	
uzišnih	بلند شدگی	gōkārtan	
ustišnih		gōvārītan	
uzdahišnih		drēm	بلغم
xāstan	بلند شدن	frūšak	بلغور
āxīstan		bē-m	بلکه من
ustan		buland	بلند
ustātan		burz	
xēzīstan		buržāk	
āxēzītan		ul	
āxēzišn		bālāδ/y	
frāč šutan		bālistīk	
ul ustan		društ ēvāč	بلند آواز
ul uzišnih		borzihā	بلندانه
ahrāmītan		hū-rōst	بلند بالا
ustān	بلند شده	hū-rūst	
ōstān		hū-rūstak	
āxēzītan	بلند کردن	hū-rōyišn	
ahrāftan		ulīh	بلند بودگی
uzītan		bālistih	
āhixtan		bālist	بلندترین
ōstēnītan			بلندترین قله البرز که دیوان از آن بیرون آیند
ōjītan		arezūr	
ahrāmītan		drāyītan	بلند حرف زدن
ahrāmēnītan		ūstān dastih	بلند دستی
burzītan			
burzēnītan			
afrāštan			

ham čērōn	بمحض اینکه	apargar	بلند گرداننده
pat gās	بموقع	burzāvand	بلند مرتبه
bun	بن	burzēn	
kūn		mas gāsīh	بلند مقامی
dēsišnīh	بنا (ساختمان)	tarmēnišnīh	بلند منشی
dēstak		bulandīh	بلندی
rāz kīrrōk	بنا	bar	
haptōkring	بنات النعش	burz	
ačārakīhā	بناچار	bālāḍ/y	
ahonsandīhā	بناخواه	bālistīh	
dēzītan	بناکردن	čakāt	
frakānītan		dērangīh	
hanjamanīk	بنام (معروف)	var	
nāmčīštīk		bālistān	بلندی‌ها
bun artīk	بن جنگجویی	balōčān	بلوچان
band	بند	āpakēnak	بلور
nivandak	بند (دام)	bēlūr	
šnor	بند (نخ)	gēn	
nišastan	بندآوردن	mīn	
banjak	بند انگشت	balūt	بلوط
andarvāy vāčīk	بند بازی	pazāmišn	بلوغ
dār vāčīk		pazmāyišn	
bunōmand	بن‌دار	pažāwišn	
bunyaštīh	بن داشتگی	pazāmēnītārīh	
		mēštarīh	
		masātorīh	
		purnāyīh	
		rahīkīh	

nihātan	بنیاد کردن	dār bun	بن درخت
kartan		vačast	بند شهر
bun frakandan	بنیاد گذاشتن	vičast	
nišāstan		xurtak	بندگاه دست و پای اسب و ستور
frakandan		bandakīh	بندگی
tanbahr	بنیه	pasōpāyih	
bavāt	بود	ēvyānghan	بند مقدس (کستی)
xvat dōših	بوالهوسی	bandak	بنده
nāy bun	بوته نی	ērmān	
buxt artaxšēr	بوخت اردشیر (شهر)	dēn bandak	بنده دین
bōy dār	بودار	bundahišn	بندهشن (آفرینش نخستین - نام کتاب)
būtāsaf	بوداسف (نام خاص)	vanafšak	بنفشه (گل)
būtīhā	بودایی‌ها	bunkatak	بن کده (انبار)
bavīh	بودگی	bang	بنگ
bavišn		mang	
būtan	بودن	banjak	
ēstātan		mang i vištāspān	بنگ ویشناسپی
apākītan	بودن (با هم)	bunak	بنه
hamahīh		bunīk	بنی
ham bavēnītan		bun	بنیاد
ham būtan		bunē dātak	
būtak	بوده	frakān	
būtih	بودی	buništīh	
bōr	بور	buništak	
damak	بوران	nišāyišn	
burz ātur	بورزآتور (نام خاص)	nihišn	
burzak	بورزک (نام خاص)	nihātak	

gandītan	بوی بد دادن	burgāv	بورگاو (نام خاص)
bōδ/y	بوی خوش	bōrak	بورده
nāmčīšt	بو بزه	kapīk	بوزینه
bōyītan	بو بیدن	buržāy	بورژای (ایزد رویش غلات)
bōyēnītan		bōstān	بوستان
bōδēnītan		bōyistān	
hūbōyītan		bōstān afrōz	بوستان امروز (گل)
but dēv	بوئیتی (دیو)	bōstān pān	بوستان بان
bē	به (حرف اضافه)	būsītan	بوسیدن
ō		pat	بوسيله
pat		būšāsp	بوشاسب (دیو خواب و تنبلی)
pat-iš	به او	būf	بوف
vēh	به (خوب)	gāv dumb	بوق
bēh	به (میوه)	pēškār	بول
vēh āfrīt	به آفرید (نام خاص)	pēšyār	
vahāk	بها	pišār	
arj		gōmēzītan	بول کردن (در مورد گاو)
sang		gōmēz	بول گاو
barišn		būm	بوم (سرزمین)
uzēnak		vahuman murγ	بوم (جغد)
vahāk burtan	بها دادن	puš	
arzānīk	بها دار	bunāk	بوناک (نام خاص)
arzītan	بها دار بودن	bōδ/y	بوی
arzānīh	بها داری	bōyāk	بویا
garānīh		dušgand	بوی بد
		gand	
		gandīh	

hūdēn		vahār	بهار
xūp dēn		bahār	
hūdēnih	به‌دینی	āpsārān	
vēh dēnih		sart garm	
bahr	بهر	vahārīk	بهاری
bāg		bahānak	بهانه
nīrmat		bihān	
bahrām	بهرام (نام خاص)	bihānak	
vahrām		vahān	
varahrām		vahānak	
varahrān		baxšišn	بهر
varhrān		stūwih	بهت
vahrāmān	بهرامان (منسوب به آشکده بهرام)	vitīmuštih	
vahrām šāt	بهرام شاد (نام خاص)	pahrōmih	بهتری
vahrām gōr	بهرام گور (نام خاص)	vahišt	بهترین
vahrāmāvand	بهرام‌وند (نام جا)	pašōm	
marčikāmči	بهراندازه	pahrōm	
pat čiš i advēnak	بهر حال	nēvaktom	
ǰāvar-ē		pahrōm xvāhišnih	بهترین خواهش
ǰāvar-ē	بهر روی	pahrōm sraw	بهترین سخن
bahrēnitan	بهر کردن	martān pahrōm	بهترین مردان
bahravar	بهرمند	vitīmušt	بهت زده
bahrmand		vēh dōst	به دوست
nīrmatōmand		vēh dōstih	به دوستی
bahravarih	بهرمندی	vēh dēn	به‌دین (زرتشتی)
hahrmandih		dēn i vēh	

hūvaršt gās (یکی از بخش های بهشت)	abahr	بهرنا شده
garōtmānīh بهشتی	vēh ruwān	بهروان
vahištīk	āyaft	بهره (سود)
vahišt bahr	bahr	بهره
pahlom	bahrak	
vahištīkīh بهشتی بودن	bar	
vēh kartārīh به کرداری	vēčak	
pat gās به گاه (بموقع)	bahrīk	بهره ای
vahmān بهمان	bagōbaxt	بهره خدایی (تقدیر)
vēh mart به مرد	bag-baxtih	
vēh narīh به مردی	baxšēnītār	بهره دهنده
vahuman بهمن	bahrak nimūtan	بهره کردن
vahman	bahrōmand	بهره مند
vohuman	bahrōmandīh	بهره مندی
vahman čīhr بهمن چهر (نام خاص)	vahrōmandīh	
vahuman dārīh بهمن داری (رفتار خوب)	bahrōmand	بهره ور
vēh mēnišn بهمنش	bahravarīh	بهره وری
vahuman mēnišn	bahrvarīh	
vēh mēnišnihā به منشانه	bahrakvarīh	
vēh mēnišnīk بهمنشی	nīrmat vindišnīh	بهره یابی
vahuman māh بهمن ماه	aw-iš	بهش (باو)
vahuman mury بهمن مرغ (جغد)	vahišt	بهشت
vahuman mēnišn (به اندیشی)	pahrōm axvān	
vēh nāmīkīh بهنامی	garōtmān	
vēh nar به نر	garasmān	
vēh narīh به نری	huxt (یکی از درجات وصول به بهشت)	
	hūmat gās (از بخش های بهشت)	

akām	بی آرزو	pat hangām	بهنگام
anāzār	بی آزار	hangāmik	
apēbēš		pat hēč marak	به هیچ حساب
arēšitār		pat hēč marak	به هیچ روی
arēšitārihā	بی آزارانه	pat hēč marak	به هیچ وجه
apityārak	بی آزدگی	vēhīh	بهی
anāzarm	بی آزم	bahīk	بهی (نام خاص دختر)
anāzarmik		vihēzak	بهیزک
anāzarmiḥā	بی آزرمانه	vihēzakīk	بهیزکی (سال کیبسه دار)
anāzarmiḥ	بی آزمی	vihēčakīh	
abē āzīh	بی آزی	vihēčak	بهیزه
apēxvāriḥ	بی آسانی	vihēžak	
apēxvāriḥ	بی آسایشی	vihēčēnītan	بهیزه کردن
agazand	بی آسیب	bēhistan	بهیستن (نام خاص)
anāhīt	بی آایش	bēhistūn	بهیستون (کوه در اصفهان)
avinast		apē	بی
anāhōk	بی آهو (بی عیب)	anāp	بی آب
anāhōkīh	بی آهوئی (بی عیبی)	dušāpak	بی آبرو
anadvēnak	بی آیین	dusravēnītak	
anadvēniḥ	بی آیینی	rusvāk (رسوا)	
viyāpān	بیابان	dušāpakīh	بی آبرویی
vaškar		anāzarmiḥ	
viškar		rusvākīh	
asar	بی ابتدا	dusravēnītan	بی آبرو کردن
apētuxšāy	بی اثر	anāpīh	بی آبی
akār			

adrujīšn	بی اغفال	akārēnītan	بی اثر کردن
anafsār	بی افسر	apētuxšāy kartan	
guftārih	بیان	niyastan	بی اثر ماندن
afraĵām	بی انتها	anarzānik	بی احترام
afražām		aburžišnīk	
asar		čašm kās	
dūr karānak		anāzarmih	بی احترامی
asarīh	بی انتهای	awyātēnītan	بیاد آوردن
afrayūtiḥā	بی انحراف	ōšmurtār	بیاد آورنده
apatmānīkih	بی اندازگی	duš ēvāzih	بی ادبی
pat marak	بی اندازه	abōy	بی ادراک
amēnītār	بی اندیشه	abōḡ	
adātastān	بی انصاف	akāmakōmand	
anāyēnih	بی انضباطی	akāmakōmand	بی اراده
xvāntan	بیان کردن	anarĵ	بی ارج
viyāpāngar	بیابانگر (مخرب)	anarz	
visand	بی اهمیت	duš arz	بی ارزش
nēst parragih	بی بالی	duš vahāk	
yut gat	بی بدی	anarĵ	
apē-bar	بی بر	anarz	
apē brāt	بی برادر	anarzānik	
anafsār	بی بلندی	anātāvih	بی استعدادی
abun	بی بن	abun	بی اصل
apē-bun		apatmānih	بی اعتدالی
apē-būt	بی بود	avirravišn	بی اعتقاد
		anastuvānih	بی اعتقادی

apatyārakih	بی پتیارگی	apē-būtiḥ	بی بودی
apēpit	بی پدر	ōvēnišn	
asamēnišn	بی پروا	abōy	بی بوی
avazišnik	بی پرواز	abōδ	
vistāxviḥā	بی پرواخانه	apēbōδ	
nēst parragih	بی پری	apēbōδih	بی بویی
apēpuhr	بی پسر	anarzānik	بی بها
apus		avahāniḥ	بی بهانگی
azarmān	بی پیری	apē-vihānak	بی بهانه
apatmān	بی پیمان	avahān	
visand	بی تاثیر	apēbahr	بی بهر
atačišn	بی تازش	abēš	بی بیش (بی رنج)
anašnās	بی تأمل	abīm	بی بیم
anāzmūtak	بی تجربه	anabīm	
yut tōhmak	بی تخمه	apē-bīm	
agumān	بی تردید	apē-bimiḥā	بی بیمانه
apēgumān		apē-bimiḥ	بی بیمی
ēvar		avēnišniḥ	بی بهنشی
anabīm	بی قرص	apasaxv	بی پاسخ
asamēnišn		apasaxviḥ	بی پاسخی
asamišn		anayrān	بی پایان
avičin	بی تشخیص	anayr	
akāmak	بی تصمیم	asar	
stadak	بی تفاوت	afrajāmih	بی پایانی
anērang	بی تقلب	afražāmih	
		asariḥ	

ačandišnik	بی جنبش	ahramōgih	بی تقوایی
armēštih	بی جنبشی	ahramōkih	
ačārakih	بی چارگی	dravandih	
ačār	بی چاره	drūjih	
ačārak		ahramōg	بی تقوی
ačārik		ahramōk	
anačārak		dravand	
apēčār		bītak	بیتهکی (نام خاص)
ačārēnītan	بی چاره کردن	apardazišn	بی تکلیف
drīvōš (درویش)	بی چیز	akār	بی توان
drīvōših	بی چیزی	sūtak	بی توجه
avīn būtakih	بی حاصلی	sūtakih	بی توجهی
akārīh	بی حالی	vistārih	
bē sūtakih		frasāvand	بی ثبات
apē vīmand	بی حد	rōčvart	
asāmān		frasāvandih	بی ثباتی
avazišnik	بی حرکت	vēj	بیج (نژاد)
atačišn		apēgās	بی جا
tar kartan	بی حرمت کردن	apēyāmak	بی جامه
asāk	بی حساب	uzit bōδ	بی جان
hū-čašm	بی حسادت	ristak	
ašgahānih	بی حسمی	uzuštān	
apēbōdih		uzuštānih	بی جانی
apēxār	بی خار	atačišn	بی جریان
anākāsīh	بی خبری	atanīh	بی جسمی

kam-xratih (کم خردی)	بی دانشی	vēzišn	بیختگی
kēm ranj	بی درد	vēxtan	بیخفتن
adart		asēž	بی خطر
vidrafš	بیدرفش (نام خاص)	axvāb	بی خواب
pat ham zamān	بیدرنگ	axvamn	
andar damān		axvaftakih	بی خوابی
andar zamān		axuftakih	
apatiyāarak	بی دشمن	axvāyišnih	بی خواستی
apatiyāarakihā	بی دشمنانه	apēbōδ/y	بیخود
anašnavāk	بی دقت	dušxvatih	بیخودی
aniyōxšitār		axvarišn	بی خورش
aniyōxšitārih	بی دقتی	axvarišnih	بی خورشی
apēčim	بی دلیل	dēvak	بید (حشره)
adumb	بی دم	vīt	بید (درخت)
vītōpat (بید افتاده)	بید مجنون	apēdāt	بیداد
frasāvand	بی دوام	adā tastānih	بیدادگری
frasāvandih	بی دوامی	adā tastānih	بی دادی
adēn	بیدین	gubrāk	بیدار
ākdēn		zēnāvand	بیدار دل
duš dēn		vigrāsišn	بیدار شدگی
ahramōg		vigrātan	بیدار شدن
ahramōk		vigrāsišn	بیدار کردگی
durvand		gubrāsitan	بیدار کردن
druvand		gūhrāyēnitan	
drvand		ustān axvih	بیداری وجدان
dēn hamistār			

abēš	بی رنج	apārōn	
adart		anastuvān	
asēž		avirravišn	
kēm ranj		duših virravēnitār	
yut bēš		nēst yazat hangār	
abēšītan	بی رنج بودن	adēnih	بیدینی
abēšt	بی رنج شده	ahramōgih	
abēšītārih	بی رنجی	ahramōkih	
uzuštān	بی روح	duš virravišnih	
uzuštānih	بی روحی	dravandih	
bērōn	بیرون	druvandih	
bīrōn		karapih	
ōj		apēxvārih	بی راحتی
tarist		arāmišn	بی رامش
uziśnih	بیرون آمدگی	aparās	بی راه
frajastan	بیرون آمدن	apērās	
uzītan		apērāhītan	بیراه کردن
ōnītan	بیرون آوردن	apērāsēnitārih	بیراه کنندگی
uzvāhistan	بیرون برده شدن	apērāsēnitār	بیراه کننده
azruftan	بیرون رفتن	apērāhēnitārih	بیراهی
zruftan		apērāsīh	
uzīt	بیرون رفتن	anāmurz	بی رحم
ōgārtan	بیرون کردن	xrūkih	بیرحمی
hrōmāyik	بیزانسی	ahamēstār	بی رقیب
agōvākih	بی زبانی	anahambūtīk	
		apatiyāarak	
		ahamēstārīh	بی رقیبی

apahrōmih	بی شکوهی	stōw	بی زور
vas marak	بی شمار	nizōr	
anušmār		stōw būtan	بی زور بودن
amarak		stōw kartan	بی زور کردن
asāk		stōwīh	بی زوری
vas marakīh	بی شماری	nizōrīh	
vēšišn	بیش کردگی	vīžan	بیژن
apēšōδ	بی شوهر	vījan	
apēšōδ	بی شوی	viyāpānik	بی سامان
vēšakik	بیشه ای	nasāyak	بی سایه
vēšakistān	بیشه زار	apēstūn	بی ستون
vēšišn	بیشی	apēmartōm	بی سکنه
apēmust	بی ظلم	vat afzār	بی سلاح
xāyak	بیضه	azarmān	بی سن و سال
adā tastānīhā	بی عدالتی (از روی بی عدالتی)	apēsūtīh	بی سودی
anātuk	بی عرضه	frēh	بیش
duš-vīr	بی عقل	vēh šāhpuhr	بیشاپور (شهر)
axvēš čīšīh	بی علاقه نسبت بخود	apē azg	بی شاعه
apēčim	بی علت	tar	بیش از
anērang	بی عیب	ahumānāk	بی شباهت
axvarišnih	بی غذائی	frayist	بیشترین
tuhīkih	بی فایده گی	frāyist	
anāpitānih		vēšastīh	بیشترینی
apēsūtīh		vēš žīvišnih	بیش زیستن
		apēmust	بی شکوه

vaštakīh		tuhīk	بی فایده
ǰask		apus	بی فرزند
āxt		dušxvarrah	بی فره
xindakīh		zat xvarrahīh	بی فرهی
vat afzār	بی مال و دارایی	amēnītār	بی فکر
sūtak	بی مبالغات	dušdātīh	بی قانونی
vas marak	بی مر	anafzār	بی قدرت
amarak		ačārēnītan	بی قدرت کردن
apēmartōm	بی مردم	duš karp	بی قواره
asāmān	بی مرز	akanārak zamānīh	بی کرانه بودن زمان
vas marakīh	بی مری	anafzār	بی کفایت
yut mičakīh	بی مزگی	akēnīh	بی کینگی
halak	بی مسؤولیت	bēkār	بیگاری
bīmakan	بی‌مگین	vartak grītan	بیگاری گرفتن
nēst mōy	بی مو	dūr šatrik	بیگانه
axvāyišnīh	بی میلی	anērānīh	بیگانه بودن
vēnāp	بی‌ناب	apē vartišnīh	بی گردشی
āsūristān	بین النهرین	apēmust	بی گله
dašt i sūrīk mānišn	بین النهرین علیا	agumānikīh	بی گمانی
anāmak	بی نام	apēgumānīh dātan	بی گمانی دادن
vēnišn	بی‌نایی	hiyandak	بیمار
vēnišn	بیش	xindak	
mēnōk vēnišn	بیش مینوی	vaštak	
vēnišnīh	بیشی	hiyandakīh	بیماری
		sēj	

apēhamēmāl	بی همال	anišēp	بی نشیب
apēhamēmālīh	بی همالی	afrayūt	بی نقصان
vat afzār	بی هنر	vēnik	بینی
vanīgarīh	بیهوده کاری	bēvar čašm (دارای ده هزار چشم)	بیور چشم
duš vīr	بی هوش	vat afzār	بی وسیله
sturtan	بیهوش شدن	anafzār	
apēbōḡih	بیهوشی	vayōtakān	بیو کانی
		vēvak	بیوه

پ

pāyōmand	پادار	pāḥ	پا
pātdāšn	پاداش	pāi	
pādāšn		paītištān	
pātdahišn		patištān	
pātafrās (پاداش کار بد)		pāy	
puhl (پاداش اخروی)		zang	
nīrmat		hangōmand	پا بر جا
mōzd		stēnik zangih	پا بر جایی
mizd		āstavānīh	پا بر جایی در عقاید دینی
dāsr		amōk	پا برهنه
hūmōzdīh	پاداش خوب داشتن	pāpak	پاپک
pātdāšnēnītan	پاداش دادن	pāpakān	پاپکان
pātdāšnēnītār	پاداش دهنده	kafš	پاپوش
kirpakōmand	پاداش کار ثواب (دارنده)	nišēmak	پاتوق
mizdvar	پاداش گیرنده		

pātixšāyih		pātdāšnōmand	پاداش مند
šāhīh		mizdīh	پاداشی
šahridārīh		mozdīh	
šāhīkīh		nirmat vindišnīh	پاداش یابی
apātixšāyih	پادشاهی بد	pātafrās	پادافراه
dušpātixšāyih		pātīfrās	
tuwān pātixšāhīh	پادشاهی توانا	puhl	
hūpātixšāyih	پادشاهی خوب	pātīfrās nimūtan	پادافراه کردن
pātixšāyēnišn	پادشاهی کردن	pāt xōsrōi	پاد خسرو (نام خاص)
pātaxšēr	پادشیر (عهدنامه)	pāt-zahr	پادزهر
pār (گشته)	پار	pātaxšā	پادشاه
pahlavīk	پارتی	pātixšāh	
tarāz	پارچه ابریشمی	pātixšāy	
parand	پارچه ابریشمین ساده	pātšā	
bōp	پارچه ظریف	šahryār	
būp		šatrdār	
pārs	پارس	šatriyār	
dahmān kart	پارسا زاده	kītān	پادشاهان قنوج
daxmān	پارسای	hū-pātaxšāy	پادشاه خوب
ahrav dāt (چیزی که به پارسایان داده می شود)		vēh xvatāy	
yašt fravahr	پارسای در گذشته	pātixšāyōmand	پادشاه دار
pārsīk	پارسی	kēsar (قیصر)	پادشاه روم
pārsak		zan ī pātixšāyihā (زن اصلی)	پادشاه زن
pārsīkān	پارسیان	duš-xvatāy	پادشاه ستمگر
rēšak	پارگی	pātaxšāyih	پادشاهی
karrēnišn		pātixšāhīh	

duš-nikīrih	پاسبانی بد	pārand	پارند (ایزد)
pāspānēnītan	پاسبانیدن	pārak	پاره
pāšpātan		kalūk	پاره آجر
pāspānēnītan	پاسبانی کردن	sūtak	پاره شده
pasaxv	پاسخ	kirrēnītan	پاره پاره کردن
patvāč		pārak stānīh	پاره ستانی (رشوه گیری)
patvāčak		kaftan	پاره کردن
patvāčik		karēnišn	
patvāčišn		karēnītan	
pasaxvēnītan	پاسخ دادن	karrēnītan	
dāt pasaxvīh	پاسخ قانونی	karītan	
pasaxv guftan	پاسخ گفتن	karēnišnīh	
patvāxtan		drītan	
pasaxvīh		sūtan	
pasaxv guftār	پاسخ گو	škāftan	
pasēmārīh	پاسخ گوئی متهم	ōxastan	
dāt pasaxvīh	پاسخ موجه	vusāstan گسستن	
apasaxvīh	پاسخ ندادن	visāstan	
pasaxvīh	پاسخی	visāndan	
pāsdārīh	پاسداری	vikāftan	
pās dāštan	پاس داشتن	dritār	پاره کننده
pāšnak	پاشنه	karēnītār	
rēxtakīh (ریختگی)	پاشیدگی	karrēnītār	
afšāntan	پاشیدن	pāčan	پازن
fšānjīšn		pāspān	پاسبان
fšānjītan		pāspānēnītār	
		pāspānīh	پاسبانی

ōstārišn		višuftan	
awistartan		vēxtan	
awistarišn		pašančītan	پاشیدن آب
pākēnītan		pašančīšn	
vēxtan		rēxtak	پاشیده
yōšdāsrkar	پاک کننده	āsišn	پافشاری
yōšdāsgar		anāhīt	پاک
pākih	پاکی	anālūt	
apākih		apēčak	
yōšdāsrīh		apēčakīhā	(از روی پاکی)
pātyāpīh		apē-rīman	
avinastīh		asnōtak	
pākīzakīh	پاکیزگی	avinast	
pākīzak	پاکیزه	pāk	
pālāk y	پالای	pāv	
pālāyīst	پالایش	yošdāsr	
pālāyišn		hū-mēnītār	پاک اندیش
pālāk y	پالاینده	pāk xvārišn	پاک خوار
hōmān pālāy	پالاینده هوم	pulītan	پاک شدن
hōm pālāk/y		pākēnītak	پاک شده
pālāyītan	پالاییدن	havāsītak	
pālūtān		avinast	پاکدامن
pālāyītan	پالودن	avinastīh	پاکدامنی
pālūtān		yōšdāsrēnītan	پاک کردن
baĵak	پالودنی	yōšdāsrēnišnīh	
pālūt	پالوده	havasēnītan	
pālūtak		havāsītan	

fraĵāmīk avdom	پایانی	pānzdah	پانزده
fraĵaft fražaft	پایان یافته	pānzdahom day dadv	پانزدهم پانزدهمین روز ماه
hanĵaftak kanārōmand		panĵ sat	پانصد
bāristān stēnik	پای برجها	pāḍ pāy pai	پای
ēstānītan	پای برجها کردن	dēr	پایا
bāristānih stēnik zangih	پای برجائی	nālin	پای افزار
dar nišast gās gēvāk i nišast	پایتخت	hanĵāmih hanĵāmišn anĵāmišn dūmb fraĵām sar	پایان
frapāḍ fravd	پای جلو	aḏdom aḏdomih	
ōstīk ōstīkān astītak ōstowār dranj	پایدار	hanĵaftan pat fražāmēnītan	پایان بردن
pātan	پایدار بودن	kanāarakōmand	پایان پذیر
pātārīh astovānīh ēstišnīh ōstovānīh ōstowārīh	پایداری	kanāarakōmandih kanārōmandih uzītan hanĵaftan fražāmēnītan	پایان پذیری پایان رساندن

ōstikān	پایه‌دار	ōstikānīh	
pāyīk	پایی	patūkīh	
zangīh		awistwārīh	
pāyītan	پاییدن	patāyīstan	پایداری کردن
pātan		mart astišnīh	پایداری‌مرد در راه دین
patāyīstan		pāgāh	پایگاه
patāyītan		pāḍak	
srāyēnītan		pāyak	
apāītan		pāḍak	پایگاه ستارگان در آسمان
zēnēnītan		pāyak	
pāt uzvānīh	پاییدن زبان	pāyakīh	پایگی
mitrōpān	پاییده شده بوسیله ایزد مهر	xvastār	پایمال شده
pātēz	پاییز	xvastan	پایمال کردن
pāyēn	پایین	ōxastan	
tēh		ōspurtan	
adar		vispurtan	
azēr		spartan	
frō		spurtan	
ni		xvāhišn	پایمالی
tar		pāyōmand	پایمند (پادار)
past		yāvēt	پاینده
nisy		mitrōpān	پاینده دوستی و مهر
nišīp		mitrōpān	پاینده مهر و پیمان
nitak (بسوی پایین)		pāḍak	پایه
hačadar		pāyak	
višuftan	پایین آوردن	pāyīkīhā	پایه بپایه
frōtītan		zufr pāyak	پایه پایین

patyārakīh		ōftātan	پایین افتادن
pityārakīh		ōpastan	
patiyārēnītan	پتیارگی کردن	šast	پایین افتاده
patiyārak	پتیاره (مخالف)	ōsānītan	پایین انداختن
paitiyārak		frōt barišnīh	پایین بردگی
patyārak		zufr pāyīh	پایین بودگی
pityār		frōtīh	پایین بودن
pityārak		ērtar	پایین تر
patyārakōmand	پتیاره مند (آزوده)	ōrandar	
patyārakōmandīh	پتیاره مندی (ضدیت)	ōristar	
patirītarāsp	پتیر پتر اسپ (نام خاص)	nītōm	پایین ترین
drāyišn	پیچ کردن	nist	پایین ترین قسمت دوزخ
drāyītan		frōt-tōm	پایین ترین قسمت هر چیزی
puxtak guftār	پخته گفتار	frōtīhītan	پایین رفتن
pazāmišn	بختگی	frōtīhastan	
pazmāyišn		nidvārišn	پایین ریختن
pažāwišn		pāyēnak	پایینی
pazāmēnītārih		kōf i patašxvār	پتشخوار (کوه)
pazītan	پختن	patišxvārgar	پتشخوار گر (کوه)
pazāmītan		patišxvārgarīk	پتشخوار گری
pazzāmītan		patak	پتک (چکش آهنگران)
pačītan		pōtk	
pōxtan		patiyārakīh	پتیارگی (مخالفت)
puxtan		paitiyārakīh	
puxtak	پخته		
hāt	پخش (بخشی از کتاب)		
kartak			

pitarīh	پدری	viškinišn	پخش شدگی
patišxvārgar	پدشخوارگر (نام کوه)	rēcītan	پخش شدن
pat-dīt	پدید	ōbaxšītan	
vartišnīh	پدیدآمدگی	bahrēnītan	پخش کردن
anbūsītan	پدیدآمدن	baxšītan	
pat-dīt	پدیدار	fšanjīšn	
ḡastan	پدیدار شدن	fšanjītan	
paytākiḡastan		pargandan	
tandīh	پدیدارشدن گل بر روی شاخه	pargantan	
brēhēnītan	پدیدار کردن	patrōtan	
patīrišnīh	پذیرا بودگی	rēxtan	
patīrišn	پذیرائی	visāndan	
patīrak rawišnīh		vīstartan (گستردن)	
handēmānīh (مهمانی)		franāftan	
patīrišn	پذیرش	franāmītan	
patīrišnīk (قابل پذیرش)		franāftār	پخش کننده
apar āstišnīh (پذیرش چیزی)		nask	پخش از کتاب
patīrišnīh	پذیرشی	našk	
patīrišnīk		pit	پدر
patīyriřtārīh	پذیرفتاری	pēt	
patigriftārīh		pitar	
patīraftārīh		čardār (برای موجود اهریمنی)	
patīruftakīh	پذیرفتگی	niyāk	پدر بزرگ
patīyriřtan	پذیرفتن	pāpak	پدرک
patigruftan		pāpak	پدر کوچک
patīraftan		zātēnītār	پدر و مادر

spur ākāsīhā	پراگانه	patīrišnik	پذیرفتنی
arzānik	پرازش	patīrišnik	پذیرفته
garān		patīruftak	
pēš arj		patīrakih	پذیرگی
garānih	پرازشی	patīrak	پذیره
burzāvand	پرافتخار	patīrak matan	پذیره آمدن
pargandakīhā	پراکنده گانه	patīrak rawiśnīh	پذیره روی
pargandakīh	پراکنده گی	patīrak rawiśnikīh	
niāriśn		patīrak rōwiśnikīh	
visāndakīh		par	پرا
viškītakīh		parīk	
zruftakīh		parr	
parāgandan	پراکندن	pur	پرا
parākantan		purr	
parkantan		uspurr	
pargandan		uspurrīk	
pargantan		ospūr	
parganītan		ospūrīk	
paraganītan		hanbār	
vičārtan		frē-āp	
vibariśn	پراکندن به اطراف	hamburt	
vibariśnīh		bavandak	
pargandak	پراکنده	dōkān	
visāndak		frē-āp	پرا آب
zruftak		vas āpīh	پرا آبی
višup		pur patēxv	پرا آذوقه
vičārak			

pur vāstar	پراچراگاه	višuftan	پراکنده ساختن
pur vāstarīh	پراچراگاه بودن	fšanjītan	پراکنده کردن
parčīn	پراچین	parkēnītan	
parčīnak	پراچین دار	spartan	
parčīnōmand		pur ēmētīh	پراامیدی
barōmand	پراحاصل	šapāk	پراان
xvāwargar		pur mēvak	پرابر
xvāwrīr		frēhih	پرابودگی
drāyān gōwišnih	پراحرفی	pur bōy	پرابوی
nixšadišnik	پراحوصله	arzōmand	پرابها
hū-xrat	پراخرد	garān	
pur-xrat		arzānikīh	پرابهانی
pur-xratīh	پراخردی	arzōmandih	
hū-xratīh		pur pīm	پرابوم
sēžōmand	پراخطر	ōpatak	پراقاب شده
ruzd	پراخور	andāxtan	پراقاب کردن
ruzdak		handāxtan	
apatmān xvarišnih	پراخوری	pur pīm	پراترس
ruzdih		ōpastan	پراشدن
pur urvāhm	پراخوشی	drāyišn	پراگونگی
tūzišn	پراداشت	tēx	پرانو
graw		brāzišnik	پراوافقکن
pardāzišnih	پراداشتگی	brāzītan	پراوافقکندن
pardāxtan	پراداشتن	ham martāčōk	پراجرات
pardaxtan			
tūxtan			

parastišn	پرستش	parōmand	پرداز
paristišn		parrōmand	
parastišnih		parragik	
paristakih		parvar	
yaštārih			
yazakih		pardāzišn	پردازش
yazišn		tūxtār	پردازنده
ēzišn		pur dār	پردرخت
yazišnih		pur draxt	
azbāyišn		pur bēših	پردردی
franāmišn		pardak	پرده
namāč		partak	
niyāyišn		pur rāmišn	پرامش
šnāyītārih		pur bēših	پرونجی
šnūman		vas ōj	پرزور
yasn		parastār	پرستار (پرستش کننده)
yašt		paristār	
ayazakih	پرستش ایزدان دروغی	parastak	
xvāstak dēnih	پرستش ثروت	paristak	
frāč yazišnih	پرستش خوب	parastišn	پرستاری
xvatāy dēnih	پرستش سلطان	parastišnih	
dēr yazišnih	پرستش طولانی	xvāparih	پرستاری (مراقبت از کسی)
stāyītār	پرستش کننده	xvāwarih	
yaštār		šōy virāyih	پرستاری از شوهر
kartak mān	پرستشگاه	parastitan	پرستاری کردن
parastišn-kar	پرستشگر	xvēšāvand-dārih	پرستاری از خویشاوندان
ēzišngarih	پرستشگری		

yaštan		mazdayasnīh	پرستش مزدا
stāyītan		stāyišnīh	پرستشی
franāftan		yazakīh	پرستندگی
franaftan		izakīh	
franāmītan		parastakīh	
vandītan		paristakīh	
yazat	پرستیدانی	parastišnīh	
yazišnōmand		šnūmanīh	
yazat	پرستیده شده	yaštārih	
xrušd	پر سرو صدا	parast	پرستنده
patānōmand		parastak	
āfrās	پرستش	parastišn-kar	
frašn		yazak	
pursišn		yazišn-kar	
xvānītār	پرستش کننده	ahūrāy-mazd-yaz	پرستنده اهورامزدا
vičustār		parastūk	پرستو
frašn vičār	پرستش گزار	kāsakēnēn murv	
pursišn nāmak	پرستشنامه	yazišnīh	پرستی
pursišnīh	پرستشی	parastan	پرستیدن
pursišnik		parastātan	
pur urvāhm	پر سعادت	parastītan	
pursakīh	پرستی (صحبت)	paristītan	
pursītār	پرستنده	paristātan	
pursītārih	پرستیداری	īzītan	
pursišnīh	پرستیدگی	ēzītan	
pursītan	پرستیدن	izišn	
		yazītan	

mazgōmand	پرمغز	frāč pursitan	پرسیدن دربارهٔ چیزی
parngar	پرمگر (آتشکده)	pur xvarrah	پرشکوه
parōmand	پرمند (پرداز)	pur farrah	
parrōmand		pur xvārīh	پرشکوهی
pur kāmākīh	پرمیلی	garmōk	پرشوق
pur mēvak	پرمیوه	širōmand	پرشیر
parang-mušk	پرنجمشک	patānōmand	پرطنین
tarmēnišn	پرنخوت	pur xvarrah	پرفره
parand	پرند	pur farrah	
vāyān	پرندگان	pur xvārīh	پرفرهی
parandak	پرنده	pur kāmākīh	پرکامگی
mōrv		vāstrōmand	پرکشت وزرع
murv		hambaštan	پرکردن
murvak		hanbāštan	
vāi		hambārītan	
vāy		ākantan	
vāyēndak		ōpārtan	
čarz	پرنده آبی (نوعی پرنده آبی است)	rūtan	پرکندن
murvēčak	پرنده کوچک	ōpār	پرکننده
an-hanbār	پرنشدنی	kēnvar	پرکینه
pur sartak	پرنوع	pur gāv	پرگاو (نام خاص)
parnikān	پرنیان	pargast	پرگست
pur nērōk	پرنیرو	pur māh	پرمه ماه (بدر)
tuxšāk		pur-marg	پرمهرگ
tuxšākīh	پرنیرونی	pur-margīh	پرمهرگی

dēv	پروردگار آریائی	pur nēvak	پرنیکو
parvartārīh	پروردگاری	pur nēvakīh	پرنیکوئی
parvartārīh	پروراندگی	parvār	پروار
parvartār	پروراننده	parvārtan	پرواردن
parvartan	پروردن	parvārtan	پروار کردن
parvarītan		parvāz	پرواز
fšōnēnītan (فزونیدن)		parvāč	
parvartak	پرورده	fravāyišn	
parvarišn	پرورش	vāz	
parvartārīh		vāzišn	
frahang		apāč tarvēnišnih	پروازدادن
srāyišn		vāyēnītan	
dām parvartārīh	پرورش آفریدگان	parītan	پرواز کردن
vāsnītār	پرورش دهنده	parrītan	
vāsnītan	پرورش کردن	vāy-	
bēšāzišnih kartārīh	پرورش گیاهان طبی	vāzītan	
frahangikīh	پرورش یافتگی	vazītan	
parvarāk	پرورنده	patītan (برای موجودات اهریمنی)	
parvarītan	پروریدن	vāyēndak	پرواز کننده
sangēn	پروزن	parvānakīh	پروانگی (مجاز بودن)
parrak	پره	parvānak	پروانه
pahrēxtār	پرهیختار (پرهیز کننده)	bālak	پروبال
pahrēxtakīh	پرهیختگی (پرهیز)	pur patmānīhā	پرهیمان (باندازه پیمانه پر)
pahrēxtan	پرهیختن (پرهیز کردن)	parvartan	پروراندن
parhēxtan		parvarāk	پروراننده
		parvartār	پروردگار

kirpakih		pahrēč	پرهیز
ahrāyih		pahrēxtakih	
artāyih		apāč dārišnih	
parōn magih	پرهیز کاری کامل	apāč āhangih	
parhēxtan	پرهیز کردن	anāyišnih	
par būtan		varan vaštārīh	پرهیز از آزمندی و حرص
vartak (کسی که باید از او پرهیز کرد)		axvartārīh	پرهیز از غذا
pahrēčōmand	پرهیزمند	parēčišn	پرهیزش
pahrēxtār	پرهیز کننده	pahrēxtār	پرهیز کار (پارسا)
parhēxtār		pāk	
parīk	پری	artā	
pariy (ماده دیو)		ašōk	
purīh	پری	dahm	
hamāīkih		daxm	
matakīh	پریادی	daxmān	
parīkān	پریان	dēnik	
parītan	پریدن	frārōn kunišn	
parrītan		tarsākās	
parīk kāmākīh	پری دوستی	tarsakāy	
parēr	پریروز	ahrāy/δ	
pariš	پریشان	artāy fravart	
visāndak		dahmīhā	پرهیز کارانه
višōftak		pahrēč-kārih	پرهیز کاری
darham		ašōkān-kārih	
apēbrahm		bavandakgarīh	
handōhakēn		spanākīh	
handarōtak		tarsākāsīh	
		frārōnīh	

bazaškīh	پزشکی	višuft	
bičaškīh		zruftak	
bizaškīh		zariyōmand	
bēšāzīh		višoftan	پریشان کردن
bēšāz		vičārtan	
bēšāzišnih kartārih	پزشکی کردن	ayōzitan	
pāk	پزنده	višōp	پریشان کننده
pazītan	پزیدن	zruftakīh	پریشانی
pazāmītan		sēž	
pazzāmītan		gilak	
pačītan		handēšišn	
pōxtan		handarōtakīhā	پریشانی‌ها
guhvart	پژدو (سرگین غلطان)	parīk	پرپک (نام خاص)
pačišn	پژمردگی	pariy kāmakih	پری کامگی
hōšītan	پژمرده شدن	parīk kāmakih	
afsartan		pazāmēnītan	پزاندن
husēnītan		pazzāmēnītan	
havāsītan		pačišn	پزش
afsartan	پژمرده کردن	pazišn	
husānītan		bačašk	پزشک
xusēnītan		bazašk	
havāsēnītan		bičašk	
vičōdišn	پژوهش	bizašk	
vičōhišn		durust-pat	
vijuhišn		bēšāzēnītār	
pas	پس		پزشک شفادهنده بوسیله کلام ایزدی و ورد
apāč		mānsrspand bēšāzēnītār	

anērīh	پسنى	adak	پس آنگاه
ōpastīh			
panēnitārīh		pus	پس (پسر)
panīh		pas bavišnīh	پس افتادگی
pēnīh			
tarīh		handōčišnīk	پس انداز کننده
marīh			
apāč duwāristan	پس دویدن	pasīh	پس بودگی
pus	پسر	pas bavišnīh	
puhr		pasōpāyīh	پس پائی (بندگی)
pusar		past	پست
patīruftak	پسر خوانده	anēr	
apāk puhr	پسر دار	panīk	
pusīh	پسر داشتن	pen	
apāk pusīh		tar	
		visand	
		xvār	
پسر دوست (کسی که پسرش را بیشتر دوست میدارد)		ōpastān	
pus kāmāk			
šāpuhr	پسر شاه	pēstān	پستان
apāč rāsīh	پس رفتگی	pistān	
pusarīh	پسری	pistān pān	پستان بان (سینه بند)
pusīh		pistān pān	پستان بند
rānēnītan	پس زدن	pat sēn	
spōxtār	پس زننده	nītūm	پست ترین
spōžāk		tar kartan	پست کردن
pasfardā	پس فردا	pistak	پسته
gartanak	پس گردن	bistak	

pasih	پسی	pasand	پسند
pasēn	پسین	pasandišn	
dōš	پشت	pasandēnišn	
kūn		pasandēnišn	پسندیدگی
panāh (پناه)	پشت	pasandītan	پسندیدن
puštē panākīh	پشت پناهی	pasandišnik	پسندیده
pušt-darmān (نام داروئی است)	پشت درمان	pas-ič	پس نیز
pattōkīh	پشتکار	-išn	پسوند اسم مصدر
tuxšāk	پشتکاردار	-īh	پسوند اسم معنی
pattōk		-ak	پسوند اسم مفعول وصف
dranj		-vand	پسوند بمعنی دارنده
grēv	پشت گردن	-āvand	
grīv		-ič	پسوند بمعنی «هم»
apastām	پشت گرم	-ak	پسوند تصغیر
vistāxvīh	پشت گرم بودن بیاری کسی	-išt	پسوند صفت تفضیلی
pušt i vištāspān (کوه)	پشت گشتاسپان (کوه)	-ēn	پسوند صفت ساز
pušt	پشت و پناه	-tom	پسوند صفت عالی
grīvak	پشته	-tum	
puštak		-ēndak	پسوند صفت فاعلی
panāhīh	پشتی	-ōm	پسوند ضمیری اول شخص
puštīh		-am	
pušt	پشتیبان	-ēnītan	پسوند مصدری فعل متعدی
pātyār		-stān	پسوند مکان
pāspān		-mand	پسوند نسبت و مالکیت
pāspānēnītār		-īk	پسوند صفت ساز

pašmākand	پشمالو	friyāt	
pašmak	پشی	xvāpar	
pašmēn		nikāsdār	
pašanĵak	پشنجه	axvōmand	پشتیبان دار
pašang		axvōmandih	پشتیبان داشتن
pašančitan	پشنجیدن	drupuštih	پشتیبانی
pašang	پشنگ (نام خاص)	puštih	
pašangān	پشنگان (نام خاندانی)	puštē panākīh	
pašōtan	پشوتن (نام خاص)	puštēpānakīh	
pišyōtan		pātārīh	
pēšyōtan		panāhīh	
tačaromān (لقب پشوتن)		ōstowārīh	
pašak	پشه	pās	
paxšak		srāyišn	
pašēč	پشیز	xvāparih	
pašēmān	پشیمان	zēnhār	
pasēmān		par ēstātan (پیش کسی ایستادن برای پشتیبانی)	
apaxš		hū-pānakīh	پشتیبانی خوب
apaxš dār		nēvak barišnih	
garzišnik		pānakīh kartan	پشتیبانی کردن
tōžēnitak		srāyēnitan	
tōjīšnōmand		hu-pānakīh	پشتیبانی مؤثر
patētihā	پشیمانانه	sargīn	پشگل الاغ
tōjīšnih	پشیمان شدگی	pašm	پشم
apaxšitan	پشیمان شدن	varr	
tōjitan		pašmākand	پشم آکند
apaxših	پشیمانی		
pašāmānih			

parrakān	پلکان	pašēmānih	
pāgāh		patēt	
pilakān		patētih	
gumb	پلک چشم	patētīkih	
palang	پلنگ	tōjišnōmandih	
palangmušk	پلنگمشک (گیاه)	ul varzišnīh	
parrakān	پله	patēt	پشیمانی از گناه
puhlik	پلی	pul	پل
palitih	پلیدی	puhl	
āhōk		puhr	
gezir	پلیس	vitarak	
padām	پنام	palāpāt	پلاپات (شهر گندی شاپور)
patām		puhl pān	پل بان
panāh	پناه	puhl pān	پل بان صراط
panāhk		činvat pōhl	پل چینوت
pānak		činvad pōhl	
pānāk		čin vitarg	
apastān		čyān vitarg	
apastām		činvar	
pat panāh griftan (به پناه گرفتن)		čandvar	
darpest-gās	پناهگاه	činkār	
pānāk		činēvar	
āsāyak		zamīk vitark	
panāhīh	پناهی	pulitan	(از پل چینوت گذشتن)
pānākīh		činvat puh	پل صراط (پل چینوت)
panākīh		čyān vitarg	
		cinvar	
		čandvar	

pat dāštan		pambak	پنبه
pand nāmak	پندنامه	pambakēn	نبه ای
nihuftak	پنهان	panj	پنج
nihuftārih	پنهان داشتگی	panč	
nihumbītan	پنهان داشتن	panj angurak	پنج انگشت
nihuftan	پنهان کردن	panjāh	پنجاه
huftan		panj-rin	پنج بار
nikānēnītan		panj bōr	پنج بور (نام خاص)
nihān kartan		rōčānak (روزنه)	پنجره
pūšītan		panj pardak	پنج لا
hanbaxsītan		pančom	پنجم
rāz nihuftārih	پنهان کردن راز	panjom	
nihān xēmih	پنهان کردن سرشت	pančak	پنجه
nasāy nikānih	پنهان کردن مرده در زیر خاک	panjak	
grīstak	پنهانگاه شیاطین	panjak (پنج روز آخر سال)	پنجه دزدیده
nihānih	پنهانی	panjak i vēh	
nihānik		duzītak	
panīr	پنیر	gāsānik	
pūtik	پوتیک (دربا)	panjak	پنجه دست
hēcīh	پوچی	panj ēvak	پنج یک
nēst čīšīh		pand	پند
puhr	پور	handarz	
bōrān	پوران (نام خاص)	drōj gumānākīh	پندار دروغ
pōrušasp	پورشسپ (نام خاص)	pat ēt dāštan	پند داشتن
pōršasp		dāštan	

fšanjišn	پوسیدگی	pōručist	پوروچیست (نام خاص)
kahvanih		pōryōtkēš	پورپوتکیش (نخستین آموزگار کیش)
pašanjišn		pōryōtkēših	پورپوتکیشی
patvēšak		pūz	پوز
pōhišn		bōšišn	پوزش
pūtakih		bōčišn	
vaštakih		pōč	
vēšišn		buxtišn	
vinastih			
pūsitan	پوسیدن	pūz	پوزه
pūsitak	پوسیده	pūzak	
pūt		pōčak	
pūtak		zafr	
stak		pusān-vēh	پوسان وه (نام خاص)
vinastak		pūst	پوست (درخت، میوه، حیه 'ن)
patvēšakōmand		pūst pahnā	پوست پهنا (به پهنای پوست)
patmōčan	پوشاك	mōy	پوست خزر
vastarg		pōstōmand	پوست دار
pōšitan	پوشاندن	vīrāstak	پوست دباغی شده
pūšitan		pōstkarīh	پوستگری (دباغی)
nihuftan		šērgūk	پوست مار
huftan		pōstōmand	پوستمند (پوست دار)
nihambitan		pōstēn	پوستی
nihumbitan		pūstēn	
vistartan		pōstēn	پوستین
pōšišn	پوشش	var pōstēn	
pūšišn			
pūst			

drahm	پول نقره	patmōč	
draxm		patmōčan	
pahlēčak	پهلچک (نام خاص)	patmōčišn	
kaš	پهلو	čatur	
pahlūk		var	
		varr	
gort	پهلوان	var	پوشش آتش
gošn		varr	
taxm			
yal		gurtih	پوشش جنگی برای حفظ تن
varāz		pōšang	پوشنگ (شهر)
gortih	پهلوانی	pōšitan	پوشیدن
gošnih		patmōxtan	
pahlavik	پهلوی	nihuftak	پوشیده
pahn	پهن	nihān mānih	پوشیده ماندن
pahnāk			
vēhm		pūl	پول
sturg		stēr	
		stir	
masāi	پهنا	dēnār	
pahanāy		pārak (پول خرد)	
pahnā			
pahnād		pōlāwt	پولاد
pahnāy		pōlāpat	
panād		pōlāt	
vēhmih		pōlāwt patkar	پولادگر
vistartan (گستردن)	پهن کردن	pōlāwtēn	پولادین
bun	پی (بنیاد، ته)	pārak	پول خرد
nišim		davānik	
nihātak		pašēč	

fristak	پیام آور	pāδ/y	پی (دنبال)
aštak	پیامبر	padē	
paitambar		pay i (در پی)	
pētāambar		ōnītan (پی کسی فرستادن)	
pētāambarih	پیامبری	patsār	پی (عقب)
vaxšvarih		pay	پی (عصب)
vaxš burtārih		paδ	
aštakih		padakān	پیادگان
xuhr	پیچ خورده	payātak	پیاده
patān	پیچش صدا	piyātak	
pēčihastan	پیچیدن	paitištān	
pēčitakih	پیچیدگی	pat gām	
pēčitan	پیچیدن	padē rawišnih	پیاده روی
pēčitak	پیچیده	pāy rawišnih	
vartēn		padātak	پیاده شترنج
vašt		payātak	
pēčihastan	پیچیده شدن	padakān	پیاده نظام
paitāk	پیدا	padāč	پیاز
pētāk		payāč	
pētākēnitak		payāz	
čašmakās		piyāz	
čašmkās		paygāl	پیاله
pētākīhastan	پیدا شدن	jām	
paitākīhastan		yām	
paitākēnītan	پیدا کردن	paygālgar	پیاله ساز
pētākēnītan		pētām	پیام
jaštan		aštih	
		vaxš	

brēh	پیراهن	bun-dahišnih	پیدایش ابتدائی
brāhm		paitākih	پیدایی
šapik	پیراهن مقدس	pētākih	
taškuk		ō pētākih āvartan	(به پیدایی آوردن)
vīrāy	پیرای	pētākēnitan	پیداییدن
pērāyišn	پیرایش	pīr	پیر
pīrāyišn		dāt-mas	
vīrāyišn		mastar	
pīrāyišnik	پیرایشی	zarmān	
vīrāyišnih		vīrāy	پیرا
vīrāstār	پیراينده	vīrāstārih	پیراستاری
vīrāy		vīrāstakihā	پیراستگانه
pērāyak	پیرایه	vīrāstakih	پیراستگی
pīrtarasp	پیرتراسپ (نام خاص)	vīrāstan	پیراستن
zarmānih kartār	پیرکننده	pērāstan	
mastar	پیرمرد	patrāstan	
azarmān	پیرنشده	pērāyēnitan	
hāvišt	پيرو	xēm vīrāstan	پیراستن خوی
manikān	پيروان من	vīrāstak	پیراسته
hū-dēnih	پيرو دين بهی بودن	pērāstak	
āk-dēn	پيرو دين غير زرتشتی	vīrāst xēmih	پیراسته خویی
māzdēsn	پيرو دين مزدیسني	pērāmōn	پیرامون
ahramōg	پيرو دين نادرست	girt	
ahramōk		hūtarist	پیرامون زیبا
		pīrān	پیران (نام خاص)

aparvēcīh	پروزی	aparvēc	پروز
pātyāvandīh		pērōč	
pērōčīh		van	
tarvēnišnīh		pērōčān	پروزان (نام خاص)
vanīh		vānitan	پروز شدن
vānišn		tarvēnītan	
vānitakīh		vīndātan	
vāyišn dahišnīh		aparvēcītan	
pērōč āwar	پروزی آور	tarvēnītār	پروز شونده
tan pērōčkarīh	پروزی تن	pērōčgar	پروزگر
aknēn vānitārīh	پروزی ناگهانی	pātiyāvand	
varanīk	پرو فرقه مذهبی	pērōčgarīhā	پروزگرانه
xvatāt	پرو قانون خود	pērōčgarīh	پروزگری
hūmat mēnītār	پرو نیک اندیشی	amāvand	پروزمند
mazdayastīh	پروی دین مزدا	čīr	
mazdēsnih		čēr	
apākītan	پروی کردن	pātyāvand	
haxtan		vānitak	
pīrīh	پیری	vānītār	
zarmān		aparvēcīhā	پروزمندانه
zarmānīh		pātiyāvandīhā	
zarvān		čīrīh	پروزمندی
anōvāmīh	پیری زودرس	vānītārīh	
nišāyišn	پیری ریزی	pātyāvandīh	
bun frakandan	پیری ریزی کردن	pīrōzak	پروزه (فیروزه)
pēs	پس	pīrōčak	

patīrak rawiṣṇīkīh	پیشباز رفتن	pēš	پیش
rāyēnišn	پیشبرد	nazd	
frāčēnītan	پیش بردن	frōt	
frāč burtan		his	
frāč barišnīh		has	
maškīčak	پیش بند چرمی	patiš	
frāčtarīh	پیش بودگی	frāč ō (به پیش)	
parōdarš	پیش بین	nazd hač (پیش از)	
pat xrat		pēšdāt	پیش آفریده
murv niš	پیش بین از روی پرواز پرندگان	pēšdātān	پیش آفریده شدگان
čārak vēnīh	پیش بینی	pēštakīh	پیش آمدگی
parōdaršīh		frāč matan	پیش آمدن
pēšōpāy	پیش پا (پیشوا)	ḵastihā (بطور برجسته)	پیش آمده
	پیش پاره (غذایی که پیش از غذای اصلی خورند)	frāč burtan	پیش آوردن
pēš-pārak		fravārtan	
frāč fravāyišnīh	پیش پروازی	āšēhītan	
frāč tačak	پیش تاز	pīšār	پیشاب
pēštar	پیشتر	pēšyār	
frāčtar		pēškār	
pahlom		dast-šōy	پیشاب گاو
frāčtōm	پیشترین	pēš arj	پیش ارج
frahist		frāyar	پیش از ظهر
fratōm		čārak vēnīh	پیش اندیشی
pēš daxšak	پیش خبر	pēš xratīh	
	پیش خبری (نخستین آواز خروس)	pēšānsah (دشتی در زابلستان)	پیشانه
pēš daxšakīh		pēšānik	پیشانی

pēš raftār	پیش رفتار	pēš xrat	پیش خرد
pēš rawišnīh	پیش رفتاری	pēš-xratīh (داشتن خرد فطری)	پیش خردی
duš-rawišn	پیشرفت بد	frāč xvāntan	پیش خواندن
hū-pēšīh	پیشرفت خوب	pēšdāt	پیشداد (سلسله)
nēvak rawišnīh		pēš nēvak	پیش دلاور
vihēčēnītan	پیشرفت دادن	pēš nēvak	پیش دلیر
hamāk rawišn	پیشرفت داریم	pēš dēh	پیش ده (معاملات نزدیک بلخ)
hamē rawišnīh		frāčēnītan	پیش راندن
hamē hamē rawišnīh		pēš ʔastīhā	پیش رس (بطور پیش رس)
stēnik rawišnīh		pēš rawišnīh	پیشرفت
xvēš rawišnīh		rōwāk dahišnīh	
vālišn dātār	پیشرفت دهنده	rōwākīh	
ʔān frāxvēnītār	پیشرفت دهنده زندگی	rōwišnīh	
dēr apar rawišnīh	پیشرفت طولانی	vaxš	
kunišn rawišnīh	پیشرفت کار	vaxšīh	
kār raftārīh		vaxšišn	
franāftan	پیشرفت کردن	vaxšākīh	
vaxšītan		vaxšēnišn	
vihēč		vālišn	
vaxšāk	پیشرفت کننده	frāxv čārīh	
vaxštōmand		frēh dahišnīh	
hūvaxš		hangirtīh	
franāftār		nihātakīh	
pēš rawišnīh	پیش رفتگی	nihāt kārīh	
rāst rāsīh		xvahrīh	
		vihēčak	

patīrak	پیشواز	frāčtan	پیش رفتن
ō patīrak matan	پیشواز آمدن	frāč raftan	
kartārān	پیشوایان دینی	franāftan	
hērpāt	پیشوای دین زرتشتی	franāmītan	
ērpāt		franāmītan	
magōg		vihēz	پیش رفتن بهر سوی
magōpat		rawāk	پیشرو
mōpat		rōwāk	
mōymart		pēš rawišnīh	پیش روشی
āsravan		vaxšēnītār	پیش رونده
āsrōn		frāšm	پیشروی
rat		pēšdāt	پیش قانون
zōt		pēškār	پیشکار
zartuxštrōktōmān (بزرگترین پیشوای دین)		pēšgās	پیشگاه
mānsrbar	پیشوای دینی	pēš gāsih	پیشگاهی
mayūk mart		murvniš	پیشگو
āsnatār	پیشوای دینی در مراسم پسناکه هوم میشود	kēt	
ātarvaxš	پیشوای دینی مأمور مراقبت آتش	kundāk	
ātaxš vaxšēnītār		daxšak	پیشگوئی
āturpāt		jatak	
dēv dastwar	پیشوای دیو پرستان	jahišn	
sāstār	پیشوای فرقهای مذهبی غیر زرتشتی	kundākīh	
pēšōpāyīh	پیشوایی	kētīkīh	
mas apar ratīh (پیشوایی بزرگ دین)		pēš daxšak	پیش نشان
magīh	پیشوایی دین زرتشتی	pēšōpāy	پیشوا
magōpatīh			
asrōkīh			

drūjšnīh		baydēspānīk	پیک شاهی
drūjīh		frakandan	پی کردن
rīftakīh		pīl	پیل
patmānkārīh	پیمان کاری (تعهد)	pīlak	پیل
patmān kunišnīh	پیمان کنشی	patmān	پیمان
kofīč (قفیز)		mitr	
kofīz	پیمانه	past	
patmān		patist	
patmānak		pašt	
grīv	پیمانه غله	paštak	
patmānīk	پیمانی	pašn	
patmūtan	پیمودن	patistātan	پیمان بستن
patvast	پیوست	mitrōk drūj	پیمان شکن
patvastārīh	پیوستاری	mitrō drūj	
patvandišnīh	پیوستگی	mitrān drūj	
hambandīh		mitr drūj	
band		mitr zan	
hamāyikīh		mitrō zan	
patvand	پیوستگی خانوادگی	marak	
patvastan	پیوستن	nikērāy	
patvandītan		rīftak	
apiyuxtan		riptak	
hārēftan		rīftak patmān	
paivastak	پیوسته	mitrān drūjīh	پیمان شکنی
patvastak		mitrō drūjīh	
		mitrōk drūjīh	
		mitr drūjīh	

pēšēnak	پیشینه	āsrōnīh	
pēšēnikān	پیشینیان	ērpatīh	
pētām	پیغام	ratīh	
paitām		yošdāsrkar	پیشوایی که آیین تطهیر بجای می آورد
aštīh		ratōmandīh	پیشوایی مذهبی
patyāk	پیغام آور	hāvan ratīh	پیشوایی ها و نگاه
baydēspān		hamē	پیشوند استمرار
baydēspānīh	پیغام بری	nar	پیشوند تذکیر
paitambar	پیشمهر	a-	پیشوند نفی
pētāambar		abē-	
patyāk	پیک	an-	
payk		ana-	
pēk		mā	پیشوند نهی
patkār	پیکار	ni-	پیشوند حرکت از بالا به پایین
patkārīt		pēšak	پیشه
patkārišn		kērōk	
patkārdār	پیکار دار	kīrūk	
patkārtan	پیکار کردن	pēšak kār	پیشه ور
patkāritan		pēšak pēšak	پیشه های گوناگون
patkārtār	پیکار کننده	frāčīh	پیشی
patkārdār		nazdīh	
paikān	پیکان	pēšīh	
pēkān		pēšēnak	پیشینی
pikān		pēšēnik	
patkar	پیکر	pēšēn kār	پیشین کار

patvand		patvast	
patvanditan	پیوندیدن	hamāyīk	
pīh	پیه	hamē	
pihv		ēv kartak	پیوسته بهم
pim		ham bastak	
čarpišn (چربی)		patvand rawiṣnīh	پیوسته روشی
paitirasp	پنتیراسپ (نام خاص)	paivand	پیوند

ت

tāk	تا اینکه	bē	تا (حرف اضافه)
kū		ō	
hantāi		hantāi	
tāpāk	تا بان	yat	
tapišnōmand		ku	تا (در مقایسه دو چیز)
rōšn		pardak	تا (لا، لایه)
vaxšēndak		tōk	
virōčak		tōf	
pēčītak	تاب خورده	tōp	
xuhr		tāk	تا (بعد از عدد)
pēčītan	تاب دادن	tāk	تا (نظیر)
hāmēn	تابستان	tanišn	تاب (تابیدن)
hāmīn		apāč astēnitār	تاب آورنده
tāpastān		tar	تا بسوی
tāpistān		yat-ō	
garmāk			

biš	تاج الملوك (گل)	hāmīnik	تابستانی
kōfak	تاج خروس	hāmēnik	
xrōs tāg		tāpišn	تابش
vāčarak	تاجر	brēh	
vāčarkān		pāyēnak	تابع
vāzarakān		pasōpāyih	تابعیت
tačītan	تاختن	čašmakihā	تابناک
tāxtan		čašmihā	تابناکانه
pasōpāyih	تاخر	čašmakih	تابناکی
spōz	تاخیر	čašmih	تابندگی
spōž		tapišnōmand	
dērang		čašmak	تابنده
patī ānītan	تاخیر کردن	gāhūk	تابوت
patirānēnītan		tāpak	تابه
spōxtan		brēzan	
patirān	تاخیر کرده	pēčītakih	تابیدگی
spōzkār	تاخیر کننده	tanītan	تابیدن
spōxtār		taftan	تابیدن (گرم کردن)
tāk	تار (رشته)	snahōmand	تأثر پذیر
tār	تار (تاریک)	snahōmandih	تأثر پذیری
rōp	تاراج	kart	تأثیر
rōtan	تاراج کردن	sūtārih	
rōpūtan		snahītan	تأثیر کردن
vitārēnītan	تاراندن	tāj	تاج (نام خاص)
tanand	تار نه (عنکبوت)	tāg	تاج

tačak	تازنده	kārnāmak	تاریخ (کتاب)
tāxtār		tārik	تاریکے
nōk	تازہ	tār	
tar		tamak	
tāzak		tamīk	
fraškart	تازہ ساختہ	tōmāk	
tājik	قازی	tōmīk	
tāzik	قازی (سگ)	tērak	
tāčik		tam karp	تاریکے بدن
tājikān	تازیان	tam tuxmak	تاریکے تخمہ (از نژاد اہریمنی)
tāzikān		tam zahāk	تاریکے زادہ (موجود اہریمنی)
tāčānak	تازیانہ	tārikīh	تاریکی
tāzānak		tam	
aštar		tom	
aštr		nīhumb	
tačītan	تازیدن	asar tārikīh	تاریکی بی پایان (قلمرو اہریمن)
tāzītak	تازیدہ	tāz	تاز (نام خاص)
tās	تاس (دربازی تخته نرد)	tāčān	تازان
tās vāčik	تاس بازی	tāčānak	
vēnārišn	تاسیس	tāčānītan	تازاندن
pasāčišn		tāzēnītan	
frakānītan	تاسیس کردن	tačišn	تازش
kartan	تاسیس کردن با فرمان رسمی	tazišn	
gaz	قاغ (درخت)	nōkīh	تازگی
tāftan	تافتن	tarih	
		xvētīh	

marīh	تباهاکاری	tāftak	تافته
tapāhēnītan	تباہ کردن	tāk	تاق (تک)
apasahēnīstan		tāk	تاک (درخت مو)
apasīhēnītan		raz	تاکستان
apēsahēnītan		hanōz	تاکنون
marnjēnītan		pěš gās	تالار بار
murnjēnītan		mātakīh	تایث
tapāhēnītār	تباہ کننده	nāirīkīh	
marnjēnītār		tāvān	تاوان
škand		āpilak	تاول
asōhišn	تباہ نشدگی	tāpak	تاوه
tapāhīh	تباہی	tōk	تاه (تا، لا)
marnjēnītārīh		garzītan	تائب شدن
apēčak vattarīh	تباہی مطلق	var	تأید
anbasānīh	تباہن	astēnītan	تأید کردن
apattōkīh		vičītan	
hū-šnāsīh	تبحر	astēnītār	تأید کننده
kārākāsīh		tap	تب
vartišn	تبدیل	tāp	
vartēnišn		tapišn	
vištakīh		tapāh	تباہ
vihīrīh		tapāhīhastan	تباہ شدن
axvān vartišn	تبدیل دنیا	sazišnīk	تباہ شدنی
vartēnītan	تبدیل کردن	mūtak	تباهاکار
kūtinak	تبر		
taparzat	تبرزد (نبات)		

awigat	تجاوز	tapristān	تبرستان
ēwgať		taparistān	
awigat	تجاوز کار	virēk	تبعید
marak		uzdēhikih	
frāšm	تجدید	uzdēhik	تبعیدی
frāškart	تجدید دنیا	franāftan	تبلیغ کردن
fraškart		mar	تبه کار
frāškart kartārīh		marak	
frāškartik (مربوط به تجدید دنیا پس از قیامت)		apēčak vattarīh	تبه کاری محض
frāškart kartār	تجدید کننده دنیا	gōvičār	تبیین
āzmāyišn	تجربه	uzvārišn	
ōzmāyišn		vičārīh	
gumānkārīh		uzvārtan	تبیین کردن
frahaxt kārīh		vičārēnītan	
ōzmūtan	تجربه کردن	vičārtan	
vijustār	تجربه کننده	vičirēnītan	
uzmāyišnik	تجربی	vičārtārīh	تبیین کنندگی
anahamīh	تجزیه	vičārtār	تبیین کننده
naštakīh		tapišnih	تپش
vaštakīh		gar	تپه
višōpišn		kōf	
vijustan	تجسس	kōfak	تپه کوچک
vižūyihītan		tapītan	تپیدن
tan framān	تجسم کلمه خدا	tatragativas	تترگتیوس (نام خاص)
zākīh	تجلی	vāzarakānih	تجارت
buržišn	تجلیل		
buržišnikih			

hāčītan	تحریک کردن	franāmišnīh	
hangēnītan		masēnišn	
hangēzitan		masikēnišn	
hangēxtan		namāč	
hangēžēnītan			
haxtan		pētāk franāmišn	تجلیل از دین
hāxtan		bālist	تجلیل شده
sārēnītan			
āfrīn	تحسین	bālēnītan	تجلیل کردن
ostōfrīt		burzītan	
pōč		buržītan	
šnāyēnišn		masēnītan	
šnāyišn			
šnāyītan	تحسین کردن	masēnītār	تجلیل کننده
stūtan		hanṣamanīh	تجمع
stūtāk	تحسین کردنی	handarzēnītan	تجویز کردن
stāyītār	تحسین کننده	pāyēnak	تحتانی
ayāpakīh	تحصیل	sāmāngar	تحدید کننده
ayāpišnīh		bavišn	تحرک
ayāftak	تحصیل شده	frāšm	
hērpatisstānīh	تحصیل علوم دینی	ṣumbākīh	
pat kartak āwurtan	تحقق بخشیدن	tuxšišn	
arawāk	تحقق نیافته	hāčišn	تحریک
avīnart		hangēž	
ēstātāk	تحقق یافته	hangēzišn	
nikōhišn (نکوهش)	تحقیر	sārēnišn	
nizburtīh		xrōstakīh	
		hangēžihītan	تحریک شدن

nēvak barišnih	تحمل خوب	tarīh	
burtan	تحمل کردن	tarmēnišnih	
bār burtan		tarvēnišnih	
kašitan		tarmānih	
sāxtan		xvār	تحقیق آمیز
patūtan		nikōhitan	تحقیق کردن
patāyistan		nikōēnitan	
vitārtan		tarvēnitan	
ranj spōz	تحمل کننده رنج	tar kartan	
vartišn	تحول	bēšēnitan	
gartišn		nikōhītak	تحقیق کردنی
vartēnišn		nikōhēnak	
fraškart	تحول ماوراءالطبیعه‌ای	nikōnišnik	
startih	تحیر	tar	
taxt	تخت	tarīhōmand	
bālēn gās		pursišn	تحقیق
taxtgāh		vičustārīh	
parvān gās		vičuyišn	
gās		vičuyišnih	
bālišn		vičustan	تحقیق کردن
taxt	تخت پادشاهی	vičustār	تحقیق کننده
satistūn	تخت جمشید	burtih	تحمل
gās	تختخواب	burtārīh	
bālišn gās		bāristānih	
vistarak gās		barišnih	
farraxvān gās	تخت سلطنت	sāxtārīh	
		škēpākīh	
		pattōkīh	
		vazdvarīh	

nivēdēnišn	تخصیص	taxtgāh	تخت گاه
nivēdišnīh		apar nišastan	تخت نشستن (به تخت نشستن)
nivēdēnītan	تخصیص دادن	tāxtak	تخته
hanbaxtan		taxtak	
handāxtan		taxt	
ōbaxtan		vēm	تخته سنگ
kāhišn	تخفیف	taxtak	تخته شترنج
kāstan	تخفیف دادن	nēv-artaxšēr	تخته نرد
kāhēnītār	تخفیف دهنده	taxtak	
kāstār		anāwišn	تخریب
drōž	تخلف	anāpišn	
vartakīh		anāftakīh	
čīhrēnītakīh	تخلی	apāč nasēnišnīh	
rītan	تخلیه کردن	apasīhēnišn	
tuhm	تخم (بیضه)	mrnǰēnišn	
gund		nasānišn	
kāštan	تخم پاشیدن	viyāpānīh	
rītan	تخم گذاشتن	viyāpānkarīh	
xāyak	تخم ماهی	rēšītārīh	
xāyak	تخم مرغ	vināsišn	
xāyik		zatārīh	
hāyik		dahišn kāhēnītārīh	تخریب خلقت
hāyik-dēš	تخم مرغی شکل	tuxšāk	تخم
xāyak-dēs		tuxšēnītār	
čīhr	تخمه	tuxšīh	تخمی
čitr		tuxšākīh	
		hu-šnāsīh	تخصیص

tarāzēnišnīh	تراز بودن	šusr	
tarāzēnītārih	تراز کردگی	tōm	
tarāzēnītan	تراز کردن	tōhm	
tarāzūk	ترازو (برج هفتم)	tōhmak	
tarāzēnītan		tuxm	
tarāzūk	ترازو	tuxmak	
tarāzēnītan	ترازو کردن	vēj	
tāšišn	تراش	damīk čihrak	تخمه زمین (دارنده)
awistarišn	تراش صورت	urvar čihrak	تخمه گیاه (دارنده)
tāšītār	تراشیده	hangārišn	تخمین
fariš		ōšmārītan	
karrēnītār		hangārtan	تخمین زدن
randītan	تراشیدن	sāxtārih	تدارك
awistartan	تراشیدن صورت	čār	تدبیر
ōsturtak	تراشیده شده	hūčamakīh	تدبیر خوب
frāč tačītan	تراوش کردن	hūčamakīh	تدبیر داشتن
zahāk	تراوش کننده	čārak kartan	تدبیر کردن
baĵak	تراویدنی	pāyikīhā	تدریجی
frahang	تربیت	hamōk	تدریس
parvarišn		nipikēnītan	تدوین کردن
frahangik	تربیت شده	āstavānīh	تدین
frahaxt		titar	تذرو
frahaxtak		tatar	
frahixtak		narīh	تذکیر
parvartak		-tar	تر (پسوند صفت تفضیلی)
		tar	تر
		tarr	

vičārtan	ترجمه کردن بزبانی دیگر	frahang kartan	تربیت کردن
vičītan	ترجمه دادن	frahaxtan	
apaxšāyišnih	ترجمه	frahixtan	
dil-sōčak		parvartan	
xvāparih		xratēnītan	
tarrōk	کرد	haxtan	
gumān	تردید	hāxtan	
gumānih		rāḍēnākīh	ترتیب
gumānikīh		rāḍēnītārīh	
šak		rāyēnišn	
varōmandih		rāžēnišn	
vistārīh		vēnārišn	
gumānik	تردید آمیز	vēnārtārīh	
varōmand		vinārišn	
gumānītan	تردید کردن	vinārišnih	
tars	ترس	vinīrišn	
tarsišn		vērāyišn	
vīm		rastak	
pīm		ēv-sānīh	
bīmīh		vēnārtan	ترتیب دادن
sahm		ārāstan	
sam		rāyēnītan	
škōhīh		vērāstan	
nihīp		vērāstār	ترتیب دهنده
bīmēnāk	ترس آور	vinārīhistan	ترتیب یافتن
bīmgēn		targumān	ترجمان
vīmgēn		targamān	
sahmēn			

tarsītan	ترسیدن	sahmgan	
āsamītan		sahmakan	
sahistan		sahmgūn	
truš	ترش	tarsāk	ترسا
		kalisāk	
pašančītan	ترشح آب	tarsākāy	ترسان
pašančišn		bīmakan	
guzag	ترشح نسوج	bīmōmand	
		nīhik	
āhīt	ترشرو	tarsēnītan	ترساندن
nikandan	ترصیع	pazdēnītan	
bālist	ترلیع	bīmēnītan	
burzēnītan		tarsākīh	ترسایی
āpātānīh	ترقی	tarsīh	ترس داشتگی
āpātīh			
frēh dahišnīh		tarsēnāk	ترسناک
frāxv čārīh		sahmgēn	
frādahišnīh		arvand	
vaxšīh		škaft	
vaxšišn			
nihāt kārīh		škaftīh	ترسناکی
pur rawišnīh		tarsākās	ترسند
fšōnēnišn	ترقی دادن	vat dil	ترسو
fšōš kartār	ترقی دهنده	vat dilīh	ترسوئی
darg apar rawišnīh	ترقی زیاد	tarsīh	ترسی
vālītan	ترقی کردن	tarsišn	ترسیدگی

hambandišnih		bē vartišnih	ترك
bāhrōmandih		hilišn	
dārūk āmēzišnih	ترکیب دارو	targ	ترك (کلاه خود)
pasāxtan	ترکیب شدن	turk	ترك
hambastak	ترکیب شده	turkān	ترکان
hamēnītan	ترکیب کردن	anayyārīh	ترك رفاقت
hambastan		turkistān	ترکستان
hamēnītār	ترکیب کننده	kantigr	ترکش
hamēnītak	ترکیبی	hilišnih	ترك کردگی
hambūtan	ترکیب یافتن	hilišn	ترك کردن
frāšm	ترمیم	hištan	
čārik	ترمیم کردنی	parēxtan	
taparzat	ترنجبین	parhēxtan	
taranak	تر و تازه	rēčītan	
tarūg		spōxtan	
tarūk		vitāštan	
tarun		vizārtan	
tāzak		žūtan	
xvêt		hilišnik	ترك کردنی
zargōn		apāč stāyistan	ترك مسلک
zarryōn		spēk	ترکه
zarryōnih	تر و تازگی	narm tāk	ترکه تر و تازه
ahōšišn		pasāčišn	ترکیب
tarunak	ترونک (نوعی سگ)	ham bandišn	

hūkārītan	تسلی دادن	tarōmat	ترومت (نام دیو)
vitvar	تسلی یافته	nayišnīh	ترویح
apaspārišnīh	تسلیم	tarak	تره
apaspār	تسلیم کننده	gandanāk	
tōgīh	تسویه حساب	tarih	تری
āmārēnītār	تسویه کننده حساب	tarīgīh	
hangōšītakīh	تشابه	anōš	تریاق
hūmānākīh		apiyōn	ترپاک
tašt	تشت	trītak	ترپتک (نام خاص)
tišt		tarič	تریچ (نام دیو)
tašt i zōrbarān (تشت آب زور)		-tum	ترین (پسوند صفت عالی)
tištak	تشتک	-tom	
vičārišn	تشخیص	vaxšārišn	تزاید
vičārišnīh		drōš	تزویر
vičārtakīh		frēftan	تزویر کردن
vičēhišn		ārāstakīh	تزیین
vičēnišn		barāziškīh	
vičīn		afrank	تزیین شده
vičīnišn		pistak	
vičīnītārīh		zarrēn pēsīt	تزیین شده با زر
vičīrkarīh		dēn sardārīh	تسلط دین
vičārēnītān	تشخیص دادن	dirang xvatāy	تسلط طولانی
vičēnītān		vānītān	تسلط یافتن
vičīnīhītān		vētvarīh	تسلی
vičītan		vitvarīh	
vičārtān			

tišnak	تشنه	vičīnkārih	تشخیص دهندگی
xvēšēnitārīh	تصاحب	vičīnkār	تشخیص دهنده
patkōftan	تصادم کردن	vičitār	
xvastuhīt	تصدیق شده	vizitār	
pālāyist	تصفیه	nīrang	تشریفات مذهبی
pālāyišn		hamāk dēn	تشریفات مذهبی کامل
pālūt	تصفیه شده	kartakān	
pālāyītan	تصفیه کردن	rat pasāk	تشریفات مذهبی گاهانبارها
pālūtān		hōm xvart kār	تشریفات نوشیدن هوم
ēmār vičārtār	تصفیه کننده حساب	brīh	تشعشع
dār kartīh	تصایب	brēh	
vičārišn	تصمیم	brāzišn	
vičārišnīh		būp	تشک
vičar		spās hangārtan	تشکر کردن
vičīr		dēsakōmandih	تشکل
vēčišn		dēsišnīh	
bē vičārišnīh		ham bandišn	
brīn		čīhrēnītan	تشکیل
dā tastānīh	تصمیم قانونی	pasāčišn	
dā tastān		dēsakōmandih	
dātwarīh		vināristan	تشکیل دادن
vičīr	تصمیم قضائی	dēsāk	تشکیل دهنده
vičīritan	تصمیم گرفتن	āvartākīh	تشکیل نطفه
vičārtan		brēhēnītak	تشکیل یافته
vičitār	تصمیم گیرنده	tišn	تشنگی
bē vičitār		tišnakīh	
vičīrgar		tišnīh	

yōšdāsr		ēvtākīh	تصمیم واحد و یکسان
yōšdāsrēnišnih		mēnišnih	تصور
yōšdāsgarīh		mēnišnik	تصور کردنی
yōšdāsrīh		pat ēt dāštan	تصور کردن
pišār (تطهیر با گومز پس از تماس با مرده)		angāštan	
baršnom (تطهیر کسی که دست به ناپاک زده است)			
asnōtak	تطهیر شده	pasandišn	تصویب
dahmān pālūt	تطهیر شده توسط مرد پارسا	pasandītan	تصویب کردن
dahmān yōšdāsrēnīt			
yōšdāsrkar	تطهیر کننده	nikārak	تصویر
yōšdāsgar		nigārak	
mōrvāk	تطیر	hambasānīh	بصاد
hu-mōrvāk	تطیر خوب	mūyak	تضرع
murvniš	تطیر کننده	xrōsišn	
nimūtārīh	تظاهر	zārīk	
dēn nimūtārīh	تظاهر بدین	sūtē karīh	
tarāzēnītārīh	تعادل	zādītan	تضرع کردن
afrāz	تعالی	ham kunīh	تطابق
aparīh		hangōšitakīh	
buržišnōmandīh		hūsāčakīh	
čīm	تعبیر	pasāčišn	
gōvičār		dāstastānikīh	تطابق با قانون
vičār		dastšōy kartan	تطهیر
vičārišn		frāč šōyišnih	
huzvārišn		pākēnītan	
uzvārišn		pātyāp	
zand		pātyāpīh	
		pātyāp kartan	

haxtan hāxtan	تعقیب کردن	vičārtan uzvārtan	تعبیر کردن
štāftār	تعقیب کننده	duš-vičār	تعبیر غلط
xvēšēnišn xvēših ō xvēš kartārīh	تعلق	vičārtār	تعبیر کننده
		škiftih škuftih avdih	تعجب
xvatēnitak	تعلق گرفته	marak marakihā	تعداد
čāšišn čāšišnīh	تعلیم	vasān	تعداد زیاد
andarz handarz čāštak hamōk frahang nikēž nikēžišn nikēžišnīh dēsakih čāšišnik (قابل تعلیم)		ēčand	تعدادی
		vīmand	تعریف
		vīmandik	تعریفی
		dēn nimūtārīh	تعصب دینی
		franāmišn franāmišnīh namāč niyāyišn	تعظیم
nīrang	تعلیمات مذهبی	anāmītan	تعظیم کردن
duš-āmūzišn	تعلیم بد	franāftan franāmītan namāč burtan nyāēnītan nyāītan	
čāštan frahixtan frahang kartan handarzēnitan vičistan čihēnītan	تعلیم دادن	gandakih pēšēmārīh	تعفن تعقیب دعوا

vartēnītan	تغییر دادن	āmōxtišnīh	تعلیم گرفتن
vartēnāk	تغییر دادنی	frāhīxtak	تعلیم یافته
vartišnīk		kāmišnkārih	تعمد
vihērišnīk		apāč ārāstārih	تعمیر
vartēnītār	تغییر دهنده	nisārišnīkīh	
yatak vihērih	تغییر شکل	vināristan	تعمیر کردن
gaštan	تغییر کردن	pašn	تعهد
vartītan		pardāzišn	
vaštan		patmān vinārišnīh	تعیین اندازه
vištan		pētākēnītan	تعیین کردن
vihēr-		hangārtan	
vašt	تغییر کرده	zamān kartan	تعیین وقت
vištak		zamān kartārih	
yatak vihērih	تغییر ماهیت	xvārtārih	تغذیه
franāmišn	تغییر محل	patēxvih	
hāčišn	تغییر مذهب	parvār	تغذیه شده
avartišn	تغییر ناپذیر	vartišn	تغییر
avartišnīk		vartišnīh	
amōšišnīh	تغییر ناپذیری	vartēnišn	
avartišnīh		vaštārih	
tuf	تف	vištakīh	
xayūk		vištārih	
mōrvāk	تفأل	vihērišn	
ĵatak		vartišnīk	تغییر پذیر
ĵahišn		vartišnīkīh	تغییر پذیری
hu-mōrvāk	تفأل خوب	yatak vihērih	تغییر خاصیت
tapišn	تفتگی		

asar mēnišn	تفکر ہی پایان	taft	تفہتہ
asar mēnišn	تفکر مداوم	čamišn	تفرج
vičār	تفکیک	čamītan	تفرج کردن
apar ōžih	تفوق	visāndakih	تفرق
hū-frazānakih	تفہم خوب	pargandakih zruftakih	
pardāzišn	تقبل	āsāyišn	تفریح
nikōhišn	تقبیح	āsānih	
nikōhītan	تقبیح کردن	huniyākīh	
pahlōmih artāyih	تقدس	čāštak huzvārišn nikēž	تفسیر
frāčih	تقدم	vičār	
frāčtarīh		vičārīh	
frahistih		vičārišn	
fratōmih		vizārišnīh	
pēšōpāyih		zand	
pēš-rawišnīh		zand-ākāsīh	
bayobaxt	تقدیر	pāzand	تفسیر اوستا بزبان پهلوی
bay baxtih		nikēžītan	تفسیر کردن
bagobaxt		gōkān	تفصیل
brēh		mēnitārih	تفکر
baxš		mārišn	
baxt		ōšmurišn	
baxšēnišn		ušmurišn	
dahišn		šnāsakih	
jāyišn		šnāxtārih	
jahišn			
dātak			

bačak	تقصیر	handāčišn	
bazak		pat apāyastih	
māndak			
vināsōmand	تقصیر دار	ošmāritan	تقدیر (برآورد کردن)
vitāxtan	تقطیر کردن	bagobaxt	تقدیر الهی
		bay baxtārīh	
mitōxt	تقلب	franāmišnīh	تقدیس
drōžanīh		yazītak	تقدیس شده
drōzanīh		franāftan	تقدیس کردن
drōš			
drōž		drōn yaštan	تقدیس کردن نان فطیر درون
drōžīh			
pačīpāy		gāušōdahak	تقدیس گوشت یا روغن
pačīpākīh			
ahrāđīh	تقوا	franāftan	تقدیم کردن
dahmīh		franāmītan	
kirpakīh		baxšišn	تقسیم
frārōnīh		baxtišn	
hūkartārīh		vinārišn	
raḡistakīh		hambaxšišnīh	
tarsakāsīh			
hunarāvand (با تقوا)		brīnōmand	تقسیم شده
zīk	تقویم	baxšītan	تقسیم کردن
zīč		baxšēnītan	
viḡēčēnītan	تقویم را تصحیح کردن	baxtan	
handāxtan	تقویم کردن	bahrēnītan	
		bahrak nimūtan	
tak	تک	rāđēnītan	
tāk		abrīn	تقسیم نشده

bahr	تکه	šip	تکان
bažišn		drafšitan	تکان خوردن
bak		čanditan	
brinēnak		junvitan	
karačāk		jumbitan	
kartak		larzitan	
pārak		škarvītakīh	تکان خوردگی
tāk		škarvan	تکان خوردن
kartak kartak	تکه تکه	šēp-	تکان دادن
kar	تکه تکه شدگی	tarmēnišnih	تکبر
bačak pat bačak brinītan	تکه تکه کردن	girān mēnišnih	
karrēnītan		škōh	
yut kartak	تکه مجزا	dōkān	تکرار
panāhīh	تکيه گاه	dranjēnītan	تکرار کردن
darpust gās		ōšmurtan	
tagarg	تگرگ	ušmurtan	
sangār		xvastan	
grāngān		buržišn	تکریم
takal	تگل (گوسفند جنگی)	buržišnīkīh	
kōšītārīh	تلاش	burzitan	تکریم کردن
kōšišn		buržitan	
naštakīh	تلاشی	bavandakīh	تکمیل
višōpišn		pasāxt	
tāvān	تلالی	spurrkarīh	
tōjišn		spurrikgarīh	
rāsān hamrasišnih	تلالی جاده ها	pasāxtan	تکمیل کردن
		tak	تک و دو

hamāk		taxl	تلخ
hamōk		tahl	
hamōgēn		taxlih	تلخی
hamōkēn		taxlakih	
hangartik		taxlanih	
hangart			
hanjaft		frōt mīrišnīh	تلف شدگی
harv		sānišnōmand	تلف شدنی
harvin		vany	تلف شده
pasāxt		vany būtiḥ	تلف کاری
spur		vušn kartan	تلقیح کردن
spurik		haxtan	تلقین کردن
spurrīk		hāxtan	
uspurrik		škarvītan	تلو خوردن
vāvarikān			
uspurrikīhā	تماماً	talak	تله
ēvih		marz	تماس
hamākīh	تمام بودگی	sohišn	
frajāmītan	تمام شدن	sohišnīh	
frajaft	تمام شده	āyōjītan	تماس حاصل کردن
fražaft		hamkarčakīh	تماس نزدیکی
hanjaftak		bavandak	تمام
bavandakēnītan	تمام کردن	bavandakīhā	(بطور تمام)
frajāmītan		drust	
fražaftan		druyist	
frajaftan		frēh	
hangartēnītan		ham	
hanjāmēnītan		hām	
pardāxtan			
spurrihītan			

patkar	تمثال	fražāmēnītan	
buržišnīkīh	تمجید	pat frazāmēnītan	
ostōfrīt		spurr̥gar	تمام کننده
hanjītan	تعداد عضلات	uspurrikīh	تمامی
frahang	تمدن	spurrikīh	تمامیت
varzišn	تمرین	vičārtakīh	تمایز
vinārišn		dōšišn	تمایل
afsōs	تمسخر	grāyišnīh	
afsōsgarīh		grāyastakīh	
riyahrīh		kāmisn	
čašm-kāi	تمسخر شده	kāmakōmandīh	
zuwānīh	تملق	vixāz	
čarp zuwānīh		ōnāmišn	
nāzēnakīh		mēnišnīh	
dārišn	تملک	varan	تمایل به
dārišnīh		nāirīk kāmakīh	تمایل باز دواج
dāštārīh		varan kāmakīh	تمایل به حرص و آز
xvēšīh		hūvaršt kāmakīh	تمایل به کاریگری
xvēšēnītan		grāyītan	تمایل داشتن
xvādišn	تمنا	dōšītan	
xvāhišn		ahrāyīh-franāmišnīh	تمایل داشتن به زهد
xvāstārīh		ham kāmakīh	تمایل مشترک
pāk	تمیز (پاک)	ham apāyastīh	
pākīzak		frēhbūt xvāhišnīh	تمایل مفرط
pāv			
vičēhišn	تمیز (تمایز)		
vičīn			
vičīnišn			
vičītārīh			

tumbak	تنبک	vičēnītan	تمیز دادن
tambūr	تنبور	vičīnīhītan	
tanbūr		vičīritan	
tanbūrak		vičītār	تمیز دهنده
tambūr i mas	تنبور بزرگ	pākēnītak	تمیز شده
tanbūrak	تنبورک	pākēnītan	تمیز کردن
tanbūr srāy	تنبور نواز	ruftan	
tambūrak	تنبوره	pākīh	تمیزی
		pākīzakīh	
tan bahr	تن بهر (زیبائی اندام)	vičīhītakīh	تمیز
tan brēh		tan	تن
bāristān	تن بهر رضا داده	tanbar	
asar karpak	تن بی پایان	karp	
asarak karpak		niyāpakīh	تناسب
		niyāwākīh	
ristak tan	تن بی جان	pasačakīh	
garzišnīh	تنبیه		
pātafrās		tan brēh	تناسب اندام
puhl		tanbahr	
tōjīšn		tanāpuhr	تنافور (گناه)
zanišn		anbasānīh	تناقص
drōš		viguftakīh	
srōšōčaranām	تنبیه برای گناهی خاص	hambasānīh	
puhr	تنبیه جسمانی	tan pat framān	تن بهر مان (لقب سروش)
tōjīšnīh	تنبیه شدگی	armēšt	تبل
patīt	تنبیه شدن از گناه	ašēkahān	
patēt		ašgahān	

tundih	تندی	pātafrāsēnītan	تنبيه کردن
sapūkihā (به تندی)		tōjītan	
tan ī pasēn	تن روز پسین که از گور بر می‌خیزد	drōšītan	
frōtīh	تنزل	tōjīšnōmand	تنبيه کردنى
frōt bavišnīh	تنزل مقام	pātafrāskar	تنبيه کننده
apēčakīh	تنزه	تن پسین (تنی که در رستاخیز زنده می‌شود)	
tan kartār	تن ساز	tan ī pasēn	
tansar	تنسر (نام خاص)	tan pasēn	
tōsar		tund	تند (سریع)
tanišn	تنش (تنیدن)	arvand	
vēn āwarišn barišn	تنفس	zūt	
tanuk	تنک (کم)	šapīk	
duš-čašm	تنگ چشم	šēpāk	
duš čašmīhā	تنگ چشمانه	šifarg	
škōh	تنگدستی	tāzīk	
škōhīh		raγ	
kūtak bīn	تنگ نظر	tēž	تند (تیز)
tangīh	تنگی	tēxak	
vitangīh		γarrānāk	تندر
asarak karpak	تن نخستین	tan-drust	تندرست
tanūr	تنور	tan-drustīh	تندرستی
tūn		drōt	
barēj		tandrust rawišnīh	تندرستی مداوم
brēj		tačak	تند رو
brēzan		hūravānak	
yutarīh	تنوع	frāxv raftār	
		āyōxtār	
		zibāl	

āšt	توافق	tanōmand	تنومند
āštīh		tanōmandīh	تنومندی
brātarōtīh		stūnak	تنه
patvast axvīh		dārbun	تنه درخت
hūmānīh		mātakvar	
zāk	توالد	tanīhā	تنها
zākīh		ētōm	
zāyišn		ēvāč	
pat aknēn	توام	ēvakānak (بگانه)	
gumē		ēvaktāk (بکتا)	
aknēn	توأمًا	ēvtāk	
patyuxtak	توآمان	tak	
patišīh	توام بودگی	tanē	
hamikīh	توام بودن	ēvakānīh	تنها بودگی
tuwān	توان	hilišnīh	تنها گذاشتگی
tuwānāk	توانا	hilišn	تنها گذاشتن
tuwānīk		ēvakānīh	تنهائی
patūk		viyāpānīh	
pātiyāvand		tanīk	تنی
pātaxšā		tankartīh	
kartakār		tanīkartīk	
kart kār		tanūtan	تنیدن
pātixšāy		tō	تو (ضمیر شخصی)
ōjōmand		u-t	تو (به تو، تورا)
ōžōmand		nendar	تو (داخل)
apazār		ērmēnišnīh	نواضع
sēzdēn			

tuwānistān	توانستن	šāyēn	
astēnītan		dastwar	
šāyastān		kāmākār	
šāyistān		šāyēndak	
šāyītan		andar tuwān	
tuwāngar	توانگر	ayyārītan	توانا بودن
		šāyastān	
tuwāngarih	توانگری	gōwišnōmand	توانا در سخن گفتن
tuwānkarih		hamāk afzār	توانای کل
tuwānakih		pātixšāyēnītan	توانا گردانیدن
garōmandih			
čašmakih		tuwānīh	توانایی
čašmīh		tuwānikih	
garzišn	توبه	tavih	
patēt		amāvandih	
puhl		apazār	
puhr		attōkih	
patētik	توبه‌ای	pātixšāhīh	
tōjīšn	توبه در برابر مردم	pātixšāyīh	
		ōžōmandih	
garzišnik	توبه کار	sizd	
		sēzd	
apaxših	توبه کننده گی	šāyēndakih	
patētik	توبه کننده	nērōk	
		ōj	
anapaxšāvandih	توبه ناکردنی	dast	
apatētikih	توبه ناکردن	tuxšn	
		zōhr	
anapaxšāvand	توبه ناکرده	zōr	
gōy	توپ	zūr	

srēšak		tūt bun	توت بن (درخت توت)
srēšōtak		mēnišn	توجه
šitē	توده سنگ	mārišn	
amarakān	توده مردم	nikās	
pātarm		nikāsdārīh	
pātram		nikēžišn	
sartak		nikirišn	
tūr	تور (نام خاص)	niyōxšišn	
tōj		niyōxšitārīh	
tōrāt	تورات	uskār	
tūrān	توران	gētīh nikirišnīh	توجه به امور مادی
tūr šatr	توران شهر (کشور توران)	gētīh kārīh	توجه به جهان مادی
tūr	تورانی	ōvām mēnišnīh	توجه به زمان حاضر
tōj	تودج (نام خاص)	mēnītan	توجه کردن
tūj		nikiristan	
tūr šatr	تور شهر (شهر)	nikirītan	
tūrak	تورک (نام خاص)	niyōxšišnīh	
dām	نور ماهیگیری	niyōxšītan	
tōrak	توره (شغال)	nikirišnik	توجهی
tūzišn	توزش	niyōxšitār	توجه کننده
tarāzēnitārīh	توزین	uzvārišn	توجه
tūs	توس (نام خاص)	vičārtan	توجه کردن
tūs šatr	توس شهر (شهر)	tučāp	توچاپ (نام خاص)
tōsar	توسر (نام خاص) = تنسر	kōt	توده
		kūt	
		gund	

ēstātan	تولف کردن	frāyōmandih	توسعه
mānistan		franāmišn	
mānītan		frāy dātārīh	
pātan		vaxšārīšn	
vitvarīh	توکل	sahmānak	
bāristānīh		rōwākīh	
		rawākēnītārīh	
zāyišn	تولد	vaxšēnītār	توسعه دهنده
apusīh			
tuxmakīh		rōdītan	توسعه یافتن
		rōyītan	
anazāt	تولد نشده	dušak	توشک
tūrūk	توله سگ	tūšak	توشه
tūrnak		tōšak	
zāk	تولید		
āpurišn		vīmandīk	توصیفی
zāyišnīk	تولید شده	čim	توضیح
āpurāk	تولید کننده	čimgān	
frāšm	تولید مجدد	vičārīšn	
tūmāsp	توماسپ = تهماسپ (نام خاص)	vičārīh	
tūn	تون (آتش خانه)	nikēž	
		nikēžišn	
duškām kartārīh	توهین	zand	
must		nikēžītan	ترضیح دادن
patyārēnītan	توهین کردن	nikēxtan	
tarvēnītan		vičārēnītan	
vizāstan		vičīrēnītan	
tarvēnišn	توهین کننده	paitākēnītan	
tarvēnītār		mānišn	تولف

tihik		tah	نه
hanjaft		tay	
tuhikih	تهی بودگی	tēh	
abavandak	تهی دست	bun	
driwōš (درویش)		kūn	
sāxtārih	تهیه	sarīnak	
pasāčišn		nišīn	
pasijak	تهیه شده	frōtāpik	ته آب
pasičak		druvāsp	ته تیر
pasāxtan	تهیه کردن	patēst	تهدید
rāyēnītan		patist	
ārāstan		patēstik	تهدید آمیز
vīrāstan		patēstan	تهدید کردن
mārzatan		patēstik	تهدیددی
hangēž	تهیج	tahm	تهم
hangēžihitan	تهیج شدن	taxm	
dār	تیر (تنه درخت)	tahmak	
fras		tūmāsp	تهماسپ (نام خاص)
frasp		tahmāspān	تهماسپان (نام خاندانی)
tigr	تیر (سلاح)	spazgīh	تهمت
tīr		spazg	تهمت زن
pēkān		tahmūrit	تهمورث (نام خاص)
sar		taxmūrit	
vindak		tahmūrap	
dūzēnak		taxmūrap	
tīr	تیر (ماه)	tuhik	تهی
		tahik	

tēz	تیز	vēstan	تیر انداختن
tēž		vistan	
tigr		vištan	
tīr		zam-	
tēx		vēstār	تیر انداز
tēxak		vindak	
tund			
burāk		kamānvarīh	تیر اندازی
hamāk doisr	تیز بین	vēstan	تیر اندازی کردن
bēvar čašmīh	تیز بینی	fras	تیر حمال (برای نگاه داشتن سقف یاد یوار)
tēz dandān	تیز دندان	frasp	
frāxv raftār	تیز رفتار	kantigr	تیر دان
tēz sōčāk	تیز سوز	tigrayāp	تیر رس
dānāk hōšīh	تیز هوشی	tīr māh	تیر ماه
dānāk ōšīh			
frāxv hōšīh		tīr māhak	تیر ماهی (منسوب به تیر ماه)
dūr hūvīrīh (تیز هوشی بسیار)			
tēzīh	تیزی	tērak	تیره
tēh		tārīk	
		nēm tansrak	
tīsīfon	تیسفون (شهر)	hōšēnāk	(دود آلود)
tištar	تیشتار (نام ایزد و ستاره)	tīrak i harburz	تیره البرز (قله البرز)
tīšak	تیشه	tērak i alburz	
kimār	تیغ (خار)	dafr	تیره رنگ
tēy	تیغ	vat baxt	تیره روز
tēx		tīrak	تیره کوه
tēh		tērak	
tīk		parvār	تیری که برای پوشش بام بکار میرود

āzātīh	تبول	ustarak	تبع مرتراشی
tihūk	تبهر	awistarak	
tihūk i spēt dumbak	تبهری سپید دم	tēhak	تبه
spēt dumbak		tēr	
tīhūk i sūr parrak	تبهری سرخ پر	tēmār	تیمار
		tīmār	

ث

ēstišnīh		stēnīk	ثابت
ōstakīh		avartišnīk	
ōstikānīh		drang	
awistwārīh		xvastuhīt	ثابت شده
rōčvart (بی ثبات)			
zangīh	ثبات قدم	astovān	ثابت قدم
		astuvān	
mart astišnīh	ثبات قدم مرد	avartāk	
daxšakīh	ثروت	hangōmand	
		xōrtāk	
hastak	ثروت	ditīkar	ثانوی
hīr			
hēr		amōšišnīh	ثبات
hērīh		amūtakīh	
išt		asačišnīh	
rēxn		astīšnīh	
čašmakīh		avartišn	
hangatīh		avartišnīh	

hačišik	ثمره	grāmak	
āfrīnītan	ثنا گفتن	xvāstak	
āfrīn gōvišnīh	ثنا گوئی	xvāstakīh	
dōih	ثنویت	tuwānikīh	
dōkānakīh		tuwāngarih	
kirpak	ثواب	hast hēr	ثروتمند
kirpak mēnišnīh (نیت کار ثواب داشتن)		tuwān hēr	
rōšnān	ثوابت	hangat	
kirpakar	ثواب کار	ātāv	
kirpakgar		tuwānik	
kirpakkar		tuwānkar	
kirpakōmand		afzārōmand	
hūvaršt varzītār		vas xvāstak	
kirpakīh	ثواب کاری	vas afzār	
kirpakgarīh		xvayāpak	
kirpakkarīh		ātāvīh	ثروت مندی
kirpak varzītārīh		vas xvāstakīh	
kirpakgar	ثوابگر	parvič	ثریا
huxt	ثواب گفتار نیک	mēvak	ثمر
hāvand kirpakīh	ثواب همانند داشتن	hūdahak	ثمر بخش
hūvaršt	ثوابی که از کار نیک حاصل شود	hūdahāk	
		hūdāhakīh	ثمر بخشی

ج

appār	جابجا شده	gēvāk	جا
ōgārtan	جابجا کردن	giyāk	
avistātan	جا دادن	ĵivāk	
yātūk	جادو	viyāk	
yātūkīhā	جادوانه	gāh	
yātūk	جادوگر	gās	
kēt		aspanĵ	
kundāk		bunak	
yātūkīhā	جادوگران	taxt	
yātūkīh	جادوگری	stān	
parīkīh		mān	
kētīkīh		katak	
kundākīh		mānīh	
yātūkīh	جادوئی	nisastak	
rās	جاده	uišastak	
vitarak		čār	
		dān	
		apparīh	جابجا شدگی

fravēnītan	جاری گرداندن	vitar	
tačēnītan		vitarg	
tāzēnītan		vitark	
		sra	
afd	جانب	sratak	
awd		vitarg	جادهٔ باریکی
awdih	جانب بودن	xvast	جادهٔ کوفته شده
ĵām	جام	āhanĵak	جاذبه
ĵāmak		gēvāk rōp	جاروب
yām		gyāk rōp	
yāmak		rōwāk	جاری
paygāl		tačan	
ĵāmāsp	جاماسپ (نام خاص)	tačak	
paygāl-gar	جام ساز	tazāk	
mazdayastān	جامعه زرتشتی	tačišnīh	جاری بودگی
hangartīkih	جامعیت	rōwākēnītan	جاری ساختن
yāmak	جامه	taxtišnīh	جاری شدگی
brāhm		tazišnīh	
brāhmak		tačītan	جاری شدن
ĵāmak		tazītan	
patmōčan		tāxtan	
patmōk		taxtan	
varr		sačītan	
vastar		fravītan	
vistarg		rēxtan	
vrahmak		tačišn	جاری شدن آب
tanĵāmak	جامهٔ تن	nīdvārišn	جاری شدن بسوی پائین

mar	جانی (تبه کار)	jān	جان
rīftak		gān	
riptak		gyān	
jānik	جانی (مربوط به جان)	uštān	
gyānik		vaxš	
anōšak xvatāyih	جاودان خدایی	jān dārišn	جاندار
anōš husrav	جاوید خسرو (نام خاص)	jānvar	
yāvētak	جاودانه	jānavar	
akanārak zamānihā		jānōmand	
yāvētānak	جاودانی	uštānōmand	
asar		vaxšōmand	
dagr pattāy		gyānwar	
hamāyīkih	جاودانی بودن	gayōmart	جاندار میرا (کیوسرث)
hamākihā ēstišn		uštānih	جانداري
yāvētānakān	جاودانیان	jānih	جان داشتگی
spanjānakih	جا و مسکن دادن بکسی	jān bē šavišnih	جان رفتگی
yāvēt	جاوید	jān apaspār	جان سپار
yāvēt	جاویدان	gyān apaspār	
jāvitān		jān apaspāragihā	جان سپاران
yāvētān		kanišn i jān	جان کندن
anōš		gyān kantan	
hamāyik		jānōmand	جانمند
anōš ruwānih	جاویدان بودن روان	jānik dāštār	جان نگهدار
adān	جاهل	jānvar	جانور
vat xrat		jānavar	
adānihā	جاهلان	gyānwar	

myazd-gās	جای فدیه	āpdān	جای آب
frahangistān	جای فرهنگ و آموزش	pasišn	جای آرامش
dātihā gās	جای قانونی	aspastān	جای اسب
hūvaršt gās	جای کردار نیک	dīwān	جای اسناد و نوشته‌ها
pahastān	جای گاو و گوسفند	māništ	جای اقامت
hadiš	جایگاه	ōstak	جای امن
ēstišn		hūmat gās	جای اندیشه نیک
pāyakih		barsamdān	جای برسم
mustāpāt	جایگاه خوش	gōband	جای بستن گاو
starpāyak	جایگاه ستارگان	pātyāp dān	جای پادیاپ
masēnitan	جای گرفتن	kartak mān	جای پرستش
māndan	جای گزیدن	kānakih	جای حضر شده
pahast	جای گله و رمه	vistarak	جای خواب
vīm	جای گود و عمیق	mānēnitan	جای دادن
mānēnišn	جای گیری	nišāntan	
viškar	جای متروک	nikandan	جای دادن در چیزی
gōšak	جای مجزا	giyākōmand	جای دار
dātihā gās	جای مخصوص	kumand	
farraxvān gās	جای مردان فرمند در بهشت	giyākōmandih	جای داری
āvahan	جای مستحکم	drūjōk tmān	جای دروغ
darpust gās		rāmišn mānišn	جای رامش
giyākōmandih	جایمندی	jānakān	جای روح
mēnōk gēvākīh	جای مینویان	rawāk	جایز
gēvāk i nišast	جای نشست	ōštaristān	جای شتران

apāyastak	جبری (مقدر، بایسته)	nišast	جای نشستن
stahmak	جبری (ستمگرانه)	nišēm	
stahmbak		āšyān	
niyāk	جد	gōband	جای نگهداری چارپایان اهلی
čardār (برای موجودات اهریمنی)		dipiwān	جای نگهداری نوشته‌ها (دیوان)
yutāk	جدا	mēdān	جای وسیع
yut		dātgās	جای وقفی
yut kust		gēvākīhā	جای‌ها
vičāarak		ēsmdān	جای هیزم
yut	جدا از	ēzmdān	
yut-ič hač		aspanj	جایی که به‌همان می‌دهند
parōn		nipast	جایی که چیزی در آن نهاده شده
yut framān	جدا از مذهب	garānmān	جبار
yut vastarīh	جدا بستری	sāstār	
yutīh	جدا بودگی	sāstārīh	جباری
yuttar	جداتر	barzān	جبال بارز (محل)
yut yut	جدا جدا	stahmakīh	جبر
yut ristakīh	جدادینی	baxš rawišnīh (جبر آسمانی)	
vičīhistan	جدا شدن	čāarak	جبران
vičīhītan		tōjīšn	
vičīhišnīh	جدا کردگی	tāvān	
yutākēnītan	جدا کردن	tūzišn	
visastan		tōjīšnōmandīh	جبران شدگی
visāndan		tōjītan	جبران کردن
vičārtan		puhlēnītan	جبران گناه کردن
vičītan		puhlistan	
vēxtan			

xrōčditom	جدی تر	yut kēš	جدا کیش (کسی که کیش دیگری دارد)
ayyāritan	جرات کردن	yut gōhr	جدا گوهر
āzār	جراح	hamēstārih	جدال
gazišn		stēžak	
rēš		kōxšišn	
rēškēnih		kuxšišn	
vixrūnih			جدانهادی (کسی که سرشت دیگری دارد)
karēnišn	جراحی	yut nihātakīh	
karēnišnih		yutākīh	جدایی
xvar	جره [*] آتش	anahamīh	
xvarg		vičār	
bazakīh	جرم	viškinišn	
āstārēnītan	جرم کردن (سبب جرم شدن)	vičārišn	
rēčišn	جریان	vičārtakīh	
rēčišnih		vičihītakīh	
rōwišnih		vičihīšnih	
rōwākīh		visānišn	
taxtišnih		visānišnih	
tačišn		rāy	جد وجهد
tazišn		zič	جدول نجومی
tazišnih		niyāki	جده
āp-tačan	جریان آب	mātišt	جده [*] مادری
āšixtan	جریان داشتن	vahīk	جدی
nihvārišn	جریان شدید آب	garmōk	جدی
bavišn ravišnih	جریان هستی	xōrtāk	
		saxt	

nasāk		bēšēnītan	جریمه دار کردن
nasāy		tāvān	جریمه
ristak		yut	جز
murtak	جسد بیجان	ōkār	جزر دریا
rist		gazīrak	جزیره
kālpāt	جسم	gazītak	جزیه
karp		tarmēnišnih	جسارت
astōmandihā	جسماً	jōyišn	جستجو
astōmand	جسمانی	vičōdišn	
tankart		vičustārīh	
tankartik		jōyišnih	جستجو کردن
tankartihā (بطور جسمانی)		vijustan	
tankartih	جسمانی بودن	vičustan	
tankartakih		viḡuyīhītan	
astōmandih	جسمانیت	tūxtan	
astōmandih	جسم داشتگی	zādītan	
karp	جسم مرده	zastan	
ristak		vičustār	جستجو کننده
nasā		xvāstār	
nasāk		jahītan	جستن
nasāy		jastan	
tanīk	جسمی	ōjītan	
tanōmandih	جسمیت	jahišn	جست و خیز
tanōmand	جسم	jastak	جسته
pat tanōmand		kālpāt	جسد
sūr	جشن	nasā	
yasn			

juftan	جفت شدن	bazm	
mutfan kartan	جفت شدن (زن وشوهر)	jašn	
masēnitan	جفت گردیدن	xvaran	
juftan	جفت گیری	harvdāt sūr	جشن خرداد
māyūt		vayōtakān	جشن عروسی
marzišn		sūr	جشن مذهبی
juftan	جفت گیری کردن	mitragān	جشن مهرگان
jaḡar	جگر	hōm sūr	جشنی که برای تقدیس هوم گرفته می شود
jaḡar		kipōt	جعبه
sušik		kiwōt	
suš	جگر سفید	tapangōk	
sušak		dārūk dān	جعبه جای دارو
mālitan	جلادادن	jāfar	جعفر (ابومنصور خلیفه)
mālītārih	جلادهندگی	hamē vahār	جعفری (گل همیشه بهار)
aparīh	جلال	guhvart	جمل
burzēnākīh		guh gartak	
buržākīh		vahūman mur	جغد
buržišnōmandih		puš	
škōd		būf	
škōdišn		dōān	جفت
škōh		dōkān	
hūškōhīh		dōkānak	
varč		dvāt	
varj		yuxt	
xvarr		yuxtak	
xvarrah		mutfan	جفت (زن وشوهر)
hanjaman	جله		

yim	جم	gawr	جلگہ
yam		vēs	
jam		pēš	جلو
hamgomēčišnih	جماع	nazd	
vālan	جماعت	handēmān	
hūčihrih	جمال	frāč barišnih	جلو بری
mastarg	جمعہ	frāčtar	جلوتر
mastōrg		pēštar	
yimšēt	جم در محشان	pēštar	
yimšēt	جمشید	frāčtōm	جلوترین
jamšēt		frajastan	جلو جستن
yim		patrōtan	جلو دویدن
yam		nayitan	جلو راندن
jam		frāčitan	جلو رفتن
yamīkih	جمشیدی	frāč raftan	
harōpišn	جمع آوری	frāč franāftan	
hamdahišnih		frāč rasitan	
girt āmatan	جمع شدن	frāč tačitan (بجلو روان شدن)	
srēšōtak	جمع شده (تودهٔ مجتمع)	frāč tačak	جلو رونده
apākēnitan	جمع کردن	apāč astišnih	جلو گیری
hamdātan		pahrēč	
hambārišn		pahrēxtan	جلو گیری کردن
hanbārišn		patirānēnitan	
hambārītan		patērānitan	
handōxtan		āšēhitan	جلوی کسی آوردن
girt kartan		barēn	جلیل
sārēnitan		buržišnōmand	
vāčinitan (دانه جمع کردن)		burzōk	

žumbišn	جنبش	amarakān	جمعیت
čandišn		ram	
žumbākīh		anbūh	
ēvarz		vālan	
vāz		žamak	جمک (نام خاص)
yumbišnīh	جنبش ستارگان		جمکرت (پناهگاه جمشید در برابر زمستان بسیار سرد)
žumbākīh	جنبندگی	yamkart	
larzītan	جنبیدن	yamikart	
candītan		žamkart	
žandēnītan		sahmān	جمله
žandītan		vāčak	
žumbītan		vāžak	
žunvītan		vāčak zaspān	جمله غلط
žumbīhastan		yimak	جمه (نام خواهر جمشید)
vandōi-šāhpuhr	جندی شاپور (شهر)	rīftakīh	جنایت
sardak	جنس	žumbākīh	جنبایکی
saredak		žumbišnīk	جنبان
sartak		vizandak	
advēnak		čandēnītan	جنباندن
daxšak		žandīnēnītan	
		žandēnītan	
martōm čīhrak	جنس انسان	frāč šānītan	
martōmīh		žumbēnēnītan	
žang	جنگ	žundēnēnītan	
razm		žumbīhastan	جنبانده شدن
pātrazm		žumbāk	جنباننده
napart			
nipart			
artik			

razmīk		artgarīh	
ēraxtār		artīkgarīh	
artīkarīh	جنگجویی	artīkkarīh	
artīkkarīh		artīk kunišnīh	
artīkgarīh		hamēstārīh	
razūr	جنگل	hamrānīh	
razvar		kār	
van		kārān	
vēšak		kārēčār	
vīšak		kāričār	
dašt		kōšītārīh	
vēšakīk	جنگلی	kōšišn	
kārnāmak	جنگنامه	kōšišnīh	
ratēštārīh	جنگندگی	kōxšišn	
kōxšāk	جنگنده	kōxšītārīh	
kōxšītār		kūšišn	
ēraxtār		kuxšišn	
ham nipartīh	جنگ و ستیز	razmīk	جنگاور
kārik	جنگی	gund	
kōxšāk		kōxšišnōmand	
kōxšišnīk		artēštārīh	جنگاوری
ēraxtār		artīk kunišnīh	
kōxšītan	جنگیدن	hunar	
purītan		ham kōxšišn	جنگ تن بدن
purtan		ham nipartīh	
ayōjītan		ham rānīh	
ēraxtan		artištār	جنگجو
stēžītan		artēštār	
rapiswin	جنوب	gurt	
rapitwin		ratēštār	

puṛnāy		rapitfak	جنوبی
rahik		rapitwintar	
taranak		daštak	جنین
tarūk		gawr	
tarūg		zahak	
gōšn			
gušn		جنین افگن (امری که موجب سقط جنین شود)	
masātar	جوان بالغ	tačišnōmand	
kēhist	جوانترین	nasā	جنین سقط شده
zahāk		višūtak	جنین سقط شده اهریمن
rāt	جوانمرد	vāi	جو
arvand		andar vāy	
rātih	جوانمردی	yav	جو
āzāt martih		jav	
arvandih		šē	
apurnāy	جوان نابالغ	pasaxv	جواب
spik	جوانه درخت	patvāč	
kūyak (كوك دراصنهای)		patvāčak	
spiz -	جوانه زدن	patvāčišn	
spizišn	جوانه زنی	patvāčik	
gōhrīk	جواهر نشان	pasaxvēnitan	جواب دادن
pistak		pasaxv guftan	
juvānīh	جوانی	patvāč guftan	
yuvānīh		dūyitan	جواب دادن (اهریمنی)
puṛnāyih		gawāl	جوال
gušnīh		juwāl	
rahikīh		yuvān	جوان
rasikīh		juvān	

ǰūlāhak	جولاهه	rētak	جوانی که هنوز موی بررویش نروئیده
gōhr	جوهر	ǰubār	جوبار (محلّی در کرمان)
mātak		gōbār	جوباره (محلّه اصفهان)
uruspar		kark	جوجه
ham bunih	جوهر اصلی	karg	
pat gōhr	جوهر دار	murvičak	
ham bunih	جوهر ذاتی	zūzak	جوجه تیغی
stih	جوهر هستی	žūzak	
ǰōy	جوی آب	xūgarak	
yōy		xūkarak	
ǰōb		murvičak	جوجه مرغ
katas		rātih	جود
rag		šak	جو دوسر
xān		artaxšēr xvarrah	جور (شهر گور)
ǰōyišn	جویدگی	must	جور
ǰōyītan	جویدن	gōz	جوز (گوز، گردو)
ǰūtan		gōz i hindūk	جوز هندی
žūtan	جویده سخن گفتن	ǰōšān	جوشان
ǰōyītan		xšartēnītan	جوشاندن
dandītan		ayārtēnītan	
nikun āb	جوی سراسیمه	xšartēnītak	جوشانده شده
ǰōyišn	جویش	ayārtītan	جوشیدن
ǰōyišnih	جویشی	xšartēnītak	جوشیده
ǰawēn	جوین	yavāzan	جو کوب
ahu	جهان	yavāzam	
axv			
axvān			

gētāik (این جهانی)		gēhān	
gētāhik (این جهانی)		gētih	
amarakānik	جهانی (عمومی)	gētik	
		hām kišvar	
gēhānigān	جهانیان	ras (چرخ فلک)	
		spāš	
ārak	جهت	stī (جهان هستی)	
dašn		stih ~	
kust		gētihīhā (بطریق این جهانی)	
rōn			
ōrōn		gētāh ārāy	جهان آرا
ōrōn (طرف)		tamikān	جهان اهریمنی
rāy (بجهت)		dušaxv	جهان بد
apāxtarōn	جهت شمالی	gēhān virāy	جهان پیرای
tarist	جهت مخالف	axv i astōmand	جهان عاکی
niyāw	جهت کننده	ōrōn (در این جهان خاکی)	
niyāp		gēhān-dār	جهاندار
zarham	جهرم (شهر)	gēhān i kōtak	جهان صغیر
jahišn	جهش	asar tārikih	جهان قلمرو اهریمن
vāz		axv i astōmand	جهان مادی
adānakih	جهل	gētāh	
dušākāsih		šahr i mēnōk	جهان مینوی
dušdānākih		axvik	جهانی
šapāk	جهنده	axvānik	
		gēhānik	
dušaxv	جهنم	gētīkik	

ĵastak	جهيده	ērāxt	جهنمی
ĵastīhā (بطور جهيده)		ērāxtak	
dahič	جهيز	yahūt	جهود
kāwēn		ĵahītan	جهیدن
gai	جی (شهر اصفهان دردوران کهن)	ĵastan	
		šaspītan	

چ

čatrušvātak	چارک (چهار یک)	čāpuk	چاپک
čār	چاره	āsān pāy vartak	
čārak		zēnāvandihā	چابکانه
darmān		čāpuk sačišn	چاپک رفتار
darmānih		čāpukih	چابکی
čārak vēnih	چاره بینی	čātur	چادر
čārik	چاره پذیر	viyān	چادر (خیمه)
frāxv čārih	چاره داشتن	čahār pāδ čahār pāy čārpāy	چارپا
čārak kartārih	چاره کرداری		
čārak kartan	چاره کردن	čahār pāy dār	چارپادار
čārak kunišnihā	چاره گزاف	gāw	چارپای اهلی
čārak kunišnihā	چاره گزاف	gōspand	چارپای کوچک اهلی
čārak garih	چاره گری		

xānak		čārōmandīhā	چاره‌مندانه
āp xānik	چاه آب	čārōmandih	چاره‌مندی
āpān xān		čāšt	چاشت
xānik		čāštak	چاشته (غذا)
čāhik	چاهی	čāšnik	چاشنی (ادویه‌ای که به غذا می‌زنند)
hōi	چپ	farpih	چاق
hōy		frapih	
hōyak		pīh	چاق (در مورد حیوان)
hōyak (طرف چپ)		kārt	چاقو
čaxšnūš	چخش‌نوش (نام خاص)	čilānkar	چاقو ساز
čixšnūš		unān	چاک
čašniš		unak	
čarak	چرا (چریدن)	čakar	چاکر
čē	چرا	ērmān	
čē rāy		rasik	
čim		rahik (رهی)	
čarāy	چراغ	čakar zan	چاکر زن (زن غیر اصلی)
cirāy		šēpāk	چالاک
čarak	چراگاه	gubrāk	
gāvyōt		tuxšākīh	چالاک‌ی
gōyot		tuxšišn	
vāsān		tuxšākēnitan	چالاک‌ی کردن
vāstar		čāh	چاله
vāstr		may	
apaxvar		zanak	چانه
pat xvar		čāh	چاه
pur vāstarih (پر چراگاهی)		xān	
frahē-gōyot	چراگاه وسیع		
frāxv gōyot			

gartišn	چرخش	frāy gōyot (دارنده چراگاههای فراخ)	
karxōš	چرخشت	carp	چرب
čaxrak	چرخه	rōrnīk	
gartitan	چرخیدن	carp ēvāčih	چرب آوازی
vartitan		čarp zuwānih	چرب زبانی
vaštan		zuwānih	
mang	چرم	čarpīhōmand	چرب مند
mūzg	چرك	čarpišnōmand	
rīm		čarpīh	چربی
čirkēn	چرکین	pīh	
āhīt		pihv	
čarm	چرم	pīm	
saxtak	چرم بز	čarpišnōmand	چربی دار
pōstkarīh	چرم سازی	čarpīhōmand	
mēš-sar	چرم میش	čarpišnōmand	چربی و بخونی که از جسد مرده بیرون می آید
mēš-sār		čaxr	چرخ
čarmēn	چرمین	vartēn	
dōs	چوب	ras	
dōsēn	چوبناک	ras	چرخ (فلک)
dūsin		gartānak	چرخ آبکشی از چاه
hambast	چوبیده به هم	gartīnāk	
hamkust		gartānistān	چرخاندن
gubrāk	چست	gartānītan	
čaxšākīh	چشائی	vāštan	
čaxšišn	چشش	vartānītak	چرخانیده
čašm	چشم	tanišn	چرخ زدن
dōisr		tanītan	

āp xān	چشمه آب	aš	چشم (برای سوجودات اهریمنی)
āp xānik		čašmihā	چشم (بروی چشم، فرمانبردارانه)
xānik	چشمه ای	čašm i vātām advēn	چشم بادامگون
čašitan	چشیدن	vat nigaritārih	چشم بد
mičētan		mēčitan	چشم برهم زدن
mizitan		nikērāy	چشم بمال دیگری دارنده
چشیدن غذائی که در تشریفات مذهبی آماده می شود		duš-čašmih	چشم تنگی
čāšnik		dōisr	چشم دل
čēgōn	چطور	hamāk dōisr	چشم دل (دارای چشم دل)
čigōn		čašm dīt	چشم دید
čand	چقدر	vohuman čašm	چشم ذهن
hand		mēčišn	چشمک
čakāt	چکاد (نوک، قله)	čašm mēčišn	
čikāmak	چکامه	čišmak	چشمک (نام خاص)
pašančitan	چکاندن آب	mēčitan	چشمک زدن (مژه برهم زدن)
čakā	چکاوک	čašmak	چشم کوچک
čakōk		čašmgāh	چشم گاه
čakar zan	چکر زن (زن غیر اصلی)	āpān xān	چشمه
zan i čagar		āpxvar	(آبخور)
čakōč	چکش	čāh	
kōpēn		čašmak	
kūtinak		xān	
patak	چکش آهنگران	xānak	
srišk	چکه	xānik	
šāmak		zahāpak	
pašang	چکیدن آب	zrēh	

ōyōn čēgōn	چنان چون	čēgōnīh	جگونی
ētōnīhītan	چنان شدن	čēih	
ētōnīhītan	چنان کردن	čīgōn	جگونه
ōyōnīhītan		parastūk	چلچله
ētōnīh	چنانی	čilānkar	چلنگر
ōyōnīhītan	چنانیدن	targōn	چلیپاوار
čambar vāčīk (نوعی بازی است)	چمبر بازی	vazr	چماق
and	چند	varz	
hand		gat	
čand		gad	
ēv-čand (یک چند)		gatvar	چماق دار
čandān	چندان	gat zanišnīh	چماق زنی
čand-hān		hūčamakīh	چم چیزی را خوب در دست داشتن
čand	چندانکه	čamišn	چمش
čandišn	چندش	marv	چمن
candēnītan	چندش آوردن	murv	
čandīh	چندی	vāstr	چمنزار
ē-čand		vāstar	
ēv-čand		čarnītan	چمیدن
čandtōm	چندین	ham čamišnīh (با هم چمیدن)	
ēv-čand		činār	چنار (درخت)
čang	چنگ (آلت موسیقی)	ētōn	چنان
kennār		ō(h)	
čang srāy	چنگ نواز	ētōn-tar	چنان تر
vin srāy			
kennār srāy			

dārēn	چوبی	ēton	چنین
چوبی دارای پنج گره که در مراسم تغسیل بکار می رود		ōron	
grēh		ō(h)	
šapān	چوپان	ētōn-tar	چنین تر
šupān		vahmān	چنین و چندان
čōpakān	چوگان	ētōnih	چنینی
čōpīgān		čōp	چوب
čōpakān hūšnās	چوگان باز ماهر	dār	
čōl	چول (شهر)	graw (عصا)	
čōl xākān	چول خاقان (نام خاص)	dār parniyān	چوب بقم
čēgōn	چون	dār vāčik	چوب بازی
ka		čōp	چوب دست
ka-šān	چون ایشان	چوب دست پیشوایان مذهبی برای تنبیه بدنی گناهکاران	
ka-šān	چونشان	srōšōčaranām	
čē	چه	čōpīčak	چوب دست کوچک
kad		māryan	چوب دست موبدان
katār		چوب دستی که با آن حیوانات مضررا می کشند	
čahār	چهار	xrafstargan	
časrūšāmrūt	چهاربار تکرار شده (سرود)	mārgan	چوب دستی که با آن مار را می کشند
časrūšāmrūtīk		ēsm	چوب سوزاندنی
čatrūšāmrūt		ēzm	
čahār buxt	چهار بوخت (نام خاص)	tir	چوبه تیر
čahār pāδ	چهار پای	čōpak	
cahār pāy		dār	چوبه دار
čahārvāk		hūkart	چوب هو کرت (نام چوب خوشبوئی است)
čārvāk		hūgōn	چوب هوگون (نام چوبی است خوشبو)

čih̄r āzāt	چهر آزاد (نام خاص)	čahār zang	
čih̄r	چهره	čahār pāyān	چهار پایان
čih̄rak		pah	چهار پای اهلی
rōḡ		pasē	
rōy		pasvik	
katāmčē	چه کسی	čahārīn	چهارتا
katām		čahār dah	چهارده
čahal	چهل (عدد)	čahār dahōm	چهاردهم
čahil		rāsān hamrasišnīh	چهار راه
čihil		čahār sūk	چهار سو
kaḡ	چه وقت	čahār šumbat	چهارشنبه
	چیندر دات نسک (یکی از نسک های اوستا)	čahār sat	چهار صد
čitrdāt mātīgān	چیچست (دریاچه)	čahār gōš	چهار گوش
čēčist	چیدن	čahār gōšak	
čēnišn		čahār sūk	
čīnītan		čatrang	
čītan	چیده	čahār gōšak	چهار گوشه
čītak	چیده شده بر روی هم	čahār gōšīh	چهار گوشه
čītāk	چیر	čahārōm	چهارم
čēr	چیرگی	čahār māhak	چهار ماهه
apar ōžīh		čahār ēvak	چهار یک
čīrīh		čatrušvātak	
čīr	چیره	čitr	چهر
čēr		čih̄r	
apar ōž			
čērīhastan	چیره شدن		
čērīh	چیری		
čīrīh			

-čīn	چینده	čīš	چیز
čandvar	چینوت پل	čīšān	چیزها
čyān vitarg		čīš-ič	چیزی
čin vitarg		ahrav-dāt	چیزی که به پارسایان دهند
činvar		kirtak	چیستان (معما)
činēvar		čin	چین (سرزمین)
činvat pōhl		činastān	
činvad pōhl		sīn dēh	
činak	چینه	činastān	چینستان
činik	چینی	čenišn	چینش
sīnigān	چینیان	čīnišn	

ح

bar	حاصل	handēmāngar	حاجب
mar	حاصل جمع	darik pat	حاجب دربار
tahēkār		dar handarzpat	
vālišn dahišnih	حاصل بخیزی دادن	niyāz	حاجت
vinārtan	حاصل دادن	niyāzak	
vinārtak	حاصل شده	must	
xvatēnītak		niyāzān	حاجتمند
vinḍātan	حاصل کردن	mustōmand	
vindītan		arišk kāmakihā	حاشدانه
handēmān	حاضر	nakirāyih	حاشا
nikās dāštār	حافظ	nakirāy	حاشا کننده
ḵānik dāštār	حافظ جان	karānak	حاشه
wyāt	حافظه	kustakih	
ayyāt		parrak	

mānsr-barīh	حامل کلام مقدس بودن	awyātakīh	
vaxš burtārīh		ayāt	
pusōmand	حامله	hōš	
tan burtār		hērōk	
zahakōmand		kīrūk	
	حامله بودن (برای موجودات اهریمنی)	kīrūkih	
hunušakēnitan		daxšak	
panāh	حامی	mānak	
panāhk		vīr	
pānak		varm	
pāspān		vīrōmandīh	حافظه داری
pāspānēnītār		matakīh	حافظه داشتن
pātār		framātār	حاکم
ōbarišn	حاوی	framān pat	
xūnōmand	حائض	marzpān	
daštānōmand		šatr-dār	
		rāyēnāk	
zurtāk	حبوب	dātwarīh	حاکمیت
žurtāk		nūn	حالا
žurtāi		ōknū	
yurtāk		astišn	حالت
ēvarīk	حنمی	astišnih	
-č	حنی	ragīh	
-ič		žatak	
ham bun-ič	حنی اندکی	burtār	حامل
pat-ič	حنی برای	dāštār	
čiš-ič	حنی چیزی	mānsr-bar	حامل پیام آسمانی
		mānsrōbar	

kustakīhā	حدود	ēvak-ič	حنی یکی
mayānak	حد وسط	partak	حجاب
dāštan	حذر کردن	nihān xēmih	حجب
rānēnītan	حذف کردن	tan	حجم
bānūy	حرارت	andāčak	حد (اندازه)
garmih		sāmānak	
rōspik zātak	حر امتزاده	patmānak	
āz	حرص	kanār	حد (مرز)
āzvarih		karān	
ruzdih		kiš	
apatmān dārišnīh		sahmān	
xvāstak kāmākīh	حرص مال اندوزی	sāmān	
vāč	حرف	sāmānak	
vaxš		vīmand	
guftan	حرف زدن	kamist	حد اقل
dūyītan		kasist	
vāčišnīh		nītōm	
drāyītan	حرف زدن (اهریمنی)	kamistih	حد اقل بودگی
duš gōwišn	حرف زشت	vēšist	حد اکثر
pāt uzvānīh	حرف زیاد و بیهوده نزدن	frahist	
niyōxšītār	حرف شنو	čandtōm	
saxvan niyōšišnīh	حرف شنوی	vēšastih	حد اکثر بودن
rōwišn	حرکت	tuwān sāmānīhā	حد امکان (به حد امکان)
rōwišnīh		tuwān sāmānīhā	حد توانائی (تا حد توانائی)
rawišn		miyānak	حد فاصل
		miyānjak	
		miyāncik	

ēvarzītan	حرکت کردن	rawišnīh	
franāftan		ēvarz	
ĵandēnītan		čandišn	
ĵandītan		ĵumbišn	
ĵumbītan		tačišn	
ĵunvītan		tazišn	
rōwtan		vāz	
tačītan		vihečak	
vazītan		viherišn	
viheč-		nisuwārišn (حرکت بسوی پائین)	
viher-		vihečakīk (قابل حرکت)	
vihez- (حرکت کردن به پیش)			
xvēš rawišnīh	حرکت ناگهانی و خود بخودی	ĵandinēnītan	حرکت دادن
vihečakīk	حرکتی	ĵumbēnītan	
āzarm	حرمت	rāḡēnītan	
āzarmišn		rāyēnītan	
burz		vihečēnītan	
burž		tāzēnītan	
buržākīh		vēxtan	
		ĵandēnītan (بحرکت آوردن)	
		rāntan (بحرکت آوردن)	
šapistān	حرم سرا	hamē rawišnīhā	حرکت دائم
šapistānīk	حرم سرانی	spāh rawišt	حرکت سپاه
parnikān	حریر منقش	viheč	حرکت ستارگان
āzvar	حریر ص	yumbišnīh	
ruzd		ĵumbišnīk	حرکت کردنی
ruzdak		viherišnīk	
āz-kāmak			
varanīk		hamē hamē rawišnīh	حرکت دایم زمان

araškīh	حسادت	hamēmāl	حریف
duš-čašmīh		hamēstār	
varanīkīh		bōy	حس
nāzūk	حساس	bōδ	
snahišnik		sōhišn	
sōhišnik			
mārāk		āmār	حساب
snahōmand		hamār	
snahišn	حساسیت	hamārišn	
snahōmandīh		mar	
vēnišnīh	حس با صره	marak	
čaxšākīh	حس چشیدن	mārišn	
xrat afzār	حس خورد	ōšmār	
arišk kāmākīh	حسد	ōšmārak	
ariškīh		āmārišnīh	
mūlit		tōgīh	
varan		hangārak	
kēn		āmārēnītār	حساب دار
kēnēnitan	حسد ورزیدن	amargar	
sōhišnik	حس شدنی	āmārgar	
hunar afzār	حس فضیلت	amarōmand	
mārtan	حس کردن	mardār	
snahišnik	حس کردنی	āmārēnitan	حساب کردن
	حسن عقیدت (از روی حسن عقیدت)	hamārēnitan	
taftik mēnišnīhā		ōšmurtan	
		ōšmārtan	
		andāxtan	
bavandak mēnitan	حسن نیت داشتن	angāštan	
		āmārik	حسابی

axvīkih	حضور ذهن	arišk kāmāk	حسود
šēp	حضيض (نجوم)	ariškan	
šēpān šēp	حضيض کامل (نجوم)	ariškēn	
kantār	حفار	čašm arišk	
hanbāsitan	حفاظت کردن	duš-čašm	
kandan	حفر کردن	kēnik	
kantan		varanik	
kanditan		duš čašmihā	حسودانه
gawr	حفره	arišk gōhrīh	حسود طبیعی
gōr		karm	حشره
may		vātak (نوعی حشره)	
sūlāk		xrafstar	حشره زیانکار
yatārīh	حفظ (نگاهداری)	mang	حشیش
varm	حفظ	fravand	حصار
ošmurišn (از حفظ داشتن)		parvand	
ošmurtan (از حفظ گفتن)		parvast	
nikās dāštan	حفظ کردن	parkān	
varm kartan (از حفظ کردن)	حفظ کردن	parčīn	حصار کوتاه
xvārīh	حقارت	āyaftīh	حصول
zīvišnōmandīh	حق حیات	ayāpakīh	
zīvišnōmandīh	حق زندگی	vindišn	
spās-dār	حق شناس	nēmak	حصه
spās šnās		būtakīh	حضور
pās-dārīh	حق شناسی	handēmānīh	
spās-dārīh		pēšgās	
anaspās	حق ناشناس	pēšīh	
		parvān (در حضور)	

stahmīh	حکومت جابرانه	tarmēnītan	حقیر شمردن
vinārtan	حکومت کردن	tarvēnītan	
hamāk kāmāk	حکومت مطلقه	tar kartan	حقیر کردن
dānāk	حکیم	nizār patmān	حقیر مایه
vitāzīhistan	حل شدن	rāst	حقیقت
čambar	حلقه	rāstīh	
čambar	حلقهٔ آرایش سر	vāvar	
nihaxtan	حلقه زدن (مار)	rāst gōwišnīh	حقیقت گوئی
frašn vičār	حل کنندهٔ مسائل	ēvar	حقیقی
frašn vičār	حل کنندهٔ معما	framān	حکم
čarp afrōšak	حلوا (نوعی حلوا)	framāyišn (فرمان)	
halakīh	حماقت	čāštak (رای قضائی)	
dušākāsīh		vičar	
garmāpak	حمام	vičīrgar	حکم دهنده
pānāk	حمایت	framānīh	حکمرانی
pānākīh		tuwān pātixšāhīh	حکمرانی با قدرت
panāhīh		duš pātixšāyīh	حکمرانی ستمگرانه
darpuštīh		rāyēnītan	حکمرانی کردن
puštīh		dātōbarīh	حکم قضائی
pās		vičīr	
pāspānīh		framūtan	حکم کردن
parvarišn		vičīrēnītan	
parvartārīh		brēhēnītan	
pātārīh		šahr	حکومت
srāyišn			
srāyišnīh			
zēnhār			

ēvgatih		bē sardārīh	
asp-tāk	حمه بااسب	pahrēč kārīh	
apar duwāristan	حمه کردن	hamēšak pāspānīh	حمایت دایم
dwārītan		hanbāsītan	حمایت کردن
tak kartan apar		pānakīh kartan	
patrōtan		pāspānēnītan	
vizūtan		pātan	
ham duwāristan	(با هم حمه کردن)	pahrēxtan	
ham dwārīšnīh	حمه گروهی	pān	حمایت کننده
ēwgat	حمه و تجاوز اهریمن	pahrēxtār	
kavast	حفظ	barišn	حمل
kavastik		nayišnīh	
mašyānē	حوا (نخستین زنی که آفریدد شد)	vāčišn	
mahrānē		bār burtan	حمل کردن
mihryānīh		nayītan	
māšyōi		vāčītan	
mihriyānē		bē barišn	حمل کردنی
mitryānē		murt-kaš	حمل کننده گان جسد مرده
malhiyānāi		nasā-kaš	
mahliyānāh		duwārīšnīh	حمه
bōḡ vartišnīh	حواس پرتی	tak	
māhīk	حوت	ēwgat	
nixšadišnīh	حوصله	ēbgāt	
var	حوض	hēnīh	
šātūrvān		handāčišn	
kust	حومه	handāčišnīk	
parvār		ēwgatikīh	حمه اهریمن

sē zafr	حیوان اهریمنی که دارای سه دهنه است	nang	حیا
mačāh	(نوعی حیوان اهریمنی)	gān	حیات
mačāi		gyān	
sē kamār	حیوان اهریمنی که دارای سه کلاه است	astišn	
gōspand i katakik	حیوان اهلی	aspānvar	حیاط کدخ
panj angurak	حیوان پنجه دار	startan	حیران شدن
gōspand i katakik	حیوان خانگی	startakih	حیرت
xrafstar	حیوان خرد موزی	stūwih	
kōftač	حیوان کوه تاز (نوعی از حیوانات وحشی)	vitimuštih	
denūtak	حیوان ماده	škaft	حیرت انگیز
sūrākik	حیوان نقب زن	škuft	
dat	حیوان وحشی	startakih	حیرانی
daitik		hērat	حیره (سرزمین)
unik	حیوانی که در زیر زمین زندگی می کند	daštān	حیض
vartak	حیوانی که ماده می طلبد	janvar	حیوان
vartak	حیوانی که نر می طلبد	vās i pančāsātvarām	حیوان آبی اساطیری
		vās i pančāsātvarān	

خ

fraġastan		hanġāmih	خاتمه
tačitan		xār	خار
uzitan	خارج کردن	kimār	
bērōnēnitan		xār pušt	خار پشت
ōgārtan		xūkar	
bē kišvar	خارج	xūkarak	
		xūgarak	
uzdahik	خارجی	zūzak	
uzdēhik		žūzak	
bērōnik		bē	خارج
kārān		bē-rōn	
anērānih	خارجی بودگی	adēn	خارج از دین
bētōm	خارجی ترین	bē kišvar	خارج از کشور
		uzdahikih	خارج از کشور بودن
xārōmand	خاردار	uzēnihitan	خارج شدن

bēl	خاك انداز	zāz	خار شتر
nasāy nikānīh	خاك سپردن مرده	xēzistan	خاستن
xākistar	خاكستر	āxēzistan	
āturistar		ul āmatan	
āturastar		ustan (برخاستن)	
var		āxistan (برخاستن)	
kūtak		āxēzistan (برخاستن)	
āturastarēn	خاكستری	apar āxistan (برخاستن)	
āturasturgōn	خاكستری رنگی	rist vīrāyīh (برخاستن مردگان در قیامت)	
hērakgōn		kāh-rīzakīh	خاشاك به چشم داشتن
gilēn	خاکی	nāmčīštīk	خاص
zamīkīk		ēvāzīk	
zamīkēn		yatak	خاصیت
		ĵatak	
		gatišn	
gilāpīk	خاکی و آبی	yatišn	
parš	خال دار	ristak	خاصیت طبیعی
apēčak	خالص	rastak	
apēčakihā	خالصانه	dīl	خاطر
dātār	خالق	varōm	
dadv		ayāsišnīh (بخاطر آوردگی)	خاطر آوردگی
day		patisāy (بخاطر)	
dahīk		awyāt	خاطره
dē		xākān	خاقان
brēhēnītār		tūrak xākān	خاقان ترك
tāšītār		gil	خاك
		xāk	
sūt tāšītār	خالق سود	šastan	خاك افتادن (بخاك افتادن)

xvār mān	خان ومان محقر	gōspand tāšītār	خالق مواشی
hū-mānišnīh	خان ومان خوب داشتن	tuhīk	خالی
katakīk	خانگی	tahīk	
katīk		tihīk	
mānīk		hanjaft	
nmānāy		apēmartōm	خالی از سکنه
dūtak	خانواده	tuhīkīh	خالی بودن
dūtak-mān		pardāxtan	خالی کردن
mān		unānītan	
nāf		apasārtan	
napat		xām	خام
rasīk		hāmōš	خاموش
ham-zahāk (هم خانواده)		xāmōš	
xānak	خانه	zruftan	خاموش شدن
xān		azruftan	
xōn		murtan	خاموش شدن آتش
āwarišn		xāmak	خامه
sarāy		pērōčān	خاندان پیروز (منسوب به)
srād		pērōzān	
mān			خاندان مهراسپند (منسوب به)
mānak		mahraspandān	
mānd		nārīk	خانم
mānišn		nāīrīk	
nišēmak		xānmān	خانمان
katak		mān	خان ومان
kartak			
dar			
āwahan			

nivēd	خبر خوب	katak afrōč	خانه افروز
nivēt		parvār	خانه‌ای که اطراف آن باز باشد
nivēk	خبر خوش	mān-pān	خانه پا
nivēdītar	خبر دادن	rāmišn mānišn	خانه پر آسایش
nivēdišnīh		katak xvatāy	خانه خدا
srawēnītan		katak xvatāy mart	
čihēnītan		mān mānpat	
azd	خبردار	mānpat	
azd kartan	خبردار کردن	mānpān	
nivēkēnītan	خبر کردن	mānpān	خانه‌دار
sūt šnās	خبره	katak bānūkīh	خانه‌داری
gannāk	خبیث (صفتی است برای 'هریمن')	digramān	خانه 'دجله' (سرچشمه دجله)
xoǰāarak	خجاره (اندك)	rētak	خانه شاگرد
šarmakēn	خجل	māništak	خانه نشین
šars-	خجل شدن	viškar	خانه متروک
šarm	خجلت	xvarbarān	خاوران
šarmkanīh		xvarōwarān	
nang		gund	خایه
pafšār		hāyik	
pafšērišnīh		xāyak	
nizburtih		xāyik	
dušarm		hāyik-dēs	خایه دیس (تخم مرغی شکل)
pat avistaxvīh		xāyak dēs	خایه شکل
pafšērišn	خجلت زدگی	daxšak	خبر
xvistan	خجلت کشیدن	nivēdišn	
		nivēdēnišn	
		sraw	

zaruvān	خودای زمانه	xvatāy	خدا
zarvān		yazatān	
zurvān		yazdān	
spīhr xvatāy	خودای سپهر	ōrmazd	
baγ varjāvand	خودای عزوجل	ōhrmazd	
dēv	خودای غیر ایرانی (دیو)	ahurāymazd	
baγān	خداپگان	bag	
baγānyān		baγ	
ahu		bak	
axv		gēhān dār	
ōvām xvatāy	خداپگان زمان	farraxv jān	خداپیامرز
xvatāyōmand	خداپمند (دارای صاحب و سرور)	hūfravart	
xvatāyih nāmak	خداپنامه	hūfravat	
xvatāyvār	خداپوار	yazdān šnāsīh	خداشناسی
baγānik	خداپی	yazdān anašnāsīh	خداشناسی
baγīk		apargar	خداوند
xvatāyih		baγ	
xvatātīh		ōi baγ	خداوندگار
yazatīh		xvatāt	
ōhrmazdīh		mitr	خداوندگار عهد و پیمان
		mihr	
	خداپی که فرمانروایی دراز دارد	xvatāy	خودای
dērang xvatāy		baγ varjāvand	خودای ارجمند
parastak	خدمت	spannāk mēnōk	خودای محیر
parastakīh		zurvān i akanārak	خودای زروانیان
paristakīh		xvatāy dēnīh	خودای دینی (اعتقاد به خدا)
paristišn			

anāft	خراب شده	parastišn	
uzruftak		parastišnih	
mūtak		kartespās	خدمتکار
murnjēnītārih	خرابکاری	kanīsak	خدمتکار زن
anāwihītan	خراب کردن	kanēčak	
anāftan		parastan	خدمت کردن
apasēnītan		parastātan	
apasihēnītan		paristātan	
apasihītan		paristītan	
apasihīstan		parastītan	
mrnjēnītan		parvārtan	
nasānēnītan		fravārtan	
nasēnītan			
nasītan		parastišnkar	خدمت کننده
ōbaxtan		parastak	خدمتگزار
ōsēnītan		pēškār	
ōšītan		paristak	
tapāhēnītan		paristār	خدمتگزار زن
vimuštan			
vināstan		xar	خر
vištan		anāwišnik	خراب
apasihēnišnih	خراب کردگی	vartak	
apasihīšnih		vinastak	
		avērak	
nasēnišnih	خراب کنندگی	tapāh	
mūtak	خراب کننده	tapāhīhastan	خراب شدن
škand		tapāhītan	
vināstār		višūpišnik	خراب شدنی

darītār	خرایش دهنده	axvān marnjēnītār	خراب کننده جهان
fariš	خرایشنده	gēhān marnjēnītār	
randītan	خرایشیدن	anasēnišn	خراب نشدنی
čamišn	خرامان راه رفتن	asāvan	
āxrāmītan	خرامیدن	asēj	
franāftan		anāβišnikih	خرابی
franāmītan		anāpīh	
		apasēnišn	
xarbūzak	خربوزه	apasihēnišn	
	خرپای (نوع جانورانی که پایشان مانند خراست)	apasīhišn	
xar pāy		ēvār	
uzēnak	خرج	fšanjišn	
ōzinak		nasānišnīh	
uzēn		nasēnišn	
bāryāmak	خرجین	nāsišn	
karčang	خرچنگ	ōšišn	
xvart	خورد	patvēšak	
xōrt		sēj	
gišnak		tapāhīh	
xrat	خورد	uš	
harvdāt	خردادماه	višōpišn	
hordat		viyāw	
xurdat		vizūtakīh	
		sāi	خراج
		sāk	
gōšānsrūt xrat	خورد اکتسابی	harg	
gōšasrūt xrat		xarāč	
harvdāt	خرداد امشاسپند	xvarāsān	خراسان
hordat		xvarāsānik	خراسانی
xvardat		xurāsānik	
xurdat			

sūtan		harvadat māh	خردادماه
škastan		hamāk xrat	خرد بر همه چیز آگاه
xvastan		gōšānsrūt xrat	خرد بگوش شنیده شده
pālūtan		pēš xrat	خرد برتر
pālāyitan		pēš xratih	خرد برتر داشتن
afšārtan		pēšx rat (دارای خردعالی)	خردعالی
hunišn	خرد کردن با فشار	afzōnīk xrat	خرد مقدس
palāyist	خرد کردن و افشردن گیاه	xōrtakih	'خرد بودگی
škastārīh	'خرد کنندگی	kamistih	
škanāk	خرد کننده	xrat start	خرد پریشان
škastār		xrat xvāstārīh	خرد خواستاری
hūdahakih	خرد کلی	xrat dōšakih	خرد دوستی
xvartakih	خرد گی	āsn xrat	خرد ذاتی
afzōnīk-xrat	خرد مقدس	āsn xratih	خرد ذاتی داشتن
mēnōk xrat	خرد مینوی	xortak	خرد سال
xratōmand	خردمند	škanišn	خرد شدگی
hūxrat		frakastan	خرد شدن
pur xrat		škanāk	'خرد شونده
frazānak		xrat kartār	خرد کردار
frārōn dānāk		hunišnīh	'خرد کردگی
mēnišn ayāftak		hunītan	خرد کردن
pur-šnāsak		kōftan	
frazānakihā	خردمندانه	kōpēnītan	
pōryōtkēš	خردمند دوران کهن	sūdan	
hūxratih	خردمندی		
pur xratih			
frazānakih			

sahūg	خرگوش صحرائی	xurtak	خردده (بندگاه دست و پای ستور)
xurram	خرم	xōrtak	خردده
hūrām		xvartak	
hūram		karačāk	
hurram		xortak nikīrišnih	خردده نگری
šāt		xratik	خردی
armāv	خرما	xratih	
hormāk			
xormāk		xirs	خرس
xarmāv			
xurmāk		haptōkring	خرس مهتر (دب اکبر)
		haftōirang	
mōg	خر مابن	xvarsand	خر سنده
kurk magas	خر مگس	xōrsand	
magas kāsakēn		xōnsand	
šān-gāv	خر من کوب گاوی	xvansand	
hūramih	خر می	māhmān	
hurramih		xōrsandihā	خر سنده‌انه
hūrāmih		xvarsandih	خر سندی
xurramih		xōrsandih	
xurramakih		xvansandih	
		xōnsandih	
hūrām	خر می بهشتی		
uzēnak	خروج	xar i sē pay	خر سه‌پا (خر اساطیری)
		xrafstar-gan	خرفستروزن (حشره کش)
gūr	خر وحشی	xrafstarik	خرفستری
xrōh	خروس	mašk aparzēn	خرگاه شاهی
xrōs			
kark		xargōš	خرگوش

udarāi	خزنده زیان آور (نوعی خزند)	parōkdarš	
xazītan	خزیدن	parōdarš	
vizāyih	خسارت	murv parōdarš	
vizāyišn		uzdēhikih	خروج از کشور
vizand		xrōsišn	خروش
vizandkār	خسارت آورنده	xrōšēnītan	خروشانیدن
vizandgar		xrōsītan	خروشدن
xuspītan	خسبیدن	xrōstan	
xvaḥsītan		sag xrūhak	خروهگ (سنگ مرجان)
panih	خست	xvarr	خره
pēnih		xvarrah	
pinih		farrah	
panēnītārih		farnah	
āz			
xvastār	خستار (پایمال شده)	xvarrah i kayān	خره کیان
ranj	خستگی	kayān farrah	
māndagih		xvarrahōmand	خره مند
stōwih		xvarrōmand	
xvastian	خستن	xarītār	خریدار
xvastūk	خستو (معترف)	xarītan	خریدن
astovān		xrītan	
xastuvān		xaz	خز
ranjak	خسته	ganjwar	خزانه دار
xast		gāspat	
māndak		ganjwarīh	خزانه داری
māntan	خسته بودن	gāspatīh	

hōšišn	خشک شدگی	ranjīhastan	خسته شدن
hōšītan	خشک شدن	ranjēnītan	خسته کردن
havāsītak	خشک شده	ranjak kartan	
havāsītan	خشک کردن	raxtan	
xūšītan		xastār	خسته کننده
ahōšišn	خشک نشدن	husraw	خسرو (نام خاص)
huškīh	خشکی	husrōk	
xuškīh		xōsrōi	
pačišn		husrō	
pačišn	خشکیدگی	husrōgān	خسروان
xusītan	خشکیدن	xōsrō i mustāpāt (شهر)	خسرومست آباد
xōšītan		husrawīh	خسروی
husēnītan		māh tamīg	خسوف
hēšm	خشم	pen	خسپس
hišm		panik	
xēšm		xišt	خشت
xišm		hušk	خشک
xāšm		xušk	
ēšm		xusēnītan	خشکاندن
dēpahr		hōšēnītān	
xrōstakīh		husānītan	
hēšm kāmakihā (از روی خشم)		havāsēnītan	
hēšm manihā	خشم اندیشه	xušēnīt	خشکانیده شده
hēšm kāmakihā	خشم کامانه	xōšēnīt	
hēšmakan	خشمگین	tang āpih	خشکسالی
hēšman		xuškīh	

vat zahrak	خشن (انسان خشن)	hišman	
xašnavāz	خشنواز (نام خاص)	hēšmun	
xšnōmand	خشنود	hišmgēn	
šnāyēnīt		xēšmēn	
māhmān		xišmgēn	
xšnūtan	خشنود ساختن	xišmgan	
xšnūtan	خشنودن	ēšmun	
šnāyišn	خشنودی	āhīt	
šnāyēnītārīh		āzārtār	
xšnuman	خشنومن (دعا)	dēpastēn	
društīh	خشونت	handrūtak	
xrūkīh		āšōftan	خشمگین شدن
tundīh		hišm kāmākīhā	خشمگینانه
sīzd		āhītīh	خشمگینی
sturgīh		ēšmunīh	
duškām kartārīh		hēšmīh	
xēm	خصلت	xašmēnīh	
mēnišn		hišmanīh	
hōk		xišmanīh	
yatišn		hišmīh	
gatišn		hēšmanīh	
ragīh		stahmīh	
nāirīkīh	خصلت زن بودن	xišman	خشمناک
čēgōnīh	خصوصیت	hēšmanīh	خشمناکی
daxšak		hēšmīh	خشمی
daxšakīh		sturg	خشن
hambasānīk	خصومت آمیز	staft	
		dužvār	

rastak	خلاص شده	kiš	خط
hangartik	خلاصه	māndak	خطا
hangartikih		frōt mānd	
hangirt		apand	خطا کار
hangirtih		apandih	خطا کاری
hangirtik		bīm	خطر
hangartēnītan	خلاصه کردن	vitang	
kāstan		vitangih	
mēt kunišnih	خلاف (عمل خلاف)	šēj	
adā tastān	خلاف شرع	purmarg	خطر ناک
adā tastān	خلاف قانون	sējōmand	
dandān frašn	خلال دندان	sējōmand	
dandān fariš		hanjamanik	خطیب
nāf	خلف	šapāk parr	خفاش
ōbātak		šawāk	
zayāk			
zāyak		grikaft	خفتان سر و گردن
nihāt snēhīh	خلع صلاح	xuftakih	خفتگی
zat afzārih		xvaftakih	
hōk	خلاق	xuftan	خفتن
zāyišn	خلاق	xuspitan	
tāšišn		xvaftan	
bē dahišnih		xvāpitan	
āpurišn		xvaftak	خفته
dahišn	خلقت	xafakih	خفگی
dātārih		xafak	خفه
tāšišnih		tuhīkih	خلاء بین دنیای هر مزد و اهریمن
dāmak		vičārišn	خلاص

xumb	خمیره	bundahišnīh	خلقت اولیه
xumbak		bunēdātīh	
astōdān	خمیره جای استخوان مردگان	dām dahišnīh	خلقت مخلوق
xvahl	خمیده	brēhēnītan	خلق کردن
xvihl		tāšītan	
xanzak	خنثی	tāštan	
aštar	خنجر	dahišnīh	خلق کردگی
čilān		āpurišnīh	
xandan	خندیدن	hamāk dahišnīh	خلق کلی
xandītan		adātak	خلق نشده
xandak	خنده	vahuman mēnišn	'خلق نیک'
xunak	خنک	xumb	'خم'
hunak		xumbak	
huniyāk	خنیا	xvan āsēn	خماهن
huniyākar	خنیاگر	xvēn āhēn	
xunyāgih	خنیاگری	xvēn āsēn	
xvāp	خواب	panjak	خمسه مسترقه
xvāb		panjak i vēh	
xvamn		duzītak	
xvamr		fīanāmišn	خم شدگی
xvarm		nyāītan	خم شدن
xumr		anāmītan (بجلو خم شدن)	
xuspēn	خواب آلوده	namāč	خمیدگی
būšāsp	خواب غیرعادی	ōnāmišn	
būšiyāsp		frakāvan	خمیدگی طاق
xumr-vičār	خوابگزار	anāmītan	خمیدن
xvamn vičār		franāftan	
xvaftan	خوابیدن	niyāyišnēnītan	خمیدن برای ستایش

xvādišnih	خواستار بودگی	xvāpitan	
ōš xvāstār	خواستار مرگی	xuftan	
sēj xvāstār		xvafsitan	
sēj xvāstār	خواستار نابودی و تخریب	xuspitan	
xvāstārōmand	خواستارمند	būšāsp kartan	
xvāstārōmandih	خواستارمندی	xuspēn	خوابیده
xvāstārih	خواستاری	xvaftak	
xvādišn		mīrak	خواجه
kāmišn		xvār	خوار
xvāyišnih		tar	
xvāhišnih		xvār	خوار (محلّی در اصفهان)
pat zanih xvāstan	خواستگاری کردن	xvārbār	خواربار
xvāstakih	خواستگی	xvār ut bār	
kāmih		xvārbārīh	خواربار مصرف کردن
xvāstan	خواستن	xvārazm	خوارزم (سرزمین)
kāmastan		xvārizm	
kāmistan		tarmēnitan	خوارشمردن
kāmītan		xvārgōn	خوارگونه
apāyistan		xvārīh	خواری
ārzōk	خواستنه (میل)	tarīh	
išt		xvāst	خواست
vixāzišn		kām	
niyāz		kāmak	
xvāstak	خواستنه (مال و دارائی)	kāmakih	
hēr		xvāstār	خواستار
hīr		kāmakōmand	
išt		niyāzān	
xvāstak kāmakih	خواستنه کامگی (میل ثروت)	kāmakōmandihā	خواستارانه

xvāyišn		xvāstakōmand	خواسته‌مند (مال‌دار)
xvāišn		xān	خوان (سفره)
xvāsišn		xvān	
xvāstārīh		xvāntan	خواندن
frēhbūt xvāhišnih	خواهش زیاده از حد	xvāndan	
tuwān xvāhišnih		srāyītan	
xvādišnōmand	خواهشمند	zabāyītan	
xvādišnihā	خواهشمندانه	zabāyišn	
kām	خواهش نفسانی	pat pursītan	
xvādišnih	خواهشی	dranjēnišn	خواندن بصدای آهسته
xvāhišnih		vāč guftan	خواندن دعا
xvāyišnih		nīrangīh	
xvādišnik		frāč srāyišnih	خواندن سرود مذهبی بصدای بلند
zāyākīh	خواهنگی	dranjītan	خواندن مکرر دعا
xvāstār	خواهنده	yazišn gōwišn	خواندن پسنا
xvāhān		xvānīhastan	خوانده شدن
hū	خوب	xvānišn	خوانش
hūp		xvāntār	خواننده
xūp		srūtār	خواننده گاتاها
xūb		xvāstār	خواهان
xvap		pasēmār	خواهان (مدعی علیه)
xūpīhā (بخوبی)		pasēmārīh	خواهان بودگی (مدعی علیه بودن)
hūik		xvāhar	خواهر
vēh		ham mātak	خواهر ناتنی
vēhik		xvādišn	خواهش
naxšak		xvāhišn	
nīk			

hūčīhrīh	خوب چهری	nēvāk	
hūpāyītan	خوب حمایت کردن	nēvakēn	
hū dēn	خوب دین	nēvakōk	
xūp dēn		frārōn	
hūdēnīh	خوب دینی (متدین بودن بدین زراشتی)	hū-āfrīt	خوب آفریده
hūrōyišn	خوب رسته	hū-āmōxt	خوب آموخته
hūrōst		hūvāsp	خوب اسب (دارای اسب خوب)
hūrūst		hūvāsp	خوب اسب (نام خاص)
hūrūstak		xūp kart	خوب انجام شده
arust		hūmēnītār	خوب اندیش
hūramakīh	خوب رمگی (دارای رمه خوب بودن)	hūmēnišn	
hūramak	خوب رمه	vēh mēnišnīk	
hupāh		hūvaxš	خوب بالنده
hūčīhr	خوب پرو	hu āmurzītārīh	خوب آمرزیداری
naxšak		hūgōšitak	خوب بررسی شده
hūruwānīh	خوب روانی	frāč yaštārīh	خوب برگزار کردن جشن مذهبی
hūčīhrgar	خوب روی گر (مشاطه)	frāč yazišnīh	خوب برگزار کردن مراسم یسنا
hūčīhrīh	خوب رویی	hūpuxt	خوب پخته شده
hūvaxš	خوب رویده	hū-afrang	خوب تزیین شده
sālān hūmānišnīh	خوب زیستن در طول سال	hū-vičīrišnīk	خوب تشخیص داده شده
hūzīvišnīh	خوب زیستی	hū-āmōxt	خوب تعلیم شده
hūziyišnīh		huvaxm	خوب چرخانده شده (صفت گرز)
hūkart	خوب ساخته شده	hu-čašmīh	خوب چشمی (خوش نیتی)
hū-āfrīt	خوب ستوده شده	drust čašmīh	
	خوب سخن (کسی که خوب سخن میگوید)		
frāxv gōwišn			

hūtōhmik	خوب نژاد	hūxēmih	خوب سرشتی
hūtōxmak		hūgōšitak	خوب شنیده شده
hūzahāk		xvap frajām	خوب فرجام
hūtōhmih	خوب نژادی	bavandak mēnitan	خوب فکر کردن
hūdāštan	خوب نگاهداری کردن	huskārtan	
hūnihātik	خوب نهاد	hūgōšitak	خوب فهمیده شده
hūniyāk	خوب نیا (اصیل)	hūkartārīh	خوب کرداری
frārōn mēnišn	خوب نیت	vēh kartārīh	
xūpīh	خوبی	hūkunišn	خوب کنش
xvapīh		hūkunišnik	
xūbīh		huāyōjišn	خوب کوش
hūīh		hūgrāy	خوب گرای
nēvakīh		hūvičirišnik	خوب گزیده شده
vēhīh		huxt gōftār	خوب گفتار
hū ayāpak	خوب پاینده	xūp gōwišn	
apēčak vēhīh	خوبی محض	xūp dranjišnih	خوب گفتاری
xvēš	خود	huxt gōwišnih	
xvat		xūp gōwišn	خوب گو
xvēštan		hūgukārt	خوب گواریده شده
grēv		visp vēh	خوب مطلق
grīv		frārōn mēnišn	خوب منش
xvēšēnitan (بخود اختصاص دادن)		hūmēnišn	
xvēšēnišn (بخود خاص کردن)		hūmānih	خوب منشی
xvatāt (به خود متکی)		hūmēnišnih	
sārvār	خود (کلاه خود)	avēhīh	خوب نبودن
xvadāt	خود آفریده		

xvat dōšakih	خود دوستی	gōhrīhā	خود بخود
xvat dōših		apar mēnišn	خود بین
būšiyāsp varzitan	خود را بخواب زدن	apartan	خود پسند
būšiyāsp varzitan	خود را تسلیم خواب کردن	apartanih	خود پسندی
vixāzitan	خود را وادار کردن	tarmānih	
apāč sar	خود رای	xvat dōšak	خود خواه
hamāk kāmāk		xvat dōšakih	خود خواهی
xvēš xratih	خود رای	xvat dōših	
xvēš kāmāk		gilak ōpār	خود خور
xvārōšn	خود روشن (بخودی خود روشن)	xvadāt	خود داده
xvat rōšn		parhēxtār	خود دار
huzvān drāyēnītār	خود ستا	patirān	
axvēš-kār	خود سر	nikirāy	
duš-framān		pahrēxtakihā	خود دارانه
apāč sar		pahrēč	خود داری
vastār		pahrēčišn	
must aparmānd		pahrēxtakih	
duš-framānih	خود سری	spōžišn	
vastārih		vēčišn	
xvēš kāmāk		pahrēxtan	خود داری کردن
tarmānih		parhēxtan	
apāč sar		spōxtan	
	خود سوزی (بخودی خود روشن بودن آتش)	pātan	
xvat sōčišnih		pahrēxtār	خود داری کننده
xvēškārak	خود کار	spōčkār	
xvēškārih	خود کاری	xvat dōšak	خود دوست

xvarišnih	خوردگی	varanik	خود کام
xvartan	خوردن	aniyōšakihā	خود کامانه
xvāritan		varanikih	خود کامگی
xvārtan		xvēš kāmakih	
jūtan		apartan	خود نما
jōyišn		bōših	خود نمایی
žūtan		xvatih	خودی
gōvāritan		xvatik	
xvārēn (قابل خوردن)		xvatān	خودی ها (نزدیکان)
xvarišnik (قابل خوردن)		xvar	خور (نام روز)
patmān xvārišnih	خوردن بعد اعتدال	xvārišn	خوراك
xvartik	خوردنی	xvarišnih	
xvartār		xvar	
xvārēn		pihn	
xvarsand	خورسند	āš	
honsand		vēh xvar	خوراك خوب
xvarsandih	خورسندی	āmēč	خوراك مخلوط و چاشنی دار
honsandih		xurun	خوراك و غذایی که تقدیم فرورهای میشود
xvārišn	خورش	xvar	خوراکی
žūyišn		xvārgōn	
duš-xvarišn	خورش بد	xvārēnitan	خوراندن
mēnōk xvarišn	خورش مینوی	xvar-čašm	خور چشم (نام خاص)
xvarišnih	خورشی	hvaršēt čih	خور چهر (نام پسر زوتشت است)
hvarxšēt	خورشید	xvārtārih	خورداری (خورندگی)
hvaršēt		xur druš	خوردروش (نام دیو)
xvarxšēt			
xvaršēt			

xvarrah	خوره (خره، فره)	xvar	
farrah		āftāp	
farnah		mitr	
		ōš	
xvarē rōtbār	خوره رودبار (رود)	xvaršēt bālād	خورشید بالا
xvarrah pērōč	خوره فیروز (نام خاص)	hvarxšēt bālāy	
xvarrahōmandih	خوره مندی (فرهمندی)		خورشیدپایه (مسیر خورشید، جایگاه خورشید)
xūjistān	خوزستان	hvarxšēt pāyak	
xūzistān		xvaršēt pāyak	
xvaš	خوش		خورشید پیدایی (طلوع خورشید)
šāt		hvarxšēt pētākīh	
urvāxt		mitr i tamik	خورشید تاریک (کسوف)
hūp		hvarxšēt nikīrišn	خورشید روی
huniyāk			خورشید نگرش (چیزی را برای تطهیر در معرض خورشید گذاشتن)
hū-āp	خوش آب	hvarxšēt nikīrišn	
xvaš ārzūk	خوش آرزو (نام خاص)	xvaršēt nikīrišn	
hū-āfrīt	خوش آفرین (یکی از القاب شاهان ساسانی)	xvaršēt nikīrišnīh	خورشید نگرشی
burzitan	خوش آمد گفتن	hvarxšēt pētākīh	خورشیدوار درخشیدن
čarp zuwānīh	خوش آمد گویی	xvaršētīk	خورشیدی
handēmānīh		xvārtārīh	خورندگی
pasandišn	خوش آمدگی	xvartār	خورنده
sahistan	خوش آمدن	jūtār	خورنده آب
huēvāč	خوش آواز	āp-xvar	
husraw	خوش آوازه	mēnōg xvarišn	خورنده خورش میفوی
dōšak	خوش آیند	gilak ōpār	خورنده گله و شکایت
xvandrāi		xvarwarān	خوروران (مغرب)
šīrēnak		xvarōwarān	
		xvarbarān	

āpātīh		dōšakīh	خوش آیندی
nihātakīh		hūkarp	خوش اندام
hangatīh		hūrōyišn	
išt			
drōt		vēh mēnišn	خوش اندیشه
hū-karp	خوش بدن	hūbaxt	خوشبخت
hū-tāšīt	خوش برش	jahišn ayyār	
hūbōy	خوشبو	farraxv	
hūbōyišn		nivāxtak	
pur bōy		ayāpak	
vahugōn		frāxv	
ramīh	خوش بودگی	farraxv zāt	خوشبخت زائیده شده
rāmīstan	خوش بودن	farrax zāt	
hūbōyīh	خوشبویی	urvāxmēnītan	خوشبخت کردن
hūbōyišn		farraxvīh	خوشبختی
bāristān	خوش بین	frāxvīh	
bāristānīh	خوش بینی	kāmak ravākīh	
hūtaštak		nēvakīh	
hū-tāšīt	خوش تراش	nivāxtakīh	
vimēhgēn	خوش ترکیب	rāmišn	
hūčārak (کسی که چاره و وسیله دارد)		jahišn ayyārīh	
hūčašm	خوش چشم	urvāxmanīh	
hūčašmīh	خوش چشمی	xūbīh	
hūčihrīh	خوش چهارگی	xvārakīh	
hūčihrak	خوش چهاره	xvārīh	
		frāxv čārīh	
		yān	
		xvahrīh	
		āsānīh	

hū-xēm	خوش خیم	hūdahak	خوش حاصل
hū dast	خوش دست	hūdahāk	
hūkunišn	خوش رفتار	hūvīr	خوش حافظه
hūkunišnīh	خوش رفتاری	čarp ēvāčīkīh	خوش زبانی
kartārih		xōrsand	خوش حال
nivāzišn		xvarsand	
nivāxtakīh		hušnūt	
vahuman dārih		xurram	
hūdāštan	خوش رفتاری کردن	xunak	
hūgarāzītan		hūrām	
hūgōn	خوش رنگ	rām	
vahugōn		xvārak	
hūkart	خوش ساخت	urvāzēnītan	خوش حال کردن
hūtaštak		urvāxmanēnītan	
hūtāšīt		rāmēnītār	خوش حال کننده
huēvāč	خوش سخن	rāmišn	خوش حالی
hū-xēm	خوش سرشت	urvāzēnišn	
jahišn ayyārih	خوش سر نوشتی	xōrsandīh	
hūsikāl	خوش سگال	xōrsandīhā (به خوش حالی)	
hūsigāl		xvarsandīh	
huskār		urvāzišn	
hūsikālišn	خوش سگالش	xurramakīh	
hūsikālītan	خوش سگالیدن	xvārakīh	
huskārītan		frēčpānīh	خوش خدمتی
huskārtan		hū-xēm	خوش خلق
hūpēm	خوش شبر	dōšakīh	خوش خلقی
		hū-xēmīh	

huōrōn	خوش منظر	pat mēčak	خوش طعم
hū-mitr	خوش مهر	xvap frajām	خوش عاقبت
hū-mitrih	خوش مهری	huskār	خوش فکر
hūnāmik	خوش نام	hūmēnišn	
husraw		hūmānih	خوش فکری
husrawih	خوش نامی	hūmēnišnih	
vēh nāmikih		hū-ayāpak	خوش فهم
hūčašm	خوش نظر	hūtaštak	خوش قالب
hūčašmih	خوش نظری	hūčihr	خوش قامت
huōrōn	خوش نما	hūčihrak	
hušnūt	خوشنود	hūkarp	
xvašnūt		hūrōst	
xvašnūtak		hūrustak	
hušnūtak		hūtan	
honsand		hūčihr	خوش قیافه
šnāyēnītan	خوشنود کردن	hūkāmak	خوش کامه
hušnūtih	خوشنودی	rāmēnītan	خوش کردن
xvašnūtakih		spaxr	خوش گذرانی
xvašnūtih		hūgōwišn	خوش گفتار
honsandih		hūgōwišnih	خوش گفتاری
ostōfrīt		hū-tāšīt	خوشگل
sahišn		hūgukār	خوشگوار
šnūmak		hūgukārt	
šnūman		hūmēčakih	خوشمزگی
šnūmakān		čarp	خوشمزه
hūpasandakih			

urvāzišn		hūnihātik	خوش نهاد
xvāhragih		vēh mēnišn	خوش نیت
xvāhrih		hūkāmak	
šetāy		hūčašm	
āsānīhā (بخوشی)		hūmānīh	خوش نیتی
xvārihā (بخوشی)		hūčašmih	
rāmišn dāt	خوشی آور	hūrām	خوش ولت
rāmēnītan	خوشی دادن	xūšak	خوشه
hōšītan	خوشیدن	hōšak	
xūšītan	خوشیدن (خشکیدن)	hūgukār	خوش هضم
rāmēnītār	خوشی دهنده	xvaših	خوشی
urvāzistan	خوشی کردن	šātih	
hūk	خوک	šātānīkih	
xūk		rāmišn	
virāz	خوک و حشی (گراز)	huniyākīh	
xumbikān	خومبیکان	hūrāmih	
xōn	خون	dōšārm	
xūn		drustih	
xūnōmand	خون آلوده	kātak	
daxšak	خون حیض	āsānīh	
xrvik	خونخوار	nāzišn	
xōn rēcīšnih	خونریزی	rāmēnišn	
xūnōmand	خونمند	rāmēnītārīh	
xvanīras (کشورمیانای در هفت کشور)	خونیرس	širēnīh	
vixrūn	خونین	šnāyēnišn	
		urvāhmanīh	
		urvāxmanīh	

xvēštan šnāsīh	خویشتن شناسی	hōk	خوی
xvēš dēn	خویش دین (همدین)	xōk	
	خویش روشی (حرکت خود بخود)	hēm	
xvēš rawišnīh		xēm	
xvēškār	خویشکار (وظیفه شناس)	čīhr	
xvēškārak		mēnišn	
xvēškārīh	خویشکاری (وظیفه شناسی)	ragīh	
xvēš kāmākīh	خویش کامگی	brēh	
patvand	خویش و پیوند	brahm	
xvēšēnītan	خویشیدن (از آن خود کردن)	brahmak	
xvēšīhītan		xvēy	خوی (عرق بدن)
xvēšīh	خویشی	xvid	
xvēšīk		xvēt	خوید (نمذاک، تروتازه)
ham-patvandīh	خویشی (قوم و خویشی)	xvēš	خویش
čīhrēnītan	خوی گر شدن	xvēš	خویشاوند
čīhrēnītār	خوی گرفته	xvēšāvand	
vēh mātakīh	خوی و سرشت خوب زنانه	ham patvand	
vīrāst xēmīh	خوی و خیم کامل	ham tōhmak	
xēmīh	خویی	xvēšāvand-dārīh	خویشاوند داری
kōy	خیابان (کوی)	nabānazdišt	خویشاوند محرم
srat		nabānazdišt	خویشاوند نزدیک
xuyār	خیار	xvatān	
drōnīh	خیانت	nazdik patvand	
marīh		nabānazdišt	خویشاوند همخون
hax	خیر خواه	xvēšīh	خویشاوندی
		xvēštar	خویش تر (نزدیک تر - متعلق تر)
		xvēštan	خویشتن

kūtakič	خیلی کوتاه	duš framān	خیره سر
kūt		tarmēnišn	
xēm	خیم	duš-čašmih	خیرگی
hēm		xērīk i zart	خیری زرد (گل)
dārāk xēm	خیم دار	xērīk i suxr	خیری سرخ (گل)
xēm vīrāstan	خیم ویراستن (بیراستن خلق)	nai	خیزران
šātūrvān	خیمه (شادروان)	nay	
viyān		naδ	
kai gāh	خیمه شاهی	āxēzišn	خیزش
mašk aparzēn		xēzistan	خیزیدن
xēmih	خیمی	tar	خیمس
xayūk	خیو	tarīhā	
xyōn	خیون (قوم هون)	xvistan	خیمیدن
		hāvand mas	خیلی بزرگ

drāyītan	داد زدن	andar	داخل
dāstastān	دادستان	dar	
dātistān		nendar	
dāstastān ī dēnik	دادستان دینی (نام کتاب)	niyandar (در داخل)	
dāstastānik	دادستانی	andar matan	داخل شدن
dāt farruxv	دادفرخ (نام خاص)	andar šutan	
dāt varzītan	دادکردن	dāt ārastār	داد آراستار
xvāristān	دادگاه	dātār	دادار
dātīgōw	دادگر	dātārīhā	داداران
dātīkar		dātār gēhān	دادار گیهان
dātīhā	دادگران	dātār ōrmazd	دادار هرمزد
dāt gōwīh	دادگوی	dātārīh	داداری
dātan	دادن	ohrmazd dātīh	داد اورمزدی
arzānīh kartan		vičīr xvāstār	دادخواه

grāmak		ham-dahišnīh	دادن بیکدیگر
rēxn		dātōbar	دادور
kūt		dātwar	
xvēših		dātōwar	
āvartāk	دارایی بدست آمده	dāt varzītan	داد ورزیدن
dār vāčik	داربازی (نوعی بازی است)	dātōbarīh	دادوری
dār bun	داربن (تنه درخت)	dātwarīh	
dār parniyān	دارپرنیان (چوب بقم)	dātak	داده
dārišn	دارش (داشتگی)	bagān dāt	داده خدایان
dāštārīh	دارندگی	dahīhastan	داده شدن
dārandak	دارنده	dāru	دار (درخت)
dārnāk (مالک)		dāru	دار (چوبه دار)
dāštār		dār kartīh	دارآویختگی (بدارآویختگی)
burtār		dārāk	دارا (دارنده)
dārū	دارو	dārāy	دارا (داربوش)
dārūk		dārāp kart	داراگرد (شهر)
darmān		dārāy šāh	داراشاه
dārūk āmēzišnīh	داروآمیزی	dastōmand	دارای دست
dārūk dān	دارودان	hēr	دارایی
	داروی خرسندی (نام رساله ای است)	hīr	
dārūk i xōrsandīh		hērīh	
pāt-zahr	داروی ضد زهر	xvāstak	
	داروی نشاسته (مرقه قوی است که از نشاسته می گیرند)	xvāstakīh	
dārū i nišāstak		hastak	
dārāy	داربوش سوم	āvartāk	
dārāy i dārāyān			

dāmāt	داماد	dārāy šāh	داریوش شاه
dāmātih	دامادی	dās	داس
dām parvartārih	دام‌پروری	kūtinak	
hūdām	دام خوب (مخلوق خوب)	dāstān	داستان
dāmdāt nask	دامدات نسک (بخشی از اوستا)	dāstastān	
dām dahišnih	دام دهشی (آفرینش مخلوق)	dātistān	
dān	دان (دانه)	mātikān	
-dān	دان (پسوند مکان)	dāštārih	داشتاری (دارندگی)
dānāk	دانا	dāy	داغ
frazānak		dāk	
pur-šnāsak		garmōk	
frahangik		drōšom	
pat xrat		drōšitan	داغ کردن
frārōn dānāk	دانا به امور خوب	dazišn	داغ کردن پوست با آهن
dānākēnitan	دانا کردن	drōš	داغ و درفش (داغی است که بر بدن نهند)
dānāk gowišn	دانا گوی	drōšitan	داغ و درفش کردن
dānākōmand	دانا مند	spōzāk	دافع
dānāk hōših	دانا هوشی	haštih	دالان هشت ضلعی (هشتی)
dānāk ōših		dālman	دالمن (عقاب)
dānākīhā	دانایانه	tālman	
dānišnihā		dām	دام
frazānakīhā		talak	
apārōn dānāk	دانای بد آموز	nivandak	
apārōn dānāk	دانای بد کار	šnor	
duš-dānāk	دانای بدبها	čīnak	

šāyistan		frārōn dānāk	دانیای پرهیز کار
šāyītan		frārōn dānāk	دانیای خوب
dānišn	دانش	visp dānāk	دانیای کل
dānēnišn		dānākīh	دانیایی
hūdānākīh		dānēnišn	
šnāsakīh		dānišnih	
dānišnihā	دانشانه	šnāsakīh	
visp dānākīh	دانش جهانی	šnāsīh	
hūzandīh	دانش خوب	ākāsīh	
dānišn šnāsīh	دانش شناسی	azd	
	دانش گامه (مایل به دانش اندوزی)	frazānakīh	
dānišn kāmāk		frahang	
dānāk	دانشمند	frahangīkīh	
dānišnōmand		xrat	
hūdānāk		hang	
vīrōmand		zandīh	
	دانش و فرهنگ سودمند که موجب فزونی گردد	duš-dānākīh	دانیای بد
afzōn-frahang		hū-zandīh	دانیای خوب
dānišnīk	دانشی	hū-frazānakīh	
dāng	دانگ	xvatāy frazānakīh	دانیای سلطان
dānak kaš	دانه کش (صفت مورا است)	ačār dānišnih	دانیای قاطع و بی چون و چرا
dān	دانه	visp ākāsīh	دانیای کامل
dānak		spur ākāsīhā	
tōhmak		visp ākāsīh	دانیای کل
ḡurtāk		visp dānākīh	دانیای کلی
ḡurtāi		dānistān	دانستن
		dānihītan	

bāstān	دالماً	yurtāk	
hamēšakihā		zurtāk	
hakarč		činak	
hamahih	دائمی	čihr	
dāyak	دایه	virinǰ	دانهٔ برنج
pōst-karih	دباغی	dātḡōw	داور
haftōirang	دب اکبر	ēmār vičārtār	
haftōiring		bē vičītār	
haftōrang		dātakān	داوران
haptōkring		dast	داوری
dubarān	دبران (ستاره)	dastwarih	
dipivar	دبیر	handāzišn	
dipir		drōy dātwarih	داوری دروغ
dapir		xvāstārōmand	داوطلب
nipēsā		fravand	دایره
dipiristān	دبیرستان	čambar	
dipirih	دبیری	kēš	
dapirih		kēš	دایره‌ای که برای اجرای اعمال مذهبی کشیده می‌شود
arvand rōt	دجله	čambar vāčik	دایره زدن
diglat		vart	دایره وار
digtal		dāyakānih	دایگی
diglit		dāyakih	
dōxt	دختر	dāyakānēnitan	دایگی کردن
dūxt		hamāyik	دائم
duxtar		hamēšak	
dūšičak		hamvār	
dōšičak		pattān	
kanēčak			

pör kapk anjir	دراج (نوعی دراج)	kanēnak kanič kanik čarātik (دوشیزه)	
dirāz drāž dirang dērang dagr dagrand dēr buland drahnā	دراز	kanēčagān kanik karp (اندام دخترانه) jah jēh duš kanik duškāmik	دختران دختر اهریمن دختر بد وزشت دختر بد وهوسناک
dirangih drahnā drahnāδ dranāy	درازا	pat zanih dātan duxtarih čarātik	دختر بشوی دادن دختر بودن دختر جوان
dirang bāzāyih	دراز دستی (دراز بازوئی)	kanēčak	دخترک
dēr zīvišn	دراز زندگی	duxtarih	دختری
nisitan niyastan šastan nipāstan nipastan sayastan xvaftan	دراز کشیدن	ēnokēn daxmak gristak	دختری که نام و نسل پدر نگاه دارد دخمه
nipēm	دراز کشیده	dat daitik	دد
dērangih	درازی	andar pat pa dvār dar	در (درون) در (حرف اضافه) در (درخانه)

pāḍ	درجه	bāzē	درازی بازو (مقیاس)
pāy		aāzai	
pāḥak		dīšt	درازی پنج تا ده انگشت (مقیاس)
pāyak		darāy	درای (زنگ)
pāyakih		drāy	
rōčan			
pāyik	درجه‌ای	drāyēnītār	دراينده (کسی که بلند حرف میزند)
lipih	درجه‌ای از قوس	ōrōn	دراينسوی
sus		drāyītan	درايیدن (بلند و بیهوده حرف زدن)
suš		rāḥ	درباره*
pāyikihā	درجه بدرجه	rāy	
hūmat pāyak	درجه هومت (اندیشه نیک)	darik	درباری
magōpatih	درجه و مقام موبد	vāspuhrakān	درباریان
	درجه و مقام موبدان موبدی	darpan	دربان
magōpatān magōpatih		darpan sardār	دربان سردار (رئیس دربانان)
draxt	درخت	darik pat	دربد (وزیر دربار)
dār		viyāpānik	دربدر
dāru		hangirtik	دربدارنده
van		-dān	
	درخت اساطیری بسیار تنخمه	parvastan	دربد داشتن
van i vas tuxmak		darband	دربند
anār	درخت انار	griftār	دربند (اسیر)
urvar		parvān	درپیش
vīt	درخت بید	padē	درپی
vēt		pat gyāk	درجا
van i gurgānik	درخت پسته		

rōčāk		gaz	درخت تاغ
šēt		van i hū-āp	درخت تر و تازه
tāpāk		tūt bun	درخت توت
tāpīk		tōz	درخت توز
vaxšēndak		tōz	درخت خدنگ
vaxšandak		kūyak	درخت خرما
vaxšāk		mug	
vaxšak		mōg	
virōčak		gyāh	درخت کوچک
farraxv		gaz	درخت گز
frāšm		tāk	درخت مو
pērōk		nastarvan	درخت نسترن
mīnāk		nihāl	درخت نورس
vaxš	درخشش	dārēn	درختی
vaxšišn		barāzišk	درخشان
vaxšišnih		brāzišnik	
tēr		brāziyāk	
tapišn		brāzēnitār	
hūš		bām	
ūš		bāmīk	
varčak	درخشش خدایی	arus	
barāziškīh	درخشندگی	čašmak	
brāzišn		čašmakān	
brāh		nisāk	
brah		rāyōmand	
brīh		rōšn	
brēhīh		rōšnihā	
frōk		rōšnīk	
xurg			
hūš			

apāyast	درخور	rōšnīh	
pasačak		sahīkīh	
šāyandak		spēk	
niyāpak		spēzišn	
niyāp		spīzišn	
drust		farraxvīh	
niyāpakīh	درخور بود گی	vaxšīšnīh	
pasačakīh		burz brāhīh	درخشنده گی پرشکوه
šāyistan	درخور بودن	hvarxšēt pētākīh	درخشنده گی خورشیدوار
āk	درد	rōčanāk	درخشنده
dart		vaxšāk	
pažm		vaxšak	
ranj		spik	
bēšišn		nisāk	
rēš		šēt vars	درخشنده موی
arg		drafsītan	
rēštakīh		brāzihītan	درخشیدن
dartkar	دردآور	brāzitan	
dartēnītan	دردآوردن	frōkihasan	
dart zatār	دردزدا	spiz-	
dartak	دردمند	tāftan	
bēšit		vaxšītan	
dartōmand		xvāhišn	درخواست
rēš	دردناک	xvāstārōmandīh	
rēšak		zādišnīh	
rēškēn		žah-	
rēšgōn		zādītan	درخواست کردن
rēškōn		zastan	
āzārak		zāyistan	

passāxtan	درست کردن	rēšītan	دردناك کردن
vīrāstan		rēšgōnīh	دردناكي
passāxtār	درست کننده	rēškēnīh	
drudist gōhr	درست نژاد	arezūr	در دوزخ
drudist gōhr	درست گوهر	dartīh	دردی
ahrāōīh	دستی	darz	درز
ahrāyīh		darzīk	درزی (خیاط)
ahravīh		drudist	درست
drudistīh		druyist	
drustīh		drist	
frārōnīh		drust	
raġistakīh		drustīhā	
vičurtīh		hanġār	
parōn	درسوی دیگر	raġistak	
društ	درشت	vičurt	
dužvār		druvist annām	درست اندام
društ ēvāč	درشت آواز	rāst mēnišn	درست اندیش
društ ēvāčihā	درشت آوازانه	drustpat	درستبه (پزشك)
društīh	درشتی	drust čašmīh	درست چشمی (نظرخوب)
stawrīh		drust rawišnīh	درست روشی
masā		drudist gōhr	درست سرشت
kā	در صورتیکه	passāčišn	درست شدگی
darīām	درغام (شهر)	passāxtakīh	
daryān	درغان (شهر)	passačak	درست شده
drafš	درفش	passāxt	
drafšnik	درفشان (نرزان)	passāxtak	
		drudist kārīgar	درست کار
		raġistak	

murtan	درگذشتن (مردن)	xvardrōš	درفش خونین
frōt murtan		xrudrafš	(دارای درفش خونین)
vitartan		xurdruš	~
vitārtan		xrvidrōš	~
vitaštan		xrudrōš	~
vitāštan			
vitirtan		drafšdār	درفش‌دار
viturtan		bōy	درک
vitārišn		bōδ	
pat baxt šutan		ayāpākih	
		mēnišnīh	
ōšōmand	درگذشتنی	ōših	
murtak	درگذشته	sōhišnīk	درک شدنی
murt			
ristak		hōšītan	درک کردن
vitart		mārtan	
bē vitart		mēnītan	
vitīrān			
vitartak		mārak	درک کننده
satōš (تازه درگذشته)		dargām	درگام (شهر)
uzīt		dar	درگاه
drahm	درم	dargāh	
diram		dargās	
darmān	درمان	bē vitīrišnīh	درگذشت
bēšāzēnišnīh		vitarg	
bēšāzišnīh		viturt	
darmānišnīh		vitart	
darmānīhā	درمانان	murtān	درگذشتگان
bēšāz	درمان بخش	bē vitīrišnīh	درگذشتگی

dōrgar	درود گر	čārōmandihā	درمان پذیرانه
drōtgar		višaḍak	درماندگی
durgar			
dōrgarīh	درود گری	apar māndak	درمانده
drūtan	درودن	frōtmānd	
drōg	دروغ	afkār	
drōγ		must kunišnīh	درمانده کردن
drōv		nirmat darmān	درمان سودمند
drō		darmānišnīh	درمان کردگی
drōš		darmānīh	درمانگری
drōž			
davan		drimak	درمنه (گیاه)
drōžan		dramanak	
drōzanīh		darītār	درنده
drōžanīh		drītār	
drūžih			
mēt		dirang	درنگ
mitōxt		dērang	
mitōxtih			
zōr		dirangīh	درنگی
drūjanīhā (بدروغ)		abē vitart	درنگدشته
mitōxt mēnišn	دروغ اندیش	dar	دروازه
drūjīh	دروغ بودگی	vitar	
drōγ dātwārih	دروغ دادوری	darband	
drōγzan	دروغ زن	drvāsp	درواسپ (ایزد)
drōzan		drōt	درو
drōžan		drōtīh	
drūjan		drūt	
		vāstr dravišnīh	درو کردن علوفه

drōgih	دروغی	drōžanīh	دروغ زنی
drōvīh		drōzanīh	
drūjanih		drōžankar	دروغ کار
mitūxtik		drōy gōftār	دروغ گفتار
drōžitan	دروغیدن	drōzan kartan	دروغ گفتن
drōjitan		drōžitan	
drūtan	درو کردن	drūjitan	
yōdrūn	دروگر	druxtan	
drōn	درون (نان مقدس)	drōj gumānikih	دروغ گمانی
huparrōn	درون زیبا (دارای)	drōy gōwišn	دروغگو
dravand	دروند	drōy gōftār	
druvand zātak	دروند زاده	anāst gōwišn	
dravandīh	دروندی	drōyzan	
druvāsakān	دروواسکان (سوجود اهریمنی)	mitrōzan	
driyōš	درویش	zūrōmand	
driyōš		mitr drūj	دروغ گوینده به ایزدمهر
drigūš		mitrān drūj	
driyōših	درویشی	mitrō drūj	
darrak	دره	drōy gōwišnih	دروغگوی
rōtstāk		drujīšnih	
gawr		druxtārih	
vīm		mēt gōwišnih	
pariš	درهم	mitūxt	
dar-ham		zūr mitūxtih	
drahm	درهم	mitr drūjīh	دروغ گویی به ایزدمهر
draxm		davan mēnišn	دروغ منشی
		mitōxt mēnišn	

griftn	دریافتن	gumēčak	درهم آمیخته
drayā varzih	دریانوردی	gumēkih	درهم بودگی و اختلاط
drayā varzih	دریا ورزی (دریانوردی)	ham vašt	درهم فرورفته
puitik	دریای پوتیک	darik	دری (درباری)
čēčast	دریای چیچست (دریاچه رضائیه)	drayāp	دریا
siyāv bun	دریای سیاه	drayā	
xašēn		zrāh	
		zrēh	
frāxv kart	دریای فراخکرت	var	
zrēh i frāxvkart		drayā bār	دریابار
rōčan	دریاچه	var	دریاچه
rōzan		zrēh	
dritār	دریدار	asvāst	دریاچه اسواست
drinišn	دریدگی	urvēs var	دریاچه اورويس
darītan	دریدن	čēčist	دریاچه چیچست
darrītan		var i čēčast	
dritan		kayānsē	دریاچه زره
vikāftan		sūbar	دریاچه سوبر
dūzd	دزد	sūt bahr	دریاچه سودبهر
dūžd		šīrāp	دریاچه شیراب
dūzt		kayānsē	دریاچه کیانسه
dūž		kānsēh	
dūz		kayānsē(h)	دریاچه هامون
dūzēn		ayāpak	دریانت
appurtār		ayāpakih	
apurtār			
apparag			
gadar			

traft		hazar	
taruftak		hazal	
truftak		truftār	
appār	دزدیده شده	rās-dār	
dēz	دژ	hazaragēn	دزدانه
dīz		dūz i dūzēn	دزد حرفه‌ای
dēž		dūzēn	دزد گونه
var		hazarvārak	دزدوار
āwahan		apar	دزدی
drupušt		appar	
drupuštih		aparīh	
karīta		apparīh	
karītāk		appurišn	
dušāpak	دژآبه (بی‌آبرو)	āpurišn	
jamkart	دژ بر ساخته جمشید در زیر زمین	duztih	
jamkart var		dūzih	
dušākās	دژ آگاه (کسی که معلومات بد دارد)	dūžih	
duš pātaxšāh	دژ پادشاه (فرمانروای ستمگر)	triftakih	دزدیدگی
duš pātixšā		dūzitan	دزدیدن
duš pātaxšāhīh	دژ پادشاهی	duztitan	
duš dōisrīh	دژ چشمی	appurtan	
duš-čīhr	دژ چهر (بدسرشت)	āpurtan	
duš-čīhrīh	دژ چهری	truftan	
duš-xvatāyīh	دژ خدایی (فرمانروائی بد)	truftēnītan	
duš-xēm	دژ خیم	rōpūtan	
duš framān	دژ فرمان (نافرمان)	dūžītak	دزدیده
		dūzītak	

handōxtan		دژ فرمانی	duš framānih
tūxtan		دژ کام (بدخواه)	duš-kām
vindātan		دژ کامگی	duš-kāmakih
vinditan		دژ کام کرداری	duš-kām kartārih
ayāpāk (بدست آورنده)		دژ کردار (بد کردار)	dūš-kartār
tūxtār		دژ کرداری	duš-kartārih
dast-afzār	دست افزار	دژ کنش (بد کنش)	duš-kunišn
dastān	دستان (نام خاص)	دژ گویی (زشت گویی)	duš-gōwih
ērkaš	دست بسینه	دژ مزگی (بدمزگی)	duš-mičakih
ūstān dast	دست بلند شده	دژ منش (بداندیش)	duš-mēnišn
hōy	دست چپ	دژ نوشت (مرکز اسناد دولتی)	dēž nipišt
dastōmand	دست دار	karīta nipist	
dašn	دست راست	dast	دست
dast-ranj	دسترنج	gav (اهریمنی)	
ayinaftan	دست زدن (لمس کردن)	dast	دست (لباس)
dast varz	دست ساز	dastak	
kārdāk	دست فروش دوره گرد	vastarg dastag	
dast-kārih	دستکاری	gavē	دست (برای سوجودات اهریمنی)
dastkart	دستکرت (شهر)	gav	
dastkart	دستکرد (ساخته دست)	āsyāy pat dast	دست آس (آسیای دستی)
apadast	دستکش	dastāmōk	دست آموز
apar ōstātan	دست کشیدن (منصرف شدن)	apar burtārih	دست آوردگی
apāč ēstātan		handōčišn	
dastkart	دستگرد (ملک)	handōzišn	
dast kirt		ayāpēnītan	دست آوردن (بدست آوردن)
		ayāftan	

kōfak	دسته پرهای بالای سر پرنده	ustān dast	دست گسترده
ham-spāhīh	دسته جمعی	dastgir	دستگیر
ham-spāh rawiṣnīh	دسته جمعی رفتن	drivōš dāyakānēnītār	دستگیر فقرا
gul-dastak	دسته گل	dastak	دستگیره
vīr ramak	دسته مردان	dastōmand	دستمند (دست دار)
dastyār	دستیار	dastōwar	دستور
dastyārīh	دستپاری	dastwar	
dastwarīh		handarzēnītan	دستور دادن
adiyārīh		nikēžītan	
duš	دش (بد)	avdištan	
dušākās	دش آگاه (دارنده آگاهی های بد)	awiyākaran	دستور زبان
dušākāsīh	دش آگاهی	dēv dastwar	دستور و پیشوای دیو پرستان
dušāmōxt	دش آموخته (بد آموخته)	dast varz	دستورز
dušāmōz	دش آموز	dastwarīh	دستوری
duš ēvāčīh	دش آوازی	dastak	دسته
duš ēvāzīh		grōh	
duš patvand	دش پیونده (دارای خویشان بد)	gāl	
dašt	دشت	gund (دسته سپاه)	
rāy		ratak	
gawr		ramak	
hāmōn		vāf	
viškar		rastak	دسته (صنف، رسته)
dašt i sūrīk mānīšn	دشت آسوریان	ristak	
daštān	دشتان (حائض)	pēšak	
daštānōmand		dastak	دسته (دست گیره)
xūnōmand		gundak	دسته (برای موجودات اهریمنی)

duš mēnišnih	دش منشی	daštānistān (جای ویژه زن حائض)	دشتانستان
dušman zatār	دشمن کش	daštānōmand	دشتانمند (حائض)
vēh dušman	دشمن نیکی	dašt i tazīkān	دشت تازیان
dušmanih	دشمنی	daštik	دشتی
dušmēnih		duš-xvatāy	دش خدای (فرمانروای بد)
dušmanātih		dušxvār	دشخوار (دشوار)
dušmēnātih		dušarmih	دش شرمی (بی شرمی)
gaštih		duš-vitarg	دش گذر (گذرگاه سخت)
hamēmālih		duš-mičak	دشمره (بدمزه)
hamēstārih		dušman	دشمن
hamēstārišn		dušmēn	
kēn		hambatik	
kēnih		hambasān	
kēnvarih		hamēstār	
kōxšākīh		maškar	
pityāarakih		hamēmāl	
patyāarakih		patyār	
		patiyārak	
vas dušmanih	دشمنی بسیار	patyārak	
vēh dušmanih	دشمنی به امور نیکه	pityārak	
patyārēnitan	دشمنی کردن		
patyāarakēnītār	دشمنی کننده		
dušnām	دشنام	hamēstārihā	دشمنانه
vat vāčak		hamēstārōmand	دشمن دار
bēštan	دشنام دادن	patyārakōmand	
duš nikīrih	دش نگری (بدنگری)	dēn hamēstār	دشمن دین
dašnak	دشنه	dušman zatār	دشمن زن (کشنده دشمن)

xvāntār	دعا کننده	duš nihātīk	دش نهاد (بدنهاد)
frārōn nīrangīh	دعا و اوراد را خوب خواندن	dušvār	دشوار
āfrīkānih	دعای خیر	dušxvār	
āfrīngān		dužvār	
drōt		dušvārīh	دشواری
drūt		dušxvārīh	
āfrīngān	دعای مخصوص آفرینگان	āfrīn	دعا
yaθā ahu vairyō	دعای معروف اهورنور	azbāy	
tuwān xvāhišnih	دعای مؤثر	azbāyišn	
ayōzišn	دعوا	namāč	
patkārīt		niyāyišn	
patkārtan	دعوا کردن	nērang	
kōxšītan		xšnuman	
patkārdār	دعوا کننده	xvānišn	
patkār	دعوی دادگستری	yaštārīh	
patkār	دعوی قضائی	zabāyišn	
nivēd	دعوت	zādišnih	
nivēdēnišn		āfrīnītan	دعا خواندن
nivēdišnih		yaštan	
nivētvarīh		vāč dāštan	
		vāč griftan	
		ušmurtan	(در دل دعا خواندن)
nivēdēnītan	دعوت کردن	vāč kartan	دعا خواندن پیش از غذا خوردن
nivēdītan			
nivēhēnītan		vāč gīrišnih	دعا خوانی
nivētvar	دعوت کننده	niyāyišnēnītan	دعا کردن
dugtav	دغدو (مادر زرتشت)	yaštan	
durtūy		zabāyītan	

bār	دفعه	darpuštih	دفاع
bārak		drupuštih	
jāvar		panāhīh	
yāvar		pānākīh	
kart		pāspānīh	
gart			
mārik		pasēmārīh	دفاع حقوقی
pardak		patēmār	دفاع کننده
partak			
rīn		daftar	دفتر
vīn		diftar	
nikānēnītan	دفن کردن	daftar	دفتر حساب
nikānītan		uzdāt nāmak	دفتر خرج
nikān kartan		uzdāt nāmak	دفتر خروجی
nasā nikān	دفع کننده جسمه مرده	uzdāt nāmak	دفتر صدور
nēzumānīh	دقت	dafr-gāv	دفتر گاو (نام خاص)
nēzumānīhā (بدقت)		vānišn	دفع
pat nikērišn (بدقت)		aknēn	دفعه
bavandak mēnišn	دقت کامل	spōxtak	دفع شده
nēzumān	دقیق	kār vičārtan	دفع فضولات بدن کردن
hūniyōxš		vičārtan	دفع کردن
druyist		xangēnītan	
nikīrāy		ōyārišnōmand	دفع کردنی
nikīritār		spōzāk	دفع کننده
vartišn	دگر دیسی	spōzkār	
yuttarih	دگر گون شدگی	spōžāk	
vartišnīk	دگر گون شدنی	spōž	

دلو	دگر گونہ	۲۴۰	دگر گونہ
dōl	دگر گونہ	yuttar	دگر گونہ
dūl		vartišn	دگر گونی
dūlak		yutih	
dōrak		frasp	دگل کشتی
hēčak			
handrūtak	دلواپس	dil	دل
hangrūtak	دلواپسی	gort	دلاور
		tagihā	دلاورانہ
hēčak	دلو چرمین	pēš nēvak	دلاور برجستہ
dilir	دلیر	gadvarih	دلاوری
dilēr		handarōtakih	دلیری
dilītar		nāzīk	دلپسند
amāvand		handarōtak	دلتنگ
martāčōk		dušxvār	
marčāpuk		dušrāmih	دلتنگی
ham martāčōk		vitangihā (بہ دلتنگی)	
nīv		šnūman	دلجوئی
nēv		kāmakihā	دلخواہانہ
nēvkār		kāmakōmandihā	
nipartak		kāmihā	
tagīk		dilih	دل داری
takīk		dil dartih	دل دردی (دلسوزی)
tax _m		xrūkih	دل سنگی
mart mēnišn		dil sōčak	دل سوزہ
vīr		dil sōčak	دل سوزی
amāvandihā	دلیرانہ	dil dartih	
dilirihā			
tagihā			

dumb	دُمب	dilīh	دلیری
dumbak		gušnīh	
dūm		arvandīh	
dumbalak	دُمبک	martāčōkīh	
dumbalak srāy	دُمبک نواز	ham martāčōkīh	
dumbōmand	دُم دار	marčāpukīh	
pat dumb		martānakīh	
nipēm	دُمرو	tagīh	
damišn	دُمش	takīkīh	
kul dumb	دُم کج	nēvīh	
kūk dumb	دُم کوتاه	mas martih	
vēn āwarišn barišn	دُم و بازدم	mart mēnišnīh	
damak	دُمه	bahānak	دلیل
vāt damak	دُمه باد	čīmīh	دلیل دار
damītan	دُمیدن	rāst čīm	دلیل درست
daftan		rāst čīm	دلیل راست
pazditan		dam	دُم
nivāzitan		dafišn	
nivāzitan	دُمیدن در چیزی	vāy	
damēnak	دُمینه (دُم آهنگری)	vāt	
pay	دُنبال	vaxš	
pāδ		vāyišn	
pāy		vēn	
padē (بدنبال)		damēnak	دُم آهنگری
		damāvand	دُمآوند (کود)
		dumbāvand	
		dubāvand	
		danbāvand	

bēšāzīh	دوا دادن	apākēnītan	دنبال کردن
bēšāzēnīh		štāftār	دنبال کننده
bēšāzišnīh			
davāzdah	دوازده	aparvārak	دنباله
dvāzdah		dumbalak	دنبک
dvāzdahom	دوازدهم	dumbak	دنبه
dawāl	دوال	dandān	دندان
ēstišnīh	دوام	gēhān	دنیا
hamākīhā ēstišn		gētīh	
pātārīh		gētāh	
patūkīh		rōčkār	
pattāyišn		tam axvān	دنیای تاریکی
asačišnīh		nazdik axvān	دنیای زمینی
patvastārīh		mēnōgān	دنیای غیرمادی
vazdvarīh		gētīh	دنیای مادی
patūtān	دوام آوردن	gētīh	دنیای محسوس
pattūtān	دوام داشتن	mēnōk	دنیای مینوی
patāyīstan		mēnōkān axvān	
pāyītan	دوام یافتن	axvānik	دنیایی
pattōkīh	دوام یافتگی	gētāhīk	دنیوی
davān	دوان	gētīkīk	
duvān		gētīhīk	
tačāk		gēhānīk	
pōyišnik		dō	دو (عدد)
dwārēnītan	دواندن	dō-āpdān	دوآبدان (برج دلو)
tačēnītan			

دو جهان	۲ ۴ ۳	دوبار
axvān	دو جهان	dōbār دوبار
dō axvānik	دو جهانی	dō tāk
dōčārīh	دو چاری (موا جهه)	dō rīn
dō čandān	دو چندان	dōkānik
dūxtan	دو ختن	bīšāmrūtīk (سرود مذهبی)
dōxtan		دوباره (باز)
handōxt	دو خته	apāč
dūt	دود	bēt
hōšēnāk	دود آلوده	bit
dō rīn	دو دفعه	dīt-ič
gumānītan	دو دل بودن	apāč pursītan دوباره پرسیدن
dūtak-mān	دودمان	dōgānik دوباره
dūtak		dō čandān دوباره
hanbātak		dōkānik
tōhmak		dōpāδ دوپا
nāf		dupāδ
napat		dō zang
gōhr		dōpāy
čīhrak		dōpāδān دوبایان
dūtak	دوده	dōpāyān
dītīkar	دود یگر	dō-patištān
dēr	دور	dō patkar دوپیکر (برج جوزا)
dūr		dōrin دوتا
ēvārak		dōtāk
rahīk		dōvān
parōn		dvāt
		dōvān دوتائی
		dō kāft دوتکه

patītan	دور شدن از چیزی (اهریمنی)	girtak	دور (پیر'سوزن)
dūr šatrik	دور شهری (غریب)	pērāmōn	
dūr karānak	دور کرانه	pargavār	
bē kartan	دور کردن	dūrāsraw	دور آوازه
vitartan		frāč nāmik	
apāč tarvēnišnih		tar	دور از
ōyārišnōmand	(قابل دور کردن)	dūiāsraw	دور اسرو (نام خاص)
ōyārišnōmand	دور کردنی	ēvārak	دور افتاده
dūr vitarg	دور گذر	dūr ōmēt	دور امید (کسی که می‌دهای دور دارد)
vitārēnitan	دور گرداندن	zamān	دوران
dūr nāmik	دور نامیک (نام خاص = شهور)	gartišn	دوران
ham bunič	در نتیجه	awigatīh	دوران حمله اهریمنی
dūr nikērišn	دور نگر	afgantān	دور انداختن
dūr nikērišn	دور نگرش	pēš xratīh	دور اندیشی
avartāk	دور نگشته	dūr-ōših	دور بودگی از بیماری و مرگ
dō saxvan	دورو	dūr vēnišn	دور بین (دور بیننده)
durušasp	دوروشسپ (نام خاص)	pēcītan	دور چیزی را گرفتن
dōrak	دوره	xanjistan	
nisang		dūrōš	دور دارنده بیماری و مرگ
āvāmik	دوره‌ای	vēxtan	دور داشتن
daštān mäh	دوره حیض	spōxtan	
hanjamanikih	دور هم جمع شدن	spōz dāštan	
dūr hūvirih	دور هوشی (تیز هوشی)	vaštār	دور زننده
hazārak	دوره هزار ساله	rēcītan	دور شدن
hazangrōkzam		sačītan	

dōšītār	دوستدار	duwrak	دوری (ظرف)
ruwān dōst	دوستدار روان	dūrīh	دوری
kīrpak dōst	دوستدار کار ثواب	vartišn	
dōšītan	دوست داشتن	vaštārīh	
kāmīstan		vištārīh	
vandītan		dūr ayāp	دورپاب (از دوریابنده)
ruwān dōstīh	دوست داشتن روان	varan vaštārīh	دوری از نفس پرستی
hūdōšak	دوست داشتنی	dušaxv	دوزخ
dēvān dōšīt	دوست داشته دیوان	duš hūmat	
mēnōk dōst	دوست مینویان	dušaxvīk	دوزخی
vēh dōst	دوست نیکی و خوبی	tam arzānīk	
dōstīh	دوستی	dušaxvikīh	دوزخی بودن
dōšārm		dō sālak	دوساله
dōšārmīh		dōst	دوست
dōšišn		hax	
dōšišnīh		hūmitr	
ham āxakīh		brātak	
ham dōšišnīh		ham brāt	
brātīh		ham brātak	
ham brātīh		yār	
hūmitrīh		adiyār	
mitr		ērmān	
mitr-kārīh		franāftār	
ayyārōmandīh		hambāy	
nazdik mānīh		ham rās	
vat dōšārmīh	دوستی بد	ham brāt bēš	دوست آزار
dō-saxvan	دوسخن (رباکار)	ayyārīhā	دوستانه

pat-yuxtak	دوځلو	dō kamār	دوسر
dōk	دوک	dōš	دوش (دېشب)
dō-kōfān	دو کوهان (شتر)	dōš	دوش (کتف)
dōkānakih	دوگانگی	suft suftak	
dōgānak	دو گانه	dō šapak	دوشبه
dōkānik		dōšišn	دوشش (عمل دوشیدن)
dōkānak		dušak	دوشک (بستر)
hambārak	دولا بچه	dō-kāft	دوشقه
dūlak	دولچه (دلو کوچک)	dōsitār	دوشنده
dūlak	دولک (مقیاس حجم)	dūšītan	دوشیدن
dowom	دوم	dōsītan	
dutīkar		dōšītan	
ditīkar		dōxtan	
ditom		dūxtan	
dō-māhak	دوماهه	dōšičakih	دوشیزگی
dōvēm	دومین	dūšičak	دوشیزه
dōomēm		dōšičak	
dōtōm		kanēčak	
rēčišn	دوندگی	kanēnak	
tačišnīh		kanič	
vāzišn		kanik	
tāčān	دونده	ašikand	
tačāk		čarātik	
tazāk		māst zatak	دوغ
tāxtār		duytūy	دوغدوبه (مادر زرتشت)
dōvān	دوها (عدد)	dugtav	
tazišnīh	دوپدگی		

dahyūpatih	دهبدی	davistan	دویدن
dahistān	دهستان (شهری در گرگان)	davītan	
dahā dēh		duwāristan	
dahākān	دهستانیان (مردم سرزمین دهستان)	dwāristan	
dahišn	دهش	dwārītan	
hūdahišn	دهش در راه خدا	dwārīšnīh (دویدگی)	
hēt dahišnīh	دهش مستمر	dwārīšn (دوش)	
dahišnōmand	دهشمند	duwān (در حال دویدن)	
dahišnīk	دهشی	tāxtan	
dahišn adiyār	دهشیار (نام خاص)	taxtan	
dēhikān	دهقان	pōy-	
dēhkān		vāzītan	
dahgān		padak	دویدن اسب
dahyūkān		ham duwāristan	دویدن باهم
fšag		dōih	دوئی
kār varzītār		dah	ده
varz kartār		rōstāk	
vāstryōš		rōtstāk	
dēhūkānīh	دهقانی	dah	ده
vāstryōšīh		dahān	دهان
vāstrēnišn		zafr	
vis	دهکده	dahāk kart	دهاک کرت (شهر)
dēhik	دهکده‌ای	dahānōmand	دهان‌دار
vīsik		patisār	دهانه ^۱ اسب
dah-rīn	ده‌لا	kūtakihā dahān	دهانه رحم
dahlič	دهلیز	kūtakihā dahān	دهانه زهدان
dahliz		dahyūpat	دهبد
		dēhpat	
		dēhyōpat	

sahīk	دیداری	dahm	دهم (نام فرشته)
dōisr	دید باطن	dahom	دهم
dītan	دیدن	day	دهمین ماه سال
nikirītan		dadv	
nišītan		frēh dātār	دهنده آبادانی و نعمت
sahīk	دیدنی	dātār vālišn	دهنده افزونی و بزرگی
vēnafdāk		vičīrtār	دهنده حکم قضائی
vēnaft		frāxvīh dātār	دهنده خوشبختی و فراوانی
vēnāk		hūdahak	دهنده مخلوق خوب
vēnišnīk		hūdahāk	
vēn	دیده	bēvar	ده هزار
vēnihasan	دیده شدن	bēvar čašm	ده هزار چشم (دارای)
avēnāk	دیده نشده	dah ēvak	ده یک
dēr	دیر	dēpāk	دیر
dagr		dadv i ātur	دی بآذر (نام روز هشتم هرماه)
dēr āyišn	دیر آیش (دیرآمدگی)	dadv pat ātur	
būšiyāsp varzītan	دیر از خواب برخاستن	dadv i dēn	دی بدین (نام روز بیست و سوم)
dēr pat kāmāk	دیر بکام (دیر زمار آرزو شده)	rōč i dadv	دی بمهر (نام روز پانزدهم)
dēr pattāy	دیر پایا	dadv pat mitr	
dagr pattāy		dīt	دید
dērang		dītišn	
dirang		nikās	
dēr jānīh	دیر جانی	dītār	دیدار
dēr rasišn	دیر رس	ham-rasišnīh	
dēr rasišnīh	دیر رسی	ham-rasītan	دیدار کردن

ditikar		dēr zamān	دیر زمان
yut		dagr zamān	
yutar		dēr jānīh	دیر زندگانی
apārikān	دیگران	dēr zīvišn	دیرزی
bit	دیگر بار	dagr zīvišn	
bēt		dēr zīvišnīh	دیر زبندگی
an	دیگری	dagr zīvišn	دیر زبوش
han		dēr āyišn	دیر کننده
hān		dēr mānišnīh	دیر ماندگی
dit-ič	دیگری نیز	dēr mānišnīh	دیر مانی
an-ič		dīg	دیروز
an-ič	دیگری هم	dīk	
dēlamān	دپلمان (ناحیه)	dēr yazišnīh	دیر یزشی (دعای طولانی)
māh i dadv	دی ماه	dīg	دیگ
dadv māh		ūg	
dēn	دین	dēg	
dēn ākāsih	دین آگاهی (علم دین)	dēk	
dēn ākāsihišnīh		āsēnēn dēg	دیگ آهنی
dēn āmōxt	دین آموخته	an	دیگر
dēnār	دینار	han	
dēn adātīh	دین باطل	hān	
dēn bandak	دین بنده	anyā	
dēn i vēh	دین به	ēnyā	
dēn patīriftār	دین پذیرفتار	apārik	
dēn patīrišnīh	دین پذیری	ič	
dēn yazišnīh	دین پرستی	dit	

arzūr	دیو ارزور	āstavān	دین دار
spanjaruš	دیو اسپنجروش	dēn burtār	
ērāš dēv	دیو اغاش	āstavānih	دین داری
dipiwān	دیوان (دبیرخانه)	dēn dārān	دین داران
dēvān		dēnih	دین داشتگی
dēvān	دیوان	dēn dānākīh	دین دانایی
divān		dēn dōstīh	دین دوستی
māzanikān		dēn rōwākīh	دین روایی (رواج دین)
andar	دیواندر (ایندرا)	mazdayastīh	دین زرتشتی
drūjān	دیوان دروغ	mazdayasnīh	
akōman	دیو اندیشه بد	dēn i vēh	
dušmat		dēn sardārīh	دین سرداری (پیشوایی دین)
halakīh	دیوانگی	dēnkart	دینکرت
viyāpānīh		dēn nimūtār	دین نمودار (مظاهر به دین داری)
dēvānak	دیوانه	dēn nimūtārīh	دین نموداری (مظاهر به دین)
halak		dēnik	دینی
viyāpān		dēn-ayyār	دینیار (نام خاص)
dōš		dēv	دیو
viyāpīhistan	دیوانه شدن	āz	دیو آز و خست
halakīhā	دیوانه وار	dēvān-dāt	دیو آفریده
utak dēv	دیو اوتک	dēvār	دیوار
čašmak	دیو بادهای تند	divār	
hunušak	دیو بچه	parčīn	
spazg dēv	دیو بدگونی	parkān	
but dēv	دیو بوئینی (نام دیوی است)	pargān	
		parisp	
		frasp	
		bār (بارو)	

dēvān dāt	دیو داده	dēv yazak	دیو پرست
dēv drūj	دیو دروغ	dēv izak	
anāst dēv		dēv yasn	
		kayak	
mitōxt dēv	دیو دروغ گوئی	druvand	
dēv ayyās	دیو دوست	dēv yasnān	دیو پرستان
dēv kāmakiḥ	دیو دوستی (دیو پرستی)	dēv izakiḥ	دیو پرستی
arašk dēv	دیو رشک و حسد	dēv yazakiḥ	
aspanjarōš	دیو رعد	dēv yasniḥ	
čašmak	دیو زمین لرزه	dēvēsniḥ	
spazg dēv	دیو سخن چینی	nas dēv	دیو پلیدی و ناپاکی
drvand	دیو سیرت	arš	دیو پیمان شکنی
drvandih	دیو سهرتی	astōvidāt	دیو تخریب
dēv karpīh	دیو شکلی	tišn drūj	دیو تشنگی
frēftār dēv	دیو فریب	niyāz dēv	دیو تنگدستی
dēv kāmakiḥā	دیو کامانه	tawriz	دیو توریز
dēv kāmakiḥ	دیو کامگی	tōriz	
mazan	دیو مازندران	arš	دیو حسادت
māzandar	دیو مازندر	tišn	دیو خشکسالی
māzinik	دیو مازینیچک	apōš	
māzanik	دیو ناحیه مازن	hišm	دیو خشم
astviahāt	دیو مرگ	xēšm	
astvidāt		xafak dēv	دیو خفگی
		frēh dēvāniḥ	دیو خوبی

dēv yasnīh	دېوېسنى (دېوېرسنى)	nasūš	دېوناپاكي
rōstāk	دېه	anāst dēv	دېوناړاستى
rōtstāk			
dēh		niyāz dēv	دېوناياز
āvahan		dēvik	دېوى
visīh	دېه (متعلق به دېه يا فبيله بودن)	dēvīh	
visik	دېوى	dēv ayyār	دېويار

ذ

handōxtan	ذخیره کردن	gōhr	ذات
arišn	ذراع	gōhrak	
nay		xvatih	
frārāst		čihrihā	ذاتاً
xvarg	ذغال سوزان	āsn	ذاتی
vitāzišn	ذوب	āsnītak	
		āsnūtak	
vitāzīhistan	ذوب شدن	čihrēnītihā	
vitāzēnitan	ذوب کردن	čihrih	
vitāxtan		čihrik	
		gōhrīk	
tačišnōmand	ذوب کننده	xvatik	
amargar	ذی حساب	bun	ذخیره
āmārgar		ganj	
aparvāarak	ذیل	handōxt	

rātīh kartār	راد کردار	rā	را
rāt mēnišnīhā	راد منشانه	rāδ	
rātīh	رادی	rāy	
rātēnītan	رادی کردن	pašn	رابطه (میانجی)
rāz	راز	pašt	
nihuftārih		apārōn marzišnīh	رابطه نامشروع بازنان
nihumb		hanbār	راحت
vitīmās		frāxv	
vitīmāsik	راز آمیز	āsān	
rāz burtan	راز بردن	frāxvīh	راحتی
ōstik	راز دار	āsānīh	
ōstikīhā	راز دارانه	hanbārīh	
vistāxvīhā		xvārakīh	
rāz burtan	راز سپردن	xvārīh	
		vētvarīh	
		rāt	راد

rāst gōwišnih	راستگویی	rāz burtan	راز گفتن
rāstih gōwišnih		rāz nihuftārīh	راز نهفتاری
rāst mēnišn	راست منش	rāzīk	رازی (سری)
drudistih	راستی	sar	راس
rāstih		bašn	
rāstihā (براستی)		bālēn	
ēvarīhā (براستی)		rāspīk	راسپی (موبدمعاون در مراسم مذهبی)
rās i šāpuhr	راس شاپور (شهر)	rāst	راست
rasūk	راسو	drust	
raswuk		durust	
xōnsand	راضی	drudist	
xvansand		hanjār	
xōrsand		rajistak	
xvarsand		vāvarikān	
hūšnōsr		dašn (طرف راست)	
ōšnūtak		rāst mēnišn	راست اندیشه
xšnōmand		rāžēnītan	راست و درست کردن
hušnūt		rastak	راسته
hušnūtak		rāst rāsīh	راست راهی
xvašnūt		rāst zīvišn	راست زی
vitvar		rāst šāhpuhr	راست شاپور (شهر)
māhmān		stēy	راست شده
xvēš ōšnūtak	راضی از خویش	rajistakīh	راستکاری
xšnūtan	راضی ساختن	rāst kunišn	راستکردار
rāy	راغ	arišuxt gowišnih	راست گفتاری
yut ristak	رافضی	rāst gōwišn	راستگو
rāk	راک (نام خاص)	rāst gōftār	

rāmišnih	رامشی	stadak	راکد
rāmišnīk		ēstātak	
rāmēnītan	رام کردن	armēšt	
aramak	رام نشده	hamist	
rām i vēh	رام وه (ایزدهوا)	rām	رام
rām ōhrmazd	رام هرمزد (شهر)	parvastak	
rāmyār	رامیار (نام خاص)	rāmistan	رامستن
rān	ران	rāmišn	رامش
sīnak		rāmēnišn	
haxt		pat rāmišn (به رامش)	
patištān		hūrāmīh	
rān-pān	ران بان (سلاح حافظ ران)	rāmēnitārih	رامش بخشی
rān-pān	ران بند	rāmēnītan	رامش دادن
rān vartīn		rāmišnōmand	رامش دار
rāntan	راندن	frahaxt	رام شده
rānēnītan		rāmēnitār	رامش دهنده
raftēnītan		rāmišn dātār	
spōxtan		rāmišn dāt	
nītan		rāmišn adiyār	
rāyēnītan		rāmēnitārih	رامش کنندگی
vāzītan		huniyākar	رامشگر
āyoxtan	راندن ارابه	rāmišnōmand	رامش مند
spōxtak	رانده شده	rāmīhastan	رامش یافتن
artēštār	راننده	rāmēnīt	رامش یافته
āyōxtār		rām-šatr	رام شهر (لقب گشتاسپ)
vāzēnītār			

hazarag		rānēnītār	
hazal		rāyēnītār	
hazarkāarak		ōšmurtār	راوی
rās-dār			
rās-dārih	راهزنی	rās	راه
dāt rās	راه مشروع وقانونی	rāh	
rās nimāy	راهنما	pand	
pēšār		rastak	
parvānak		sratak	
nimūtārih	راهنمایی	vitar	
čāšišn		vitarak	
rās nimāyih		vitarg	
parvānakih		āp-tačan	راه آب
sōbārišn		pand āpānik	
ānīhitan	راهنمایی کردن	asprās	راه اسب
nayītan		kār raftārih	راه افتادگی
handarzēnitan		rōwākēnitan	راه انداختن
franāftan		pand	راه باریک
rāsih	راهی	vāzišn	راهبری
dātastān	رای	rās-dār	راهدار
dātistānih		vitarakōmand (دارای راه)	
čāštak		tačitan	راه رفتن
čāštakih		škravītan (بد راه رفتن)	
vičir		škarvītan (بد راه رفتن)	
saxvan			
rāḡ	رای (عقل)	gadar	راهزن
rāi	رای (فروغ)	gadōk	
rawākīh	رایج بودگی	hazar	
		hazarg	

āmurzītār	رحیم	čāštan	رای دادن
apaxšāyišnkār		vičirēnītan	
apaxšāyišngar		vičirtār	رای دهنده
apaxšūtār		handarzpat	رایزن
xvāpar		dar andarzpat	رایزن دربار
xvāwar		dar andarzpatih	رایزنی دربار
hū apar		dāstān	رای قضائی
apaxšāyišnkārīhā	رحیمانه	dātistān	
raxv	رخ (مهره شترلج)	vičirih	
bālišn gās	رختخواب	vičir	
raxvat	رخج (شهر)	vičirkart	
gōnak	رخسار	dāstānōmandih	(صدوررای قضائی)
gāzar	رختشوی	rāyōmand	رایومند (درخشان)
gāzarīh	رختشویی	vaxšgar	رباخوار
unīk	رخنه‌ای	čatrušvātak	ربع
raxvat	رخوت (شهر رخج)	rōp	ربودگی
nikērāyih	رد (انکار)	triftakih	
rat	رد (پیشوای مذهبی)	rōpūtan	ربودن
ratwōk barzīt	رد بزرگ	pāyak	رتبه
ردپیکار (پیشوایی که درمورد نزاع رسیدگی می‌کند)		apaxšāyandih	رحم
patkār rat		apaxšišn	
patērāngar	رد کننده	apaxšāyišnkārīh	
ratōmand	ردمند (دارای پیشوا)	apoxšāyišn	
ratōmandih	ردمندی (پیشواداری)	xvāwarīh	
ratak	رده	hū aparīh	
ratih	ردی	pusdān	رحم (بچه‌دان)
		gawr	
		kūtak	
		burtār	

āxēzišn		raz	رز (تاکستان، باغ)
fraškart		parvarāk	رازق
frāškart		pātrazm	رزم
frāškart kartārīh		razm	
tan i pasēn		artēštār	رزم آور
tan pasēn		artēštārīh	رزم آوری
ristāxēzēnītan	رستاخیز کردن	ratēštārīh	
rist ārāstār	رستاخیز کننده	razm-gās	رزمگاه
rist virāstār		razmīk	رزمی
pašom kunišn		razēn	رزین (سخت، محکم)
rastār	رستار (رها شده، نجات یافته)	bardēspānīh	رسالت
rastār kartan	رستار کردن (نجات دادن)	mātikān	رساله
rōtastāk	رستاق	matiyān	
rastār	رستگار	mātagdān	
buxt		nāmak	
bōžākihā	رستگاران	nipīk	
bōjītan	رستگار شدن	nipistak	
bōžītan		nipištak	
buxtan		nipišt	
buxtītan			رسالهٔ چهار داد (چیترداد نسک)
buxtak	رستگار شده	čitrdāt mātīgān	
vāy buxt	رستگار شده بوسیله ایزد هوا	ānītan	رساندن
haftān buxt	رستگار شده بوسیله هفت امشاسپند	rasēnītan	
bōžihītan	رستگار کردن	pazāftan	رساندن میوه
bōžēnītan		ristāxēz	رستاخیز
buxtan		ristāxēzišnīh	

rastak		bōžāk	رستگار کننده
rastakīh		buxtār	
dastwarīh		rastārīh	رستگاری
nirang	رسم مذهبی	bōžākīh	
rasan	رسم	bōzišn	
rasan vāčik	رسم بازی	buxtakīh	
rusvāk	رسوا	buxtārīh	
dušāpak		buxtusn	
dusrav		buxtisnīh	
dusravēnitak		sūtakīh	
dušnām		ruwān buxtārīh	رستگاری روان
dusravēnitān	رسوا کردن	rōstahm	رستم (نام خاص)
rusvākīhā	رسواخانه	rotastahmak	
rusvākīh	رسوایی	rotastahm	
dusravīh		rotastahm farraxv zat	رسم فرخ زاد
dusāpakīh		rastan	رستن
baydēspān	رسول	buxtan	
pazāmēnitārīh	رسیدگی (پختگی، رشد)	rostan	رُستن
pazāmišn		rustan	
pazmāyišn		ārōyišnik	رستنی
pažāwišn		rastak	رسته
rašišnīh	رسیدگی (آمدن)	rust	رُسته
vičustan	رسیدگی کردن	rašišn	رشن
āmatan	رسیدن	advēn	رسم
matan		advēnak	
āvaritan		nihātak	

pazāmēnītan	رشد دادن	āyišnih	
pazzāmēnītan		ayīnaftan	
		āyišn	
vaxštōmand	رشد دهنده	rasišn	
mas arōyišn	رشد زیاد	awyastan	
anbūsītan	رشد کردن	rasītan	رسیدن (میوه)
anbūsīhītan		puxtan	
vālītan		pazāmītan	
viškītan		pazzāmītan	
arišk	رشک	rasīt	رسیده
arašk		puxtak	رسیده (میوه)
duš-čašmīh		pazāmišn	رسیده شدن
varan		pazzāmišn	
mūlit			
čašm ariškīh	رشک چشمی	pazāmēnītan	رسیده کردن
araškīh	رشک داشتن	pazzāmēnītan	
arišk kāmākīhā	رشک کامانه	tatan	رشتن
arišk kāmākīh	رشک کامگی	rēštak	رفته
arašk kāmākīh		rištak	
		rāk (نسج)	
arišk gōhrīh	رشک گوهری	pazmāyišn	رشد
ariškan	رشکمند	vālišn	
ariškīh	رشکمندی	vaxš	
ariškan	رشکین	vaxšākīh	
ariškēn		vaxšēnišn	
čašm arišk		vaxšēnišnih	
		viyāstakīh	
rašn	روشن (ایزد سنجنده اعمال انسان)	vaxšēnītārīh	رشد دادگی

yarrānāk		rašn čin	رشن چین (نام خاص)
dravānk		rēš galūtak	رشن گلو تک (نام خاص)
yarrānitan (غریدن رعد)		pārak	رشوه
ōstikān	رعیت	grahmak	
pātarm		pārak stānīh	رشوه ستانی
pātram		pārak stānišnīh	
brātīh	رفاقت	xōnsandīh	رضایت
hamāxakīh		xōrsandīh	
ham-brātīh		honsandīh	
ham-ayyārīh		xvansandīh	
ham-dōšišnīh		xvarsandīh	
ham-damūnīh		hušnūtīh	
ayyārōmandīh		farraxvīh	
āyōjišn		nīmēž	
drūt	رفاه	sahišn	
patēxvīh		šnūman	
hangirtīh		šnūmak	
		šnōhr	
raftār	رفتار	ostōfrīt	
rawišn		vitvarīh	
barišn		huniyākīh	رضایت خاطر
varišn		hupasandakīh	
nīdvārišn	رفتار باشتاب	nam	رطوبت
		namb	
nēvak barišnīh	رفتار خوب	xvētīh	
nēvak rawišnīh		parvār	
vahuman dārīh		grīnāk	رعد
nivāxtakīh		vīr	

apar ōž	رفیع	patmān kārīh	رفتار معتدل
hamāhl	رفیق	patmān kunišnīh	
ham barišn		rawišnīh	رفتاری
ham bālišn			
hambāz		rawišnikīh	رفتگی
hanbāz		rōwišnīkīh	
hūmitr		šavišn	
ham bāy			
ayyārōmand		raftan	رفتن
yār		rōwtan	
ham ayyār		šutan	
ham brāt		vitartan	
ham brātak		rēčītan	
		dwāristan	
ham brāt bēš	رفیق آزار	dwārītan	
		dwārišn	
ham-xurun	رفیق سفره	vāzītan	
hamēstārīh	رقابت	franāftan	
hamēmālīh		nīdvārišn	
pityārakīh		šavišn	
		raftēnītan (سبب رفتن شدن)	
hamēstārēnītan	رقابت کردن	akām tačišnīh	رفتن باجبار
patyārakēnītan			
patyārēnītan		patrōtan	رفتن باشتاب
hamēstār	رقیب	ham-spāh rawišnīh	رفتن دسته جمعی
patyārakēnītār			
pityār		šutak	رفته
pityārak			
hamēmāl		burzēnišn	رفت
hamāhl		apar ōžīh	
hambatīk		ōgārtan	رفع کردن

ramakōmand	رهمند (رهمه دار)	hambitik	
spōxtak	رهمیده	brātarōt	
ranj	رنج	avikān	
anākīh		ēwgaṭ	
arg		ēbgaṭ	
āzār		hamēstārihā	رلبانه
āzarm		armēštīh	رکود
āzārišn		rag	رگ
bēš		paḍ	
bēšišn		pay	
bēšitārih		ramak gāv	رهمک گاو (نام خاص)
vēšišn		pah	رهمه
dart		pasvik	
gazand		ram	
vizand		ramak	
rēš			
sēž		ramik	رهمای
pažm			
pazd		fšag	رهمه دار
pim		gōspandōmand	
bār		gōspand varzitār	
vizāyih		išōnēnitār	
vizāyišn		ramakōmand	
abēšt (رهاشده از رنج و آزار)		hūramak (دارای رهمه خوب)	
ranj spōz (تحمل کننده رنج)		hūramakōmand ~	
ranjēnitan	رنجاندن	gōspandōmandih	رهمه داری
rānēnitan			
ranjwar	رنجبر	ramak sardār	رهمه سردار
bēš burtār		gōspandān ramak	رهمه گوسفندان

bēš zat		bēšītan	رنج بردن
dartak		vas anākih	رنج بسیار
dartōmand		bēš burtan	رنج تحمل کردن
dušrām		gilak ōpār	رنج خور
dušrāmišn		āzārītan	رنج دادن
rēšak		bēšēnītan	
darham		ayārtēnītan	
ranjakihā	رنجورانه	āzartan	
ranj-dāštārīh	رنجور بودگی	āzartan	
ranjakih	رنجور شدگی	bištan	
ranjihastan	رنجور شدن	ranj dāštārīh	رنج داشتگی
ranjak	رنجور شده	dartēnītār	رنج دهنده
bēšītan	رنجور کردن	bēšēnītār	
bēštan		bēš burtār	
ranjak kartan		dartkar	
ranjēnītan		bēš tarvēnītār	رنج زداینده
rēšītan		ranj spōz	رنج سپوز (برطرف کننده رنج)
raxtan		adōšišnih	رنجش
bēšītārīh	رنجور کنندگی	harvisp anākih	رنج کلی
bēšītār	رنجور کننده	ranjakih	رنجگی
duš-rāmīh	رنجوری	dēvān bēš	رنج و آزار دیوان
rēšgōnih		ranjwar	رنجور
mustgarīh		bēšōmand	
ranjak	رنجه	bēšt	
ranjihastan	رنجه شدن	bēšīt	
ranjik	رنجی		

arowākīh	رواج نداشتن	randitan	رندیدن
dahlič	رواق	rang	رنگ
dahliz		gōn	
rōwākēnītan	روا کردن	gōnak	
ruwān	روان (روح)	gōnak gōnak (برنگ های مختلف)	
uštān		pēsitan	رنگ آمیزی کردن
hūruwānīh (نجات دوان)		gōn	رنگ پوست
ruwānīkān (روان های درگذشتگان)		bōr	رنگ بور
anōšak ruwān (دارای روان جاویدان)		dafr	رنگ تیره
rawān	روان (رونده)	bōr	رنگ سرخ مایل به قهوه ای
tačan	روان (جاری)	raštan	رنگ کردن
tazāk		ruštan	
tačāk		sanvar	رنگین کمان
hūtak		azapar	رو (زبر)
rvānān	روانان (نام خاندانی)	rawāk	روا
ruwān pānak	روان بان	rōwāk	
vartak ruwān (گمراه روان)	روا بر گشت	rawākīh	روا بودگی
ruwān dōst	روان دوست	rawākēnītārih	رواج
mitrō ruwān		viškitakīh	
ruwān dōstih	روان دوستی	rōwākēnītan	رواج دادن
hūfravart	روانشاد (مرحوم)	rawākēnītan	
tačītan	روان شدن	rōwāk dahišnīh	رواج دهنده گی
tazītan		rōwāk dahišn	رواج دهنده
tāxtan		mānsr hamāk rawišn	رواج کلام مقدس
taxtan			

dēn dastwar	روحانی (پیشوای دین)	frāč tačak	روان شونده
ērpāt		tačānītan	روان کردن
asrōk		tačēnītan	
mānsrbar		gōšurvan	روان گاو
ahramōk	روحانی دروغی	visiy (گسیل)	روانه
ahramōg		visē	
ērpāt zātak	روحانی زاده	rōwākēnītan	روانه کردن
dastwar	روحانی زرتشتی	vāyēnītan	
nōk zōt	روحانی مبندی	visē kartan	
kalīsāik	روحانی مسیحی	visiy kartan	
uštānīh	روح داشتنی	zam-	
mēnōk dāmak	روح مخلوقات	ruwānīh	روانی (روحی)
fravahr	روح نخستین	ruwānīk	
fravart		rawākih	روایی
fravart	روح نگاهبان	rōwākih	
ruwānīh	روحی	rōp	روب (رویدن)
gyānīk		rōpās	روباه
mēnišnīk		rōpāh	
mēnišn	روحیه	handēmānīh	روبرو بودن
rōt	رود	rūtak	روت (عریان)
zarēh		rūtan	روت کردن (پیرکندن مرغ)
abāyak	رود ابابک	gyān	روح
arang	رود ارنگ	jān	
arvand rōt	رود اروند	ruwān	
digtal		vaxš	
diglat		uštān	
		vaxšīk	روحانی (روحی)

rāwak	رود راوك	ōdāk	رود اوداك
zahāp	رود زاب	ōšān	رود اوشان (جیحون)
zand rōt	رود زند	rōtbār	رود بار
zišmand rōt	رود زیشمند	danb	
mitrān rōt	رود سند	baxl rōt	رود بلخ
hindūkān rōt		turt rōt	رود تورث
šēt rōt	رود شید	turmat rōt	رود تورمت
frāt rōt	رود فرات	ōšān	رود جیحون
nāvtāk	رود قابل کشتی رانی	čitrōmēhan	رود چیترومیهن
hū-nāvtāk		xānšēr	رود خان شیر
rōtak	رودك	rōt-xānak	رودخانه
katas	رود كوچك	xuʃand rōt	رود خجند
rōtak		čaxšarīt	
masrakān	رود مسراقان	čašrīt	
mukristān rōt	رود موکریستان	xvarē rōt	رود خوره
rōt i nāyōtāk	رود نایوتاك	xūrig rōt	رود خوریگ
niv	رود نیو (در مصر)	dāiti	رود دائیتی
vātainā	رود واتینا	vēh dāiti	
rōtik	روده	dargām rōt	رود درغم
rōt		dargām rōt	رود درگام
hindūkān rōt	رود هندوان	arvand rōt	رود دجله
rōtikān	روده ها	digtal	
hētōmand rōt	رود هیرمند	diglit	
rōtik	رودی	diglat	

čāšmak	روزن	rūrak	رورك (نوعی گیاه طبی است)
rōčan		rōč	روز
rōzan		hāvan gās	(نیمه اول روز از سپیده دم تا نیمروز)
fravartīn	روز نوزدهم از هر ماه	rōčkārīk	روزانه
rōčānak	روزنه	rōčvārak	
rōč šapān	روز و شبان	ahuvēt gās	روز اول پنج و ه
rōčak	روزه	vāt	روز بیست و دوم ماه
rōčān	روزها	zāmyāt	روز بیست و هشتم ماه
gāsān	روزهای خمسه مسترقه	asmān	روز بیست و هفتم هر ماه
rašn	روز هجدهم از هر ماه	pasēn	روز پسین
nān	روزی (خوراك روزانه)	vahištōišť gās	روز پنجم از خمسه مسترقه
patrōč		spandarmat	روز پنجم ماه
rōčih		māh	روز دوازدهم هر ماه
parvarītan	روزی دادن	uštavēt gās	روز دوم از خمسه مسترقه
patān i dēn	رؤسای دین	spantōmēn gās	روز سوم از خمسه مسترقه
ǰēh	روسپی	amār	روز شمار
ǰah		hamār	
ǰahi		rōčkār	روزگار
ǰahik		gēhān	
rūspik		rōčkārīk	روزگاری
rōspik zātak	روسپی زاده	ahuvēt gās	روزگاسانی
rūspikih	روسپیگری	rōčkārīk	روزمره
ǰahik-kārīh		rōčvārak	
rōstāk	روستا		
rōtastāk			
rōtstāk			
āvahan			

rōšnak		dastkart	
virōčak		vis	
šēt		šōisr	
pērōk		dēhik	روستائی
rōčāk		dahyūkān	
		kārān	
rōšnān	روشنان (ستارگان ثابت)	rawišn	روش
vēnāfdākihā	روشنانه	rōwišn	
rōšnik		rōwišnih	
rōšnihā (بروشنی)		ētōnih	
rōčanāk		brahmak	
sōčāk		gōn	
vaxšak		gōnak	
vaxšāk		hangōšitak	
bāmik		mang	
afrōz		rastak	
brahm		rastakih	
brāh	روشنایی	ristak	
brah		hamē rawišnihā (به روش دائمی)	
brēh		nihān rawišn	روش پنهانی
brāzišn		nihān rawišnih	
pātrōč		patvand rawišnih	روش پیوسته
patrōg		brēh rawišnih	روش تقدیر
frōk		stēnik rawišnih	روش ثابت
anayra-rōšnih	روشنایی بی پایان	drust rawišnih	روش درست
asar rōšnih		patvand rawišnih	روش غیر منقطع
asar rōšnih	روشنایی جاویدان	rōšn	روشن
xvaršēt rōšnih	روشنایی خورشید	rōšnāk	
harvisp rōšnih	روشنایی کل		

xurag baxtār	روشنی بخش	vēnākīh	روشن بودگی
xurag baxtārīh	روشنی دهندگی	rōšn vēnākīh	روشن بینی
rawišnīh	روشی	rōšn čašm	روشن چشم (نام خاص)
rōwišnīh		vaxšītan	روشن شدن
rōwišnīkīh		xvārōšn	روشن طبیعی
rōyn	روغن	frāxv mēnišn	روشن فکر
rōkan		rōšn mēnišnīh	روشن فکری
rōvan		hōšīh	
rōvn			
rōyn handūtak	روغن اندود	afrōxtan	روشن کردن
rōyn xvartik	روغن خوراکی	afrōčēnītan	
rōynōmand	روغن دار	āsīftan	
rōyn i zaytān	روغن زیتون	rōšnēnītan	
rōynīk	روغنی	rōčēnītan	
ruftan	روفتن	vazēnītan	
rōtan		afrōz	روشن کننده
avartāk	روگردان نشده	katak afrōč	روشن کننده خانه
hrōm	روم	rōšnkar	روشنگر
hrōmāyīk		rōčēnītārīh	روشن گردانیدگی
hrōmāy	رومی	rōčēnītārīh	روشن گری
hrōmāk		rōšn gōwišnīh	روشن گوویی
hrōmīk		rōšn mēnišnīh	روشن منشی
rōmīk		rōšnīh	روشنی
hrōmāyān	رومیان	bānūy	
rōdēn	روناس	xvar	
rōyan		frōk	
		brēh	

ōftātan	رویدادن	rōwišn	روندگی
ōpastan		kār raftārīh	روندگی کار
ētōnīhītan			
rēdišn	رویش	hamāk rawiśnīh	روندگی دائم
rōyišn		rawāk	رونده
ārōvišn		raftār	
xaxšišn		matār	
ārōyišnōmand	رویشمند	tačāk	
kōf i rōyišnōmand	رویشمند (نام کوه)	āyōxtār	
rōdišn	رویدگی	pačēn	رونویس
rōyišn		apar	روی
āsn rōy	روبلده ذاتی	hačapar	
rōḡēn	روبی (روشن)	rōḡ	روی
rōdišn	رویدگی	rōy	
vālišn		rōḡ	روی (فلز)
rōḡītan ^۱	رویدن	rōy	
rōyīhītan			
rostan		xumr	رؤیا
rustan		xvamr	
vaxšītan		būšāsp	رؤیای بد
ārōyiśnīk	رویدنی	xaxštōmand	
rust	رویده	vaxšēnītārīh	رویانندگی
rōḡēn	روشن	vālišn dātār	رویاننده
rōyēn		vaxštōmand	
hamvašt	روبهم چیده		
rastār	رها	rōdēnītan	رویانیدن
bōjītan	رها شدن	vaxšēnītan	
rastan		sahišn	رؤیت

rāyēnītār		rastak	رها شده
sardār		buxt	
nayišnīh	رهبری	buxtak	
pēšōpāyīh		hilišnīk	
rāḍēnišn		sišd	
rāḍēnītārīh		hištad	رها کردن
rāyēnītārīh		vitaštan	
nīmūtārīh		vitāštan	
rāḍēnišnīk	رهبری شده	višātan	
nayītan	رهبری کردن	vizārtan	
nītan		rahām	رهام (نام خاص)
rāyēnītan		hištār	رها کننده
nikēžītan		bōžāk	
rāḍēnītār	رهبری کننده	sōšyāns (موشیان)	رهاننده
rāyēnītār		sōkšyāns	
škarvan رهرویی که باینسو و آنسو متمایل شود		hilišn	رهایش
rās nīmūtār	رهنما		
rahīk	رهی (بنده)	rastārīh	رهایی
ray	ری (شهر)	hilišn	
rey		hilišnīh	
rāg		bōžišn	
ray		bōžākīh	
		buxtakīh	
sardārīh	رهاست	buxtārīh	
patīh		buxtišn	
ratīh		buxtišnīh	
pēšgāsīh		pēšōpāy	رهبر
pēšōpāyīh		pēšār	

arvis		mān patih	ریاست خانواده
arvēs		dātihā sardārih	ریاست قانونی
šnor		dō saxvan	ریاکار
tatan	ریشیدن	sparam	ریحان
rīš	ریش (سو)	sparyam	
rēš		rēčišnīh	ریختگی
rēš	ریش (مجرور)	rēxtakīh	
rēšak		rēxtan	ریختن
apasōs	ریشخند	rēcītan	
riyahrīh		āšixtan	
apasōsbar	ریشخند شده	patrōtan	
afsōsgar	ریشخند کننده	afšāntan	
apasōsgar		tāxtan	
rēšēnītan	ریش کردن	vēxtan	
rēšītan		rēčišnīk	ریختنی
rēšītārīh	ریش کنندگی	rēxtak	ریخته
rēšītār	ریش کننده	rētak	ریدک (غلام بچه)
rēšgōn	ریشگون	rītan	ریدن
rēškōn		rēčišn	ریزش
rēšgōnīh	ریشگونی	rēzišn	
arēšītār	ریش ناکننده	rēčišnīk	ریزش کردنی
rēšak	ریشه	āp-rēc	ریزنده آب
bunīk	ریشه ای	kāh rīzak	ریزه کاه
		rasan	رسمان
		rīštak	

handarz pat	رئیس الوزراء	rīk	ریگ
drust pat	رئیس پزشکان	rēg	
mērak	رئیس خانواده	rīm	ریم (چرک، جراحت)
mīrak		mūzg	
mān pat		rīmanīh	ریمنی
katak xvatāy		rēpās	ریواس
mānpat nar		rēwās	
vispat		rēv mitrān	ریومهران (نام خاندانی)
handarz pat	رئیس خزانه	rēvand	ریوند (نام کوهی است)
dātwarān dātwar	رئیس دادوران	suš	ریه
handarz pat	رئیس دارائی	sušak	
dipīrān i mahist	رئیس دبیران	sušik	ریه‌ای
darpan sardār	رئیس دربانان	pat	رئیس
dipīrān i mahist	رئیس دفتر شاهی	rat	
vispat	رئیس دهکده	sālār	
sar xvatāy	رئیس سران و بزرگان	aparak	
zand pat	رئیس شهر یا ناحیه	framātār	
zandpat	رئیس قبیله و طایفه	framānpat	
kustak pat	رئیس ناحیه	kamārik	
rēšgalūtak	رئیس یهودان ایرانی	pēšgās	
		patīhak	
		sardār	
		vinārtār	

ز

zāt	زاده شده	zairič	زئیریچ (نام دیو)
arōyišnik	زاده نشده	zahāp	زاب
zariyōmand	زار	zāvul	زابل (شهر)
zār patmān	زارپیمان (مسیت پیمان)	zāvalistān	زابلستان
fšag	زارع	zātān	زادان
varzītār		zātisparham	زادسپرم (نام خاص)
varzīgar		zātan	زادن
varzvar		zahītan	
vāstryōš		zātak	زاده
varz kartār		zahāk	
zārīk	زاری	martōm zātak	زادهٔ انسان
brāmak		hunušak	زادهٔ اهریمن
mōyak		zātān	زاده شدگان
mūyak			
mōdak			
čihišn			

azāt	زایده نشده	garzišn	
zabār	زبار (نام کوهی است در ری)	handāxtan	زایچه گرفتن
kūtak	زباله	zamān handāxtan	
šēvan		handāxtār	زایچه گیر
zādišnih		aparrēxt	زاید
šēvan ut mōyak		parrēčišn	
garzitan	زاری کردن	parēxtan	زاید بودن
zāditan		parrēxtan	
hangrāyitan		zāyišn	زایش
čihītan		frāy zāyišnih	زایش بسیار
zaγ	زاغ (کلاغ زاغی)	hūzāyišnih	زایش خوب
kāškēnak		zāyišnōmand	زایشمند (متولد)
zaγik	زاغی	zāyišnih	زایشی
zalūk	زالو	škand	زایل کننده
dēvōk		hūzāyišnih	زایمان راحت
dēvak		ziyāk	زاینده
dēvak i andar āp		zahāk	
zāmdāt	زامیاد (نام روز بیست و هشتم ماه)	zāyišnik	
zāmyāt	(اهزد زمین)	apus	زانو
zānūk	زانو	zātan	زاییدن
dānūk		zahītan	
jānūk		višūtan	زاییدن موجود اهریمنی
šnūk		zātak	زاییده شده
ušnūk			
jēh	زانیه		
uzāv	زاو (نام خاص)		

aparak	زبرین	ahrav	زاهد
zibāl	زب	ahrāyihōmand	
āzār	زجر	ašōk	
ayārtitan	زجر دادن	zāyēnitār	زایانده
apāč dritār	زجر دهنده	zāyič	زایچه
dritār		zāyičak	
kayvān	زحل	zēc	
kēvān		huzvān	زبان
bār	زحمت	uzvān	
āzār		zufān	
škaftih		zuwān	
škaft (پرزحمت)		huzvānikih	زبان‌آوری
ranjwar	زحمت کش	agōvākih	زبان بستگی
zaxm	زخم	uzvānōmand	زبان‌دار
rēš		drāyēnitār	زبان‌دراز
rēštakih		huzvān drānā	
xvar		pārsik	زبان فارسی
xvarak		uzvānōmand	زبانمند (زبان‌دار)
dartmāl		xvarg	زبانۀ آتش
rēšgōnih	زخم‌دار بودن	xvarar	
daritan	زخمی کردن	vaxš	
zatakih	زدگی	vazišn	
žatārīh		huzvānih	زبانی
zatan	زدن	zuwānih	
žatan		društih	زبری

ḵurtāk kartārih		ōžatan	
varzāk		ōzatan	
vāstryōših		ōjatan	
vāstrēnišn		kōstan	
varz ut kišn		kōftan	
duš-varzih	زراعت بد	kōpēnitan	
kāštan	زراعت کردن	zanišnih	زدنی
kištan		ham-zanišnih	زد و خورد
vāstārēnitan		snēh	
fšōnēnitan		vānitan	زد و خورد کردن
virāstan		awistarišn	زدودگی
varzišnik	زراعتی	uzdātan	زدودن
uštur gāv palang (شترگاوپلنگ)	زرافه	awistartan	
zarāsuftak	زراندود	zatak	زده
zarāšūft		zat	زده شده
zarrēn pēsīt		zarr	زر
zartuhšt	زرتشت (نام خاص)	zar	
zartuxšt		zarāpat	زراپت (نام جا)
zartušt		zarāgēn	زراگین
zartuštān (از خاندان زرتشت)		zarēn pēsīt	
zartuxšt i spitāmān	زرتشت سپیتمان	zarrēn pēsīt	
vēh-dēn	زرتشتی (مزداهرست)	zarōmand	
hū-dēn		kišt	زراعت
xūp dēn		kišn	
mazdayasn		kaših	
mazdayast		kišvičār	
mazdēsn			
māzdēsn			

zargarīh	زرگری	mazdēst	
zarkarīh		ahūrāymazd-yaz	
zargōn	زرگون	vēh-dēnān	زرتشتیان
zarāgēn		vēh dēnīh	زرتشتی بودن
zargōnīh	زرگونی	kustak barišnīh	(کستی برکرداشتن)
zarmān	زرمآن (پیری)	zart	زرد
zarōmand	زرمند (زردار)	zard	
zarrōmand	زرمند (رود)	zartālūk	زردآلو
zrang	زرنج (شهری در سیستان)	zarōmand	زر دار
zrangakān	زرنجیان	zart čōpak	زرد چوبه
asūtak	زرنگ	zargōn	زرد رنگ
šēpāk		zargōnīh	زرد رنگی
tuxšāk		zart ušnūk	زرد زانو
tuxšēnītār			
vartak		zartīh	زرد شدگی
zrang	زرنگ (شهری در سیستان)	zart gōš	زرد گوشت
zarēn pēsīt	زرنگار	zart mōy	زرد موی
zarrēn pēsīt		zartak	زرده* تخم مرغ
tuxšākīh	زرنگی	zartīh	زردی
tuxšīh			
tuxšīšn		zarāgēn patkar	زرساز
zurvān	زروان	zargar	زرگر
zaruvān		zarkar	
zarvān		zarrikar	
zurvān i akanārak	زروان بکرانه	zarāgēn patkar	

zarāgēn		zarvāndāt	زروانداد (نام خاص)
zarmayo			زروان کرانه‌مند
zarrēn gōn	زرین رنگ	zurvān i kanārakōmand	
zarāsuftak	زرین سُم	zurvānik	زروانی (معتقد به خدای زروان)
zarrēn srūk	زرین شاخ	zarōmand	زرومند (دریاچه)
zarrēn gōn	زرین گون	zarēh	زره
zarrēn gōn	زریون	zrēh	
zaryōn		gurtih	
zarāgēn		grīvpān	
		garīvpān	
zišt	زشت	zrēh patmōxt	زره پوش
zēšt			
duš-čih		kayānsē(h)	زره کیانسه (دریاچه)
duš		grīvpān	زره نگاهبان سینه و گردن
gast			
zištihā (بزشتی)		dēpāk	زری (پارچه)
duš karp	زشت پیکر	zarič	زریچ (دیو)
vattom	زشت قرین	zērič	
doškār	زشت کار	zarēr	زریر (نام خاص، برادر گشتاسپ شاه)
anākīh kartār	زشت کردار	zarērān	زریران (منسوب به زریر)
duš gōwišn	زشت گفتار	zarristan	زریستن (نام خاص)
duš-huxt			
duš saxvan	زشت گو	zariyōmand	زریمند (زار، پریشان)
duš saxvanih	زشت گونی	zarēn	زرین
		zarrēn	
zištīh	زشتی	zarōmand	
duš-čihrih		zargōn	

dērang zamān	زمان طولانی	kurkum	زعفران
zurvān i kanārakōmand	زمان گرانده دار	zamān	زمان
zamān i dērang xvatāy		zamun	
zamān i karānakōmand		žamān	
žamān kartārih	زمان کرداری	jamān	
harvisp zamān	زمان کلی	damānak	
tak zamān	زمان کوتاه	damān	
dēr zamān	زمان گذشته	zim	
zamānakili	زمانگی	rōčkār	
zurvān i kanārakōmand	زمان محدود	awām	
zamān brin spihr		āvām	
zamān i dērang xvatāy		ōvām	
zamān i kanārakōmand		gās	
zurvān dērang xvatāy		gāh	
zamānōmand	زمان مند (زمان دار)	brin (قسمتی از زمان)	
zamānak	زمانه	jāvar	
žamānak		akanārak zamānak	زمان ازلی
damānak		tak zamān	زمان اندک
zurvān		zamānak zamān	زمان بزمان
zamānih	زمانی	zamun vēhičakik	زمان بهیزکی
žamānih		zurvān i akanārak	زمان بیکرانه
žamānik		akanārak zamānak	
zamānik		harvisp zamān	زمان تمام
āvāmik		dirang zamān	زمان دراز
ōvāmih		dērang zamān	
ōvāmik		bētōm zamān	زمان دور

vaxš	زمین برجسته	zamb	زَمَب (لوعی بازی است)
kapārak	زمین پر سنگ و کلوخ	uzumburt	زَمَرَد
	زمین پیمایی (مساحت کردن زمین)	uzmuburt	
zamīk patmānīh		dranjēnišn	زَمَزَمَه
	زمین چهره (گونه ای از ستارگان)	dranjīšnīh	
damīk čīhrak		vāč	
zamīk čīhrak		vāj	
varz būm	زمین زراعتی	dranjēnītan	زَمَزَمَه کردن
kišvičār	زمین کشت شده	dranjīšn	
būm čantak	زمین لرزه	vāč grīftan	
vizandak		zamistān	زَمِستان
akišt	زمین لم یزوع	damistān	
kišnzār	زمین مزروع	zam	
kišvičār		zim	
marz		sarmāk	
rōstāk		damistānīk	زَمِستانی
akišt	زمین نکشته	zamistānīk	
ōstām	زمینه	zamīk	زَمین
ōstikān	زمینه دار	žamīk	
zamīkēn	زمینی	zām	
zamīkih		damīk	
frōt āpīk	زمینی که در پائین رود قرار دارد	būm	
zan	زن (زائده)	aršašvang	(فرشته نگهبان زمین)
žan		šastan	زمین افتادن
yan		akišt	زمین باهر
		nē kišt	

rōspīk		zan	زن
rūspīk		žan	
bānūk	زن بزرگ زاده	zahānak	
		ziyāk	
vapz	زنبور	ziyānak	
		nārīk	
magas angapēn	زنبور عسل	nāirīk	
magas i angupēn		azātān (زنی که دیرآبستن میشود)	
		azātān (زن نژائیده)	
čambak	زنبق	āzāt (زن مستعد برای بارداری)	
mātakīh	زن بودن	nāirīkīh	زناشویی
zanīh			
žanīh		ham bavišnīh	زناشویی غیرقانونی
sangipēl	زنجیل	zan i pātixšāyihā	زن اصلی
ziyānak	زن جوان	ǰēh marzīh	زناکاری
zanǰīr	زنجیر	marzitan	زناکردن
fšag			
		mātakān	زنان
zanǰīr vāčīk (نوعی بازی است)	زنجیر بازی		
zan i daštān	زن حاضر	zan kāmākīh	زن بارگی
daštānīk		nāirīk kāmākīh	
daštānōmand		ǰēh marzīh	
čīhrōmand			
daxšakōmand		ǰēh marz	زن باره
vartak			
		ǰah	زن بدکاره
zanak	زنج	ǰahi	
		ǰēh	
zan i kārān	زن خدمتکار	ǰahīk	

kāmak mānišn	زندگی بکام	vēh mātak	زن خوب
duš zīvišnih	زندگی بی سامان	vēh mātakih	زن خوب بودن
tēž zīvišnih	زندگی پر فعالیت	zand	زند
hū-zīvišnih	زندگی خوب	zand čāšitār	زند آموز
vēh zīvišnih		zindān	زندان
hūmānišnih		zēndān	
frāxv zīvišn		zindān i aškān	زندان اشکان (شهر)
vēš zīvišnih	زندگی دراز	zindān-pān	زندانیان
dēr mānišnih		zēndān-pān	
dēr jānih		zindānik	زندانی
dagr-zīvišn (دارای زندگی دراز)		zēndānik	
zīstan	زندگی کردن	vartak	
zīvistan		zandīkih	زندقه
zīvastan		hastān	زندگان
hambūtih	زندگی مشترك	ahu	زندگی
hambūtan	زندگی مشترك داشتن	axv	
zindak	زنده	zindakih	
zīvandak		zīvandakih	
zīvandag		zīvišn	
zīvik		zīyišn	
zīvišnōmand		zīvišnih	
jānōmand		zīvišnōmandih	
jānavar		rāmišn mānišnih	زندگی بارامش
uštānmand		duš rawišnih	زندگی بد
uštānōmand		duš zīvišnih	

ziyānak	زنک	zindakih	زنده بودگی
zan kāmakiḥ	زن کامگی	zivišnōmandih	
nāirik kāmakiḥ		uštānih	
mātak kāmak	زن کامه	zivastan	زنده بودن
darāy	زننگ	zivistan	
drāy		hamē zivandak	زنده جاویدان
kāskēnēn	زننگاری	čāpuk	زنده دل
drāhitan	زننگ زدن	hangēžēnītan	زنده ساختن مرده
zang vāčik	زننگ نوازی	zivēnitāriḥ	زنده کنندگی
zangik	زننگی (سیاه پوست)	zivēnitār	زنده کننده
āzāt	زن مستعد برای بارداری	zindakkar	
mašyānag	زن نخستین (حوا)	zivēnītan	زنده گرداندن
mašāna		azivandakiḥ	زنده نبودگی
mašān		zandiḥ	زندگی
zatārīḥ	زندگی	zandik	
zan	زنده	zandik	زندیق
zatār		duš kanik	زن زشت روی
žatār		jēh	زن سبک
awzatār		zanišn	زنش
kōšitār		žanišn	
dart zatār	زنده درد	ḵanišn	
dēvān zatār	زنده دیوان	ōžanišn	
zēnhār	زنهار	zanišnōmand	زنشمنه (ویرالگر)
zīnhār		zanišniḥ	زنشی
haft māhak	زن هفت ماهه آبستن	ḡanišniḥ	
haft māhik			

zōhr		zanīh	زنی
stahm		žanīh	
stahmakih		mātakih	
must			
makūk	زورق (ماکو)	zēnigāv	زنی گاو (نام خاص)
stahmak	زورکی	ōzav	زو (نام خاص)
must aparmānd	زورگو	ūzav	
amāvand	زورمند	ūzāv	
ōzōmand		uzvārak	زواره (نام خاص)
ōžōmand		sēžišn	زوال
zōrōmand		kahvanīh	
zōrīkōmand		zōt	زوت (یکی از پیشوایان مذهبی در مراسم دینی)
frāy nērōk		dvāt	زوج
pat nērōk		mutfan	زوجین
stawr		zūt	زود
sūr		tēz	
tak		tēž	
takīk		has	
zōrōmandihā	زورمندانه	ray	
stawrihā		šapīk	
pat zōrtar	زورمندتر	nāzūk	زود رنج
zōrōmandih	زورمندی	nōk nōk	زود زود
ōžōmandih		sačišnik	زود گذر
ōjōmandih		vitarišnik	
ōzōmandih		hūrawānak	
mēh ōžih		zūtīh	زودی
ōžih		zōr	زور
		zūr	

zēh	زه کمان	zōrik	زوری
zih		zūšak	زوشک (نام خاص زن)
afzōn	زیاد	zōiš	زوئش (نام خاص)
afzōnik			
vas		zahār	زهار
vasyār		ahrāḡih	زهد
vaspur		ahrāyih	
vēš		ahrāyih kartārīh	
vasihā (بطور زیاد)		ahravīh	
vēšikān			
vēšihā (به تعداد زیاد)		kūtak	زهدان
frāy		ahrāyihēnītan	زهد ورزیدن
frēh		ahrāyēnītan	
amar		ahrāyih franāmišnīh (تمایل به زهد)	
mārik			
čand		zahr	زهر
čandān		viš	
čand-hān		višōmand	زهر آگین
frahist		zahrōmand	
frēhist	زیاد ترین	višōmand	زهر آلود
vēšist		višgumēxt	زهر آمیز
afzāyišn	زیادتی	zahrōmand	زهر دار
afzōnīh		višapāk	
frēhīh		višakīk	
frahistīh		zahr kartar	زهر ساز
frēhistīh		višgumēxt	زهر مند
vēšišn		zahrōmand	
afzāyītan	زیاد کردن	zahrak	زهره
afzōtan		zahr pōšišn (کیسه صفرا)	
vēšišn			

ziyānmandihā	زیانمندان	frāybūt	زیاده‌رو
ziyānmandih	زیانمندی	frēhbūt	زیاده‌روی
ziyānih	زیانی	frēhbūtih	
afrank	زیبا	frāybūtih	
hūčih		apahrēčišnīh	
hūčihrak		ziyān	زیان
hūkarp		ziyāk	
hūrōyišn		vizand	
hūrōst		vizāyih	
hūrūst		vizāyišn	
hūrūstak		vizūtakih	
hūtāšit		astānak	
huzīrišnik		kāhišn	
arus		frašēw	زیان آور
naxšak		mūtak	
nēvak		vizāyišnik	
nēvakōk		ziyān āwarišn	
sahist		zīnītan	زیان رساندن
xūp		zīnēnītan	
xūpsār		vizāyastan	
xvaš		zīnētārān	زیان رسانندگان
bāmik		vizūtār	زیان رساننده
barāzišk		ziyānkār	زیانکار
vēh dōstih	زیبا دوستی	ziyānkārīk	
vīrāstan	زیبا ساختن	mūtak	
pēsitan	زیبا گرداندن	ziyānkārīh	زیانکاری
pērāstan		ziyānih	زیان کردگی
vāxtan		ziyānōmand	زیانمند

زیرا	۲۹۰	زیبائی
kū	زیراکه	bahr
kaš	زیر بغل	brāh
kašak		brah
ērkaš		barāziškīh
frōtīh	زیر بودن	hūčihrih
hačadar pāδ	زیر پای	nēvakih
taškanak	زیر پیراهنی	xvaših
ērtar	زیر تر	sahikih
pāyēnak	زیر دست	tan bahr
hačiš kasān	زیر دستان	tan brēh
hačiš kasān dāštār	زیر دست نواز	zait
frōtīhītan	زیر رفتن	zīč
zīrak	زیرك	zēč
pāyēnak	زیرین	zīk
zīvišn	زیست	zāyič
zīvišnīh	زیستگی	adar
zīstan	زیستن	azēr
zīvastan		ēr
zīvistan		frō
mānistan		frōt
ham bavēnītan	زیستن (با هم)	fru
ham būtan		hačadar
zīvišnīh	زیستی	ni
zīšak	زیشک (نام خاص)	nisy
		nītūm
		pāyēn
		tay
		čē
		زیبائی
		زیبتون
		زیج
		زیر
		زیرا

vīrāyišn		زیشمند رود (در سغد)	zišmand rōt
harvisp pēsīt	(آراسته بزینت‌های گوناگون)		
azrāyītan	زینت دادن	زین اسب	zēn
pēsīt	زینت شده		kōfak
pēsītak		زین افزار (سلاح جنگ)	zēn afzār
pīstak		زیناوند (بیدار دل، مسلح)	zēnāvand
pasijak		زیناوند کردن (مسلح کردن)	zēnāvandēnītan
pasičak		زیناوندی (مسلح بودگی)	zēnāvandīh
vīrāyišnih	زینت کردگی	زین بازی (تمرین بکاربردن سلاح)	zēn vāčik
pēsītan	زینت کردن	زینت	pērāyak
zaini gāv	زیننی گاو (نام خاص)		pērāyišn
			pēsīšn

ز

žūfāk
žufr
žufrāk

zufr pāyih

zufr pāyak

zufr pāyih

zand

zand pīl

zanda pīl

žūzak

zūzak

ژرف بابگی

ژرف پابه

ژرف پایی

ژنده

ژنده پیل

ژوزه (خارپشت)

zāz drāyītan

zāz drāyītan

zōfāk

zūfāk

zofr

zufr

zarfāk

zofrāy

zōfāyīk

zafākīh

zōfāk

zūfāk

zūfāy

ژاژ حاییدن

ژاژ دراییدن

ژرف

ژرفا

س

diz	ساختمان	šatrdār	ساتراپ
dēs		šahrap	
dēstak		šasap	
dēsišnih		šasapikān (منسوب به ساتراپ)	
sāxtan	ساختن	kundāk	ساحر
pasāxtan			
passāxtan		parik	ساحره
dēsitan			
dištan		kētikih	ساحری
mārzatan			
vīrāstan		kanār	ساحل
frakandan	ساختن عا کریز یا بنا	kanārak	
		danb	
dēzitan		bār	
		drayā bār (دریا بار)	
sāxtak	ساخته		
pasaxtak		kartakih	ساخت
passāxtak		pasāčišn	

gač kart	ساروج شده	jamkart	ساخنه جمشید
dūsinītan	ساروج کردن	dast-kart	ساخنه دست
čārūkarān	ساروج گران	dastvarz	
čārūkēn	ساروجی	sāčišn	ساخنه شدگی
gačēn		passāxt	ساخنه شده
dōsēn		passačak	
		tāšīt	
čārūkēn	ساروجین	kartak	
		distak	
pasāčišn	سازش		
sāčišn		zarrēn kart	ساخته شده از زر
sāxtārīh		brinjēn	ساخته شده از برنج
sāčišnīk	سازشی	kāskēnēn	ساخته شده از سنگ لاجورد
sāčišnīk	سازگار	arzizēn	ساخته شده از قلعی
pasāxt			
čāpuk sačišn		mēnōkān tāšīt	ساخته مینویان
hūsačītan	سازگار بودن	afrēftārīh	سادگی
hūsāčakīh	سازگاری	narm	ساده
sāxtārīh		ērmānak	
passāxtihā	سازنده گانه	xvārtom	ساده ترین
sāxtārīh	سازندگی	sār	سار
dēsāk	سازنده	āsēm sār (نوعی سار است)	
passāxtār		qūzt	سارق
tāšītār		dūz	
sās	ساس	dūž	
		dūzd	
sāsān	ساسان	čārūk	ساروج
sāsānān	ساسانیان	dūsīn	
sāsāniyān		gač	

sāl	سال	zamān	ساعت
zīm		hāsr	
sāl drahnā (طول یکسال)		aršnēz	ساعت
sālār	سالار	aršnēzak	
sālārīh	سالاری	xōrtāk	ساعی
sālān	سالان	xvēš-kār	
sālvār	سالانه	tuxšāk	
vihēčakīk	سال بهیز کی	tuxšākēnītan	ساعی بودن
zarmān	سالخوردگی	sāg	ساق
pīr	سالخورده	paitištān	ساق پا
sālvār	سالدار	patištān	
sālakīh	سالداری	pāy	
sālmar	سال شمار	zang	
ōšmurtīk	سال شمسی	dō zang (دارای دو ساق پا)	
sālakīh	سالگی	sāg	ساقه
sālīh		van	ساقه درخت
drudist	سالم	nāy bun	ساقه نی
druyist		agōyāk	ساکت
drust		tōšīt	
durust		tušn	
avimār		tušt	
abēš		māhmān	ساکن
tan-drust		māništak	
druvist annām		mādīgān	ساکنان سرزمین ماد
sāl-mar	سالمار	mēčinikān	ساکنان عمان
zik	سالنما	nišānītak	ساکن شده

سایه	۲۹۶	سایه	سایه
asāyā	سایه	sālak	سایه
asāyak		sālīh	سالی
sāyak		sālān	سالیان
asāyak	سایه دار	sālvār	سالیانه
sāyītan	ساییدن	sām	سام (نام خاص)
sūtan		sahmān	سامان
sūdan		sāmānak	
afsūt	ساییده شده	sāmān	
hūt	ساییده شده در هاون	rāyēnišn	
vahān	سبب	vinārišn	
vahānīk		nihišn	
vihān		nihātak	
vihānak		rāyišn	
ḵatak		vinārtan	سامان دادن
rād (بسیب)		rāyēnīt kartan	
rāy		vinārtak	سامان داده شده
kavātak	سبد	hamāk rāyēnītār	سامان دهنده همه چیز
tar	سبز (تر و تازه)	sāmānōmand	سامان مند
sapz	سبز (رنگ)	sān	سان (مانند)
zargōn		ēvarz	سان (رژه)
zarryōn		sāy	ساو (باج)
zarmayo (سبزرنگ)		sāk	
zaryōn	سبز رنگ	sāvul	ساوول (نام دیوی است)
zargōnīh	سبزرنگی	āsāyak	سایان
murv	سبزه	afsūt	سایش بافت
ārōyišnik			

spās šnās	سپاس شناس	zarryōnīh	سبزی
burt šnōhr	سپاسگزار	tarak	سبزی خوردنی
hūspās		kākīčak (نوعی سبزی)	
āzātīh-kar		frāčīh	سبقت
āzātīh dāštan	سپاسگزار بودن	frāčtarīh	
āzātīh kartārīh	سپاسگزاری	pēšīh	
hūspāsīh		hūpēšīh	سبقت خوب
āzātīh guftan		frāčītan	سبقت یافتن
āzātīh guftan	سپاس گفتن	sapuk	سبک
āzātīh kartan		spuk	
āzātīh dāštan		xvār	
spās gōwišnīh	سپاسگویی	sapukīhā	سبکانه
spāsōmand	سپاسمند	spukīh	سبکی
gundak	سپاه	xvārīh	
gund		apaspār	سپارنده
hēn		apaspārtār	
laškar		spās	سپاس
spāh		šnūmak	
spāhān	سپاهان (اصفهان)	šnōhr	
spāhpatān spāhpat	سپاهبدان سپاهبد	šnāyišn	
artēštār	سپاهی	šnūmakān	
hu-artēštār	سپاهی خوب (دارنده)	xšnāyišn	
laškarīkīh	سپاهیگری	āzātīh	
spar	سپر	hūspās	سپاسدار
makind		spāsōmand	
spar vāčīk	سپر بازی	spāsdār	
		spās dāštan	سپاس داشتن
		spās hangārtan	
		šnāyītan	

pas	سپس	sparam	سپهر غم (ریحان)
aspanj	سپنج	sparham	
spenjruš	سپنجروش (نام دیو)	sparyam	
spand	سپند (دانه)	husraw sparyam	سپهر غم خسروی (شاه اسپرم)
spandarmat	سپندارمذ	apaspārišnīh	سپهر دگی
spendarmat		apaspārtan	سپهر دن
spendmat		dātan	
spannāk mēnōk	سپند میزو	spartan	
spēnāk mēnōk		spurtan	
mēnōk spend		spurtitan	
spantōmēn		vispurtan	
spōxtan	سپوختن	gumārtan	
aspōxtan		ōspurtan	(ره سپردن)
spōxtak	سپوخته	ōstān	سپرده (ود یعه)
spāhpat	سپهبد	apaspārak	سپرده شده
spāhpatīh	سپهبدی	spul	سپرز
spahr	سپهر	spurz	
spihr		sparz	
spihrīh	سپهری	spihr	
spihr i gumēčišnīk	سپهر آمیزنده	sparam	سپهر م (اسپهر غم ، ریحان)
spihr i axtarān	سپهر اختران	sparham	
spihr i hačapar spihr	سپهر برین	sparyam	
spihr i agumēčišnīh	سپهر لپامیخته	sparnak	سپرنک (نام خاص)
spāh sālār	سپهسالار	ōspūrik	سپهری
spāh sardār		sačišn	سپهری شدگی
		sačitan	سپهری شدن
		uzitan	

axtarik	ستاره‌ای	spitām	سپینام
bašn	ستاره‌ای در منطقه البروج	spitāmān	سپینمان (نام نیای زرتشت)
bašn	ستاره بشن	spitur	سپیتور (نام خاص)
bahrām	ستاره بهرام	spēt	سپید
stār-pāyak	ستاره پایه	spēt dār	سپیدار
parvēč	ستاره پروین	spēt-pāk	سپید با (غذا)
pēš parvēč	ستاره پیش پرویز	spēt-vāk	
tarahak	ستاره تره‌ک	spēt vistarg	سپید جامه
trišak	ستاره تریشک	spēt dōisr	سپید چشم (دارای چشم روشن)
axtar	ستاره ثابت	bām	سپیده دم
aviyāwānik		hūš	
satvēš	ستاره ستوش	hūšbām	
satavayēs		spēt rōt	سپید رود
satavayēs	ستاره ستویس	stadak	ستاده
tir	ستاره شعرای بهانی	stēndak	
star ōšmur	ستاره شمار	stēnik zangih	ستاده پای (ثبات قدم)
star ōšmār		stadak pistān	ستاده پستان (دارای سینه برجسته)
axtar-mār		āp-čihrān	ستارگان آب چهره
axtarāmār	ستاره شناس	brātarān	ستارگان برج خوفه
axtarmār		rōšnān	ستارگان ثابت
kandāk		gōspandān čihrak	ستارگان گوسفند چهره
axtar āmārih	ستاره شناسی	zamik sratakān	ستارگان نوع زمین
star gōwišnīh	(علم احکام نجوم)	stār	ستاره
mēx i gās	ستاره قطبی	star	
kaivān	ستاره کیوان	stārak	
bahrām	ستاره مریخ	apāxtar	
ōhrmazd	ستاره مشتری	āp-čihrak	ستاره آب چهره

stūtak	ستایش شده	star pēsīt	ستاره نشان
yazītak		star pēsītak	
šnāyēnīt			
ēzītan	ستایش کردن	stārak ōhrmazd (مشتری)	ستارهٔ هرمزد
izītan		statan	ستاندن
yaštan		stānītan	
zabāyītan			
stūtan		stānišn	ستانش
parastan			
parastātan		stāyišn	ستایش
parastītan		šnāyišn	
namāč burtan		šnāyēnišn	
vandītan		šnāyēnītārih	
stāyišnik	ستایش کردنی	parastišn	
ēzišngarih	ستایشگری	parastišnīh	
hōm stāyišnīh	ستایش هوم	azbāy	
stāyišnīh	ستایشی	azbāyišn	
stāyišnik		zabāyišn	
stāyītārih	ستایندگی	ustōfrit	
stāyītār	ستاینده	yasn	
šnāyēnītār		yast	
parastišnkar		yašt	
parast		yazakīh	
stāyītan	ستاییدن	niyāyišn	
šnāyītan		niyāyišn	
stapr	ستبر	namāč	
stawr		drūt	
		izišn	
		xšnāyišn	
		hūyazakīh	ستایش خوب

stūtan	ستودن	stawrihā	ستبرانه
stāyitan		stawrih	ستبری
stāyišnik	ستودنی	statan	ستادن
stūtak	ستوده	ōstārišn	ستردگی
stōr	ستور	awistartan	ستردن
čahār-pāy		ōstartak	سترده
stōrpān	ستوربان	ōsturtak	
stōrgās	ستورگاه	sturg	سترگ
satvēš	ستوش (ستاره)	amāvand	
satavayēs		taxm	
stūn	ستون	sturgih	سترگی
stūnak	ستون لشکر	starvan	سترون
kāravān		stahm	ستم
staw	ستوه	stahmb	
stōw		stahmbakih	ستمکاری
stōwēnitan	بستوه آوردن	hēcitan	ستم کردن
stawih	ستوهی	garānmān	ستمگر
stōwih		stambak	
stūwih		sāstār	
kōšitārih	ستیز	xrvik	
stahmbakih	ستیزگی	stambakih	ستمگری
stēžak	ستیزه	duš stahmak	ستم ناعادلانه
stēzak		stahmakih	ستمی
stēžitan	ستیزه کردن	stahmih	
kōšitan		stōt yasn	ستوت یشت (یکی از نسک‌های اوستا)
stēžitan	ستیزیدن	stōt yast	

stahmbakīh	سخت گیری	stīk	سنج
stambakīh		tēx	سنج کوه
saxtan	سخن	sagastān	سجستان
saxtīh	سختی	sakistān	
sangīh		sačīdarm	سچیدرم (نام خاص)
sturgīh		kundākīh	سحر
tangīh	سختی (رنج)	parīkīh	
vēšišn		uš	سحرگاه
bēš		hūš	
garānīh		hušbām	
vōīk		ušahīn-gās	
snāh		stārak apētāk gās	
šikiftīh		saxt	سخت
mustgarīh		razēn	
saxvan	سخن	društ	
gōwišn		dušvār	
guftār		garān	
guftārīh		staft	
ēvāz		drang	
mārik		škaftak	
sraw		xrōčditom	سخت تر
srūw		hūtuxšāk	سخت کوش
vaxš		hūtuxš	
vāč		huāyōjišn	
duš gōwīh	سخنان زشت گفتن	hūtuxšīh	سخت کوشی
duš gōwišnīh		dušvārīh	سختی
saxvanān vājišnīh	سخنان گفتنی	dušdār	سخنگیر
patmān saxvan	سخن باندازه		

hanjamanik	سخن گو در انجمن	duš gōwišn	سخن بد
drāyān jawišn	سخن گو در هنگام غذا خوردن	duš-huxt	
gōwišnih	سخن گویی	hangāmik saxvanih	سخن به موقع گفتن
vāčišnih		srawēnitan	سخن پراکندن
saxvan gōwišnih		spazg	سخن چپن
dušarm gōwišnih	سخن گویی شرم انگیز	spazgih	سخن چینی
patmān gōwišnih	سخن گوئی بطور متعادل	vēh gōwišn	سخن خوب
patmān gōwišn	سخن متعادل	gōwišnōmand	سخندان
patmān saxvan	سخن مدلل	mitūxt	سخن دروغ
mitōxt	سخن ناراست	saxvanītan	سخنرانی کردن
mitūxt		duš ēvāčih	سخن زشت گوئی
saxvan niyōšišnih	سخن نپوشی	saxvan nigōšišnih	سخن شنوی
xvāpar	سخنی	saxvan niyōšišnih	
xvāwar		saxvanītan	سخن گفتن
darband	سد	vāxtan	
sutāp	سداب	vāčišnih	
šapik	سدره	vāčitan	
sar	سر	danditan	سخن گفتن با فریاد
kamār	سر (برای موجودات اهریمنی)	hanjamanēnitan	سخن گفتن در جمع
kamālik		danditan	سخن گفتن دیوانه وار
kamārik		gōftār	سخن گو
vaydān	سر (برای موجودات ایزدی)	guftār	
vaytān		gōwāk	
bašn		drāyēnītār	سخن گو با صدای بلند
čagāt			

garōtmān	سرای نیایش	rāz	سر
srāyitan	سراییدن	nihuftārih	
sarp	سرب	āpsār	سر آب
srup		āpsārik	سر آب بودگی
gund	سرباز	sarāy	سرا
laškarik		srāy	
artištār		šīp	سرازیری
padātak	سرباز پیاده	šēp	
payātak		sar-ā-sar	سراسر
payk		turist	
laškarikih	سربازی	frōt āhang	سراشیب
grikaft	سربند اسب	frōt dārišn	
andarōtak	سر به گریبان	nišīp	سراشیبی
sarpēn	سربی	nišēpik	
srūpēn		vīm	
frōt āhang	سر پایین	awdom	سرانجام
drustpat	سرپزشک	pasič	
spōxtan	سرپیچی کردن	sarāy	سرای
spōzkār	سرپیچی کننده	srād	
sar-ā-sar	سرتاسر	frāč aškōp	سرای بلند
turist		srāyišn	سرایش
paikān	سر تیر	dranjišnih	
pēkān		drānāk	
āpān nāf	سر چشمه	gāsān srāyišnih	سرایش گائاها
āpsār		srāyišnih	سرایشی
		srāy	سراینده

bōr	سرخ مایل به قهوه‌ای	bun	
sart	سرد	bun čašmak	
sartik		bun xān	
afsart		bun xānak	
hunak		xānak	
xunak		xānik	
sālār	سردار	xānik	سرچشمه‌ای
sardār		digramān	سرچشمه دجله
sarōmand	سردار (دارای سر)	kustakih	سرحد
ramak sardār	سردار رمه (سگ نگهبان رمه)	marz	
spāh sardār	سردار سپاه	nīmvand	
dēh sardār	سردار کشور	sahmān	
āxvarpatān sardār	سردار میر آخوران	vīmand	
sardārih	سرداری	marzpān	سرحددار
sālārih		vīmandik	سرحدی
dēvān sardārih	سرداری دیوان	sūr	سرخ
bavandak sardārih	سرداری کامل	suxr	
sardārēnitan	سرداری کردن	sūr parrak	سرخ بال (صفت تیهو است)
vohuman patih	سرداری منش نیک	sūr parrak	سرخ پر
rat	سردسته	rānak būtan	سرخ خوردن
sartsēr	سردسیر	grātan	
afsārišn	سرد شدگی	tāftan	سرخ شدن
sarmāk	سردی	taftan	سرخ شدن آتش
sartih		brištak	سرخ شده
		brištan	سرخ کردن
		taftan	
		tāftan	

pur dušārmihā	سرشار از دوستی	frāč rasitan	سر رسیدن
pur patēxv	سرشار از نعمت و فراوانی	apar āmatan	سر زدن
patēxvēnitan	سرشار کردن	spīzišn	سر زدن جوانه
hanbārīh	سرشاری	nikōhitan	سر زنش کردن
ōpārīh		būm	سر زمین
patēxvīh		damīk	
purīh		zamīk	
pur rawišnih		kišvar	
hūfrāšmōkdāt	سرشب	ērān	سر زمین آریائیان
čihr	سرشت	aryastān	
gōhr		ērān vēj	سر زمین اولیه آریائیان
hēm		tūrān	سر زمین توران
xēm		sakistān	سر زمین سکائیان
nihāt		kišvarīhā	سر زمین ها
nihātak		čāpukih	سر زنده بودن
brēh		zēnāvandih	
xōk		āvēnišn	سر زنش
čihrēnitakih	سرشت پذیری	ērang	
srištan	سر شتن	nikōhitan	سر زنش کردن
xēmih	سر شتی	nikōēnitan	
srišk	سر شک	āvēnitan	
pētākān	سر شفا سازان	xvētih	سر سبزی
arvandih	سرعت	stahmbakih	سر سختی
tundih		stambakih	
zūtih		āpaxš	سر شار
tēzih		patēxv	
ōštāp			

pāzūk		ōštāpišn	
pazūk		sapūkihā (به سرعت)	
sarmāk	سرما	tagihā (به سرعت)	
sart ōstišnih	سرما خوردگی	tūsak	سرفه
sarmak	سر مک (گیاه)	dūžitak	سرقت شده
mār	سر نای بزرگ	kamārik	سر کرده دیوان
sar-nikun	سرنگون	apāč sar	سرکش
sarkun		patrān	
apāč-kun		tar	
nikan		apāč sarīh	سرکشی
nikun-sār		garōmandih	
nigōsār		sarkāw	سرکه
niyansār		sik	
tanāvak?		viyāpān	سرگردان
bagōbaxt	سر نوشت	ačarak	
bagōk baxt		viyāpānik	
bayobaxt		duwārišnīk	
baybaxtih		vaštan	سرگردان بودن
bahr		duwāristan (برای موجودات اهریمنی)	
baxš		aparās	سرگشته
baxšēnišn		sargīn	سرگین
brēh		sarginak	
brēhēnišn		sargūn	
handāčišn		guh gartak	سرگین غلطان
apāyēt būtan		guh-vart	
pat apāyastih			
rōčih			
rōčih-ār			
brēhīn (تحت تأثیر سر نوشت بودن)			
vēčak			

pat		tēv	سرنیزه
patihak		sarv	سرور (ناراحت)
rat		sarwāk	سرواک (جا)
kamāirk		srūbar	سروبر (= شاخدار، نام غونی است)
mērak		srōt	سرود
mātakvar		gās	
xvatāyōmand (دارای صاحب و سرور)		drānāk	
burž xvatāy	سرور بزرگ	nivāk	
mān mānpat	سرور و بزرگ خانه	srūtār	سرود خوان
mīrak		srāyišn	سرود خوانی
katak xvatāy		gās	سرود گائاها
axvōmandih	سرور داشتن	gāh	
ahurāy-mazd	سرور دانا	gātāk	
šōisr pat	سرور روستا	gāsān (سرودهای گائاها)	
visp xvatāy	سرور کائنات	srāyišnih	سرودگی
visp xvatāy	سرور کل	srūtan	سرودن
axvīh	سروری	frāč srāyišnih	سرودن سرود مذهبی به صدای بلند
sardārīh		dranjēnišn	سرودن به صدای ملایم
bē sardārīh		ēvāmrutik	سرودی که یکبار خوانده می شود
masih		ahu	سرور
pēšōpāyih		ahurāy	
patih		axv	
sarih		bag	
ratih		bak	
sardārīh		bayān	
xvatāyih		xvatāy	

šēpāk		mān patih	سروری خانه
zibāl		sardārēnitan	سروری کردن
garān tačišn	سریر الجریان	xvēš patih	سروری والقدار شخصی
kūn	سرین	ratōmandih	سروری و پیشوایی مذهبی
sarīnak		srōš	سروش (ایزد)
srīnak			سروش شاورز (نام یکی از پیشوایان مراسم یسنا)
sačāk	سزا	srōšāvarz	
sazāk		srōš pānak	سروش پناه
sačākvār	سزاوار	srōš ahrāy	سروش پرهیزگار
sazākvar		srōšik	سروشی
pasačak		srōš-yār	سروشیار
sačitan	سزاوار بودن	bōših	سروش یال نمودن
sačistan		apēčak	سره
hūsāčakih		sarīh	سری
niyāyišnōmand	سزاوار ستایش	rāzik	سری (رازآمیز)
niyāyišnōmandih	سزاوار ستایش بودن	srīt	سریت (نام شخصی است از خاندان سام)
āvēnišnīk	سزاوار سرزنش	parvān gās	سریر
sačēnitan	سزاوار گرداندن	artāk	سریر
niyōxšišnōmand	سزاوار گوش دادن	hūtak	
margarzān	سزاوار مرگ	tund	
margarzānih	سزاوار مرگ بودن	takik	
sačišn	سزاواری	tāzik	
sačišnih		tēz	
sazišnih		tēž	
pasačakih		šapik	
šāyakikih			

tan pērōčkarīh	سعادت تن	pātafrās	سزای کار بد
hū-axvīh	سعادت جاودانی	sazākīh	سزایی
pur urvāhm	سعادت کامل	sačistan	سزیدن
xvāpar	سعادتمند	sačitan	
urvāxt		sust	سست
hūrām		šast	
urvāxmanēnītan	سعادتمند گرداندن	sūtak	
kōšītan	سعی کردن	akōšītār	
hūmorvāk	سعید	ašgahān	
sugut	سغد (سرزمین)	dāramak	
sugutistān	سغدستان	akārīh	سستی
fristakīh	سفارت	armēštīh	
fristišnīk		mōšīh	
baydēspānīh		sustīh	
āštak-fristišnīk	سفارت صلح	dūlak	سطل
apaspārišn	سفارشی	dōrak	
apaspārišnīh	سفارشی	šētāy	سعادت
kalūk	سفال	urvāhmanīh	
kapārak		urvāxman	
yāmīk paz	سفالپاز	urvāxmanīh	
kurvārgarīh	سفال سازی	urvāzēnišn	
dūsingar	سفانگر	urvāzišn	
yāmīk paz		patēxvīh	
gilēn	سلمان	xvahrīh	
dōsēn		šnāyēnišn	
		xvārīhōmand	سعادت آمیز
		bōžišn	سعادت آبدی

pētāmbār	سفیر	kalūk	سفالینه
aškōp	سقف	kapārak	
aškow		dranjēnītan	سفت کردن
bān		sōftan	سفتن
dār		suftan	
frakāvan		rāh	سفر
dār apar dāštār (دارندۀ سقف و خانه محقر)		rās	
frāč aškōp	سقف بلند	franāftan	سفر کردن
aškowēnītan	سقف زدن	ēvarzītan	
sakān šāh	سکانشاه	dēh vaštār	سفر کنندهٔ دائمی
sak	سکاهی	xān	سفره
sakistān	سکستان	xvān	
abē-gowišnīh	سکوت	stafr	
agōwākīh		maškīčak	سفره چرمی
ēstišn	سکون	spēt	سفید
dēr mānišnīh	سکونت طویل	spētak	
dāng	سکه	arus	
stēr		spēt čašm (دارای چشم روشن)	سفید چشم
pārak		spēt dumbak (تیهوی سفیددم)	سفیددم
sag	سگ	spēt gāv (نام خاص)	سفیدگاو
sak		spēt mōy	سفید موی
rōkanīk (نوعی سگ است)		spētak	سفیده
tarunak		nišāmīh	سفیده صبح
bafrak i āpīk	سگ آبی	spētīh	سفیدی
bawrak			
sag i āpīk			
ōdar			

aštar		sikāl	سگار
awzār		uskārītan	سگ نیدن
afzār		uskārtan	
afčār		hūsikālītan	(خوب سگالیدن)
pōlāt			
škaft zēn	(دارای سلاح موحش)	vis hōrv	سگک پاسبان
xrvidrōš	~	viš haurv	
xvardrōš	~	čahār cašm	سگک چهار چشم
zēnvān	(نگاه دارنده سلاح)	viš haurv	سگک خانگی
tīk	سلاح تیز	viš hōrv	
hūzēn	سلاح خوب	vis hōrv	
zēnōmandīh	سلاح داری	vohunazg	سگک خونخوار
snahīh		sagastān	سگستان (سیستان)
grīkaft	سلاحی که گردن را می پوشاند	vohunazg	سگک شکاری
drōt	سلام	tūrūk	سگک کوچکی
drōtīh		pasuš harv	سگک گله
niyāyišn		pasuš hōrv	
franāmišn			
drustīh	سلامت	kurk magas	سگک مگس
tan-drustīh		mān-pān	سگک خانه
drōt		vohunazg	سگک ولگرد
drust rawiśnīh	سلامت مداوم	snēh	سلاح
franāftan	سلام کردن	zāy	
drudistīh	سلامتی	zēn	
drustīh		zarēh	
tan-drustīh		snāh	
drōt			
bēšāz			

sumb	سمب	bēšāzēnītan	سلامتی یافتن
sambarān	سمبران (جا)	tīrak	سلسله جبال
hōy	سمت چپ	tīrak i harburz	سلسله جبال البرز
dašnak	سمت راست	patisār	سلسله غیر منقطع
sumbōmand	سمدار	duš pātaxšāh	سلطان بد
samarkand	سمرقند	dušxvatāy	
saman	سمن (گل)	hamxvatāy	سلطان جهانی
saman i spēt	سمن سفید	bayānik	سلطانی
saman i zart	سمن زرد	pātaxšāyīh	سلطنت
samōr	سمور	šatryārīh	
simōr		xvatāyīh	
udrak	سمور آبی	duš pātaxšāhīh	سلطنت آبد
siyā samōr	سمور سیاه	duš xvatāyīh	
dāt	سن	anōšak xvatāyīh	سلطنت جاویدان
dātak		ēv-xvatāyīh	سلطنت سلطان واحد
āvām		vohuman xvatāyīh	سلطنت منش نیک
žamān		salm	سلم (نام خاص)
žamānak		sarm	
masātōrīh	سن بلوغ	varišn	سلوک
xūšak	سنبله	barišn	
sumbitan	سنبدن	nēvak barišnih	سلوک خوب
aparmānd	سنت	salōk	سلوکوس (نام خاص)
apar rawišnih		mičak	سابقه
darg apar rawišnih	سنت دیرین	mizak	
		sumb	سم
		kafšak	

kāskēn	سنگ لاجورد (گوهر)	dēr apar rawišnih	سنت کهن
kāsakēn		sančāp	سندجاب
sangsār	سنگلاخ	sančit	سنگد (سیوه)
sangēn	سنگ مانند	zil vāčik	سنگ نوازی
sag xrūhak	سنگ مرجان	tarāzēnītārīh	سنگچیدگی
sangih	سنگی	saxtan	سنگچیدن
sagēn		tarāzēnītan	
may	سنگی که در مراسم پرشنوم بر آن نشینند	pašn	سند
karkēhan	سنگ یمانی	nāmak	
sangēn	سنگین	sind	سند
garān		sind būm	
girān		patak	سندان
mas		gatak	سند رسمی
sangih	سنگینی	rahikih	سن رشد
garānih		sang	سنگ
gumānītan	سوء ظن داشتن	sag	
arvastān	سواحل جنوبی خلیج فارس	sak	
asuwār	سوار	sēg	
burtār		aržan	سنگ آهکی
puštaspān	سوار کاران	kašawak	سنگ پشت
asp bārak	سواره	kašūk	
puštaspān	سواره نظام	dāl	سنگ خارا
asuwārīh	سواری	aržan	سنگ ریگی
frašn	سؤال	sangsār	سنگسار
pursišn		sangsār	سنگستان
pursišnih		gōhr	سنگ قیمتی
pursitārīh			

xvābarīh		frāč pursītan	سؤال کردن
kār		pursītan	
buland sūt (دارای سود زیاد)		zastan	
sūtāpak	سودابه (نام خاص)	zāyistan	
sūtāpīh		pursītār	سؤال کننده
sūt dahišn	سودآور	guft pasaxv	سؤال و جواب
xvāwrīr	سودبخش	hampursakīh	سؤال و جواب کردن
bahrmand	سودبر	bē-kā	سواى اینکه
sūtbar		sūtēkarīh	سوته گری
sūtēnītan	سود بردن	dazišn	سوختگی
bahrōmandīh	سودبری	dāk	سوختگی پوست
bahrvarīh		sūxtan	سوختن
mas sūtīh	سود بزرگ	sōxtan	
hamēšak sūtīh	سود جاویدانی	sōčīhastan	
sūt xvāstār	سود خواستار	vaxšītan	
sūt xvāstārīh	سودخواستاری	nasāpāk	سوختن جسد
sūt xvāstār	سود خواه	xvat sōčišnīh	سوختن خود بخود
sūtēnītan	سود دادن	sōčak	سوخته
sūtak	سود دار	sōčīhastan	سوخته شدن
sūtbar		sūt	سود
hamēšak sūtīh	سود دائم	sōk	
sūt dahišn	سود ده	vaxš	
sōk dātārīh	سود دهندگی	āyaft	
sūtārīh		ayāft	
bahrakvarīh		hūdahakīh	
		vindišnīh	

sulāk	سوراخ	sūtēnitār	سود دهنده
sūrāx		anizār vindišnīh	سود سرشار
sūrāk		sūt šnās	سود شناس
čašmak		sūtōmand	سودمند
grīstak		sūtak	
maγ		sūtīk	
maruk		sut apkār	
unak		mīrmatōmand	
unān		burtār	
višātakīh		xvābar	
grīstak	سوراخ جانوران زیانکار	xvābarīk	
sūrākōmand	سوراخ دار	xvāwargar	
unak māništ	سوراخ زی (حیوان)	sūtmandān	سودمندان
sōftan	سوراخ کردن	sūtmandīhā	سودمندانه
suftan		sūtōmandīhā	
sumbītan		kārtar	سودمندتر
dūxtan		sūtakīh	سودمندی
gawrih (عمل سوراخ کردن)		sūtīh	
lān	سوراخ گوش	sūtōmandīh	
damig	سوراخ هواکش	sūtan	سودن
sūrākīk	سوراخی	sūdan	
sūlākīk		sūtak	سوده
sūr vīrāyīh	سور پیرایی	sūtīh	سودی
dašt i sūrīk mānišn (سرزمین)		nīrmat vindišnīh	سودپایی
āsūristān		sūr	سور
		bazm	
		xvaran	
		myazd (سور و سهمانی دینی)	

sōčāk	سوزانده	sūrak būm	
sōzāk		sūrīk	سورستانی
sōžāk		myazd gās	سورگاه (محل مهمانی)
sōčāih	سوزایی	āsūristān	سوریا (سرزمین)
sōzišn	سوزش	sūrīk	سوریانی
sōčišn		sōč	سوز
sōzišnik (قابل سوزش)		sōž	
sōzišnik	سوزشی	sōčāk	سوزا
sūčan	سوزن	sōžāk	
sūzan		sōčak	سوزان
sōčāih	سوزندگی	sōzāk	
tāpišn		sōzišnik	
ātur sōč	سوزندگی بوسیله آتش	taft	
pāzūk	سوسک سرگین غلاتان	tāftak	
pazūk i guh-vart		taftīk	
farxav	سوسمار	tāpāk	
karbāš		tapāk	
karbiš		xvarak	
karpak		vaxšik	
karbunak		vaxšak	
karpunak		vaxšāk	
		vaxšēndak	
sūsan	سوسن	dazitan	سوزاندن
sīsimbar	سوسنمبر	sōčēnītan	
sōkšyāns	سوشیانت	tāftan	
sōkšyānš		vaxšākēnītan	
sōšāns		nasāpāk	سوزاندن مرده

drōj gumānākih	سوء ظن	sōšyāns	
sui gāv	سوئی گاو (نام خاص)	gēhān virāy	
sē	سه (عدد)	sōšyāns	سوشیانس (نگ. سوشیانت)
si		sōfistāk	سوفسطا
sē rīn	سه بار	sōfistākih	سوفسطایی
sē vīn		hāčītan	سوق دادن
sē pāy	سه پا	sōk	سوك
sē parrak	سه پره (تیر)	sūk	
sē zafr	سه پوزه	sōk gāv	سوك گاو (نام خاص)
sē tuxmak	سه تخمه	sōkand	سوگند
sitīkar	سه دیگر	sōkand xvartan	سوگند خوردن
sē kamār	سه سر	xrōsītan	سوگواری کردن
stōš	سه شب نخستین پس از مرگ	sitīkar	سوم
sitōš		sēyom	
sē šapak	سه شبه	savah	سوه (نام یکی از هفت کشور)
sē kamār	سه کله	sōk	سوی
sē gānak	سه گانه	sūk	
axvēškārīhā	سهل انگاران	rōn	
hūgukārt	سهل الهضم	kust	
sahm	سه	kustak	
sam		bē ō	
baḷišn		nēmak	
bak		ārak	
baxtārih		ul	سوی بالا
dāsr		frōt	سوی پایین
		ni-	

siyā	سیاه	ĵatak	
siyāh		ĵāt	
siyāk		yāt	
siyāvah		yāt	سهم الارث
dafr		sahmgēn	سهمگون
zangik	سیاه پوست	sahmgan	
siyā-mōy	سیاه مو	sahmgūn	
siyāih	سیاهی	sahmakan	
siyāhak	سیاهی چشم	sahmēn	
sēp	سپ	sahmgēnih	سهمگینی
sūlāčak	سیخ کباب	āsamītan	سهمیدن (ترسیدن)
vartānak		āsānih	سهولت
āturstar	سیخی که با آن آتش را زیر و رو میکنند	sahik	سهی
sēr	سیر (اشباع شده)	sahist	
sagr		sih	سی (عدد)
hamburt		gad	سیاره
stēr	سیر (واحد وزن)	gadōk	
sir	سیر (گیاه خوراکی)	apāxtarik	سیاره‌ای
brahm	سیرت	gadōkih	
patēxvēnitan	سیر کردن	siyā-gāv	سیاگاو (نام خاص)
patēxv mēnišnih	سیر منشی	šusr	سیال
ōpastih	سیر نزولی	sihōm	سی‌ام
anhanbār	سور نشدنی	siyāmak	سیامک
sērīh	سیری	siyāvaxš	سیاوش
sagrih		siyāvaxšān	سیاوشان (نام خاندانی)
patēxvih			

sēn murv	سيمرغ	sēzdah	سيزده
sēn		sēzdahom	سيزدهم
āsīmkar	سيم گر (نقره کار)	sagastān	سيستان
simlān	سيملان (شهر)	zrangakān	سيستانيان
simēn	سيمين	sīsīmbār	سيمبر (گياه خوشبو)
āsīmēn			
sinjēpik	سينجپيک (نام خاص)	sē sat	سيصد
sēnak	سينه	nihvārišn	سيل
sin		āptačan	سيلاب
kaš		sīm	سيم (نقره)
kašak		sēm	
frāč pistān	سينه برجسته (دارای پستان برجسته)	asēm	
stik pistān		āsīm	
pistān pān	سينه بند	gōnak	سيما
pat sēn		simrā	سيمرا (عربستان جنوبی)
xvān	سينی		

ش

azg	شاخه	-š	ش (ضمير متصل سوم شخص مفرد)
dēšak		-iš	
šāk		šāhpuhr	شاپور (نام خاص)
tāk		šāpuhr	
spēk (ترکه)			شاپور اردشیران (نام خاص)
rēšak		šāpuhr i artaxšērān	
bun ut bar	شاخه و میوه	šāhpuhrān	شاپوران (نام خاندانی)
spēk	شاخهٔ باریک	srū	شاخ
azg	شاخهٔ درخت	srūw	
		srūb	
narm tāk	شاخهٔ نرم	sūk	
srūwēn	شاخی	srūk	
srūbēn		srūg	
šāt	شاد	šāk	شاخ (شاخه)
hūrām		srūbar	شاخدار
xurram		srūwar	
		sūkōmand	

xurramih		urvāxt	
huniyākih		xōnsand	
xvašnūtih		xvansand	
xvaših		xvašnūt	
xōnsandih		xvaš	
xvansandih		xvārak	
rāmēnitārih		xunak	
urvāxman		šātānīkih	شادانی
urvāhman		rāmistan	شاد بودن
urvāxmanih		šātūrvān	شادروان (خیمه)
urvāzēnišn		šātīhastan	شاد شدن
šetāy			
sūr			
nāzišn			شادفرخ خسرو (نام خاص)
xvārih		šāt farraxv xōsrōi	
xvāhrih		urvāhmēnitan	شاد کردن
xvārakih		urvāxmēnitan	
		urvāzēnitan	
rāmišnik	شادی آور	hūram	شادمان
rāmišn adiyār	شادی بخش	hurram	
urvāzistan	شادی کردن	pat rāmišn	
vītir	شارع عام	šātānīkih	شادمانی
		spaxr	
pēšārvār	شاعر	šāt mēnišn	شاد منش (شاد اندیش)
pēškār		šātih	شادی
mēšak		hūrāmih	
mēzišn		hūramih	
mutrišn		hurramih	
gōmēz	شاعر گاو	xurramakih	

fravatāk		mēzišnik	شاشی
hangirtik		mēzišnih	شاشیدگی
hangartik		čamītan (چامیدن)	شاشیدن
fravastan	شامل بودن	mēzišn	
parvastan		pēšārvār kartan	
ham bōdišn	شامه	mēzītan	
-šān	شان (ضمیر متصل سوم شخص جمع)	gōmēzītan	
šānzdah	شانزده	mutrišn	
šāzdah		spāsdār	شاگرد
jāyišn	شانس	pēšēmār	شاکمی
suftak	شانه (دوش)	pēšēmārīh	شاکمی بودن
suft		ašākirt	شاگرد
šānak		ašākart	
dōš		ašāgird	
šānak	شانه (برای سو)	hašākirt	
šānak (چنگال کشاورزی)	شانه	hāvišt	
šāh	شاه	čāšitār	
šah		hamōxtār	
xšāh		āmōxtār	
pātixšāy		āmōxtak	
pātixšāh		zand čāšitār	
pātšā		manīkān	شاگردان من
baγ		hāvištīh	شاگردی
bayān		nišāyišn	شالوده
bag		šām	شام
kai		fravast	شامل
		fravastak	

vāspuhr		xvatāy	
vāspuhrak		dahyūpat	
vis		dēhyūpat	
vispuhr		šahridār	
vāspuhrakānīk	شاهزاده‌ای	šatrdār	
dēhān dēhyūpat	شاه سرزمینها	šāsparham	شاه اسپرغم
sakān šāh	شاه سکستان	husraw sparram	شاه اسپرم (گیاه)
sakān šāh	شاه سیستان	šāh sparham	
šāhān šāh	شاه شاهان	šāsparham	
tāb	شاه کابل	burž xvatāy	شاه بزرگ
dēh dēhyūpat	شاه کشور	šāh balūt	شاه بلوط
šāhakān	شاهگان	šāhīkīh	شاه بودگی
šāyakān		šāhīkīk	
xvatāyīh nāmak	شاهنامه	hūxvatāy	شاه خوب
šāhānšāh	شاهنشاه	xyōnān-šā	شاه خيوانان
šāhān šāhīh	شاهنشاهی	gōwāk (گواه)	شاهد
ēv xvatāyīh		gukāy	
šātūrvān	شاه نشین	šāhdānak	شاهدانه
šāhvār	شاهوار	šādānak	
xvatāyvār		šan	
haft kišvar xvatāy	شاه هفت کشور	šānēn	شاهدانه‌ای
xyōnān-šā	شاه هونان	šāhdānak ī nēšāpūrīk	شاهدانه نیشابوری
šāhīh	شاهی	zūr gukāy	شاهد دروغین
šatryārih		vāspuhrakānīh	شاهزادگی
		bētaxš	شاهزاده
		bītaxš	

pasačak		šāhakān (منسوب به شاه)	شاهی
pasačāk		šāhikān	
sazāk		šāyakān	
sahik		šāhikik	
sačākvār			
sačišnik		sēn	شاهین
šāyandak		sēn murv	
		varišak	
apāyastan	شایسته بودن		
hūsačitan		šāyēt	شاید
sačistān			
sačitan		ō(h)	شاید !
niyāyišnōmand	شایسته تعظیم	arzānikān	شایستگان
sačēnitan	شایسته گرداندن	šāyakīkih	شایستگی
		šāyandakih	
ašāyītan	شایسته نبودن	arzānikih	
rawāk	شایع	niyāwākih	
zandak		niyāpakih	
		sačišnih	
uzvāhistan	شایع شدن در خارج	sazišnih	
uzvāhik	شایع شده	pasačakihā (بشایستگی)	
rawākēnītārih	شایع کردگی	šāyitan	شایستن
franāmītan	شایع کردن	šāyastan	
rawākēnītan		šāyistan	
rōwākēnītan			
āstārītan	شایع کردن گناه و ناپاکی	apāyastak	شایسته
srōt	شایعه	arzānik	
šāyakān	شایگان	frārōn	
šāhakān		niyāw	
		niyāp	
		niyāpak	

šāyandakīh	شایندگی	شب زنده دار	ōšōmand
šāyēndakīh		شبتان	šapistān
šāyandak	شاینده	شبتانی	šapistānik
šāyitan	شاییدن	شب	šapak
šap	شب	شب کلاه	rasat
ēvārak			kulāfak
šapān (شب ها)		شب کور (خفاش)	šawāk
šapān	شبان (چوپان)	شبکیه چشم	tētak
šupān			tītak
fšag		شبنم	nazm
gōspand varzītār		شبنم پیخ زده	pazd
hūramak		شبه (شب)	šapak
pasuš harv		شب	šapak
rōč šapān	شبانروز	شبخون	šapixōn
šapān rōč		شبخونی	šapixōnih
rōčak šapān		شب	hūmānāk
šapān gās	شبانگاه		mān
gōspandōmandih	شبان		mānāk
gōspand varzītārīh			mānišnik
hūmānākīh	شبان		mānākāi
hamānākīh			hamgōnak
mānākīh			hamāl
hamgōnīh			hamōk
hāvandih			hamtāk
hangōšitak			hamsartak
ēv kartakīh			hamānak
šapāk parr	شب پر		
šawāk			

uštarastān	شترستان	hāvand	
uštaristān		handāčak	
uštur gāv palang (زرافه)	شتر گاوپلنگ	hamētōn	
čatrang	شترنج	hamangušitak	
čatrang kartan	شترنج بازی کردن	māntan	شبه بودن
gurt	شجاع	māndan	
kārik		mānistan	
dilēr		mānitan	
nēv		parčitišnkār	شبه سازنده
tak		spiš	شپش
vīr		spuš	
nipartak		ōštāp	شتاب
nēvkār		ōštāpišn	
marčāpuk		tak	
martāčōk		nisuwārišn	
martānak		duwārišnīk	
mart mēnišn		ōštāftan	شتاب کردن
tagih	شجاعت	davītan	
tagīdilih		davistan	
nēvih		andāxtan	
gadvarih		handāxtan	
martānakih		ōštāpgar	شتابگر
marčāpukih		nisuwārišn	شتابیدن
mart mēnišnih		ōštāftan	شتافتن
tuxmak saw	شجره نامه	frajastan	
kas	شخص	uštur	شتر
tan		uštar	
grēv		ōštar	

has		xvēšihā	شخصاً
dārūk		pat xvēših	
raz		tanihā	
dārū i nišāstak (عرق نشاسته)		mēnišn	شخصیت
maḡih	شرابی	mēnišnōmand (دارای شخصیت)	
anākīh	شرارت	kašišn	شخم
anākēnīh		tundiḥ	شدت
bēših		saxtīh	
dravandiḥ		stahm	
duših		sizd	
vixrūnīh		sēzd	
vināstārīh		snāh	
vatīh		zūr	
rīftakīh		zōr	
kēn		bavišn	شدگی
kastārīh		gaštan	شدن
kāstārīh		vaštan	
xurg	شراره	šutan	
xurag		šutak	شده
garāmīh	شرافت	xružd	شدید
pahlomīh		mazan	
ērtanīh	شرافت تن	stahm	
šapyār	شربت	stambak	
xvārišn		stahmak	
šapyār	شربت شب‌یار	stahmbak	
dōkān	شرح	škaftak	
gōkān		maḡ	شراب
		may	

rusvākih		mātikān	
āstānak		mātiyān	
nizburtih		zand	
pafšērišn		saxvan	
pafšērišnih		guftārih	
pafšār		paytākēnitan	شرح دادن
šarmgāh	شرمگاه (قسمت میان بدن)	guftan	
šarmakēn	شرمگین	nikēxtan	شرح دادن امور دینی
šars-	شرمگین شدن	dāstān	شرح واقعه
šarmkanih	شرمگینی	grōkān	شرط
fratōmih	شروع	dastwarihā	شرعاً
patisār		handēmāngarih	شرفیاب شدگی
frahistih		handēmāngarih	شرفیاب کردن
frakān		handēmānih	شرفیابی
griftan	شروع شدن (درمورد باران)	hūšastar	شرق
kār raftārih	شروع کار	ūšastar	
frakānēnitan	شروع کردن	ōšastar	
sārēnitan		xvarāsān	
frāč šutan		patvast oviših	شرکت
nivinn-		hamkārih	
sarōmand	شروع کننده	šarm	شرم
āz	شره	nang	
anāk kartār	شریبر	rusvāk	شرمسار
anāk		rusvākīhā	شرمستانه
dušak		dušarm	شرمساری
ōpastān		anērmēnišnih	

āsnītan	شستو کردن	vixrūn	
šōstan	شستن	rīftak	
šustan		vatak	
yōšdāsrēnītan (تطهیر)		duš-čašm	
šōik	شستنی	arvand	شریف
šust	شسته	ērīk	
suš	شش	asnōtak	
sušīk		āzāt	
sušak		āzātak	
šaš	شش	āznāwar	
šaš sat	ششصد	hūzāt	
šašom	ششم	hūzahāk	
šast	شصت (عدد)	pahlom	
sašt		aparmānik	
tēx	شعاع	mas mēnišn	
patmān saxvan	شعر	vāspuhrak	
vičast		girān tuxmak	
bānūy	شعله	hambāz	شریك
tāpišn		hanbāz	
vaxš		hambāy	
xvaray		hambāy	
vazišn	شعله آتش	hanbag	
sōčāk	شعله در	hamkār	
sōžāk		xōrtāk	
tēz sōčāk		hambāy	شریك ملك
xvarak		frāč šōyišnih	شستو
		pātyāpih	
		šōy	
		šōyišn	

bēšāzēnītār	شفا دهنده	vaxšēnītan	شعله ور شدن
sahīk	شفاف	vaxšītan	
bēš bēšāzišnih	شفای رنج	vaxšēnītan	شعله ور کردن
šaft	شفتالو	vaxšākēnītan	
šaftālūk		vaxšišnih	شعله وری
šiftēnak	شفتینه (نوعی شیرینی)	bōδ	شعور
ālālak	شقایق	bōy	
gumān	شک	varōm	
gumānih		axv	
gumānikih		uzvārišn	
šak		šayāl	شغال
naxčir	شکار	uškāl	
škarak	شکاری (مرغ)	tūrak	
unak	شکاف	tōrak	
unān		pēšak	شغل
drītan	شکافتن	kār	
škastak	شکاف خورده	gāspatīh	شغل امین خزانه
unānītan	شکاف دادن	hūtuxšākih	شغل مشروع
unik	شکافی	zōtīh	شغل و کار زوت (پیشوای مذهبی)
dranjišn	شکایت	hāvanānih	شغل و کارهاونان (پیشوای مذهبی)
garzišn		bēšāzēnišnih	شفا
gilak		bēšāzēnītan	شفا دادن
must		bēšāzītan	
pēšimārīh	شکایت نصائی	bēšāzēnih	شفا دهندگی
garzītār	شکایت کننده	vētvarīh	

škanāk	شکستنی	gumāngarih	شک داشتگی
škastak	شکسته	šakar	شکر
škanišn	شکسته شدگی	šikar	
škīhītan	شکسته شدن	āzātīh	شکر
škuftan	شکست یافتن	niyāyišn	شکرگزاری
viškōw	شکستگی	niyāyišnīh	
viškōftakīh		āzātīh kartan	شکرگزاری کردن
škōftan	شکستن	stōwīh	شکست
viškaftan		zatārīh	
viškuftan		zat afzārīh	شکست خوردگی
škōftak	شکفته	stōw būtan	شکست خوردن
gumānītan	شک کردن	staw kartan	
advēnak	شکل	stōw kartan	شکست دادن
dēs		stōwēnītan	
dēsak		nikūnītan	
karp		škastārīh	شکست دهنده گی
kālpat		škastār	شکست دهنده
brahm		dušman zatār	شکست دهنده دشمن
brēh		škastakīh	شکستگی
ḵatak		škastan	شکستن
yatak		frakastan	
martōm karpīh	شکل انسانی داشتن	fragastan	
pēš karp	شکل برجسته (دارای)	frasinn-	
dēsīhastan	شکل پذیر شدن	drūjišn	شکستن پیمان
dēsišnīh	شکل پذیری	mitr drūjīh	
		mitrān drūjīh	

rōt		dēsītan	شکل دادن
rōtik		tāšītan	
škanjak	شکنجه	čīhrēnītan	
škēnjak		karpīh	شکل داشتگی
pazd		dēsāk	شکل دهنده
pažm		tāšītār	
rēšēnītan	شکنجه دادن	dēv karpīh	شکل دیو داشتن
škanišn	شکنش	čīhrak	شکل ظاهر
škanāk	شکننده	nikās	
škand		mār karpīh	شکل مار داشتن
škōfak	شکوفه	brīn karp	شکل مشخص
kupal	شکوفه درخت	adēsišnīh	شکل ناپذیری
viškaftan	شکوفه کردن	pēš karp	شکل واضح (دارای)
vaxšītan		dēstak	شکل یافته
vaxšišn		aškamb	شکم
škōh	شکوه	aškom	
škōd		aškomb	
škōdišn		marš	
farnah		gawr	
farrah		grap	
xvarrah		kumik	
xvarr		kōmik	
xvarrahōmandīh		uruspar	
varč		zahār	
varj		mūlān (برای موجود اهریمنی)	
varčōmandīh		aškombak	شکمبه
awrang		aškambak	

farrahōmandihā	شکوه‌مندان	afzār	
čašmakihā		brēh	
awrangīkihā		burz	
varčāvandihā		buržišnōmandih	
afzārīh	شکوه‌مندی	čašmih	
tuwān afzārīh		patrōg	
hūškōhīh		pātrōc	
farrahōmandih		garzišn	شکوه (شکایت)
dēr vistāxv	شکيبا	gilak	
škēpāk		nāl	
vixšayišnik		hamdranjišn	
burtīh	شکيبائی	lāf	
vixšayišnih		must	
škēpākīh		rāy	شکوه الهی
bār burtan	شکيبائی کردن	škōhīh	شکوه داشتگی
vimēhgēn	شکيل	garzān	شکوه کنان
awd	شگرف	nālān	
awd	شگفت	mustōmand	شکوه کننده
škaft		garzitan	شکوه کردن
škift		girzitan	
škuft		kayān xvarrah	شکوه کیانی
vitimāsik	شگفت آمیز	garzišnik	شکوه گر
varčēn	شگفت انگیز	garzitār	
varčāvand		hūškōh	شکوه‌مند
awd		xvārihōmand	
sahēn		xvarrahōmand	
vitimušt	شگفت زده	varjāvand	
		vas afzār	

شگفتی		شمارنده
شگفتی	afđ	marōmandih
	awđ	ōšmurišn
	awđih	āmārišnīh
	šikiftih	ōšmurtār
	škaftih	āmārēnitār
	škuftih	
	varč	mar
	vitīmās	marak
	vitīmāsīh	sāg
	vitīmuštīh	ōšmārak
		marakīhā
شکل کردن	viyōz-	
شلاق	tāzānak	hamārih
شلوار	šarvār	āmārik
	rān vartīn	hamārih
	šmāh	apāxtar
شما	ašmāh	apāxtarik
	āmārišnīh	šambarān
شمار	hamār	āmārēnītan
	sāg	hamārēnītan
	mar	āmārtan
	marak	ōšmāritan
	mārik	ōšmārtan
	hangārak	ōšmurtan
	ōšmār	ušmurtan
	āmār	ōšmurtīk
	vas marak	xvaršētīk
شمار بهار		šamšār
شمارش	hamārišn	šimšār
	mārišn	

dānišnih		šamšēr	شمشیر
dānišn		šafšēr	
ačār dānišnih	شناسائی قاطع	šufšēr	
šnāsak	شناسنده	snēh	
šnāsīh	شناسی	tēγ	
šnāsīk		kārt	
šnāsītan	شناسیدن	čilānkar	شمشیر ساز
šnāčītan	شنا کردن	fravastakih	شمول
šnāpītan		parvand	
šnāyasnikih	شناگری	rīk	شن
šambalītak	شنبلیله	rēg	
šnaftan	شفتن	šnāč	شنا
āšnavāk	شنوا	šunbat	شنبه
niγōkšītār		šnāxtārīh	شناختاری
niγōšāk		čīhr šnāsīh	شناخت خواص اشیاء
niγōxšāk		šnāsakīh	شناختگی
niγōxšītār		šnāxtan	شناختن
šnavišn	شنوایی	šnāsītan	
āšnavākīh		uzvārtan	
nigōšišn		šnāsīk	شناختنی
niγōkšītārīh		šnāsak	شناسا
niyōšišn		ākās	
āšnāvakīh		čihēnītan	شناساندن
ašnavišn		šnāsakīh	شناسائی
āšnavišn	شنوش	šnāsīh	
šnavišn		šnāxtārīh	

spuš	شوره سر	niyōxšišn	شنودگی
sūrih	شوری	šnavišn	
šūš	شوش (شهر)	niyōšītār	شنونده
šūs		niyōxšāk	
šustar	شوشتر (شهر)	āšnavišn	شنیدن
šōstar		āšnūtan	
šōy	شوهر	ašnūtan	
šōd		ōšnūtan	
gātār		šnaftan	
mērak		niyōkšītan	
mīrak		niyōšītan	
mānpāt		niyōxšītan	
šōyēnik	شوهردار	niyōšītan	
šōymand		ašnaw (بشنو)	
šōdōmand		sraw	شنیده شده
šōy dōst	شوهر دوست	srūw	
šōyih	شوهری	šav	شو (برو)
šōy	شوی	kātak	شوخی
mērak		sōr	شور
mīrak		anjaman	شورا
pat zanīh dātan	شوی دادن	hanjaman	
šōyišn	شوپش (شستشو)	hamāk hanjamanakīh	شورای بزرگ
šōdōmand	شویمند (شوهردار)	spēt-pāk	شوربا (نوعی شوربا)
šōy virāyih	شوی ویرایی (پرستاری از شوهر)	sūr čašmih	شورچشمی
šah	شه	sōrak	شوره
gōwākīh	شهادت	sōrak	شوره زار

sruwēnītan	شهرت یافتن	gukāyītan	شهادت دادن
sraw	شهرت یافته	zūr gukāyih	شهادت دروغ
ray	شهر ری	šatr	شهر
šahr-zūrīk	شهر زوری	šatristān	
šahristān	شهرستان	šahristān	
šatrastān		šōīsr	
šatristān		kant	
šōīsr		dēh	
nasang		rōtstāk	
	شهرستان گور اردشیر خوره	rōstāk	
gōr artaxšēr xvarrah		zand	
ganjak	شهر گنجه	šahrap	شهر پ (ساتراپ)
artaxšēr xvarrah	شهر گور	ēvāč	شهرت
šatrīk	شهری	ēvāz	
šahrīk		ēvāčīkīh	
dēhīk		husrawīh	
šahryār	شهریار	nām	
šahridār		nāmakīh	
šatriyār		nāmīkīh	
šatryār		frāč nāmīh	
xšatrdār		nang	
šatrdār		čašmakāsīh	
šatryārīh	شهریاری	vāng	
šahryārīh		asrāyišnīh	شهرت بد
dahyūpatīh		dusrawīh	
šahridārīh		husruwēnītan	شهرت نیک یافتن
		tūs šatr	شهر توس

dūr		šatravar	شهر یور
pēm		šatrēvar	
īiv		šahrēvar	
šēr	شیر (حیوان)	xšatrēvar	
šagr		šahrēvar mäh	شهر یور ماه
dōxtan	شیر از پستان بیرون آوردن	šahmartān	شهمردان (نام خاص)
šīrfrōšak	شیرافروشه (غذا)	varan	شهوت
īiv	شیر تقدیس شده	varanik	شهوت پرست
pēm xvārišnīh	شیرخواری	āzvarihā	شهوت پرستانه
hū-pēm	شیر خوب (دارای)	tan kāmākīh	شهوت پرستی
dūšītan	شیر دادن	varanīh	
pēmēnītan		varanīkīh	
šīrōmand	شیردار	varan kāmākīh	
baškuč	شیر دال (حیوان افسانه‌ای)	āz kāmākīh	
dōsītār	شیردوش	kāmāk vičārišnīh	شهوت رانی
dōšītan	شیر دوشیدن	kēš	شیار
dūxtan		kiš	
dēnūtāk	شیرده	šīp	شیب
dāyakānēnītār	شیردهنده (دایه)	šēp	
šēr-gušasp	شیرگشسپ (نام خاص)	mār	شیپور (سرنا)
hunišnīh	شیره کشی (عصاره کشی)	gāv dumb	
hunītan	شیره کشیدن	mār vāčīk	شیپور زنی
āp ī tan tuxmak	شیره گياه	šēt	شید (درخشان)
tan tuxmak		šētāk	شیده (نام خاص)
hōmīkān	شیره هوم (دارنده)	šīr	شیر (خوراکی)
		dōš	

bēših	شیطنت	širēn	شیرین
vatih		širēnak	
šiftan	شیفتن	xvālist	شیرین ترین
viyāpān	شیفته	širēnih	شیرینی
		xvar	
pariy kāmākīh	شیفته پریان شدن	xvārak	
šēpāk	شیوا	xvar i lōzēnak	(شیرینی لوزبند)
		čarp angust	(نوعی شیرینی است)
šēpāk huzvān	شیوا زبان	šakarizeh	(نوعی شیرینی است)
rōwākīh	شیوع	šēčikān	شیزی (منسوب به شهر شیز)
frāč vistarišnih		šišak	شیشک (نوعی آلت موسیقی)
rawākēnītārīh			
rōwāk dahišnih	شیوع دادگی	āpakēnak	شیشه
		šišak	
pur-margih	شیوع مرگ و میر	jām	
šēvan	شیون	gēn	
šēvan ut mōyak	(شیون و مویه)	āpakēnakēn	شیشه ای
barm		karāveh	شیشه شکم دار بزرگ
garzān	شیون کنان		شیشیندهخت (نام خاص ، زن یزدگرد پسر شاپور)
barmvand	شیون گر	šišin-duxt	
mōyak kunišnih	شیون گری	drujastak	شیطان صفت
čiš	شیء	dēv kāmākīh	شیطان صفتی

ص

pālāyišn		gōspand rat	صاحب رمه
palāyist	عمل صاف کردن	xvēšēhītan	صاحب شدن
pālāk	صاف کننده	ō xvēš kartan	
pālāy		mānpat	صاحب خانه
ahrāyihōmand	صالح	ristak	صادق
agōyāk	صامت	virōzāk	صاعقه
tan-kartār	صانع تن	vīr	
bām	صبح	hamōg	صاف
bāmak		narm	
bāmdāt		rōšn	
uš		pālūtak	صاف شده
ušbām		dahmān pālūt	صاف شده بوسیله مردی پارسا
čāšt	صبحانه	pālūtan	صاف کردن
ušbām	صبحگاه	narm kartan	
ōš			
ōšbām			

ēvāč		burtih	صبر
ēvāz		bāristānih	
vāng		pattōkih	
patān		nixšadišnih	
drāhitan	صدا دادن	škēpākih	
xvāntan	صدا کردن	mānitan	صبر کردن
xvāndan		māntan	
xvānišn		pattōk	صبور
šipāk	صدای بال بهم زدن	nixšadišnik	
drāyišn	صدای بلند	bāristān	
društ ēvāč		škēpāk	
borz vāng		pursakih	صحبت
borzihā (بصدای بلند)		dranjīšn	
duš-ēvāzih	صدای درشت	dranjīšnih	
tēz	صدای زیر	duš hampursakih	صحبت بد
handarz pat	صدراعظم	duš huxt	
satōk-zim	صد ساله	dranjītan	صحبت کردن
ašōk-dāt	صدای	ham pursitan	
ahrav-dāt		vičurtih	صحت
zanišn	صدای	drust	صحیح
vizand		druyist	
vizāyih		rajistak	
vizāyišn		vičurt	
vizūtakih		xūp	
kust		vēm	صخره
xvarak		sat	صد
xrōstak	صدای دیده	āvāz	صدا
		āvāzak	

frasāxt	صلاحیت دار	ziyānkār	صدمه رساننده
āštih dātār	صلح بخشنده	tarvēnišn	
mītr	صلح و صفا	zanēnītan	صدمه زدن
zatak	صنع	xrōsītan	
zatūk		vizūtan	
ēvakānakihā	صمیمانه	vizāyastan	
mēnišnikihā		tarvēnītan	
vistāxvihā		srat	صراط
xvēšihā		hēr pānak	صرفه جو
ēvakānak	صمیمی	handōčišnik	
mēnišnik		handōčišn	صرفه جویی
ōstowār		handōzišn	
vistāxv		handōčišnīh	
xvatik		vixšay-	صرف نظر کردن
xvēšihā (صمیمانه)		hilišnik	صرف نظر کردنی
ēvakānakih	صمیمیت	dōkānik	صریح
ēvakānak mēnišn		gōvičār	
nazdih		rōšnāk	
nazdik mānīh		ahrāmišn	صعود
vistāxvih		ul āmatan	
xvatih		rastak	صف
adrujišnīh		ratak	
čandal	صندل	hū-axvih	صفای خاطر
tapangōk	صندوق	hū-axvēnītan	صفای خاطر داشتن
kērōk	صنعت	daxšakōmandīk (~ دارای)	صفت ممیزه (دارای ~)
afzārōmand	صنعتگر	viš	صفرا
pēšak kār		šātūrvān	صفه
		bālēn gās	

čihreñitan	صورت پذیرفتن	hūtōxš	
axtar	صورت فلکی	hūtuxš	
		hūtuxšāk	
haftōirang	صورت فلکی بحری مهر	āsīmkar	صنعتگر نقره ساز
šagr	صورت فلکی شیر	hūtuxših	صنعتگری
		hūtuxšākīh	
čitr	صورت نخستین	huniyāk	صورت خوب
talak čīn	صیاد طیور	čīhr	صورت
mālišn	صیقل	čitr	
mālitan	صیقل دادن	karp	
		rōδ	
mālītār	صیقل دهنده	rōy	

ض

paitiyārak		tapāh	صایع
patyārak		tapāhēnītan	صایع کردن
pityārak		tapāhēnītār	صایع کننده
patīrak ēstīšnīk			
spōxtan	ضد چیزی رفتار کردن	až i dahāk	ضحاك
vidēnīk	ضد دینی	az i dahāk	
yut dēv	ضد دیو	dahāk	
vidēnīk	ضد وجدان اخلاقی	bēvar asp	
patiyārakīh	ضدیت	až i dahākīk	ضحاکي
patyārakīh		zahyīh	ضخامت
paitiyārakīh		stapr	ضخیم
patyārakōmandīh		stawr	
pityārakōmandīh		hamēstār	ضد
paitiyār kārīh		hambasānīk	
gaštīh		patyār	
hamēmālīh		patiyārak	

sustih		hamēstārih	
sapūkīh		hamēstārišn	
hiyandakīh		ham patkārišnih	
apātiyāvandih		patyārēnitan	ضدیت کردن
nazār	ضعیف	patyārakēnitan	
nizār		hamēstārēnitan	
sapūk		patyārakēnītār	ضدیت کننده
sust		kust	ضربه
tunuk		zanišn	
mūtak		žanišn	
dāramak		snāh	
axvāstār		pat kōftan	ضربه زدن
apātixšāy		ziyān	ضرر
vistār		ziyāk	
kam zōr		bēšēnitan	ضرر رساندن
mōšitan	ضعیف شدن	ačār	ضروری
nizārihastan		avičirišnik	
nizārēnitan	ضعیف کردن	nizārih	ضعف
nazārtan		nizōrih	
nizārtan		mūtakīh	
akārēnitan		āstānak	
vīmārēnitan			
mūtak kartār	ضعیف کننده		
aparvāarak	ضعیف		

ط

čihrihā	طبعاً	gartānak	طاس تخته نرد
āp-čihrak	طبع آبی (دارای)	margih	طاعون
čihrēnitak	طبع پذیر	frakāvan	طاق
čihrēnitār		gumbat	
čihrēnitihā	طبع پذیرانه	dār سقف	
čihrēnitān	طبع پذیرفتن (خوبگر شدن)	frāč aškōp	طاق بلند
yut gōhr	طبع متضاد (دارای طبع متضاد)	fraš murv	طاووس
tam axv	طبع و خوی تاریک (دارای طبع تاریک)	zand	طایفه
čihrih	طبعی	nihātak	طبع
čihrik		čihr	
gōhrīk	طبیعی	čihrak	
čihrik		gōhr	
pēšak	طبقه اجتماعی	gōhrak	
ōšmurišn	طبقه بندی	hēm	
		xēm	

ōrōn		طالع	zāyīčak
sōk		طالع دیدن	handāxtan
sūk		طالع گرفتن	zamān handāxtan
ālak		طبقه طبقه چیده شده	čītāk
sraxtak		طعمال	sparz
kanār			spurz
kust			spul
kustak			spihr
kustakīh			handāxtār
nēmak		طراح	handāxtār
kustak kustak (ازهر طرف)		طرح ریز	handāxtār
hōy	طرف چپ	طرح ریزی کردن	handāxtan
grāy	طرفدار	طرد	spōžišn
karapīh	طرفدار کربها بودن	طرد کننده	spōž
dašn	طرف راست		spōz-kār
parōn	طرف عقب	طرز	gōnak
advēn	طریق		handāčak
gōn			rawišn
gōnak			ristak
ristak		طرز رفتار	rawišn
šōn			varišn
yuttar	طریق دیگر	طرز فکر	mēnišn
āyēnak	طریق	طرز فکر خوب	hūmat
advēnak		طرف	ō
brahm			rōn
hangōšitak			rān
mačak	طعم		
mēčak			

ōš	طلوع	mizak	
xvarāsān	طلوع خورشید	mīž	
hūvaxš		čaxšišn	
hvarxšēt pētākīh		mičakōmand	طعم دار
frašm		mičak dārīh	طعم داری
āzvarīh	طمع	širēnak	طعم شیرین (دارای ~)
rasan	طناب	āpaxšīkīh	طغیان آب
rištak		kōtak	طفل
tawwak	طسوج (نام شهر)	rētak	
ēnyā	طور دیگر	nōk-zāt	طفل تازه متولد شده
yuttar		zarr	طلا
yat	طوری که	hilišn	طلاق
tūs	طوس (نام خاص)	hilišn nāmak	طلاق نامه
snōdān	طوفان	zarēn	طلایی
damak		zarrēn	
vāt damak		zarōmand	
vāt		zargōn	
drahnā	طول	xvāhišn	طلب
drahnād		vāčāfrāh	
dranāy		xvāntār	طلب کننده
dirangīh		hāvištīh	طلبگی
dērangih		hāvišt	طلبه علوم دینی
māh drahnā	طول ماه	xvāndan	طلبیدن
drang	طول مدت	xvāntan	
		xvāstan	

dagrand		hamōk drahnād	خول همانند (دارای ~)
dirāz		arišn kaft	طول یک ذراع
stōr gās	ضریله	fravartak	طومار
pākih	طهارت	darg	طویل
pākizakih		dagr	
spurtan	طی کردن		

ظ

din nimūtār	ظاهر کننده دین	mar	ظالم
dēg	طرف	mustgar	
dīg		sāstār	
patiš-xvār		vixrūn	
tišt		xrvīk	
duwraḱ		stambak	
yāmak		paitāk	ظاهر
āp-dān	طرف آب	pētāk	
takōk	طرف آب خوری	vēnafḁāk	
duwraḱ	طرف آتش	dēsak	
patvāsak	طرف شیر مقدس در مراسم یسنا	dītār	
dūsīn	طرف سفالین	hu-ōrōn	ظاهر خوب (دارای ~)
kapāraḱ		pat frāčīh	(در ظاهر)
kapārīh		pētākīhastan	ظاهر شدن
xumb		sahistan	
yāmak		paitākēnītan	ظاهر کردن
		pētākēnītan	

vixrūnīh		astak	ظرف غذا
xrūkīh		huškwar	ظرفی که در آن چیزهای خشک ریزند
drōy adā tastānīh		āp-zan	ظرفی که در آن خود را شستشو کنند
hēčitan	ظلم کردن	zahyīh	ظرفیت
gumān	ظن	gōmēz-dān	ظرفی که در آن گومیز ریزند
gumānīkīh		hōmān pālāy	ظرفی که در آن هوم پالایند
drōj gumānākīh	ظن بد	nāzik	ظریف
drōj gumānākīh	ظن دروغ	nēzumān	
gumān-gar	ظنین	dāramak	
nēm-rōč	ظهر	darmak	
rapiswin		tunuk	
rapitwin		xvaš	
rapīh		čāpuk	
nēm-rōč gās		bārīk	
pētākīh	ظهور	must	ظلم
paitākīh		apēm:ust (بی ظلم)	
daxšakīh		mustgarīh	
din nimūtārīh	ظهور دین	stambakīh	

ع

apatmān varanik	عاشق	hōk	عادت
niyāzān		nihātak	
viyāpān		rastak	
viyāwān		ristak	
dōšārmihā	عاشقانه	rastakih	
parik kāmakih	عاشق پریان شدن	āmōxtan	عادت کردن
framān spōz	عاصی	daštān	عادت ماهانه زنان
afkār	عاطل	drudist	عادل
akār		rāst	
akārih	عاطل بودن	rajistak	
nēvak frajāmih	عاقبت بخیری	dātihā	عادلانه
pat xrat	عائل	dātihā varzitan	عادلانه رفتار کردن
pur xrat		naxēžik	عادی
xratōmand		šōnik	
frazānak		gatišn	عارضه

ōžōmand		dānākōmand	
arzōmand		hūdānāk	
burzāk		hūxrat	
buržišnik		hōšiyār	
pahrōm	عالمی ترین	ōšidār	
masist		xratik	
pahrōm dāt	عالمی ترین مخلوق	dānākihā	عالمیان
aparkār	عالی مرتبه	hōšiyārihā	
pēš arj	عالی قدر	xratēnitan	عالمی گرداندن
aparkār	عالمی مقام	hūdānāk	عالم
vandgar	عالمی همت	harvisp ākāsih	عالم بودن به همه چیز
kartār	عامل	harvisp ākās	عالم به کل اسرار
kunāk		mēnōg	عالم مثالی
kart kār		mēnōk	
kunišngar		mēnōkān axvān	
kunišnkar		mēnōg	عالم مهنوی
varzītār		mēnōk	
kartārān	عالمیان	mēnōkān axvān	
kunišnīhā	عالمیان (از روی عمل)	apar	عالمی
varzītārīh	عامل بودگی	aparak	
kār framān (کارفرما)	عامل دولت	pahrōm	
hūvaršt varzītār	عامل کار خیر	pahlōm	
harvisp kartār	عامل کلی	barēn	
vindēnitan	عاید گرداندن	frāčtōm	
		bālistik	
		ōjak	
		ōjōmand	

ōštāpgar	عجله کننده	vindišn	عایدی
duš-kanik	عجوزه* زشت	vindišnih	
afd	عجیب	handōxt	
škiŋt		bāž	
dātaštān	عدالت	anizār vindišnih	عایدی کم نشدنی
dātaštānōmandih		šnūman	عبادت
miyānčakih		šnūmanih	
miyānĵakih		šnāyēnitārih	
dušmēnātih	عداوت	niyāyišn	
vēnōk	عَدَس	stāyišn	
vinūk		stāyitārih	
mišūk		šnāyēnitan	عبادت کردن
mičūk		niyāyišnēnitan	
dāt	عدل	stāyitan	
dātak		vitārišn	عبور
dātwarih		vitirišnih	
raĵistakih		vazvar (قابل عبور)	
rāst dātaštān		vitartan	عبور کردن
rāstih		vitaštan	
dāt varzitan	عدل ورزیدن	vitāštan	
nēstih	عدم	vitiritan	
duš patēxvih	عدم آبادانی و نعمت	hūvitargih (دارای معبر خوب بودن)	
axvārih	عدم آسایش	vitargih (دارای معبر بودن)	
akārih	عدم استعداد	apar-mēnišnih	عجیب
hišt škōhih	عدم احترام	ōštāp	عجله
anbasānih	عدم ارتباط	ōštāpišn	
		ōštāftan	عجله کردن

avičirišnih	عدم تمایز	anamārih	عدم اعتقاد بروز شمار
ananbasānih	عدم تناقض	anastuvānih	عدم اعتقاد به دین
anapaxšāvandih	عدم تنبیه	mēnōk avirravišnih	عدم اعتقاد به عالم مثالی
apatūtakih	عدم توانایی	amēnōg virravišnih	عدم اعتقاد به مینو
arōyišn	عدم توسعه و نمو	aruwānih	عدم اعتقاد به وجود روان
anayāpakih	عدم حصول	anahast-mēnišnih	عدم اعتقاد به هستی
avindišnih		avistāxvih	عدم اعتماد
axvārih	عدم خوشبختی	gumānih	
anayāpakih	عدم درک	gumānikih	
avindišnih		amūtakih	عدم اغتشاش
anaxōnsandih	عدم رضایت	adrujišnih	عدم اغفال
akārih	عدم شایستگی	avindišnih	عدم اکتساب
avistāxvih	عدم صمیمیت	atuwānikih	عدم امکان
anapaxšišnkārih	عدم عفو	apērōčgarih	عدم پیروزی
anahandāčišn	عدم علت غائی	arowākih	عدم پیشرفت
asōhišn	عدم فساد	apattokih	عدم پیوستگی
apahrōmih	عدم تفصیل	apasih	عدم تأخر
akārih	عدم فعالیت	atanih	عدم تجسم
armēštih		afrahaxtih	عدم تربیت
avartišn	عدم گردش	ēvarih	عدم تردید
apatyārih	عدم مخالفت	adēsišnih	عدم ترکیب
apēhangih	عدم مقصود	avičārtārih	عدم تشخیص
yut dāstānih	عدم موافقت	avičirišnih	
asāčišnih		apēših	عدم نقد

pahnāy		asāxtārīh	
panād		anāštīh	
vēhmīh		duš-rāyēnitārīh	عدم نظم و ترتیب
dōšišn	عرض حال	nēstīh	عدم واقعیت
nimāyišn	عرضه	nēstīh	عدم وجود
nikēž		anastakīh	
nikēžišn		anahastīh	
nimūtan	عرضه کردن	apaitākīh	عدم وضوح
nimūtār	عرضه کننده	apētākīh	
xvid	عرق (خوی)	škanjak	عذاب
xvēy		škēnjak	
xvistan	عرق کردن	puhl	عذاب الهی
dārū i nišāstak	عرق که از نشاسته سازند	apaxšītan	عذر خواستن
viyūtakān	عروسان	patētīkīh	عذر گناه خواستن
dāmātīh	عروسی	arab	عرب
vayōtakān		tāzik	
viyūtakān		tāčīk	
zanīh		tājīk	
brahnak	عریان	dašt i tāzīkān	عربستان
vrahn		simrā	عربستان جنوبی
lūtak		tāzīkān	عربها
rūtak		taxt	عرش
pahan	عریض	garasmān	عرش اعلی
pahnāk		pahanāy	عرض (پهنا)
vēhm		pahnād	
višāt			

dōšārm	عشق	sūk	عزا
dušārm		barmvand	عزادار
dōšārmih		čihišnik	
dōšišn		garāmikih	عزت
dōšišnih		nikēžišn	عزم
dōšakih		vičārišnih	
kāmih			
hamdōšišnih	عشق متقابل	vičārtan	عزم کردن
	عشق متقابل داشتن (همدیگر را دوست داشتن)	dōst	عزیز
hamdōšitan		dōšak	
varan	عشق مفروط	garāmik	
čōp	عصا	franāft	
čōpak		zōšist	عزیزترین
čōpičak		parvartār	عزیز دارنده
graw		garāmikih	عزیز داشتنگی
pālāk	عصاره کش	franāmītan	عزیز داشتن
pālāy		garāmikēnītan	
hunišnih	عصاره کشی	parvārītan	
hunītan	عصاره کشیدن	parvarītan	
pad	عصب	parvartan	
pay		šnāsītan	
hišmih	عصبانیت	urvāzēnītan	
hēšmih		bē vartišnih	عزیمت
hišmgēn	عصی	bē vitīrišnih	
handrūtak		gezīr	عسس
ēvārak gās	عصر	angubīn	عمل
āvām	عصر (زمان)	angapīn	

āmurzišn	عفو	āvāmik	عصری (زمانی)
apōxšāyišn		pēšak	عضو
apoxšāyītan	عفو کردن	handām	عضو بدن
dušgandih	عفونت	hannām	
anapaxšāyāvandih	عفو نکردن	snah	عضو حسی
dālman	عقاب	mānik	عضو خانواده
humāy		baxšišn	عطا
sēn		baxtišn	
āluh		drōn	
dālman	عقاب سیاه	tīr	عطارد
tālman		bōd	عطر
pas	عقب	bōy	
patsār		bōy vaṣarak	
pušt		hūbōyih	
apāč		hūbōy	عطر آگین
pasih	عقب افتادگی	bōyēnītan	عطر آگین کردن
pas bavišnih		nargis bōy	عطر نرگس
patirak rasišnih	عقب رانده گی	šnōsak	عطسه
patērānēnītan	عقب راندن	afzārīh	عظمت
purtan		škōhīh	
xangēnītan		vazurk	عظوم
xanṣenītan		vazurg	
spōxtan	عقب زدن	māzandar	
spōxtār	عقب زنده	šarm	عفت
pasōpāyih	عقب ماندگی	hūšarmih	
patirān	عقب مانده	dušgand	عفن

xratih	عقلی	frōt vartītan	عقب نشستن
xratik		frōt vaštakih	عقب نشینی
mēnišn	عقیده	nāf	عقبه
nikēžišn		napat	
virravišn		ōbātak	
gravišn		gaz-dum	عقرب
čāšišn		gaž-dum	
čāštak		gāž-dumb	
čāštakih		gaždam	
saxvan		xrat	عقل
kēš		vīr	
pand		pur xratih	
taftik mēnišnihā (از روی خلوص عقیده)		dānākih	
yut dāstānih	عقیده باطل	hūdānākih	
zandikih		hōš	
franāmišnih	عقیده دینی	hōšiyārīh	
starvan	عقیم	rāδ	
čār	علاج	rāy	
čarak		zandih	
čarak garīh		xrat start	عقل آشفته
dārūk		gōšānsrūt xrat	عقل اکتسابی
darmānišnih		gōšasrūt xrat	
vičīr		hū-zandih	عقل برتر
vičīristan	علاج کردن	hūdahakih	عقل بزرگ
čārik	علاج کردنی	āsn xrat	عقل غریزی
čihr	علامت	visp ākās	عقل کل
nišān			
mārik			

dānākīh	علم	pēš daxšakīh	علامت اولیه
hūdānākīh		zīvand daxšak	علامت حیات
šnāsakīh		handāčišnik	علامت نجومی
frahang		parōn	علاوه بر
pas dānišnīh	علم به آینده	mārik	علائم هفت سیاره در وقوع یکک امر
drafš-dār	علم دار	vahān	علت
awiyākaran	علم دستور زبان	vihān	
hamāk dānākīh	علم لایتناهی خدائی	vihānak	
	علمی که بوسیله مشابهت حاصل شود	bihān	
hangōšitak dānišnīh		bihānak	
vāsān	علوفه	bun	
vāstārēnītan	علوفه دادن	čīm	
aparīh	علو	čimgān	
apartōmīh		rāy (به علت)	
apartarīh		patisāy (به علت)	
apērakānīh		buništak	علت العلل
tarīh		čīm	علت وجودی
frārōnīh		bun ut bar	علت و معلول
masīh		gyāh	علف
bālist		marv	
burzēnišn		murv	
pahlōmīh		vāš	
pahrōmīh		čarak	علف چر
yazdān pahrōmīh	علو الهی	čarak arzānik	علف چر خوب
ērmēnišnīh	علو همت	kāh	علف خشک
vandgarīh		zāz	علف هرزه

kartak		nāmbarak	على الخصوص
kirtak		nāmčīšt	
kartār		vahānkarih	عليه
kunišn		patīrak	عليه
kunišnih		patyārakēnitan	عليه کسی بودن
varzišnih		arvastān	عمان
varzih		kāmakihā	عمداً
varzītārih		kāmakōmandihā	
afzārih		mēnišnihā	
pazāftan	عمل آمدن	vaspuhr	عمده
mīzišn	عمل ادرار کردن	kāmakik	عمدی
mīzišnih		dēr zīvišnih	عمر دراز
vat kart	عمل بد	dīr zīvišnih	
ōgrāi	عمل پائین رفتن	gawrih	عزل
hūkartārih	عمل خوب	zufāy	
hūvaršt		zahā	
hūvarz		zahyā	
nēvak kunišnik		zahyād	
hūik-kār		zahih	
frēh hūvaršt		zahyih	
kartār	عمل کننده	bun	
kunišngar		tēh	
kunišn varz		kār	عمل
varzītār		kart	
vičār		kirt	
ahrāyih varzītār	عمل کننده به زهد و تقوی		
akartārih	عمل نکردن		

rōč vart	عوض شدنی	kārīkar	عمله
vartēnītan	عوض کردن	kunišnīk	عملی
vartītan			
vartēnītār	عوض کننده	amarakān	عمومی
		amarakānīk	
mitr	عهد	nist	عمیق
patmān		zufr	
paštak		nāyōk	
drūjītan	عهد شکستن	nist	عمیق ترین
druxtan			
riftak patmān	عهد شکن	zahakān	عناصر اربعه
mitrān drūj		ambak	عنبر
mitr drūj		ambar	
mitrān drūjīh	عهد شکنی	māt	عنصر
mitr drūjīh		mātak	
		mātaγ	
patistātan	عهد کردن	zahak	
pātaxšēr	عهد نامه	mātak	عنصر اولیه
barišnīhā	عهده دارانه	tanand	عنکبوت
		kāk	
apar gumēxt	عیار زده	hušk kun	عنین
jahīk	عیاش	xušk kun	
jahīk kārih	عیاشی	vartišnīh	عوض شدگی
jēh marzīh		vihērišn	
nāirīkōmand (زن دار)	عیالمند	vartitan	عوض شدن
		vihēr-	
frazandōmand	عیالوار	vaštan	

āhōkēnišn	عہب داری	āhōk	عہب
āhōkēnitākih	عہب کردگی	āhūk apārōnih	
karsāik	عیسوی	nikōhišn	عہب جوئی
karsākik		nikōhīdan	عہب جوئی کردن
kalisāik		āhōkēnāk	عہب دار
kilisyākīh	عیسویت	apēbūt	

غ

apārak	غارنگر	gristak	غار
apparag			
mrnĵēnītāi		āpurišn	غار
si	غاز	appurišn	
sūtak	غافل	apparīh	
ērangihā	غافلانه	appar	
viyāwānēnāk	غافل کننده	apar	
frahist	غالب (بیشترین)	rōp	
tarvēnišn	غالب (پیروز)	dahik	
avēn	غایب	mrnĵēnišn	
avēnāft		āpurtan	غار کردن
avēnāk		appurtan	
avēnāftāk		rōtan	
vart	غبار	truftan	
gart		truftēnītan	
maznāh		mrnĵēnītan	
		truftār	غار کردن

parvartār	غذا دهنده	xvārišn	غذا
vāsnītār		xvartik	
dāyakānēnītār		xvārēn	
		xvārūm	
drivōš dāyakānēnītār	غذا دهنده* فقرا	čāštak	
axvartār	غذا نخورده	patēxv	
mēnōk xvarišn	غذای آسمانی	pēhn	
apar pēm		pihn	
		pihan	
kūtak sūr	غذای اندک	pihv	
duš-xvarišn	غذای بد	pih	
rōčik	غذای روزانه	pit	
šām	غذای شب	sūr	
sūr	غذای صبح	urvar	
mēnōk myazd	غذای قربانی	halām (نوعی غذاست)	
xvarōwarān	غروب	parvārtan	غذا پیش آوردن
vēxtan	غربال کردن	xvarišn	غذا خوردن
uzdahikih	غربت	xvarišnīh	
varrišn	غرش	drāyān žōyišnīh	غذا خوردن با صدای بلند دهان
varrēnišn			
varrēnītan	غرش کردن	xvārēnītan	غذا دادن
ēvārak	غروب	parvarītan	
advārak	غروب خورشید	parvartan	
xvarbarān		parvārtan	
ēvārak gās		vāsnītan	
advārak	غروبگاه	fšōnēnītan	
hūfrāšmōkdāt		parvarišn	
šapāngās		parvārišn	
ēvārak gās		parvartak	غذا داده شده

hišm	غضب	apartanih	غور
hēšm		awrāstakih	
xēšm		girān mēnišnih	
dēpahr		tar	
ēšmun	غضبناك	vāt	
hēšmakan		xvat dōšakih	
hēšman		anšatrik	غریب
hēšmun		dūr šatrik	
xišmgēn		anōtak	
dēpastēn		uzdahikih	غریب بودگی
hēšmanih	غضبناکی	yut gōhr	غریبه
tundih		varrēnitan	غریدن
ērangih	غفلت	varrānitan	
vistārīh		āsn	غریزی
hilišn		āhūk	غزال
sūtakih		baršnom	غسل تماس با مرده
bē sūtakih		šōik	غسل دادنی
avičār	غفلت شده	ašōik (غیرقابل غسل)	
hištan	غفلت کردن	andāk	غصه
žūtan		tēmār	
niyām	غلاف	dart	
kun marzih	غلامبارگی	pazd	
apārōn marzišnih		vitang	
kun marz	غلامباره	vitangih	
mart vēpik		dartak	غصه دار
viptak (طرف مفعول)		andākēn	
viptēnītak ~		andāgēn	

handōhakēn	غمناک	rētak	غلام بچه
zarikēn		tarvēnišnih	غلب
tuwānakih	غنا	pātiyāvandih	
tandih	غنچه درآوردن	mēt	غلط
ātāv	غنی	vāhar	
hast hēr		zaspān	
tuwān hēr		zēpāk	
vas afzār		ʃurtāk	غله
vas xvāstak		ʃortāi	
čašmak		ʃortāk	
xvayāpak		yurtāk	
ōšmurišn	غور	zurtāk	
žūtārih	غورت دادن	ʃurtāk kartārih	غله کاری
ahōnsand	غیر ارادی	handōh	غم
yut	غیر از	tīmār	
yut hač		tēmār	
xvārmātak	غیر اساسی	zarik	
anērān	غیر ایرانی	čašāk	
anahast	غیر حقیقی	gilak ōpār	غم به دل ریز
kēšdār	غیر زرتشتی	tīmār	غمخواری
anšatrik	غیر شهری	čihišnik	غمگین
avistāxv	غیر صمیمی	xrōstak	
ahōnsand	غیر عمد	duš rāmišn	
ahōnsandihā (بطور غیر عمد)		zarikēn	
avičirišnik	غیر قابل اجتناب	zarikōmand	
avinnišn	غیر قابل برد	hēčitan	غمگین کردن
		čihitan	

apēdāt	غیر قانونی	anapasīnišn	غیر قابل تخریب
mēnōk	غیر مادی	anvindīt	غیر قابل حصول
mēnōyik		avindīt	
apātixšāy	غیر مجاز	anvindīt	غیر قابل دسترس
axvēšik	غیر مختص	avindīt	
mēnōkihā	غیر مرئی (بطور غیر مرئی)	avindišn	
apasačāk	غیر مستعد	avinnišn	
apursišnik	غیر مسؤول	avēnāk	غیر قابل رؤیت
atavānik	غیر ممکن	ašōik	غیر قابل غسل
apēsaxvan	غیر منطقی	anayāpakih	غیر قابل فهم بودن
pattān	غیر منقطع	apatīraftak	غیر قابل قبول
anahast	غیر موجود	agirišnik	غیر قابل گرفتن
avēn		agriftār	

ف

anāk	فاسد	pērōč	فاتح
anāpītān		pērōz	
darrāk		pērōčgar	
nasrušt		pātyāvand	
patrēt		van	
pūt		vānitak	
riman		vānitār	
sējōmand			
sēž		pērōčgarīhā	فاتحانه
gannāk		rōspikih	فاحشگی
stak	فاسد شدن	ĵeh	فاحشه
vinast		ĵah	
vinastak		rōspik	
pūsitan		pārs	فارس
hārēftan		pārsik	فارسی
tapāhitan		pārsikān	فارسیان
tapāhihastan			

pālūtak	فالوده	sējōmand	فاسد شدنی
sējōmand	فانی	sēžōmand	
vitarišnik		pūsītak	فاسد شده
sōk	فایده	pūtak	
sūt		tapāh	
sūtīh		uzruftak	
sūtakīh		marnjēnītan	فاسد کردن
vaxš		višōftan	
xvābarih		kaftan	
pērōčīh	فتح	marnjēnītār	فاسد کننده
pērōčgarīh		asēž	فاسد نشدنی
vanīh		nišāmīh	فاصله
vānišn		dūr	فاصله دار
vānītakīh		rahīk	
vānītārīh			
vānītan	فتح کردن	dirang	فاصله دراز
vināstārīh	فتنه	kahas	فاصلاب
čāštak	فتوی	kunāk	فاعل
čāštakīh		apēbūt	فاقد
dātōbarīh		nišān	فال
dātwarīh			
vičīr		zamān handāxtan	فال بینی کردن
vičīrīh		murvniš	فالگیر
vičīrtār	فتوی دهنده	marvniš	
nišāmīh	فجر	kēt	
frāšm		hūmurvāk	فال نیک
vat vāčak	فحش	murvāk	

frāxv anīk	فراخ روی	rūspīkih	فحشاء
frāxv zīvišn	فراخ زندگی	vartakīh	فحل آمدگی
frāxv kart	فراخکرت (دریایی است)	vartak	فحل آمده
frāxvēnītan	فراخ کردن	bōših	فخر بی جا
frāxvītan		faxēz	فخیز (مهمیز)
frāxvēnītār	فراخ کننده	jān apaspār	فدایی
frāxv mēnišn	فراخ منش	myazd	فدیه
frāxv hōših	فراخ هوشی	ustōfrīt	
frāxvīh	فراخی	usōfrīt	
hanbārīh		yašt	
frādat xvarrah	فراادت خوره (نام خاصی)	harvdāt sūr	فدیه ایزد خرداد
varīk	فرار	yaštār	فدیه دهنده
virēk		farnah	فر
virēkīh		farrah	
bē vartišnīh		xvarrah	
frāč rasītan	فرا رسیدن	xvarnah	
virēxtan	فرار کردن	xvarrahōmand	(دارای فر ایزدی)
afrāč	فراز	frabartār	فر بردار (پیشوای مذهبی در مراسم یسنا)
frāč matan	فراز آمدن	parvastan	فرا بستن
frāč šānītan	فراز افراشتن	parvast	فرا بسته
frāč vāngīh	فراز بانگی (بانگ بلند)	frāč pursītan	فرا پرسیدن
frāč burtan	فراز بردن (پیش بردن)	frāxv	فراخ
frāčēnītan		fraxv	
frāč barišnīh	فراز بری	frāxv mēnišn	فراخ اندیشه
frāčīh	فراز بودگی	frāxv čārīh	فراخ چارگی

parvastan	فرا گرفتن (احاطه کردن)	frāč patirāftan	فراز پذیرفتن
parvastak	فرا گرفته شده (احاطه شده)	frāč pistān	فراز پستان (دارای پستان برجسته)
pēčītak		frāčtar	فراز تر
dānēnišn	فرا گیری	frāčtarīh	فراز تری
āmōxtišn		frāčtōm	فراز ترین
frāyōmandīh	فرامندی (افزایش)	frāč xvāntan	فراز خواندن
framōš	فراموش	frāč rasītan	فراز رسیدن
framōšt	فراموش شده	frāčītan	فراز رفتن (پیش رفتن)
anayāt		frāč raftan	
anayāt	فراموشکار	frāč šutan	فراز شدن
awyastan	فراموش کردن	frāč kanišnīh	فراز کندگی
framōšītan		frāč vistarišnīh	فراز گسترشی
az daxšak hištan		frāč nimūtan	فراز نمودن
framōšītārīh	فراموشی	frāč nivēdišnīh	فراز نویدی (اعلام)
framōštan		frāč hištan	فراز هشتن
framōšītan	فراموشیدن	hōšiyārīh	فراست
frānak	فرانک (نام خاص)	ōš	
afzōn	فراوان	ōšīh	
frāxv		frāšt	فراشت (نام خاص)
frēh		frāškartik	فراشکردی (مربوط به تجدید دنیا)
patēxv		āmōxtan	فرا گرفتن (یاد گرفتن)
parōn		ōmūxtan	
vēšist		niyōšītan	
frāhist	فراوان ترین		
frēhist			

fražām kārīh	فرجام کاری (رستاخیز)	frāxvitan	فراوان کردن
	فرجام کاری (کوشش برای رسیدن به فرجام)	fšōnēnitan	
fražām kārīh		patēxvēnitan	
frajām kārīh		frāxvīh	فراوانی
		fšōnišn	
pat fražāmēnitan	فرجام دادن	hangatīh	
avēnāk fražāmīh	فرجام ناپیدایی	patēxvīh	
frajāmīk	فرجامی	purīh	
frajāmītan	فرجامیدن	pur rawiśnīh	
frajaftan		frahistīh	
		frēhistīh	
frajaft	فرجامیده	frahīh	
farraxv	فرخ	afkārīhā	(به فراوانی)
		frāvaxš vindāt	فراوخش ویندات (نام خاص)
farraxv zāt	فرخ زاد (نام خاص)	frāhvaxš vindāt	
farraxv jān	فرخ جان	frāh	فراه (شهر)
farnbay	فر خدا	apar burtārīh	فراهم کردگی
farraxv zātān	فرخ زادان (نام خاندانی)	ō ham kartan	فراهم کردن
farraxv	فرخنده	vēšiśn ārāstār	فراهم کننده رنج
hūbaxt			فراهم روان زوئیش (نام خاص)
		frāhim rwān zōiś	
farraxvīh	فرخی	farpih	فربه
		frapih	
fratāk	فردا	frataxšt	فرتخت (نام خاص)
fradatafš	فردتفش (کشور سوم از هفت کشور)	frajām	فرجام
fratatafš		fražām	
ēvāzik	فردی	fražāmēnitan	فرجامانیدن

druvand zātak	فرزند شخص گمراه	frazānakīh	فرزانگی
hunušak	فرزند موجودات اهریمنی	hūfrazānakīh	
frazandīh	فرزندی	hūxratīh	
frazišt	فرزشت (نام خاص)	frazānak	فرزانه
frazišak	فرزیشک (نام خاص)	hūxrat	
fračīn	فرزین (وزیر درشت‌ترنج)	frazānak saxvan	فرزانه سخن
frazēn		frazdān	فرزدان (نام دریاچه‌ای است)
frazīn		frazand	فرزند
aparzēn		fradand	
frasp	فرسپ (نام خاص)	pusr	
fristakīh	فرستادگی	pusar	
aštakīh		zahak	
		zahāk	
		zāk	
fristātan	فرستادن	zātān	
frēstītan		zāyak	
fristitan		pāpakān	فرزند پاپک
zamēnītan		pus xvāhišnih	فرزند خواستاری
visīy kartan		patiruftak	فرزند خوانده
vasi kartan		hūpusih	فرزند خوب داشتگی
visē kartan		frazandōmand	فرزنددار
nisāi kartan		zahakōmand	
nisāi-		apāk pusih	فرزند داشتگی
fristak	فرستاده	napat	فرزندزاده
aštak		napātak	
pētāambar		nawātak	
parvānak			
frasang	فرسنگ		

frašōštar	فرشوشتر (نام خاص)	dartmāl	فرسودگی دردناک
frašetvart	فرشیدورد (نام خاص)	sūtak	فرسوده
damān	فرصت	vistarg	فرش
zamān		namat	
vihānak		fraš	فرش (نام خاص)
bihānak		frašāvart	فرشاورد (نام خاص)
yāvar		frašt	فرشت (نام خاص)
hangārtan	فرض کردن	mēnōgān	فرشتگان
frakān	فرغانه	yazatān	
apēvināxtārih	فرق (مباينت)	yazat	فرشته
bālēn	فرق سر	fristak	
vičēnītan	فرق گذاشتن	artvisūr	فرشته آب و باران
vičītan		vahman	فرشته اندیشه نیک
ristak	فرق	hurdat (خرداد)	فرشته سلامتی
kayān xvarrah	فرکیانی	rašn	فرشته عدالت
fragart	فرگرد	fravahr	فرشته نگهبان
frakart		āpān	فرشته نگهبان آب
fragūzak	فرگوزک (نام خاص)	anāhīt	
framān	فرمان	artavisūr	
parvānak		ardavisūr	
vičīr		aršašvang	فرشته نگهبان دارایی
framān pat	فرمان بد (فرمانده، رئیس)	fraškart	فرشکرد (تجدید دنیا)
framān burtār	فرمانبردار	frašn	فرشن (نام خاص)
burt framān			
framāngar			

framān dātan	فرمان دادن	framān niyōxš	
šahrap	فرماندار	hūframān	
šasap		huniyōxš	
kustig pān		niyōxšitār	
		niyōkšitār	
kustig pān	فرماندار قاضیه	niyōxšāk	
framātār	فرمانده	niyōšāk	
sardār		srōšik	
		tarsakāy	
artištārān sardār	فرمانده ارتش	ēvakānak	
ērān spāhpat	فرمانده ارتش ایران	xvatāyōmand	
spāhpatān spāhpat	فرمانده کل سپاهیان	čašmihā	فرمانبردارانه
		tarsakāsihā	
brīnkar	فرمان دهنده	framān burtārīh	فرمانبرداری
framānīh	فرماندهی	hūframānīh	
		niyōkšitārīh	
pātaxšā	فرمانروا	nigōšišn	
pātixšāh		niyōšišn	
pātixšāy		niyōxšitārīh	
pātšā		srōšikih	
šatrdār		tarsakāsih	
šatryār		aniyōxšitan	فرمانبرداری نکردن
xvatāy		niyōkšitan	فرمان بردن
sāstār		niyōšitan	
rāyēnāk		niyōšitan	
dēhpat			
marzpān		framān bē spōxtan	فرمان به تأخیر انداختن
kāmkār		framān patigraftan	فرمان پذیرفتن
kay		tan framān	فرمان تعجب یافته
tāb			

duš pātaxšāhīh فرمانروایی بد
 duš rāyēnītārīh
 duš xvatāyīh
 zēšt xvatāyīh

xvatāy kāmākīh فرمانروایی بکام

ēv xvatāyīh فرمانروایی پادشاه واحد

hūframānīh فرمانروایی خوب

kāmāk xvatāyīh فرمانروایی خودکام

kāmāk pātixšāyīh

فرمانروایی درازمدت (دارای)

dirang xvatāy

duš-xvatāyīh فرمانروایی ستمگرانه

bavandak pātixšāhīh فرمانروایی کامل

rāyēnīhītan فرمانروایی کردن

kāmāk xvatāyīh فرمانروایی مستقل

kāmāk pātixšāyīh فرمانروایی مقتدرانه

hūpātixšāyīh فرمانروایی نیک

فرمان سپوختن (سرپیچی کردن از فرمان)

framān spōxtan

avdištan فرمان صادر کردن

framāngar فرمانگر

framān niyōxš فرمان نبوش

framānīh فرمانی

framāyišn فرمایش

pātixšāyēnītan فرمانرواگردانیدن

dagr xvatāy فرمانروای ابدی

duš pātaxšāh فرمانروای بد

duš pātixšā

duš xvatāy

akāmāk xvatāy

akāmāk xvatāy فرمانروای بی اراده

hūpātaxšāy فرمانروای خوب

hūxvatāy

kāmāk xvatāy فرمانروای خودکام

šōisr-pat فرمانروای شهر

kartak xvatāy فرمانروای قسمتی از کشور

šōisr-pat فرمانروای کشور

sar xvatāy فرمانروای کل

sāstār فرمانروای مستبد

kāmāk xvatāy فرمانروای مستقل

xvatāy kāmāk

kustak pat فرمانروای ناحیه

kustīg pān

karm xvatāy فرمانروای ناحیه کرم

xvatāyīh فرمانروایی

vohuman xvatāyīh فرمانروایی اندیشه نیک

sāstārīh فرمانروایی با استبداد

ērmānak		framūtan	فرمودن
ērmēnišn		framātan	
nitvar		frēn	فرن (نام خاص)
adar mēnišnīh	فروتنی	farrobāg	فرنپغ (نام آشکده)
ērmēnišnīh		farnbaγ	
ērtanīh		parangmušk	فرنچمشک
frōxtan	فروختن	farangmušk	
frōt	فرو	vispān fryā	فرنگیس (نام خاص)
frōt vartītan		frō	فرو
frōtīhastan	فروآمدن	fru	
ōpastan		frōt	
patkaftan		xvastār	فرو افتاده
grātan		niyastan	فرو افتاده ماندن
ōgrāi-		fravāk	فرواک (نام خاص)
frōt āhang	فرو آهنگ	fravākēn	فرواکین (نام خاص)
frōttom	فروترین	nīpastan	فروانداختن
	فرور (مثال موجودات در عالم مینوی)	nikandan	
fravahr		frōt barišnīh	فروبردگی
fravart		spōxtan	فروبردن
fravaš		frōt karēnītan	فروبردن
fravaxš		frōt bavišnīh	فرو بودگی
fravat		frōtīh	
fravartēn (منسوب به فرور)		adar tan	فروتن
fravartikān	فروردگان	ērtan	
fravartikān	فروردینگان		
fravartigān			
fravartēn	فروردین		

frōt vaštakīh	فروگشتگی	fravartēn	فروردین ماه
nipāstan	فروماندن	fravartēn māh	
frōtmānd	فرومانده	fravardīn	
kast	فرومایه	frōt dārišn	فروردینگی
frōt mirišnīh	فرو مردگی	fravartik	فروری
frōt murtan	فرو مردن	nidvārišn	فرو ریختگی
fravahr	فروهر	ōbaxšītan	فرو ریختن
fravaš		fravahr	فروشی
fravat		fravart	
fravaxš		fravaš	
artāy fravart		fravaxš	
hūfravart (دارای فرور خوب)			
artāfravart	فروهر پاکان	artāy fravart	فروشی مقدس
farrah	فره	frōk	فروع
xvarrah		brēh	
xvarr		rāi	
xvarrah		tēh	
āpān xvarrah	فره آب	patrōg	
farrah afzāyišnīh	فره افزایی	pātrōč	
xvarrah afzāyišnīh		xurag baxtār	فروع بخش
ērān farnah	فره ایران	xurag baxtārīh	فروع بخشی
ērān farrah		frōkīhastan	فروع دادن
xvarrah	فره ایزدی	nihaxtan	فرو کشیدن
farrah		ōgār	فرو کشیدن آب دریا (جزر)
farrah pērōč	فره پیروز (نام خاص)	frōt kanišnīh	فرو کندگی

frahangik	فره‌نگی	frahaxtak	فره‌خته
frahangikih	فره‌نگی بودن	frēh srōš	فره سروش (نام خاص)
	فره‌نگی که موجب افزونی گردد		فره کاستار (کاهنده فره ایزدی)
afzōn frahang		xvarrah kāstār	
frahixtan	فره‌بختن	xvarrah kāstārīh	فره کاستاری
frahixtak	فره‌بخته	xvarrah i kayān	فره کیان
frayāt	فریاد	فره گسیخته (کسی که فرایزدی از او گسیخته)	
friyāt		zat xvar	
frahāt		zat xvarrah	
vāng		frēh māh	فره ماه (نام خاص)
xrōsišn		farrahōmand	فره‌مند
rāpak karīh		xvarrahōmand	
rāpak karīh	فریاد برای طلب یاری	xvarrōmand	
matfrayāt	فریادرس	xvarrahōmandīh	فره‌مندی
frayātitan (به فریاد رسیدن)		farrahōmandīh	
friyātitan	فریاد کردن	frahang	فره‌نگ
vigārtan		فره‌نگ اویم اولک (نام کتاب)	
gristan		frahang i ōim ēvak	
vāng zatan		فره‌نگ پهلوی (نام کتاب)	
xrōstan		frahang i pahlavik	
xrōsitan		frahang xvāstārīh	فره‌نگ خواستاری
brāmītan		frahang xvāstārīh	فره‌نگ دوستی
drāyītan		frahangistān	فره‌نگستان (محل تعلیم و تربیت)
dūyītan		frahang kartan	فره‌نگ کردن
vigārtan	فریاد کشیدن	frahanjītan	
drāhītan			

frēftak	فرب خورده	friyātitan	فربادیدن
vidēftak			
viyāpān		fryān	فربان (نام خاص)
vidēftan	فرب دادن	frēp	فرب
viyiftan		frēv	
viyāpānēnītan		drujīšn	
viyāpānītan		drujīšnīh	
drūjītan		mēt gōwišnīh	
drōzan kartan		mitōxtīh	
frēftārīh	فرب دهندگی	zūr mitōxtīh	
viyāpānkarīh		viyāpānīh	
frēftār	فرب دهنده	viyāpāngarīh	
vidēftār		viyāw	
viyāpānēnītār		drōnīh	
viyāpāngar		pačipākīh	
viyāpānkar		pačipāy	
viyāpānītār		drōš	
viyāwānēnāk		drō	
drujastak		drūž	
drūjan		drūžīh	
zūrōmand	فربکار	zōr	
frēftārīhā	فربکارانه	zūr	
pačipāk		viyāwānēnāk	فرب آمیز
viyāpānēnītārīhā		pačipāk	
viyāpānīk	فربگر	frēftakīh	فرب خوردگی
aviyāwān	فرب نخورده	frēpišn	
aviyāpān		vidēftakīh	
		frēpīhitan	فرب خوردن
		viyāpīhistan	

tarmānīh		druxtārīh	فریبندگی
tapāhīh		zūrōmand	فریبنده
gannākīh		viyāpānik	
pōhišn		frētōn	فریدون شاه
pūtakīh		frētōn kart	فریدون کرت (جا)
sēj		frēftār	فریفتار
sēžišn		frēftārīh	فریفتاری
vaštakīh		frēftakīh	فریفتگی
vēšišn		frēftan	فریفتن
vinastīh		frēftak	فریفته
druvandīh	فساد اخلاقی	afzōnītār	فزاینده
duš patēxvīh	فساد که از و فور نعمت پدید آید	frāy dātārīh	فزون بخشی
afsān	فسانه	fšōš kartār	فزون کردار
ul varzišnīh	فسخ	fšōnēnišn	فزون کردن
hunišn	فشار	fšōnišnōmand	فزونگر
ōštāp		fšōnišn	فزونی
frāč rānēnītār	فشار آورنده	fšōnēnītār	فزونپدار
hunišnīh	فشردگی	fšōnēnītan	فزونیدن
ōštāpišn		fšanjišn	فساد
afšārtan	فشردن	nāsišn	
hunītan		nasruštīh	
pālāyītan		naštakīh	
pālūtan		niyārišn	
xanjēnītan		patvēšak	
xangēnītan			
masītan	فشردن دست بهنگام پشیمانی از گناه		
tang	فشرده		

hunar	فصلیت	maršt	فشرده شده
hunarīh		pālūt	
hunarāvandīh		hūtak	
xvat-gōhrīhā	فطری	gōwākīh	فصاحت
čīhrēnitak	فطری شده	huzvānīkīh	
patūk	فعال	viyāxanīh	
kartār		zamān	فصل
kōxšišnīk		damān	
kārīk		žamān	
varčān		žamānak	
xrušd		žamānīh	
akartārīh	فعال نبودن	gās	
varzītārīh	فعالیت	dar (باب)	فصل (بخشی از کتاب)
xvēškārīh		darak	
kartārīh		fragart	
pāy varzišn		frakart	
zēnāvandīh		hāt	
dušyāčakīh	فعالیت بد	puxtak guftār	فصیح
mēnōk kartārīh	فعالیت مهنوی	gōwāk	
apēbūtīh	فقدان	šēpāk	
anātāvīh	فقر	viyaxman	
andak xvāstakīh		spāš	فضا
atuwāngarīh		vāy	
driyōšīh		darvāy	
nēst čīšīh		višātakīh	فضای باز
škōh		tuhīkīh	فضای خالی
škōd		vāy	فضای خالی بین قلمرو اورمزد و اهریمن

handēšēnītan	فکر انداختن (به)	škōhīh	
duš-hūmat	فکر بد	niyāz	
dušmat		tangīh	
		vitangīh	
anāk mēnišnīh	فکر بد داشتن	apāron škōhīh	فقری که مایه گناه می شود
frāhūmat	فکر بسیار خوب	bē	فقط
hēšm manihā	فکر چشمگینانه	ēvāč	
hūsikāl	فکر خوب	atuwāngar	فقیر
hūsigāl		driyōš	
hūskārišn		drigūš	
hūsikālišn		driyōš	
vēh mēnišn		mustōmand	
vohuman		niyāzōmand	
		niruzd	
rōšn mēnišnīh	فکر درخشان	apē āstānak	
pahrōm mēnišnīh	فکر عالی	astānakōmand	
		ōvēn	
dušmat	فکر غلط	ērvārak	فکر
bavandak mēnišn	فکر کامل	zanūk	
handēšītan	فکر کردن	handēšišn	فکر
mēnītan		mēn	
uskārtan		mēnišn	
uskārītan		mānak	
nikirītan		sikāl	
ōšmurtan		uskār	
handēšēnītan (بفکر واداشتن)		uskārišn	
mēnitār	فکر کننده	varōm	
mēt mēnišnīh	فکر نادرست	āsnītak mēnišn	فکر الهام شده

frasāvand	فنا پذیر	yān mēnišn	نکر نیکو
sānišnōmand		mēnišnik	نکری
frasāvandih	فنا پذیری	mēnitār	نکور
asēj	فنا ناپذیر	nikiritār	
asānišn	فنا ناپذیری	mēnišn ayāftak	
asējišn		mēnitārih	فکور بودن
tašt	فنجان	kōpēn	فلاخن
tišt		vahmān	فلان
jām		ayōkšust	فلز
dūlak		ayōxšust	
fundig	فندق	āsēn	
andar zamān	فوراً	āhēn	
ham zamān		xvan āhēn	فلز درخشان
has		ayōkšustik	فلزی
his		ayōkšustēn	
bē vitirišnih	فوت	spihr	فلک
vitirišnih		spahr	
ham zamān	فوراً	spāš	
pat zamān	فوری	asmān	
raγ		andarvāy	
aparak	فوقانی	spihr i hačapar	فلک الافلاک
pōlāwt	فولاد	spihr	
pōlāpat		spihrik	ولکی
pōlāt		nāδ pazd	فلوت زن
pōlāwtēn	فولادی		

mēnītan		hōš	فہم
šnāxtan		hōših	
uzvārtan		ōš	
mēnišn ayāftak	فہم	ōših	
pērōč	فیروز (نام خاص)	rāδ	
pērōz		rāy	
gōr artašēr xvarrah	فیروز آباد	šnāsakih	
artaxšēr xvarrah		kārākāsih	
parēnak	فیروزہ	ayāpak	
pīrōzak		ayāpakih	
pīrōčak		ayāpākīh	
čīhr šnāsīh	فیزیک (علم)	hang	
gōhrak dānāk	فیزیک دان	zand	
pīl	فیل	uzvārišn	
filōsōfā	فیلسوف	hū ayāpakih	فہم خوب
xrat dōšakih	فیلسوفی	dānēnītan	فہمیدن
filsōfāyih		dānīhītan	
filipōs	فیلپ	dānīstan	
		griftan	
		hōšītan	

ق

ditišnik	قابل رؤيت	šāyēndak	قابل
stāyišnik	قابل ستايش	gumēčišnik	قابل آميختن
āvēnišnik	قابل سرزنش	ōstikān	قابل اطمینان
kōšišnik	قابل كوشش	bahrōmand	قابل بخشش
grišnik	قابل گرفتن	apaxšāyišnik	قابل بخشايش
grišnik	قابل لمس	tāyitan	قابل بودن
ōšmurtik	قابل محاسبه	pasandišnik	قابل پسند
frayātišnik	قابل ياری	pērāyišnik	قابل پيرايش
šāyēndakih	قابليت	stāyišnik	قابل تحسین
mrnĵēnītār	قاتل	mārāk	قابل توجه
ōžatār		mārišnōmand	
margēnāk		mārāk	قابل درك
gannāk (صفت اهریمن)		mārišnōmand	
		ditišnik	قابل دیدن

dātwar		tuwānāk	قادر
dastwar		tuwānik	
dādik		pātixšāy	
kādik	قاضی القضاة	attōk	
astar	قاطر	pattōk	
vartakih	قاعدگی زن	patūk	
mang	قاعدہ	andar tuwān	
nihātak		kunišnōmand	قادر بکار
patmān		tuwānistan	قادر بودن
rastak		tāyitan	
rastakih		visp tuwān	قادر کل
kāf	کاف	visp tuwān	قادر مطلق
kārvān	قافلہ	harvisp kartār	
kāruwān		hamāk afzār	
kākūmak	کاکم	kišvar	قارہ
kākom		vauruḡaršt	قارہ شمال شرقی زمین
kākom i spēt	کاکم سفید	vaurubaršt	قارہ شمال غربی زمین
yatak	قالب	kafčak	قاشق
karitan	قالب ریزی کردن	patvāk	قاصد
tāšitan	قالب زدن	pēk	
tāšitār	قالب زننده	patkār rat	قاضی
tāšišn	قالب زنی	rat	
brēhēnitār	قالب ساز	vičirgar	
		vičirtār	

kapāh	قا	bōp	قالی نفیس
kavāt	قباد	būp	
kavātān	قبادان	brēh	قامت
kavātīk	قبادی	ōstavān	قانع کننده
gubrāk	قبراق	dāt	قانون
daxmakistān	قبرستان	dātak	
pēš	قبل	dāstān	
nazdikīh	قبلی	rastak	
patīraftārīh	قبول	ristak	
dēn patīrišnīh	قبول دین	rastakīh	
patīruftak	قبول شده	mang	
patiraftan	قبول کردن	dāstānōmand	(مطابق با قانون)
patīrīftan		dāstānōmandīh	(مطابقت با قانون)
virravišnik	قبول کردنی	kannār	قانون (نوعی ساز)
patīrišn	قبولی	dastwarīhā	قانوناً
patīrišnīh		dātīhā	
patīruftakīh		dušdātīh	قانون بد
dūtakmān	قبیله	spōxtan	قانون شکستن
zand		dāt ārāstār	قانونگزار
marinjān (یک قبیله کرداست)		dātīk	
kušišn	قتل	pēšdāt	قانونگزار نخستین
kušišnīh		dāstānīh	قانونی
kuštan		dātīk	
kuštār		dātīkān	
		dāstānōmand	(دارای قدرت قانونی)
		kāyēn	قاین

tuwānikih		mrnjēnitārih	
awzār		murnjēnitārih	
afzār		ōžatan	
tuxšn		ōzatan	
zāvar		zatārih	قتل عام
pātixšāyōmand (دارای قدرت)		zanišn	
parvartārih	قدرت خداوندی	ĵanišn	
āfritārih	قدرت خلاقه	apārōn zatārih	
tuwānēnitan	قدرت دادن	mrnjēnitan	قتل کردن
tuwānistan	قدرت داشتن	kuštan	
mas ōžih	قدرت زیاد	ōžatan	
nērōk	قدرت سحرآمیز	dušyārih	تعطیل
šnāsitan	قدر شناختن	šōyišn	
dā tastānōmand (دارنده ~)		andām	قد
visp tuwānih	قدرت کامل	bašn (قد و بالا)	
harvisp kartār (دارنده قدرت کامل)		martāčōkih	قدر
varč kārīh	قدرت ماوراءالطبیعه‌ای	zōr	قدرت
visp tuwānih	قدرت مطلق	tavih	
varč	قدرت معجزه‌آسا	garōmandih	
pātixšāyōmand	قدرتمند	ōž	
pātiyāvandihā	قدرتمندانه	ōz	
xvēš ōj	قدرت و استقامت شخصی	patakīh	
kirūkīh	قدرت هنری	patūkīh	
		pātaxšāyih	
		pātixšāhīh	
		patixšāyih	
		tuwāngarih	
		tuwānih	

yazišn	قربانی	hambun	قدری
yaštārih		spanākīh	قدس
usōfrīt			
ustōfrīt		gām	قدم
myazd (غذای قربانی)		pāy	
mayazd	قربانی غیر مایع	pay	
myazd		padak	
izītan	قربانی کردن	kahwanīh	قدمت
awām	قرض	bāstān	قدیمی
ōwām		kahun	
		kahwan	
ōwāmīh	قرضی	pēšēnikān	قدیمیان
čōr	قرقاوول	brātarōtīh	قربابت
tatar		karāveh	قربابه (ظرف شیشه‌ای شکم‌دار)
suxr	قرمز	patmān	قرار داد
sūr		pašn	
gōn	قسم	mitr	
gōnak		nihātan	قرار دادن
saredak		avistātan	
sartak		nisītan	
srātak		nišāstan	
šōn			
zan		vinārišn	قرار یافتگی
zanak			
bahr	قسمت	pattōk	قرار یافته
bahrak		marzihistan	قراران بودن (در نجوم)
baḵišn		marzihitān	قراران شدن (در نجوم)

āhang	قصه	bak	
kām		baxšišn	
kāmišn		bōzišn	
mēnišn		nēmak	
handāčišn		jāt	
grāyitan	قصه داشتن	jatak	
kāmistan	قصه کردن	tow	
kušk	قصه	sraxtak	
darpās		pārak	
šāhikān		pēšak	
		vēčak	
		kartak	
brēhēnišn	قصه	mātakvar	قسمت اصلی یک درخت
pat apāyastih		frapād	قسمت بالای پا
kartārān	قصه	frapād	قسمت جلوی پا
apāyēt būtan rāδ	قصه را	ōruswar	قسمت داخلی هر چیز
dā tastān	قصه	ōruspar	
dā tastānih		baxši hastan	قسمت شدن
vičīnītārīh		baxšēnitan	قسمت کردن
vičīr		baxšītan	
vičīrih		franāftan	
handāzišn		viškītan	
āmār		bahrīk	قسمت کردن
rāst dā tastān	قصه با حق	baxtārīk	
dā tistān	قصه رسمی و قانونی	brīnōmand	
		baxtārīh	قسمت کنندگی

tāštīk		vičirēnītan	قصاوت کردن
vičār		vičīristan	
nītak	قعر	vičīrītan	
nītūm		handāxtan	
var	قفسه سینه	kār vičārtan	اضای حاجت
kafīz	قفیز (واحد حجم و سطح)	mēx	قطب
kōfič		srišk	قطره
kōfiz		šāmak	
kōpēn	قلاب سنگی	brītan	قطع کردن
dil	قلب	karrēnītan	
darpušt	قلعه	karrēnītār	قطع کننده
drupušt		kartak	قطعه
kalāt		pārak	
āvahan		yut kartak	قطعه جدا گانه
var		burritak	قطع شده
parvār		vičast	قطعه شمر
karīta		kartak kartak	قطعه قطعه
karītāk		kartak kartakīh	قطعه قطعه شدگی
fravand		fragastan	قطعه قطعه کردن
parvand		brīn	قطعی
darpušt gās	قلعه دفاعی	brīnkar	
darpuštīh		brīnōmand	
drupuštīh		sarōmandīhā (بطور قطعی)	
drupuštīh	قلعه نظامی	tāšt	
arzīzēn	قلعی		

sēzd		šahr	قلمرو
sizd		xāmak	قلم نی (خامه)
tuxšn		gurtak	قلوه
stawrīh		čakāt	قله
vazdvarīh		čagāt	
zāvar		čikāt	
tan vazdvarīh	قوت بدن	sar	
karp tuxšn	قوت بدنی	bālēn	
zōr		tērak	
nērōkīh	قوتی	bašn	
rak	قوچ	kōf	
rāk		čakāt i dāitīk	قله کوه دائیتی
varān		kānakīh	قنات
rāk	قوچ جنگی	katas	
rak		kahas	
vazaγ	قورباغه	nikun āp	
apāč kōfak	قوزی	katasīk	قناتی
kōfīk		patrōč	قوت روزانه
sanvar	فوس و قزح	nērōk	قوت
čaxrvāk	قوش	nērōkmandīh	
čīhrāp		ōj	
kiwōt	قوچی	ōžōmandīh	
mitr	قول	ōzōmandīh	
pašt		pātyāvandīh	
		patakīh	
		takīkīh	

ōžōmand		pašn	
pat nērōk		patistāk	
pattōk		kūmis	لومس (شهر)
patūk		kūmiš	
zōrikōmand		patvand	قوم و خورش
pātyāvand		xvēšāvand	
ranj spōz			
razēn		zōrīk	قوهای
saxt		vēnišn	قوه پهنائی
stawr		zōr i āhanjāk	قوه جاذبه
ōstikār		zōr i spōzāk	قوه دافع
takīkōmand		vaxšōmand	قوه روپائی (دارای قوه نمو)
tak		zōr i gīrāk	قوه ماسکه
staft		zōr i guhārāk	قوه هاضمه
sturg		amāvand	قوی
sūr	قوی بازو	drang	
škaft		irapīh	
škaftak	قوی کردن	gatvar	
		martāčōk	قهرمان
bāžāk ōj		mazan	قهستان
patūtan		nērōkōmand	
hūvir	قهرمان	nēv	
kōhistān	قهستان	vas ōj	
ristāxēz	قیامت	apar ōž	
ristāxēzišnih		ōjak	
tan i pasēn		ōzōmand	
tan pasēn		ōjōmand	
fraškart			
fraškart kartārīh			

stōr		ristāxēzēnītan	قیامت برپا کردن
patēmār		pašom kunišn	قیامت کننده
vahāk	قیمت	nivandak	قید (بند)
stūrīh	قیمومت	kēsar	قیصر
	قیمومت کسی را بعده گرفتن	kaysar	
stūr rāyēnitārīh		stūr	قیم

ک

kār	کار	kāpul	کابل
kart		kāwul	
kartak		kāpulistān	کابلستان
kunišnih		kāwēn	کابین
varzik		kāt	کات (نام خاص)
varzišn		kāt dēh	کات (روستا)
varzišnih		nipistār	کاتب
dāstān		dipīr	
pēšak		kātakān	کاتکان (آتشکده)
harg		čār	کاخ
arg		hadiš	
akārihastan (ازکار افتادن)		darpās	
kār framūtan (بکار بردن)		šāhikān	
pat kār dāštan (بکار داشتن)		srād	
pardāzišn (به کاری مشغول شدن)		drōzan	کاذب
kārākās (کارآگاه (سجاردان)	کارآگاهی		
kārākāsīh			
kārikōmand	کارآمد		

kirpak varzītārīh	کار خیر کردن	arg	کار اجباری
kārt	کارد	kārīhā	کارانه
kart		čīmīh kunišnīh	کار با فایده
čilān		čīmīh kunišnīh	کار بامعنی
hamēšak kār	کار دایم	duš hūvaršt	کار بد
rōšn kunišnīh	کار درخشان	duš hvaršt	
dast kart	کار دست	vat kart	
dast kārīh	کار دستی	frāxv kunišn	کار برجسته
dast kīrūkīh		mahist kār	کار بزرگ
kīrūk		mas kār	
kārān dōst	کار دوست	mas kārīh	
halak kārīh	کار دیوانه وار	vazurg kartārīh	
kār ruwāk	کار راه انداز	frāhūvaršt	کار بسیار خوب
huāyōjīšn		kār bahr	کار بهر (عایدی)
kārēčār	کارزار	vistār kunišnīh	کار بی دقت
kāričār		apēsūt kārīh	کار بی فایده
varzvar	کار ساختمانی	apēčīm kunišnīhā	کار بی معنی
duš kār	کار سخت	apēčīm kunišnīhā	کار بیهوده
varzāk		varzāk	کار پر زحمت
varč kārīh	کار شگفت	varč kārīh	کار پر شکوه
aīd kartīh		hūvaršt	کار پرهیز کارانه
kārākās	کارشناس	kār kirpak	کار ثواب
sūt šnās		kirpakīk	
sōbār		mēnōk kartārīh	
kārākāsīh	کارشناسی	hūīk-kār	کار خوب
frāxv kunišn	کار عالی		

kartārān	کارمندان دولتی	kārframān	کارفرما
dātkar	کارمند عالیه رتبه قضائی	kār framūtan	کار فرمودن
dātak		mas dāstān	کار قضایی بزرگ
kārnāmak	کارنامه (جنگ نامه)	kārēnitan	کار کردن
kištār	کارنده	tuxšitan	
nang-garīh	کار ننگین کردن	varzitan	
nēvak kart	کار نیکو	kart kār	کار کرده
kāravān	کاروان	kār kirpak	کار گرفته (کار ثواب)
kāruwān		kārikēnitār	کار کن
kārvān		varzītārīh	کار کنندگی
kārvānik	کاروانی	kārikar	کار کننده
kāravānik		kārikēnitār	
kunišn varz	کار ورز	varzītār	
kār varzišnīh	کار ورزی	varz kartār	
kār ut dātistān	کار وداستان	kārikar	کارگر
kār varzišnīh	کار ورزی	mōzdwar	
		kartār	
		kārān	
martōm kārih	کار و کوشش انسانی	gāl	کارگران املاک شاه و بزرگان
xvēškārih	کار و وظیفه شخصی	kār vičārtan	کار گزاردن
kunišnān	کارها	kār ruwāk	کار گشا
varzvar	کار هنری	hamēšak kār	کار مستمر
kirūk		kārikōmand	کارمند
hērpatīh	کار هیربد	kārōmand	

kāsik	کاسیک (رود)	kārih	کاری
kāč	کاش	kārik	
kašišn	کاشت	kārtar	کاری‌تر
kišn		katas	کاریز
kāritan	کاشتن	katasik	کاریزی
nišāstan		apar varzišnih	کاری طبق نمونه انجام دادن
kāč	کاشکی	martōm kārih	کاری که از دست انسان برآید
dravand	کافر	kāzarōn	کازرون (شهر)
druvand		kāstār	کاستار
nēst yazat hangār		kāstārih	کاستاری
kāpūr	کافور	kastagih	کاستگی
kāfūr		kastan	کاستن
vas	کافی	kāstan	
kōfak	کاگل	narfsitan	
kākičak	کاکیزه (نوعی سبزی)	nirfsitan	
kālpat	کالبد	kāstak	کاسته
karp		kamistih	کاستی
nasā	کالبد بیجان	kamih	
kām	کام	kāsak	کاسک (نام رود)
kāmak		kāšnik	کاسنی
ō kāmak rasitan	(به کام رسیدن)	tišt	کاسه
kāmak hanjām	کام انجام	kāsūk	کاسه پشت
kāmak hanjāmih	کام انجامی	kašavak	
kāmak vičārišnih	کام برآوری	čašmgāh	کاسه چشم
kāmdēn	کامدین (نام خاص)		

bavandak	کامل	kām rawāk	کامروا
drust		kāmak hanjām	
dōkān		kāmak rawāk	
hangat		ō ham rasitan	کامروا شدن
hangart		kāmakēnitan	کامروا کردن
hangartik		kāmak rawākīh	کامروایی
huspūrīk		kām rawākīh	
ōspūr		rawāk kāmakīh	
ōspūrīk		kāmak hanjāmīh	
spur		kāmastan	کامستن (خواستن)
spūrīk		kāmistan	
spūrīk		kāmišn	کامش (تمایل)
uspurr		kāmišn kārīh	کامش کاری (تعمد)
uspurrīk		kāmak	کامک (نوعی آتش)
parōn		kāmkār	کامکار
pasaxtak		kām kartār	
pur patmānīhā		kāmkārīh	کامکاری
pur		kām kartār	کام کردار
vāspuhrak		kāmak sūt	کامک سود (نام خاص)
vaspur		kāmak vaxšišn	کامک وخشیشن (نام خاص)
vāvarīkān		kāmak vitār	کام گزار
sarōmandīhā (بطور کامل)		kāmak vičārtan	کام گزاردن
uspurrīkīhā ~		kāmak vičārīšnīh	کام گزاری
anuspurrīk (ناکامل)		kāmakīh	کامگی
passāčišn	کامل شدگی	anāk kāmakīh	(بد کامگی)
hangirtih			
bavandakēnitan	کام کردن		
hanjaftan			
spurrihitan			
pardāxtan			

kāh rīzak	گاه ریزه	spurrikgarīh	کامل کنندگی
kāhišn	گاهش	spurr̥gar	کامل کننده
kāstārīh		vāspuhrakānītār	
narfsišn		kāmakōmand (مایل، مصمم)	کام‌مند
nirfsišn		kāmōmand	
narfsišn	گاهش ماه	kāmakōmandīh	کام‌مندی
narfsītan	گاهش یافتن ماه	hūmēnišnik kāmak	کام و آرزوی خیر
akartār	کاهل	kāmak	کامه
avarzītār		kāmak xvatāy (فرمانروای مستقل)	کامه‌خدای
sūtak		kāmīh	کامی
vistār		kāmīk	
sūtakīh	کاهلی	kām kartār	کامیاب
kāhēnītār	کاهنده	kāmītan	کامیدن
kastār		kān	کان (معدن)
kāstār		kahas	کانال آب
dahišn kāhēnāk	کاهنده خلقت	kān kirpak	کان کرفته
kāhītan	کامیدن	dūtak	کانون خانواده
kastan		kāus	کاووس
kāstan		kayus	
ĵigar	کبد	kayōs	
kavast	کبت	kāyūs	
kavastik		kāyōs	
kapk	کپک	kāyōs kart	کاووس کرت (شهر)
kapōtar	کبونر	kāh	گاه
kapōt	کبود	giyākīčak	
kūt	کپه	kāhēnītan	کاهانیدن (گاهش دادن)
		nirfsēnītan	

frēk	کتف	kapik	کپی (بوزینه)
dōš		nipik	کتاب
hēxar	کثافت	nāmak	
hixr		kurāsak	
guh		mātikān	
laʃan		matiyān	
rīm		mātagdān	
pūtakih		nask	
rīmanih		našk	
rīmanīkih		dā tastān i dēnīk	کتاب آراء و عقاید شرعی
čirkēn	کثیف	pand nāmak	کتاب اندرز
nasrušt		dapīrih	کتابت
rīman		dipīrih	
apāk		nipīkih	
kast		nipistan	
hixrīh	کثیف بودگی	nipištan	
kū	کجا	nipikēnītan	
kū gyāk		kār-nāmak	کتاب جنگ
xvahl	کج	dā tastān nāmak	کتاب حقوق
xvihl		našk mārišnih	کتاب عوالمی
vaxr		nipikēnītan	کتاب رسمی تدوین کردن
duš mēnišn	کج اندیش	nask	کتاب مذهبی
duš hūmat		mānsr	کتاب مقدس
frāč dānūk	کج پا	mānsrspand	
kūih	کجایی	mānsrbarīh	کتاب مقدس را از بر داشتن
kul dumb	کج دم	kētān	کشان (نام خاص)
gar	کچل	katāyun	کتابون (نام خاص)

karak		katām	کدام
karān	کران	katāmčē	
kanār		katār	
		kē	
kanārōmandihā	کرانمندان	kū gyāk	کدام جا
kanārak	کرانه	katāmgān	کدامها
karān		katāmih	کدامی
kanārōmand	کرانه مند	katām-ič-ē	کدام یکی
karānakōmand		katak bānūk	کدبانو
karānōmandih	کرانه مندی	mān mānpatin	
karānakōmandih		nārīk	
karīh	کر بودن	bānūk	
karpūk	کرپوک (نوعی سوسمار)	katak bānūkih	کدبانویی
karbōk		bānūkih	
kart	کرت (دفعه)	katak xvatāy	کدخدای (خانه خدا)
gart		mānpat nar	
kartak	کرت (قطعه)	katak xvatāy zan	کدخدای زن
kartār gāv	کرتارگاوی (نام خاص)	katak xvatāy mart	کدخدای مرد
kurt	کرد	katak xvatāyih	کدخدائی
kart	کردار	katak	کده
kartār		katak afrōč	کده افروز
kunišn		drūjīh	کذب
varzišnīh		kar	کر (نوعی ماهی)
vat kart	کردار بد	kar mähik	
frēh hūvaršt	کردار عالی	kar	کر
		karr	

kirpak	کرفه (ثواب)	nihān rawišnih	کردار نهانی
kirpak dōst	کرفه دوست	kartārīh	کرداری
kirpak-kar	کرفه کار	nēvak kunišnik	کردار نیکو
kirpakar	کرفه گر	kurtānšā	کردان شاه
kirpak-gar		kart kār	کردگار
kirpakgarīh	کرفه گری	kartakīh	کردگی
kirpakkarīh		kartan	کردن
kirpakōmand	کرفه مند	kārēnītan	
kirpak mēnišnih	کرفه منشی	nimūtan	
kark	کرک (مرغ خانگی)	kunišnik	کردنی
karg		kart	کرده
karkās	کرکس	kirt	
dālman		kartak	
karkōi	کرکوی (شهر)	kirtak	
karm	کرم (ناحیه)	kartak	کرده (بخشی از کتاب)
rātīh	کرم	nēvak kart	کرده خوب
savākīh		kirihasan	کرده شدن
karm	کرم	passačak	کرده شده
karmak		dātīhā kart	کرده شرعی
kirm		kurtik	کردی
kirm i aprēšam	کرم ابریشم	karazm	کرزم (نام خاص)
karmān	کرمان (شهر)	karsēvaz	کرصوز (نام خاص)
kirmān		karšipt	کرشیپت (مرغی شکاری است)
kirmānšahān	کرمانشاهان	karafs	کرفس
karmānik	کرمانی	kirpakik	کرفگی (کرفه ای)
kirmānik			
dēvak	کرم درخت		

kustak barišnīh	کستی بر کمر داشتگی	karmak	کر مک
kāhitan	کمر کردن	korind	کرنه (اسب)
afrayūt (بی کسری)		šēt	
nišīp	کسل	rōyn	کره
mitr i tamīk	کسوف	kār	
kas-ē	کسی	pādak	کره اجسام آسمانی
kēč		pāyak	
	کسی که دارای چهارپایان اهلی بسیار است	kurrak	کره اسب
afzār gōspand		vačak	
kaš	کش (زیر بغل)	miharg	کره پیرامون زمین
kašān	کشان	āyišm	کره ماه
kašēnitan	کشاندن	karīh	کری
varzītār	کشاورز	rātīh kartār	کریم
kār varzītār		hūrāt	
fšōnēnītār		zišt	کرپه
vāstaryōš		gazdum	کزدم
varzītārīh	کشاورزی	gaždum	
kār varzišnīh		gaždam	
varz		gāždumb	
varzišn		kas	کس
vāstaryōšīh		kasān	کسان
vāstryōšīh		frāč pursitan	کسب اطلاع کردن
duš-varzih	کشاورزی بد	kasp	کسپ (رود)
kišt	کشت	kustik	کستی
kišn		parvand	
āpātānīh		ēvyāngban	

kārītan	کشتن	kuštār	کشتار
kāštan		kušišn	
kištan		kōšišnīh	
anāpātān	کشت نشده	kušišnīh	
avarzīt		ōžanišn	
varz	کشت و ورز	īanišn	
kišn		zanišn	
varz ut kišn		zatārīh	
varzītan	کشت و ورز کردن	žatārīh	
kašišn	کشت و زرع	zatār kāmākīh (میل به کشتن)	کشتار کامگی
kišvičār		zatār kāmīh	
kištār		ham zanišnīh	کشتار متقابل
āpātānīh		apārōn zatārīh	کشتار همگانی
hamēšak-kār	کشت و زرع مستمر	kišnzār	کشتزار
zatakīh	کشته شدگی	kištzār	
ōžanāk	کشته شده	kišvičār	
zatak		kištār	کشت کننده
zōr zat		kuštan	کشتن
kaštik	کشتی	marnjēnītan	
makūk		margēnītan	
kustik	کشتی (گمر بند مقدس)	ōžatan	
ēvyānghan		ōzatan	
nāvtāk	کشتی رانی (قابل ~)	ōjatan	
nāyūtāk		zatan	
dūzītan	کشت رفتن	žatan	
duztītan		vitārēnītan	
		apasahītan	
		apasēnītan	

mūtak		truftan	
margōmand		truftēnītan	
margih kartār		truftak	کش رفته
dart zatār	کشنده درد	tanišn	کشش
kišnič	کشنیز	kāsūk	کشف (سنگ پشت)
kišvar	کشور	kašūk	
dēh		kašavak	
šahr		kasaf rōt	کشف رود
šatr		kāsak rōt	
šahr i mēnōk	کشور آسمانی	kašk	کشک
کشور پیرا (کسی که موجب ترقی کشور می شود)		vaškal	کشمش
kišvar virāy		artik	کشمکش
tūr šatr	کشور توران	napart	
činastān	کشور چین	artgarīh	
sin dēh		kašmīr	کشمیر
šahr i xiōnān	کشور خیونان	کشمیر اندرونی (ناحیه)	
kišvarihā	کشورها	kašmīr i andarōnik	
anērānistān	کشورهای غیر ایرانی	ōžanišn	کشندگی
kišvarik	کشوری	jan hanj (برکشنده جان)	کشنده
dēhik		ōžanāk	کشنده
dahik		ōžatār	
šahrīk		awzatār	
kēšitan	کشیدن	jan hanj	
kašitan		zan	
haxtan		zatār	
nītan		žatār	
tanītan			

mōg		axtan	کشیدن (بر کشیدن)
mōk		hēxtan	
mūk		haxtan	
mōčak		hīxtan	
mōzak		sanjītan	کشیدن (وزن کردن)
nālin		kaf	کف (آب)
gīvak		tōjišn	کفاره
kafškar	کشگر	tōjišnih	کفاره‌ای
bōrak	کشیر (پوره)	tōjītan	کفاره دادن
kafč	کشگیر	tūxtan	
srīnak	کفل	puhlistan	
parīk		puhlēnītan	
haxt		tōjišnōmand	کفاره‌دار
kustak	کفه ترازو	tōjišnōmandīh	کفاره داری
gar	کگل	tōzišn	کفاره گناه
har	کگل	tūzišn	
harvisp		tōxtan	کفاره گناه دادن
harvist		kafškar	کفاش
hamāk		tāyītan	کفایت کردن
hangirtik		haxa	کف پا
pat ēv kartakīh	کلا	xaftār	کفتار
kalāt	کلات	haftār	
karīta		kafčak	کفچه
kalāt	کلات	must	کف دست
karīta		kafš	کفش
karitāk		kafšak	

mārik	کلمه	varāγ	کلاغ
vāč		varāk	
vaxš		varāg	
ēvāz		kāskēnak	کلاغ جاره
vāčik	کلمه‌ای	kāskēnak	کلاغ زاغی
kuling	کلنگ (مرغ)	zaγ	
kulang		gōwišn	کلام
kulāčak	کلوچه (شیرینی)	mānsr-spand	کلام آسمانی
čarp afrōšak		mānsr-spand	کلام ایزدی
guč-afrōšak	(افروشه گردونی)	vaxš	کلام خدایی
kalūk	کلوک (سفال)	mānsrikīh	(ازبرد داشتن کلام خدائی)
hamāyik	کلی	mānsr-bar	(حامل کلام ایزدی)
hamākīhā	(بطور کلی)	mānsr-spand	کلام مقدس
amarakānīhā ~		mānsr	
amarakān		mānsrik	
hamākīh	کلمت	kulāf	کلاه
hamāyīh		rasat	
hamāik		targ	کلاه خود
hamīh		sārvār	
hamistih		kulāfak	کلاهک
kilil	کلید	karbāš	کلپاسه
kalisāik	کلیسایی	karbunak	
karsāik		kul dumb	کلدم
karsākik		zahyih	کلفتی
kilisyākīh		kalak	کلک (آتشدان)
yahūtīh	کلبی	nīrang	کلمات جادویی
yahūt			
jahūt			

uspurrikih		yahūtakān	کلیمیان
vāspuhrakānih		yahūtān	
hordat		hamist	کله
hordāt		hām	
kamān	کمان		
sanvar		gurtak	کله (گرده)
drōn		kam	کم
kaškančir	کمان بزرگ برای انداختن سنگ	kamik	
kamāndār	کمان‌دار	kēm	
kamānvarih	کمان‌داری	kīm	
xvār mātak	کم اهمیت	kōtak	
kamik	کمبود	nisang	
kamih	کمبودی	handak	
tunuk	کم پشت	andak	
kamtar	کمتر	kas	
kimtar		kast	
kastar		tanuk	
kasist	کمترین	huzār	
kahist		ōzārak	
nītūm		xoʃārak	
nizār čarpīh	کم چربی	duš arz	کم ارزش
kam xratih	کم خوردی	apērakānih	کمال
kam dānišn	کم دانش	bavandakgarīh	
kamar	کمر	bavandakih	
miyān		frahaxtīh	
kustan	کمر بستن	hangartikih	
		hangirtih	
		spurrik-garīh	
		spurrkarīh	

kamih	کمی (کم بودگی)	kamar band	کمر بند
kasih		kamar	
nirfsišn		dawāl	
čandih	کمیت	fravand	
ham bunič	کمی نیز	parvand	کمر بند مقدس
kanār	کنار	fravand	
bār		kustik	
pahlūk		ēvyānghan	
kannār	کنار (آلت موسیقی)	kam ranjīh	کم رنجی
kunār	کنار (درخت و میوه)	ērmēnišnīh	کم رویی
par būtan	کنار بودن	pat avistaxvīh	
kustaktar	کنارتر	kam zōr	کم زور
drayā bār	کنار دریا	nizōr	
danb	کنار رودخانه	kam zōrīh	کم زوری
rōt bār		kūtak xrat	کم عقل
rānēnītan	کنار گذاشتن	kūtak sūr	کم غذا
nihātak	کنار گذاشته شده	friyāt	کمک
kunārankān	کنارنگان (ناحیه)	dastyār	کمک دهنده
bār	کناره	friyāhit	کمک شده
kanārak		nirfsītan	کم کردن
karān		kāhēnītār	کم کننده
kustakih		band	کمند
vimand		kamand	
danb		anapasīnišn	کم نشدنی
parčīnak	کناره دار	anizār	
parčīnōmand		hambun	کمی (اندکی)

kanišnih	کنشی	frōt vaštakih	کناره گیری
kunišnih	کنشی	frōt vartitan	کناره گیری کردن
šan	کنف	kanārakōmand	کناره مند
šānēn	کنفی	kanārōmand	
kangdēz	کنگ دژ (نام محل)	kanārakōmandih	کناره مندی
varzitārih	کنندگی	gristak	کنام
kantār	کننده (حفار)	giristak	
jān hanj (کننده جان)		kunčit	کنجد
kartār	کننده	spōzkār	کند
kunāk		pas dānišnih	کند ذهنی
kunišnkar		kundūr	کندر
varzitār		kundurg	
kunišn varz	کننده کار	kanišnih	کنندگی
nūn	کنون (اکنون)	kantan	کندن
bunist	کنه	kandan	
kanič	کنیز	kanditan	
kanēčak	کنیزك	kaftan	
kaničak		rūtan (پیرکردن)	
kanīsak		kandak	کنده
kavāt	کواد (قباد، نام خاص)	kanišn	کنش
kavātān	کوادان	kunišn	کنش
kōpēnītan	کوبانیدن	vēh kunišn	کنش خوب
kōpēn	کوبه	kunišnōmand	کنش مند
kōftan	کوبیدن	mēt kunišnih	کنش نادرست
kustan		yān kunišn	کنش نیکو
sūtan			

kūč		kōpēn	کوبین (چکش)
xōrt		kūt	کوت (توده‌ای از چیزی)
xōrtak		kōtāh	کوتاه
xvartak		kōtak	
xvart		kūk	
bačak		kūtak	
gišnak		kūtak-ič kūt	(بسیار کوتاه)
taranak		gišnak	
kam		kēhist	کوتاه‌ترین
kēm		kūk dumb	کوتاه دُمب
kīm		nirfsitan	کوتاه کردن
kas		kastagih	کوتاهی
nisang		vitistik	کوتوله
ōzarak		kōtak bin	کوتاه بین
kastar	کوچکتر	kōtak nikirišnih	کوتاه بینی
kimtar		xortak nikirišnih	
hačiš kasān	کوچکتران	kōtak pāyakih	کوتاه پایگی
kēhān		kōtak xrat	کوتاه خرد
kamist	کوچکترین	kōtak nikirišnih	کوتاه نظری
kasist		kōtak nikirišnih	کوتاه نگری
kēhist		kōtin	کوتین (درختی است)
nītūm		frāč fravāyišnih	کوچ
kūtak dānagān	کوچک دانگان	kūčak	کوچک
kāstak	کوشتک شده	kōtak	
kasih	کوچکی	kōk	
xōrtakih		kūk	
xvartakih			
kōy	کوچه		
srat			

brēzan		kūtak	کود
tūn		sargīn	
vitarak	کوره راه	vačak	کودک
kōrih	کوری	kōtak	
kūrih		kūtak	
bastišn i čašm		kavātak	
kapārih	کوزه سفالی	nōk zātak	
yāmik paz	کوزه گر	apurnāy	
dūsingar		apurnāyak	
apāč kōfak	کوژ پشت	apurnāyag	
kōfik		apurnāyik	
apāč kōfak	کوژ سینه	rasik	
kūsak	کوسه (باهی)	kūtak i raz	کودک رز (انگور)
kōšitār	کوشا	kūtakih	کودکی
kōxšāk		arasih	
kōšišnik		apurnāyih	
tuxšāk		zāyišnik	کودکی که باید زاده شود
asūtak		halak	کودن
kōxšākih	کوشایی	asištak	
tuxšākih		kōr	کور
tuxših		kūr	
tuxšišn		kūrvāgarīh	کوره پزی
zēnāvandih		kōr čašm	کور چشم
ayōzišn	کوشش	kōr dil	کور دل
kartārīh		brēj	کوره
kōšišn		brēz	
kōxšišn			

kōxšitārih	کوشیداری	kuxšišn	
kōxšitan	کوشیدن	harg	
kōšitan		rāy	
tuxšitan		tuxšākih	
vixāzitan		tuxših	
āyōjitan		tuxšišn	
ayōzitan		tuxšn	
		xvēškārih	
xvar	کوفتگی	dušyāčakih	کوشش بد
kōftan	کوفتن	hūyāčakih	کوشش خوب
kōpēnitan		hūtuxših	
pat kōpitan			
patkōftak	کوفته	kōxšišn kartār	کوشش کردار
hūtak	کوفته شده	tuxšitan	کوشش کردن
hūt		kōxšitan	
		vixāzitan	
kūfah	کوفه (شهر)	kōšitār	کوشش کننده
puštak	کوله بار	kōšišnik	
puštak	کوله پستی	kōxšišn kartār	
adiyār	کومک	kōxšišnōmand	کوششمند
adiyārih		kōšišnik	کوششی
apāstih		kušk	کوشک
dastiyārih		kōšk	
dastyārih			
dastwar		kōšitārih	کوشندگی
frahāt		niyāw	کوشنده
frayātišn		niyāp	
frayāt		hūtuxš	
mat frayāt		kōxšišn kartār	

aparsēn	کوه ابرسن	hayyārīh	
ērīz	کوه اریر	kōč	
asparōč	کوه اسپروز	puštēpān	
asnavand	کوه اسنوند	puštīh	
asay	کوه اسی	nīrmat	
kōfān	کوهان شتر	apar apākīh	کومک آسمانی
usin kōf	کوه اوسین	ham ayyārīh	کومک بیکدیگر
usindām	کوه اوسندام	friyātītan	کومک خواستن
ušdāštār	کوه اوشداشتار	pat čār dātan	کومک دادن
kōf dār	کوهبان	ayyār	کومک کار
vas škuft	کوه بس شگفت	hayyār	
patišxvar kōf	کوه پتشیخوار	frayātišnik	
patišxvār-gar		ayyārēnītan	کومک کردن
mahist andar xvārīh		apākēnītan	
panjīstān	کوه پنجستان	frayātītan	
pahrgar	کوه پهرگر	adiyārēnītan	
kōftač	کوه تاز	adiyārītan	
tūs	کوه توس	hamēšak apākīh	کومک مداوم
čimkān	کوه چیمکان	kūn	کون
kōf čīn	کوه چین	kund	کوند (نام دیوی است)
kōf dār	کوه دار	kōf	کوه
dumbāvand	کوه دماوند	gar	
var i čahār gōšak		grīvak	
		čikāt	
		āsāyōmand	کوه آسیمند

kē	که (موصول)	rāzak	کوه رازک
kū		rōšn kōf	کوه روشن
kē	که (استفهام)	rōyišnōmand	کوه رویشمند
kēhān	کهان	kōhistān	کوهستان (نام محلی است)
kēhist	کهترین	kōfīk	کوهستانی
kahrupāk	کهربا	garīk	
kahrupāy		farrahōmand kōf	کوه فرهمند
šapak	کهربای سیاه	xvarrahōmand kōf	
rās i kāyōsān	کهکشانشان	kōf kaf	کوه قاف
kahun	کهن	kōfak	
kahwan		kōfak	کوه کوچک
kaxvan		kōigrās	کوه کونیگراس
kohun		vināpat kōf	کوه گناباد
mastar		mēčan	کوه مچن
kahwanīh	کهن بودگی		کوه مهست اندر خواری (کوه پتشیخوار)
kahwanīh	کهنی	mahist andar xvārih	
kad	کی (چه وقت)	kōfān	کوهها
kai	کی (عنوان پادشاهان کیانی)	kōfihā	
kē	کی (چه کسی)	kōfīk	کوهی
kay apiveh	کی ایوه (نام خاص)	garīk	
kay āraš	کیارش (نام خاص)	kōfdār	کوهیار
kay arš		kōfīkīh	کوهی بودن
kayān	کیان	kōy	کوی
xvarrah i kayān	کیان خره	kūy	
kayānsē(h)	کیانسه (دریاچه)	kas	که (کوچک)

patvāsak	کیف چرمی	kayān xvarrah	کیان فرہ
čēgōnih	کیفیت	kayān farrah	
ētōnih		kay vāhrām	کی بہرام
gatišn		kay byāraš	کی بیارش (نام خاص)
astišn		kay byārš	
astišnih		kay pisin	کی پسین
kay kavāt	کیقباد (نام خاص)	kay pasin	
kayk	کیک (جانور)	kay pisin	کی پشین (نام خاص)
kay kāyūs	کیکاوس (نام خاص)	kay husraw	کی خسرو (نام خاص)
kay kāyōs		kay xusrō	
kay us		kay xōsrōi šāt	کی خسروشاد (شہر)
kay vištāsp	کی گشتاسپ (نام خاص)	kīt	کید (نام خاص)
kay luhrāsp	کی لہراسپ (نام خاص)	kīt i hindūk	کید ہندی
kēn	کین	kītān	کیدھا
kēnih	کین داشتگی	gawāl	کیسہ
kēnitan	کین داشتن	juwāl	
kēnēnitan	کین کشیدن	hanbān	
kēn mēnišn	کین منش	hanbān	کیسہ چرمی
kēnitan	کینیدن	hambān	
kēn	کینہ	zahrak	کیسہ صفرا
hišm		zahr pōšišn	
dušmēnātih		kēš	کیش
kēnik	کینہ جو	kēšdār	کیش دار
kēn mēnišn		kēšvar	
hišm kāmakihā	کینہ جویانہ	kēšvarik	کیش داری
		pōryōtkēših	کیش دوران کین داشتن

kaivān	کیوان (زحل)	duš mēnīh	کینه جویی
kēvān		kēnēnītan	کینه جوئی کردن
kōšk	کیوسک	kēnīk	کینه دار
gayōmart	کیومرث (نام خاص)	akēnīh	کینه نداشتن
gayōkmart		kēnvar	کینه ور
kay vištāsp	کی ویشناسپ (نام خاص)	kēnīh	کینه وری
kadīh	کی (کی بودگی)	kēnvarīh	
		akēnīh (بی کینی)	

گ

gām i dō pāδ	گام دوبا (مقیاس طول)	gāsān	گاثان (سرود های گاثا ها)
gānak	گانه (پسوند شماره)	gātāk	
gāw	گاو	gāsānik	گاثانی
nāwak	گاو آهن	gāsān guft	(عبارات سرود های گاثانی)
gāv i katakik	گاو اهلی	gāsān srāyišnīh	(سرایش گاثا ها)
gōband	گاو بند	hamharz	گارد شخصی
gōčihr mār	گاو چهارمار (صورت فلکی)	vartiyun	گاری
gāv dumb	گاو دم	gāzar	گازر
gāvars	گاورس	gāzarih	گازری
gāl		gazitan	گاز گرفتن
gōstān	گاوستان	gām	گام
gāv sar	گاو سر	pāi	
varzāk	گاو شخم زن	pād	
gāv i varzāk	گاو کشت و ورز	padak	
		vispurtan	گام برداشتن

gāhvārak	گاهواره	gavāzan	گاو کوهی
gāsān	گاهها	gāv i kōfīk	
gāsīh	گاهی	gāv māhīk	گاو ماهی (نوعی ماهی)
hast ... hast	گاهی ... گاهی	gāv mēš	گاو میش
gujastak	گجسته (ملاعون)	gāv i ēv dāt	گاو نخستین آفریده
gaĵastak		gāv i ēvak dāt	
giĵistak			گاو که مردم با آن به خونریزی میاجرت کردند
gizāstak		srisōk	
gač	گج	srišōk	
dōs		gātan	گادن
dūs		gāv ēvak dāt	گاو نخستین
dūsēn		gāh	گاه (زمان)
gač kart	گج کاری شده	gās	
dōsēnītan	گج کاری کردن	giyāk	گاه (جا)
gačēn	گجی	gyāk	
dōsēn		gāsānbār	گاهانبار
vitāpitan	گداختن	mētōkzarm	گاهانبار اول
vitāxtan		mētyāirim gās	گاهانبار پنجم
vitāzēnītan		mētyōkšam	گاهانبار دوم
tāftak	گداخته	pētišhah	گاهانبار سوم
vitāxt		zamānak zamān	گاه بگاه
vitāxtak		sālmar	گاه شمار
vitāzīhistan	گداخته شدن	sālmar	گاه شماری
āpān vitark	گذار آب	ēvsrūsrīm	گاه غروب آفتاب تا نیمه شب
vitāzēnītan	گدازاندن	aiwīsrūk srim	

vitārēnītan	گذرانیدن	vitāzišn	گدازش
sačišnih	گذرای	vitār	گذار
sazišn		hištan	گذاردن
vartišnīkih		vizārtan	
čyān vitarg	گذر چینه‌وت	vitārišn	گدازش (عبور)
žamīk vitarg	گذر زمین	hištār	گذارنده
vitarg	گذرگاه	nikandan	گذاشتن
hūvitargih	گذرگاه خوب داشتن	nihātan	
dušvitarg	گذرگاه سخت	nišāstan	
vitīrišn	گذرش	nihāt	گذاشته
vitārišn		vičar	گذر
dušvitarg	گذر صعب‌العبور	vitār	
vitarakōmand	گذرمند (دارای گذرگاه بسیار)	vitar	
vitārišnih	گذرندگی	vitir	
sazišn		vitarg	
apaxšāyišn	گذشت (بخشایش)	vitark	
apaxšāyišnkārih	(بخشایش)	vitarak	
vixšāyišnih		āpān vitark	گذر آب
vičar	گذشت (گذشتن)	sazišnīk	گذرا
vixšāyišnīk	گذشت کننده	sazistan	گذرا بودن
sačišn	گذشتگی	sačišnīk	گذران
vitartakīh		vitarān	
afrāč sačišnih	(نگذشتگی)	vitirān	
asačišnih	(ناگذشتگی)	vitirān būtan	گذران بودن
sačitan	گذشتن	vitāritan	گذرانیدن
šutan		vitārtār	گذراننده
vitartan			

mas	گرانقدر	vitārtan	
girān vinās	گران گناه	vitaštan	
garān vinās		vitīrtan	
girān vināsīh	گران گناهی	vitīrtan	
girān mēnišnīh	گران منشی	uzītan	
garānīh	گرانی	sazistan	
grāyastakīh	گرایستگی (تمایل)	vitart	گذشته
grāyišnīh	گرایشی	pār	گذشته (زمان گذشته)
grāyēnītan	گراییدن (متمايل کردن)	gar	گر (کچل)
grāyītan	گراییدن	-gar	گر (پسوند صفت فاعلی)
gurbak	گربه	virāz	گراز
udrak	گربه آبی	varāz	
gurbak pāy	گربه پای (جنسی از حیوانات)	varāzān	گرازان (نام خاندانی)
kaš	گرچه	varāzak	گرازه (نام خاص)
girt	گرد	garāmīk	گرامی
vart		grāmīk	
gart	گرد	franāft	
vart		garāmīkīh	گرامی بودگی
xāk		garāmīh	
gort	گرد	garāmīkēnītan	گرامی داشتن
gurt		uzītan	
varāz		garāmīk kart	گرامیک کرد (نام خاص)
hanjāmanīh	گردآمدگی	garān	گران
hanjāmanīkīh		girān	
hanbārišn		garān tačišn	گران تازش
		girān tuxmak	گران تخمه

rawišn		girt āmatan	گرد آمدن
vihēčak		hangat	گرد آمده
vartišn		harōpišnīh	گرد آوردگی
axvān vartišn	گردش جهان	hanbārtan	گرد آوردن
srēšōtak	گرد شده (جمع شده)	handōxtan	
vaštār	گردش کننده	handāxtan	
vartišnīk	گردشی	ō ham kartan	
abē vartišnīh	(بی گردش)	čītan	
girt kartan	گرد کردن	hangartēnītan	
gurtvār	گرد مانند	hamburtan	
gartan	گردن	čīnišn	گرد آوری
grēv		harōpišn	
grīv		gartāp	گرداب
gartan band	گردن بند	dōrak	گردا گرد
zarrēn pusēn	گردن بند زرین (دارنده)	vartēnāk	گردان
zarmān mēnišn		gartānistan	گرداندن
vartēn	گردنده	gartānītan	
vaštār		vartānītan	
gartanak	گردنه	vartēnītan	
grīvak		vartēnītār	گرداننده
tač		gartānak	گردانه
gōz	گردو (گوز، جوز)	vartānītak	گردانیده
gūč		vāt girtak	گردباد
gūž		kustan	گرد چیزی را فرا گرفتن
gurtvār	گردوار	gartišn	گردش
ras	گردونه	gašt	
rah			

garōtmānik	گرمانی	ray	
garčak	گروه	vartiyun	
garzak		vartēn	
garzītan (گرمیدن (شکوه کردن، ناثب شدن)		vartēn-dār	گردونه‌ران
girzītan		gōz i tarun	گردوی تازه
gursagih	گرسنگی	girtak	گرده
gursakih		kurāčak	گرده خمیر
gursnagih		kurāčak	گرده نان
sūδ		hamvašt	گردهم آمده
suy		gortih	گردی
šuy		girtih	
axvartārīh		gurtih	
šōyišn		vartitan	گردیدن
asōhišn (بی گرسنگی)		gartitan	
gursag	گرسنه	vaštan	
gursinak		gaštan	
gušnak		vartak	گردیده
šōyišnōmand		vazr	گوز
sūtak		varz	
asūr		gat	
asōhišn	گرسنه نبودن	gad	
karsēvaz	گرسبوز (نام خاص)	gatvar	گوزدار
karēšāsp	گرسپ (نام خاص)	gat zanišnih	گوز زنی
karšāsp		garzišn	گرمش (شکوه، توبه)
krišāsp		garasmān	گرمزمان (عرش اعلی)
karsāsp		garōtmān	
sām			

taft		griftār	گرفتار
tāftak		grawik	
tāpāk		dast graw	
tapāk		grawik	گرفتار شده
tāpīk		dastgrawīh	گرفتاری
garmōk	گرما	grawīh	
damak		andōh	گرفتگی دل
tap		griftan	گرفتن
tāp		stātan	
tapišn		stānītan	
tāpišn		grawītan	
āpzan	گرما به	girišnīk	گرفتگی
garmāpak		griftārōmand	
garmsēr	گرمسیر	graw	گرفته
tapišn	گرم شدگی	giriḥastan	گرفته شدن
tapišnih		griftak	گرفته شده
tāftan	گرم شدن	gurg	گرگ
taftan		gurg āpīk	گرگ آبی
tapītan		gurgān	گرگان (شهر)
taftīk	گرم شده	vargān	
garmak	گرمک (میوه)	gurgānīk	گرگانی
tāftan	گرم کردن	girgir	گرگرو (نوعی غله)
garmīh	گرمی	gurg zat	گرگ زده (کشته شده توسط گرگ)
graw	گرو	kurk magas	گرگ مگس
grōkān		garm	گرم
virravāk	گروا	garmōk	

gravitan	گرویدن	vāštan	گروانیدن
virravistan		haxtan	گروانیدن به مذهب
vāvarikānihastan	گرویدن به دین راست	anagr i rōšn	گروتمان
haxtan	گرویدن به مذهب	garōtmānik	گروتمانی (بهشتی)
virravāk	گرویده	virravišn	گروش
avirravišn (ناگرویده)		giravišn	
grawih	گرویی	gravišn	
band	گره	hāčišn	گروش به دین نو
grah		hāzišn	
grēh		virravišnīh	گروشی
grih		virravišnīk	
gris		graw	گروگان
pixak		grōkān	
graw	گره (درنی)	grōkān-dār	گروگان دار
grah	گره چوب	graw kartan	گرو کردن
pixak		graw kartan	گرو گرفتن
grahmak	گره مک (نام خاص)	virravišnīkān	گروندگان
gryān	گریان	duših virravēnītār	گرونده به بدی
barmān		grōh	گروه
barmvand		gund	
garzān		kōt	
garzišnīk		srēšak	
čihīšnīk		gāl	
gryēnītan	گریانیدن	ram	
garīvpān	گریبان	vīr ramak	گروه دلیران
grīvpān		giravišn	گرویدگی

vičār	گزار	virēkīh	گریختگی
vičārišn	گزارش	virēxtan	گریختن
vizārišnīh		vaxtan	
	گزارش شترنج (نام کتاب)	rastan	
vičārišn i čatrang		duwāristan (اهریمنی)	
kār nāmak	گزارش کار	patītan	
	گزارش گمان شکن (کتاب)	ǰastak	گریخته
škand gumānik vičār		rastār	
vičārtārih	گزارندگی (تبیین)	varik	گریز
vičār	گزارنده	virēk	
vičārtār		virēkīh	
		nīdvār	
gazišn	گزش	nīdwārišn	
gazišn kartār	گزش کردار	duwārišnīk	
vizand	گزند	virēzān	گریزان
vizēnd		gristan	گریستن
gazand		grīvak	گریوه (گردنه)
vizāyišn		garīvak	
vizūtārih		brāmak	گریه
apē bēš (بہی گزند)		mōyak	
vizāyišnīk	گزند آور	mūyak	
vizūtārih	گزند رسانندگی	gristan	گریه کردن
vizūtan	گزند رساندن	čihītan	
vizūtār	گزند رساننده	šēvan ut mōyak	گریه و زاری
vizandkār	گزند کار	lāpak-garīh	
vizandgar		gažāk	گزا
vizand kartār	گزند کردار		

bālēnītan nipāstan	گسترانیدن	gažāk gazūk gazišn kartār	گزیده
vistarišnīh	گستردگی	vizītār	گزیده‌ار
ustān dastih	گستردگی دست	gazišn	گزیده‌گی
vistartan nipastan kašītan	گستردن	vičītārīh vēzišn vēčišn vičēn	گزیده‌گی
vistarišnīk	گستر دنی	gazītan gažītan	گزیدن
vistart vistarišnōmand	گسترده	vičītan	گزیدن
bālītan	گسترده شدن	vičītak vičīn	گزیده
vistarišn frāxvīh	گسترش	vičīhistan vičīhītan	گزیده شدن
vistarišnōmand	گسترش مند	vičītārīhā	گزیده‌وار
vistarišnīh vistarišnīk	گسترشی	vičār vičīn	گزیر
visāndakīh visistakīh visustakīh visānišn visānišnīh	گستگی	vičītār vizītār vičēnkar	گزین
visastan visistan vusastan visāndan	گستن	vistāxv tarōmat	گستاخ
visiy vasi	گی (گیل)	vistāxvīhā tarmēnītan	گستاخانه گستاخ بودن

frāxv		karrēnišn	گسیختگی
sahmānak		visastan	گسیختن
frāxv anik	گشاده جبین	vusastan	
frāxv anik	گشاده روی	vasi kartan	گسی کردن
frāxv mēnišn	گشاده فکر	visiy kartan	
gašt	گشت	vasi	گسیل
vištāsp	گشتاسپ (نام خاص)	visiy	
rāmšatr	(لقب گشتاسپ)	visē	
vištāspikih	گشتاسپی	visih	
vartakih	گشتگی	vasi kartan	گسیل کردن
vartišnih		visē kartan	
vaštakih		visiy kartan	
vištakih		višāt	گشاد
vištārih		frāxv	
vaštan	گشتن	frāxv mēnišn	گشاد اندیشه
vištan		frāxv anik	گشاد چهره
gaštan		višāt darih	گشاد دری (سیخاوتمندی)
vartan		frāxvēnitān	گشاد کردن
vašt	گشته	frāxvitan	
vištak		frāxvēnitār	گشاد کننده
vartak		višātakih	گشادگی
vartēn		frāxvih	
vartak ruwān	گشته روان	višātan	گشادن
gušasp	گشسب (اسب نر)	višātak	گشاده
gōšn	گشن	višāt	
gōšnak		ustik	
gušn			
gōšnih	گشن بودگی		

rōšn gowišnīh	گفتار صریح	gušnasp	گشنسپ (اسب نر)
frēh huxt	گفتار عالی	gušasp	
ōstavān gowišnīh	گفتار قانع کننده	vušn kartan	گشن کردن (آبستن کردن)
hampursakih	گفت و شنود	gōšnīh	گشنی
dranjīšn	گفنگو	gušnīh	
vāčišn		gašnič	گشنیز
frašn		gišniz	
hamgōwišnīh		višātan	گشودن
guft pasaxv		apāč kartan	
dranjītan	گفگو کردن	viyāftan	(گشودن دهان)
hampursītan		guftār	گفتار
xūp dranjīšnīh	گفنگوی خوب	gōwišn	
gōftan	گفتن	gōwišnīk	
guftan		gōvičār	
vāčītan		saxvan	
vāxtan		saxvanihā	
dranjēnītan		vāčak	
dranjītan		vāčīk	
dūyītan		huzvān	
framūtan		duš-huxt	گفتار بد
gōwišnīk	گفتنی	halak gōwišn	گفتار بیهوده
vāxt	گفته شده	yān gōwišn	گفتار خجسته
gafr-gāv	گفر گاو (نام خاص)	huxt	گفتار خوب
vart	گل	vēh gōwišn	
gul		frāhuxt	
		arišuxt	گفتار راست

pah		gil	گل
pasvīk		laĵan	
gilak	گل	āturgōnak	گل آذربون
apēm̄ust (بی گله)		urmūt	گلایی
garzišn		gulaxšān	گلخشان (نام خاندانی)
garzišnīh		xērīk	گل خیری
vāstaryōših	گل پروری	kārtak	گل درخت خرما
gōspandān ramak	گل چهارپایان اهلی	gul-dastak	گلدسته
hupāh	گل خوب دارنده	vālgōnak	گلزنک
gōspand varzītār	گلدار	gulzār	گلزار
gōspandōmandih	گلهداری	gulzār	گلستان
gōspand varzīh		gul	گل سرخ
gōspand varzītārīh		vart	
garzišnīk	گلهمند	zartak	گل کاجیره
mustōmand		zartak	گل کافشه
gilak mēnišnīh (گلهمنی (نارخصایتی دائم)		kētak	گل کیتک
hamē vahār	گل همیشه بهار	bōrān	گلگون
gilēn	گلی	vālgōnak	گلگونه
gumārtan	گماردن	mēč vars	گل مچ ورس
gumāštan		galūk	گلو
gumārtak	گمارده	nāy	
gumārītan	گماریدن		گل و آبی (خاکی و آبی = ذوحیاتین)
gumāštan	گماشتن	gilāpak	
gumārtan		ram	گل
gumārītan		ramak	

apērāsēnītār	گمراه کننده	gumārtak	گماشته
viyāpānēnītār		gumān	گمان
viyāpānītār		apēgumānīh dātan	(بی گمانی دادن)
viyāpānkar		gumāngarīh	گمان داشتگی
viyāwānēnāk		dīōj gumānākīh	گمان دروغ
marnjēnītār		gumān-kārīh	گمان کاری (تجربه)
ahramōg		gumānītan	گمان کردن
apērāsēnītārīh	گمراهی	pat ēt dāštan	
apandīh		gumāngar	گمانگر
druvandīh		gumāngarīh	گمانگری
viyāpāngarīh		gumānōmand	گمان مند (شکوک)
kanāvat	گناباد (شهر)	apērās	گمراه
gannāk mēnōk	گنناک مینوک (اهریمن)	apand	
ganāk mēnōg		druvand	
ganāh mēnōk		durvand	
vinās	گناه	vidēftak	
gunāk		viyāpān	
āstānak		viyāpānēnītārīhā	(گمراهانده)
vačak		vartak ruwān	گمراه روان
bačak		apērāsitan	گمراه کردن
bazakīh		viyāpānītan	
dastak		viyāpānēnītan	
māndak		viyīftan	
āstār		marnjēnītan	
apārak		apērāsēnītārīh	گمراه کننده گی
apārōnīh		viyāpānkarīh	
xvar (نام درجه ای از گناه)		marnjēnītārīh	
ōyrišt (درجه ای از گناه)			
anērang (بی گناه)			

girān vinās

mar

anāpuhl

anāpuhlak

apārak

apārōn

dafr

apārōnihā

گناهکارانه

margarzān

گناهکار مستحق مرگ

margarzānik

ēmārōmandih

گناهکاری

vināskārīh

vināsīh

garān vināsīh

گناهکاری بزرگ

margarzān

گناهکاری که باید تازیانه بخورد

vināsīh

گناه کردگی

vināsišn

vināsītan

گناه کردن

āstārītan

āstārēnītan (سبب گناه شدن)

garān vinās

گناه گران دارنده

vināsōmand

گناهمند (گناه‌دار)

tanāpuhr

گناه نابخشودنی

vināsīh

گناهی

vināsītan

گناهیدن

gōnbat

گنبد

gumbat

kūn marzīh گناه انحراف جنسی

ōyrišt گناه اوی‌ریشت (درجه‌ای از گناه)

drāyān ĵawišnīh گناه باصدا غذا خوردن

گناه با یک تار کفش راه رفتن

ēv mōk duwārišnīh

drāyān žōyišnīh گناه بد غذا خوردن

brahnak duwārišnīh گناه برهنه راه رفتن

višāt duwārišnīh

girān vinās گناه بزرگ

višāt duwārišnīh گناه بی‌کستی راه رفتن

višāt duwārišnīh گناه بی‌کفش راه رفتن

tanāpuhr گناه تنافور (گناه نابخشودنی)

گناه جدا بستری (زنی که باشوی هم‌بستر نمی‌شود)

yut vastarīh

ēvak barīh گناه حمل جسد مرده به تنهایی

vināsōmand گناه‌دار

گناه سخن گفتن در حال غذا خوردن

drāyān ĵawišnīh

vināskār گناهکار

vināsišnkar

vačak-gar

bačak-gar

bačak-kar

bazak advēn

bazak āyēn

gandak	گنده (گندیده)	ganj	گنج
gandih	گندی	fravastan	گنجاندن
gandakih	گندیدگی	ganj i šēčikān	گنج شپیکان
gandih		ganj i šaspikān	
pašanjišn		šapikān	
ganditan	گندیدن	ganj i šēčikān	گنج شیزیکان
gandak	گندیده	vanjišk	گنجشک
gannāk		vinjišk	
vandōi-šāhpuhr	گندی شاپور (شهر)	ganjwar	گنجور
gung	گنگ	ganjwarih	گنجوری
gang dēz	گنگدز (نام محل)	vanjitan	گنجیدن
gungih	گنگی	fravastak	گنجیده
agōvākīh		ganj	گنجینه
guwār	گوار (شهر)	ganjēnak	
guhārāk	گوارا	hambār	
gukārišn	گوارش	gand	گند
guhārāk	گوارنده	hēxar	
gukārtan	گواریدن	hixr	
gukārītan		gund	گند (سرباز، لشکر)
govārītan		gandarw	گندرو (نام دیو)
gukārīhītan		gand zanišn	گندزدایی
agukārīt (ناگواریده)		gandōm	گندم
gowā	گواه	jurtāk	
gowāk		zurtāk	
gukāy		gandom karp	گندم شکل
gukās		gandanāk	گندنا (تره)

mayuk		gukāsīhā	گواهانه
kandak (خندق)		zūr gukāy	گواه دروغ
gōtarz	گودرز (نام خاص)	gowākih	گواهی
gōdarz		gukāi	
gōtarzēn	گودرزین (نام خاندانی)	gukāsīh	
frōt kanišnīh	گود کردن	gukāyīh	
gawrīh	گودی	gukāyītan	گواهی دادن
mēy		zōr gukāsih	گواهی دروغ
tēh		zūr gukāyīh	
zahā		gukāyītan	گواهییدن
zahyā		gōbār	گوبار (جوباره از محلات اصفهان)
zahīh		gōpat	گوپت (نام سرزمین)
zahyād		gōkpat-šā	گوپت شاه (نام خاص)
zahyīh		kuhōnz	گوجه وحشی (گوجه کوهی)
zufāk		gōčihr	گوچیهر (ستاره)
zōfāk		gawr	گود
zufāy		gōr	
zofrāy		nist	
zufāyak		nišīp	
zufākīh		zōfāk	
zofāyīk		zofr	
žufāk		zofr pāyak	
žufrāk		zufr	
gōr	گور	nāyōk	
gūr		čāh	گود
jānakān		may	
hazzān			
gōr	گور خمر		
gūr			

gōš	گوشت (نام روز چهاردهم ازهرماه)	daxmakistān	گورستان
gōšt	گوشت	nasā nikān	گورکن
karp xvār	گوشتخوار	gōz	گوز (جوز، گردو)
gōšt xvarišnih	گوشتخواری	gōž	
gōušōdahak	گوشت قربانی	gūč	
gōštōmand	گوشتمند (دارای جسم گوشتی)	gūzak	گوزک (نام خاص)
xāmič	گوشت نمک‌سود	gavāzan	گوزن
gōštakih	گوشتی	pāzan	
gōštēn		gōzēnak	گوزینه (شیرینی که با گردوسازند)
gōštēn	گوشتین	gautar	گوساله
gōšitan	گوشت دادن		گوسپند تاشیتار (ایزدسواشی)
niyōxšitan		gōspand tāšitār	
niyōxšitan		gōspand	گوسفند
ōšnūtan		mēš	
gōšōmand	گوشت‌دار	pah	
gōš apar dāstan	گوشت داشتن	pāh	
niyōxšāk	گوشت دهنده		گوسفند تخمه (ازنژاد حیوانات اهلی)
niyōxšitār		gōspand tuxmak	
niyōxšišn	گوشت فرادادگی		گوسفند چهر (از نژاد چارپایان اهلی)
niyōxšišnih		gōspand čihrak	
gōšitan	گوشت کردن	gōspandōmand	گوسفند دار
ōšnūtan		gōspand varzih	گوسفند داری
		gōspand varzītārih	
		takal	گوسفند شاخدار جنگی
		gōš	گوشت (نام ایزد نگهبان چهارپایان)

frēftār	گول زنده	framān niyōxš	گوش کننده فرمان
vidēftār		gōšōmand	گوشمند (گوش دار)
dafr		gōšwār	گوشواره
adrujišnih	گول نزدگی	gōšak	گوشه
dast šōy	گومیز	sūk	
gōmēz-dān	گومیزدان	apāč āhangih	گوشه گیری
gōn	گون (قسم، رنگ)	gōšitan	گوشیدن (گوش دادن)
gōnak gōnak	گوناگون	gōkart	گوکرت (نام درخت)
pēšak pēšak		gōkaran	گوکرن (نام درخت اساطیری)
gōnak	گونه	gōgart	گوگرد
rōy		gōgirt	
gōhr	گوهر	gōkart	
mātak		gōkartōmand	گوگردمند (دارای گوگرد)
gōhr pēsīt	گوهر آگین	gōgirtōmand	
pēsīt		gōgošasp	گوگشسپ (نام خاص)
pistak		gulār	گولار (نام ناحیه)
pēsitan	گوهر آگین کردن	frēp	گول خوردگی
	گوهر چارپایان (دارنده)	frēpišn	
gōspandān čihrak		frēpihitan	گول خوردن
gōhrīk	گوهر دار (اصیل)	frēftan	گول زدن
pat gōhr		vidēftan	
	گوهر شناس (شناسنده گوهر اشیاء)	druxtan	
gōhrak dānāk		drōzan kartan	
gōhrōmand	گوهرمند		
gōhr pēsīt	گوهر نشان		
pēsīt			

mētōkzarm	گهنبار اول	pēsītak	
mētyōkzarem		pīstak	
mētōkzarmay		pēsītan	گوهر نشان کردن
maidyōkzarm		gōhrih (اصیل بود گی)	گوهری
mētyārēm	گهنبار پنجم	gōhrik	
mētyār		pat gōhrik	
maidyāirim		mātakik	
ayāsrīm	گهنبار چهارم	matakih	
mētyōšēm	گهنبار دوم	gōhrikih	گوهری بودن
mētōkšēm		gōy	گوی
paitiśā	گهنبار سوم	gōḍ	
hamaspamaidayam	گهنبار ششم	gōwāk	گویا
hamaspasmēdēm		hangār	گویا! (انگار)
hamaspatmētyaēm		gōwākīh	گویایی
mātak	گهواره	xāyik	گوی چشم
gāhvārak		gōwišn	گوش
gai	گی (شهر جی در اصفهان)	gōwišnōmand	گویشمند
gyāh	گیاه	gōftār	گوینده
urvar		guftār	
rōḍmān		guh	گه
rōymān		guhvart	گه آلود
kākūrak (نوعی گیاه است)		guhvart	گه گرد (آلوده به کثافت)
kūtak dānagān	گیاهان کوچک دانه	guhgartak (سوسک سرگین غلطان)	گه گرد
urvar karpīh	گیاه اندامی	gāsānbār	گهنبار
zāz	گیاه بی ثمر		

star	گیج	urvar karpīh	گیاه تنی
start		urvar čīhrak	گیاه چهر
stūw		urvar xvārišn	گیاه خوار
stūwīh	گیج شدگی	urvar xvarišnīh	گیاه خواری
sturtan	گیج شدن	šēt	گیاه طبی (برای سقط جنین)
astartakīh	گیج نبودگی	bačak	گیاه فشردنی برای شیره کشی
sturtakīhā	گیج وار	urvar čīhrīh	گیاه گوهری
startīh	گیجی	giyāōmand	گیاه‌مند (دارای گیاه)
startakīh		urvar čīhrīh	گیاه نژادی
anašnāsīh		hōm	گیاه هوم
gīrāk	گیرا	urvar čīhrak	گیاهی نژاد
gīrišn	گیرش	gēpakān	گیپکان (نام خاندانی)
gīrihastan	گیر کردن	gētīh	گیتی
griftār	گیرنده	gētik	
gīzak	گیزک (نام خاص)	gētāh	
gēs	گیس	gētāihā	(گیتیانہ)
gēsvarīh	گیس‌داری	gētāh ārāy	گیتی‌آرا
mōdak	گیس‌کندن		گیتی‌خرید (تشریفات مذهبی برای خرید آن‌دنیا)
mōyak		dēlik xrit	
gēs	گیسو	gētīh kārīh	گیتی‌کاری
gēsūk		gētīh nikīrišnīh	گیتی‌نگری
gēsvar	گیس‌دار		
gēsvarīh	گیس‌داری		

gīvak	گیوه	gēsvarih	گیسوری (گیسوداری)
gēhān	گیهان	gīlān varen	گیلان (شهرستان)
gēhān i kōtak	گیهان کودک (جهان خرد)	gīv	گیو (نام خاص)
gēhānīgān	گیهانیان	gīv i gūtarzān viv	(گیوگودرزان)

ل

lāpak-karīh		panīh	لنامت
kāskēnēn	لاجوردی	panēnītārih	
kāsakēnēn		panīk	لشیم
lārān	لاران (لارستان)	pardak	لا (ل)
lārān	لارستان	tōk	
ačārīk	لازم	tōp	
apāyastak		tōf	
apāyišnīh		kamist	لااقل
apāyišnīk		lāf	لاپه
apāyastan	لازم بودن	rāpak	
šāyastan		lāwak	
nasāy pačišnīh	لاشه پزی	lāpak	
vahunazg	لاشه خوار	rāpak karihā	لاپه کنان
vohunazg		lāpak-kar	لاپه گر
nasāy javišnīh	لاشه خواری	rāpak karih	لاب گری
ačīš	لاشی	lāpak-garīh	

لاغری	۴۴۵	لاپتناهی
لاغر	bārik	لاپتناهی
	nizār	
لاغر شدن	nizārīhastan	
لاغر کردن	nizārēnītan	لایق
لاغری	nizār čarpīh	
لاف زن	huzvān drānā	لایق تمجید
	huzvān drāyēnītār	لایق زدن و ویران کردن
لاف زنی	apartanīh	لایق شنیدن
لاک پشت	kāsūk	
	kašūk	لایق گفتن
	kašavak	لا به
لال	gung	
لال بودن	gungīh	لب
لاه	ālālak	لباس
لانه	nišēmak	
لانهایه	asahmān	
	akarānak	
	akanārak	
لانه حیوانات	gristak	
لانه مرغ	nišēm	
لاوجود	anahast	
لاوجودی	anahastīh	
	anastakīh	
لاوه (لا به)	lāpak	لباس پوشیدن
	lāwak	
		asar
		apat
		akanārakōmand
		ātāv
		attōk
		apāyišnik
		buržišnik
		zanišnōmand
		niyōxšišnōmand
		gōwišnik
		tōp
		tōf
		laf
		lap
		yāmak
		jāmak
		kapāh
		tan jāmak
		pūšišn
		patmōč
		patmōk
		patmōčišn
		vastar
		vastarg
		vistarg
		varr
		pōšītan
		patmōxtan

nisang	لحظه	vistartan	
hāsr		andar kartan	
vāčik	لحن	nihumbitan	
frāč vāngih	لحن بلند	mēxak	لباس تنگ
lutak	لخت	garmānak	لباس گرم
rūtak		vīr vastarg	لباس مردانه
huniyākīh	لذت	aparrēxt	لبریز
urvāhman	لذت بخش	āravēnāk	
huniyāk		āšixtan	لبریز شدن
drafšnik	لرزان	fravēnītan	لبریز کردن
vizandak		nihvārišn	لبریزی
larzēnītan	لرزاندن	tačišn	
čandišn	لرزش	tačišnih	
šip		āpaxšikih	لبریزی آب
larzītan	لرزیدن	kanār	لبه
čandītan		parrak	
drafšītan		tēh	
apāyast	لزوم	nīš	
frēčvānih		vastārih	لجاجت
frēčpānih		duš framān	لجهاز
gund	لشکر	vastār	
hēn		stambak	
laškar		duš framānih	لجهازی
spāh rawišn	لشکر کشی	lašan	لجن
laškarik	لشکری	pūšišn	لحاف
kārān	لشکریان		

vēpīk	لقاح	laškarīkih	لشکری بودن
parš	لکه دار	dōšārm	لطف
žūtan (بالکنت حرف زدن)	لکنت	yān	
daxšak	لکه	vizāstan	لطمه زدن
vispurtan	لگد زدن	narm	لطیف
ōspurtan	لگد کردن	nāzik	
xvastār	لگد کوب شده	taranak	
xvāhišn	لگد کوبی	tarrōk	
girišn	لمس	tarun	
mālišn		naxšak	
marz		xvaš	
sōh		nifrīn	لعنت
sōhišnih		nafrīn	
sōhišnih	لمس شدگی	nafrītak	
maršt	لمس شده	gazišn	
mālitan	لمس کردن	duš saxvanih	
marzitan		gazūtan	لعنت کردن
sōhistan		nifrīn kārīh	لعنت کننده گی
sūtan		nifrīn kar	لعنت کننده
patkōftan		gaṣastak	لعنتی
ayinaftan		guṣastak	
mālišnik	لمس کردنی	nifrītak	
girišnik		frahang	لغت نامه
griftārōmand		kirtak	لغز
mālītārīh	لمس کننده گی	škarvītakīh	لغزیدگی
mālītār	لمس کننده	rānak būtan	لغزیدن
		škarvītan	
		rēčītan	

kai luhrāsp	لهراسپ	nisītan	لمیدن
luhrāsp		parīk	کنبر
lurāsp		tāk	لنگه
ātāvīh	لیاقت	kun marzīh	لواط
attōkīh		vihēpītan	لواط کردن
sazākīh		kun marz	لواط کننده
šāyēndakīh		lutak	لوت (برهنه)
arzānikīh		rūtak	
rēčītan	لیزیدن	rūtan	لوت کردن
listan	لپسیدن	nasruštīh	لوٹ
lištan		āhōkēnišn	
piš	لیف خرما	taxtak	لوحه
ĵāmak	لیوان	lōzēnak	لوزینه (شیرینی بادامی)
takōk		nāyčak	لوله آب
yām	لیوان شیشه‌ای		

م

niyāki	مادر بزرگ	ōm	م (پسوند اعداد ترتیبی)
mātarīh	مادری	amāh	ما
mātakān	مادگان	amāk	
mātakīh	مادگی	amākān (ماها، متعلقان ما)	
mātak	ماده	startan	مات شدن
mātaγ		sōk	ماتم
zahak		sūk	
gōhr		čihītan	ماتم گرفتن
gōhrak		mād	ماد (سرزمین)
māt		ka	مادامی که
gōhrīhā (ماده')		mātar	مادر
astōmandihā (ماده')		māt	
mātak	ماده (مؤنث)	mām	
denūtak		burtār (کسی که درانتظارمادرشدن است)	
mātagdān	ماده اصلی	burtār māt	مادر آبستن

umān	مارا	mātak	ماده اولیه
māraspand	ماراسپند (نام خاص ، روز بیست و نهم ازهرماه)	mātakik	ماده‌ای
māraspandān	ماراسپندان (نام خاص)	mātakih	ماده بودن
mār vāčik	مار بازی	mātak kāmak	ماده کامه (متماثل به زنان)
mār bānak	ماربانکه (نوعی مار زهردار)	astōmand	مادی
mār pat parrag	مار پردار	gētāhik	
až tuxmak	مار تخمه	gētāik	
mār gan	مار زن (مارکش)	tanikartik	
māryan		gētihihā	(بطریق مادی)
mār karpīh	مارشکلی	mādik	مادی (منسوب به سرزمین ماد)
garzak	مار گرز	matyān	مادیان
kūk garzak	مار گرز کوچک	asp denūtak	
farxav	مارمولک	astōmandih	مادی بودن
karpak		tan kartakih	
mārēndag	مارندک (نام خاص)	harvisp astōmandih	مادی مطلق
tapristān	مازندران	mādigān	مادی‌ها (ساکنان ماد)
māzan		mār	مار
māzandar		garčak	
māzandarān		garzak	
māzanik	مازندرانی	aži	
māzinak		až	
māzanikān	مازندرانیان	āz	
māst	ماست	gaz	
māst zatak	ماست بریده	vark mār	(نوعی مار)
		mārāngāh	(نوعی مار کوچک)
		mārāngōš	(نوعی مار کوچک)

manīk	مال من	māš	ماش
hēr pānak	مال نگهدار	xvartār	ماکول
xarāč	مالیات	hastak	مال
gazītak	مالیات سرانه	hēr	
handūtan	مالیدن	hīr	
mālītan		išt	
muštan		rēxn	
masītan		xvāstak	
sūtan		āvartāk	
maršt	مالیده شده	masēnītan	مالاندن
mām	مام (مادر)	apatmān dārišnīh	مال بی اندازه داشتن
gumārtak	مأمور	xvāstakōmand	مالدار
parvānak		vas xvāstak	
aparmān		afzārīh	مالدار
čāšmakān	مأمورانی که بمنزله چشم شاه هستند	apatmān dārišnīh	
šatrikān	مأمور دولتی	mālišn	مالش
gumārītan	مأمور کردن	mālišnīh	
fristakīh	مأموریت	marz	
fristišnīk		marzišn	
aštakīh		mālītārīh	مالش دهندگی
parvānakīh		mālītār	مالش دهنده
māmūn	مأمون (خلیفه عباسی)	mālišnīk	مالشی
-mān	مان (ضمیر متصل اول شخص جمع)	dārnāk	مالک
mān	مان (خان وسان)	dāštār	
		dāštan	مالک بودن
		xvēšīh	مالکیت
		xvēšēnītārīh	

spōz	مانع	mān i ātaxšān	مان آتشان (آتشکده)
spōž		hūmānāk	مانا (شبییه)
patērānēnītan	مانع ایجاد کردن	mānāk	
patērānītan	مانع شدن	mānākīh	مانائی (شباهت)
patērānēnītan		mānd	ماند (ناحیه)
hūmānāk	مانند	māndakān	ماندگان (بقایا)
hamāl		mānīh	ماندگی
mān		mānišnīh	
angušītak		māndakīh	
čēgōn		māndagīh	
ōyōn čēgōn		masēnišn	(منزل کردگی)
sān		māntan	ماندن
has		māndan	
his		mānistan	
māndan	ماننده بودن	mānītan	
mānōš	مانوش (نام کوه)	nišītan	
mānūš	مانوش (نام خاص)	pātan	
	مانوش خورشیدبینی (نام خاص)	patāyistan	
mānūš i xvaršēt vēnīk		apar pātan	
mānūš xvarnāk	مانوش خورناک (نام خاص)	pattūtan	
mānūš xvarnar	مانوش خورنار (نام خاص)	ēstātan	
mānūšak	مانوشک (نام خاص)	māndak	مانده
zandīk	مانوی	armēšt	
mānī	مانی (پیامبر)	stak	
mānīh	مانی (مانده بودگی)	mānsrspand	مانسر سپند (اهزد)
nmānāy	مانی (خانگی)	mānišn	مانش
		māništ	

varčān		mānīt	مانیت (نوعی گناه است)
afzārōmand		mānītan	مانیدن (ماندن، مستقرشدن)
awzārōmand		māhvindāt	ماونداد (نام خاص)
māhrōy	ماهروی (برسمدان)	māh	ماه (ایزد روز دوازدهم ازهرماه)
barsam-dān		māh	ماه (نام خاص)
purmāh	ماه شب چهارده	māh	ماه (نام روز دوازدهم ازهرماه)
māh gōšasp	ماه 'گشسپ (نام خاص)	māh	ماه ('کره)
andar-māh	ماه نو	āyišm	
māhak	ماهه	māh	ماه (سی روز)
māhikān	ماهها	māhakān	(مدت یکماه)
māhakān		māhik	ماهانه
māh ōhrmazd	ماه هرمز (نام خاص)	māhikān	
māhik	ماهی (منسوب بهماه)	māh bandak	ماه بنده (نام خاص)
māhikān		māh buxt	ماه بوخت (نام خاص)
māhik	ماهی (حیوان دریائی)	māh pāyak	ماه پایه (نام طبقه‌ای ازآسمان)
araz	(نوعی ماهی بزرگ)	māh tamīg	ماه تارپک
pašmāčak	(نوعی ماهی)	māh husraw	ماه خسرو (نام خاص)
marzūkā	(نوعی ماهی)	māh dāt	ماه‌داد (نام خاص)
takē nērōk	(نوعی ماهی بسیار تخم)	uzmūtak	ماهر
māhik	ماهی (برج حوت)	hūšnās	
māh ayyār	ماهیار (نام خاص)	hudast	
māh adiyār		vartak	
čīših	ماهیت	hunarōmand	
tāwak	ماهی تابه	frasāxt	
māhik xortak	ماهی خرد	vijustār	
kar-māhik	ماهی سکر (ماهی اطبری است)		

frakānīh	مبدأ بودگی	āp andar pUSDān	مايع داخل رحم
frakān	مبدأ جهانی	vitāxtan	مايع گرداندن
varṭītan	مبدل شدن	grāy	مايل
dēn burtār	مبلغ دینی	kāmakōmand	
mar	مبلغ	xvāstār	
tāk		xvāstārōmand	
tāhēkar	مبلغ کل	ōgrāi	مايل شدن (کفه ترازو)
bunistak	مبنا	bun	مايه
buništak		sēž	مايه هلاک
bunyaštak		uskārišnīh	مباحثه
bunistak	مبنای اولیه	uskārtan	مباحثه کردن
buništak		pargast	مبادا
varōmand	مهم	sārēnītan	مبارزه طلبیدن (به مبارزه طلبیدن)
mūtak	مبهوت	hūbaxt	مبارک
stūw		hūmorvāk	
start		apēvināxtārīh	مبايغت
startan	مبهوت شدن	sarōmand	مبتدی
snahītan	متاثر کردن	bunist	مبدأ
hūšnās	متبحر	bunistak	
kārākās		buništak	
frasāxt		bunyašt	
vihēzak	متجاوز	frakān	
hamahīk	متحد	kūīh	
hamēn		dahišn	
hamēnītak		bunist	مبدأ اصلی
hambavišn		bunistak	
		buništak	

gōhrak dānāk	متخصص فیزیکی	hamyuxt	
čīhrēnitak	متخلاق	baxtik	
zandak	متداول	ērmān	
dēn burtār	متدین	āyōjitan	متحد شدن
āstavān		hambūtan	
dēnik		patvanditan	
huspūrik		hamēnitān	متحد کردن
kēšvar (متدین بدین غیر رسمی)		patvastan	
targamān	مترجم	hamēnitār	متحد کننده
targumān		ĵumbišnik	متحرک
hūvaxš	مترقی	ēvarzik	
apar māndak	متروک	vazišnik	
sišd		ĵumbīhastan	متحرک شدن
hamōk drahnād	متساوی الطول	burtār	متحمل
hangōšitak	متشابه	pattōk	
hūmānāk		škēpāk	
hangōšitakihā	متشابهاً	vixšayišnik	
ham brahmakih	متشابه الوضیع بودن	bāristān	
ōčirišnik	متشخص	barišnihā	متحملانه
brāzišnik	متشعشع	vartišnik	متحول
karitan	متشکل کردن	start	متحریر
aparmān	متصدی	vitimušt	
hamband	متصل	startihā	متحریرانه
hamēn		hūšnās	متخصص
hamēnitak		uzmūtak	
		frahaxtak	
		awzārōmand	

mārik		paivastak	
frēh		patvastak	
frāy		yumāk	
vas marakih	متعدد بودگی	patvastan	متصل کردن
gandak	متضمن	apyōxtan	
xvēš	متعلق	apiyuxtan	
xvēšihitan	متعلق بخود کردن	hambasān	متضاد
xvēšenitan		hanbasān	
ō xvēš kartan		dušmānāk	
		hambasānihā (بطور متضاد)	
xvēšenitan	متعلق کردن	fravand	متضمن
amākān	متعلقان ما	fravast	
griftārōmand	متعهد	fravastak	
vartēnāk	متغیر	fravatāk	
vartišnik		hangirtik	
vihērišnik		fravastan	متضمن بودن
frajastak	متفرع	marvniš	متطير
pargandak	متفرق	murvandēš	
visāndak		patmānik	متعادل
zruftak		patmānikihā (بطور متعادل)	
vičāarak		tarāzēnitan	متعادل کردن
pargandakihā (بطور متفرق)		buržišnōmand	متعالی
pargantan	متفرق کردن	apargar	
paraganitan		bālistik	
pargandan		vas	متعدد
visāndan		vēš	
hamahik	متعلق	vēšikān	
hamyuxt			

متفکر	٤٥٧	متمايل
متفکر	handēšitār	grāyītan متمايل شدن
متفکرانه	mēnišnīhā	grāyēnītan متمايل کردن
متقارن	hamdamān aknēn (بطور متقارن)	patrān متمرّد
متقلب	drōzan drōžankar drūjan	nask متن dīp (متن سند)
متقی	frārōn frārōn kunišn raḡistak puhlīk	patmānik متناسب patmānikīhā (بطور متناسب) šāyandak vēh patmān ham vīmand niyāpak
متکبر	apar mēnišn tar mēnišn tarīhōmand tarōmat vistāxv pātyāvand tar hāvand mas	hūsačītan متناسب بودن hambasān متناقض hambasānīhā (بطور متناقض) hanbasān patiyāarak ōvāmihā متناوباً
متکبر بودن	tarmēnītan	dīp متن سند
متکلم	guftār	apaxš متنبّه apaxšdār garzišnik
متلاشی شدن	frakastan	vāčak zaspān متن غلط kēnik متنفّر
متمايل	grāy hūgrāy	nitvar متواضع ērmānak
متمايل به بالا	ul āhang	
متمايل به ديو سرشتی	dēv kāmākīh	

hūdāk	شمر	pasačāk	متوافق
varōmand		āšnavāk	متوجه
xvāwargar		nikāsdār	
xvāwrīr		nikirītār	
dōkānak	مثنی	mayānak	متوسط
patkārišn	مجادله	bālāy miyānčik	متوسط القامه
ham patkārišnih		mayānak bālāy	
patkārtan	مجادله کردن	mayānak bašn	
pātaxšā	مجاز	vičīristan	متوسل شدن
pātixšāy		vitvar	متوکل
pātafrāsēnītan	مجازات کردن	bāristān	
pātafrāskar	مجازات کننده	mētōk māh	متوک ماه (نام خاص)
parvānakih	مجاز بودگی	zāyišnōmand	متولد
hamvimēžišnih	مجامعت	zāyišnik	متولد شده
marzišn		zahītan	متولد کردن
marzišnih		azātak	متولد نشده
māyūt		arōyišnik	
māyišn		hamēmāl	متهم
kartan	مجامعت کردن	pasēmār	
ham vimand	مجاور	ēraxtan	متهم کردن
ham sāmān		ērāxtan	
parēčvānikih	مجبور بودگی	ērjēnītan	
frēčvānēnītan	مجبور کردن	hanbasānēnītan	
kašēnītan		kārik	منهور
hangart	مجمع	xvastūk	متیفن
hangartēnītan	مجمع کردن	fravahr	مثال موجودات درعالم مینوی

arēšitārih	مجروح نساختن	vičirtār	مجتهد مذهبی
ašikand	مجروح نشده	dit	مجدد
rawāk	مجری	dōkānak	
pātafrāskar	مجری عدالت	dōkānihā	مجدداً
yutāk	مجزا	āpaxš	مجرای آب
yut yut		kānakih	
viškītakih	مجزا شدگی	katas	
yutākēnitan	مجزا کردن	kahas	
viškītan		mēy	
مجسطی (رساله‌ای در علم نجوم از بطلمیوس)		kart kār	مجرب
magistīk		ōzmūtak	
tankartihā	مجسم	vartak	
uzdēs	مجسمه	āzarak	مجروح
patkar		rēšak	
xvihl	مجدد	rēšgōn	
burzāvand	مجلل	rēškōn	
burzēn		rēškēn	
burzōk		vixrūn	
buržāk		xast	
buržišnik		xastak	
hūškōh		rēštakih	مجروح بودگی
rāyōmand		pēšār būtan	مجروح بودن
šāhvār		āzāritan	مجروح کردن
xvarīk		rēšēnitan	
burzāvandihā	محللانه	rēšitan	
		xastan	
		rēšitārih	مجروح کننده‌گی
		rēšitār	مجروح کننده
		xastār	

parvast	محاصره شده	burzēnitan	مجلل گرداندن
parvastan	محاصره کردن	hanjāman	مجمع
parvast	محاط	ārasan	
parvastak		ham	مجموع
ban	محافظ	hamih	
pās		hamist	
pāspān		tāhēkar	
pātār		hanbār	مجموعه
pātyār		dātistānih	مجموعه قوانین قضائی
pānak kartār		dēvān	مجموعه نوشته‌ها
grōkān dār		haštih	مجموعه هشت تائی
nikāstār		dēvānak	مجاورن
nikās dārišn	محافظت	magōg	مجوس
nikās dāštārīh		kunišnōmand	مجهز
pānak kartārīh		pasačak	
xvāparīh		pasijak	مجهز شده
ruwān pānak	محافظ روان	pasačak	
pātan	محافظت کردن	pērāyēnitan	مجهز کردن
pās dāštan		aršnēz	مچ دست
pahrēxtan		aršnēzak	
zēnēnitan		mēčan	مچن (کوه)
pāyitan		āmārēnitār	محاسب
sardārēnitan		handāčih	محاسبه
srāyēnitan		angāarak	
pahrēxtār	محافظت کننده	āmārišn	
apēšimārīh	محاکمه در دادگاه نداشتن		
nē šāyēn	محال		

nāmik		dōstih	محبت
spand		dušārm	
šnāyēnit		dōšakih	
tarsākās		ham brātih	
tarsakāy		mitr kārīh	
tarsakāsihā	محترمانه	dil dartih	
dōšārmihā		pur dušārmihā	محبت آمیز
āzarmikih	محترم بودن	dōst	محبوب
	محترم دارندهٔ بزرگتران	dōšit	
hačiš-masān tarsakāy		dōšitak	
franāftan	محترم داشتن	dōšak	
fravast	محتوی	franāft	
hangartik		zindānik	محبوس
hangirtik		vartak	
ōbarišn		niyāzān	محتاج
fravastan	محتوی بودن	niyāzāngar	
brin	محدود	niyāzik	
brinōmand		niyāzōmand	
kanārakōmand		astānakōmand	
kanārōmand		ōšidār	محتاج
sahmānōmand		āzarmik	محترم
sarōmand		franāft	
sāmānōmand		grāmik	
sāmānak		hū-āp	
vīmandōmand		hūfravart	
kanārōmandihā	محدودانه	husraw	
sahmānihā		hūškōh	
sāmānihā			

xvāwrīr	محصول خوب	bastan	محدود کردن
dušyārīh	محصول کم در خشکسالی (بدسالی)	kanāarakōmandih kanārōmandih sahmānōmandih	محدودیت
varm	محفوظ در سینه		
xvār	محقر	ĵumbāk rānēnītār	محرك
ačār	محقق	hangaxtār hangēxtār	
ēvar			
ēvarīk		ōstīk	محرم
tāšt		ōstīkihā	محرمانه
tāštīk		apēbahr	محروم
vičustār	محقق (تحقیق کننده)	apātixšāh	محروم از سلطنت
viĵustār		apaxšāyītan zīnītan zīnēnītan	محروم کردن
pat nāmčīšt	محققاً		
ēvarihā	محققانه	niyāz	محرومیت
astītak	محکم	ōšmurtan	محسوب داشتن
bāristān		snahišnīh	محسوس
drang		snahišnīhā	محسوسانه
drupušt		parvandišn vartakīh	محصور بودگی
ōst		xanĵīstan	محصور کردن
ōstīk		mīvak	محصول
ōstīkān		āpurišn kartārīh	
razēn			
ristak		drūtan	محصول برداشتن
staft			
saxt			
xružd			
awīstwār			

fravār	محوطه* برج و بارودار	grifan	محکم شدن
aspānvar	محوطه* کاخ	pašēnitan	محکم کردن
var	محوطه محصور	patūtan	
anapasīnišn	محو نشدنی	ristakēnitan	
girtak	محیط	xvāristān	محکم
hutarist	محیط زیبا	ērāxt	محکوم
hambasān	مخالف	margarzān	محکوم بمرگ
hambasānik		purtak sar	
hamēstār		ērāxtak	محکوم شده
patīrak		ērāxtan	محکوم کردن
patīrak ēstišnīk		anēraxt	محکوم نشده
adātaštān		rāz-gās	محل آموزش تعلیمات دینی
patyār		māništ	محل توقف
patiyārak		myazd gās	محل سور و مهمانی
paitiyārak		āvahan	محل مستحکم
patyārak		āšyān	محل نشستن
pityārak		bar	محل
pityār		nēmak	
patyārakēnītār		vālan	
hamēstārōmand (دارای مخالف و رقیب)		zand	
yut kust (در جهت مخالف)		zandīk	محل ای
apatiyārak (بی مخالف)		ūzmāyišn	محنت
yut dātaštān	مخالف العقیده	bar	محوطه
hamēstārān	مخالفان	parkān	
yut vēnišnīh	مخالف بینی	parvast	
hamēstārīh	مخالفت	parvand	
hamēstārišn			

āmēxtak	مخالط	patist	
nōk nōk	مختلف	patirakih	
pēšak pēšak		patkār	
yut gōhr	مختلف الاصل	patyārah	
yut dāstān	مختلف العقیده	patyārahōmandih	
ōspūrik	مختوم	paitiyārah	
vizuxtak	مختنث	pityārah	
xanzak		pityārahik	
madyān	مخدر	pityārahōmandih	
apasihāk	مخرب	apāč dārišnih	
ēbgat		apatyārahihā (بی مخالفت)	
mrnjēnitār		apatyārah (بی مخالفتی)	
rēšitār		karapih	مخالفت بادی زرتشتی
vināsišnkar		yut vēnišnih	مخالفت با عقاید دین رسمی
višuftār		hamēstārēnitān	مخالفت کردن
viyāpāngar		patērānēnitān	
viyāpānkar		patērānitān	
vināsitār		patiyārēnitān	
vināsišnīk		patyārēnitān	
ziyānkārik		patyārahēnitān	
dahišn apasēnitār	مخرب خلقت	puritān	
dahišn kāhēnāk		purtan	
dahišn kāhēnitār		apāč dāštan	
vārastān	مخزن	paitiyār kārih	مخالف کاری
varm		paitiyārah	مخالف نیروی نیکی
nipast		āzāt kām	مختار
bun katak	مخزن خانه	āzāt kāmīk	
		hangirt	مختصر
		hangirtik	

srištan		nāmbarak	مخصوص ص
šēp-		nāmčišt	
āfritak	مخلوق	mātakvar	
dām		vāspuhrakān	
dāmak		nāmbarak	مخصوصاً
dahišn		pat nāmčišt	
dātak		kāstak	مخفف
brēhēnitak		kāhītan	مخفف کردن
bandak		nihān	مخفی
dāmān	مخلوقات	nihānik	
dahišnān		nihumb	
bundahišnān	مخلوقات اولیه	nikān	
fratōm dām	مخلوق اولیه	nihān rawišnih	مخفیانه کاری کردن
duš-dāmak	مخلوق اهریمنی	āmēč	مخلوط
duš-dahāk	مخلوق بد	āmēž	
duš-dām		darham	
duš-dāmak		gumēčak	
duš-dāmānak		gumēčakōmand	
ōhrmazd-dāt	مخلوق خدا	gumēxtak	
yazdān-kart		yumāk	
hūdahak	مخلوق خوب	gumēčišnīh	مخلوط شدگی
hūdahāk		gumēčišn	
hūdām		gumēzišn	
vēh dahišn		gumēčihītan	مخلوط شدن
spandmat dām	مخلوق سپندارمذ	hārēftan	
vohuman dām	مخلوق فرشته بهمن	gumēxtan	مخلوط کردن
pēšdāt	مخلوق نخستین	vīmēxtan	

مخلوق	۴۶۶	مدعو
مخلوق وهومن	vohuman dām	مدعو māhmān
مدار خورشید	hvarxšēt pāyak	مدعی hamēmāl
مدافع	pasēmār yātakgōw	pēšēmār pēšimār
مدافعه	vānišn	مدعی بودن pēšēmārīh
مداوا	bēšāzīh	مدعی علیه pasēmār
	bēšāzišnīh	مدفوع hēxar
	bēšāzēnišnīh	hixr
	čārak	mutrišn
مداوم	dēr zamānīhā	مدفون کردن مرده nasā nikānīh
مداوم بودن	patāyītan	مدلل čīmīk
مدبر	rāḍēnītār	(از روی دلیل) čīmīhā
مدبرانه	čārak kunišnīhā	مدلل کردن daxšakēnītan
مدت	gās	مدور girt
	zim	مدهوش apēbōḍ
	zamān	star
	žamān	start
	gāh	startak
مدتی از روز	āfrīnītan	sturt
مدح گفتن	vitār	مدهوشانه sturtakīhā
مدخل	frahangistān	startīhā
مدرسه	hērpatisṭān	startan
	ērpatisṭan	مدهوش شدن startakīh
	dipīristān	مدهوشی startīh
مدرسه علوم دینی	ērpatisṭān	مدبر framānpat
	hērpatisṭān	rāyēnītār

yošdāsr	مراسم مذهبی بر ششوم برای تطهیر	rāyēnītārīh	مدیریت
kartak	مرافعه داد گستری	madīnak	مدینه (شهر)
hūdār	مراقب	mētōkzarm	مدیوزرم (گهنبار اول)
nikās-dār		mātyōkzare	
nikīrītār		mētōkšēm	مدیوشم (گهنبار دوم)
pāspān		mētyōšēm	
zēnāvand		mētyōkšam	
zēnāvandēnītan	مراقب بودن	dēn	مذهب
vigrātan		kēš	
bē sardārīh	مراقبت	ahramōgīh	مذهب غیر رسمی داشتن
dāštārīh		mart	مذکر
nikās dāštārīh		nar	
nikās		narīk	
nikās-dārīh		man	مرا
nikās dārišn		um	
nikās-dārišnīh		āyaft	مراد
nikās dāštārīh		kām	
nikīrišn		hōm stāyišnīh	مراسم تقدیس هوم
pat nikīrišn		yazišn	مراسم مذهبی
tēmār		yašt	
parvarišn		yaštār	(بجای آورنده مراسم مذهبی)
parvartārīh		yazišnkar	~
pāspānīh		yaštan	(بجای آوردن مراسم مذهبی)
zēnāvandīh		yaštārīh	(برگزاری مراسم مذهبی)
ham čašmīh		nāyevar	(مراسم مذهبی برای پیشوایان دینی)
apar āstišnīh	مراقبت از چیزی	yazišnda	(بجای آورنده مراسم مذهبی یسنا)
hamēšak pāspānīh	مراقبت دائم	hišn	
parvartak	مراقبت شده		

rāžēnītan		apāyītan	مراقبت کردن
sāxtan		dāštan	
pērāstan		hūdāštan	
vēnārastan		nikās dāštan	
vināristan		nikirītan	
vēnārtan		pahrēxtan	
vinārtan		parvarītan	
patvast	مرتبط	pāspānēnītan	
apāč vaštak	مرتد	gōš apar dāštan	
dravand		gōš dāštan hač	مراقبت کردن از چیزی
durvand		nikirišnik	مراقبت کردنی
druvand		-pān	مراقبت کننده
gāvyōt	مرتفع	tančīnakīh	مراقبت مفرط از بدن
gōyōt		apahrēxtak	مراقبت نشده
vāstar		avičār	
vāstr		hambak	مربا
apaxvar		parvartak	
pur vāstar (دارای مرتفع)		šakarizeh (نوعی مربا)	
vāstrōmand ~		parvartan	مربا ساختن
frāxv gōyōt	مرتفع بزرگ	pērāstak	مرتب
frēh gōyōt		pat rastak	
fravītan	مرتفع بودن	vinārišnik	
fravītan	مرتفع شدن	virāstakihā (بطور مرتب)	
fravēnītan	مرتفع کردن	pāḍak	مرتبت
pēšār būtan	مرتکب بودن	pāyak	
sag xrūhak	مرجان	vinārīhistan	مرتب شدن
vussat (پسند)		patrāstan	مرتب کردن
vassat		rāyēnīhitan	
xrōhak			

drust vīr	مرد تندرست	vassatēn	مرجانی
zāvar	مرد جنگی	nisang	مرحله
hu-artēštār	مرد جنگی خوب (دارنده)	ōvām	
rahīk	مرد جوان	hūfravart	مرحوم
rasīk		murtak	
rētak		vitartak	
katak xvatāy	مرد خانه	mart	مرد
dahm	مرد خوب	mērak	
vēh nar		nar	
vēh mart		vīr	
hū vīr		murtār	مردار
vēh narīh (مرد خوب بودن)		nasā pāk	مردار پز
avičītār	مردد	karp xvār	مردار خوار
gumānīk		martān vēh	مردان به (نام خاص)
gumāngar		mart karp	مرد اندام
gumānōmand		mart bālā	
gumāngarīk		martānakīh	مردانگی
vistār		mas martih	
gumānihā	مرددانه	narīh	
mart dōst	مرددوست (زن شوهر دوست)	gadvarīh	
nāirīkōmand	مرد زنده دار	hunar	
mart karp	مرد شکل	hunarih	
mart kāmākīh	مرد طلبی	martānak	مردانه
murtān	مردگان	mart bālā	مرد به لا (باندازه قد یک مرد)
uzuštānīh	مردگی (بی جانی)	vat mart	مرد بد
martōmak	مردم	dahm	مرد پارسا
martōm		mōymart	
kār		mizdvar	

martōm čihrak	مردم نژاد	kārān	
mart vēpik	مرد منحرف از نظر جنسی	ram	
mart mēnišn	مرد منشی	pātram	
mart mēnišnīh	مرد منشی	kas kas (یک یک مردم)	
muymart	مرد موبد	martōmān	مردمان
martōmih	مردمی	gēhānigān	مردمان جهان
martōmik	مردمی (منسوب به مردم)	hastān martōmān	مردمان زنده
ramik		ōstāt mart	مرد ماهر
murtan	مردن	martōm čihrak	مردم چهره (مردم نژاد)
gyān kantan		martōm dušmanīh	مردم دشمنی
pat baxt šutan		martōm dōstih	مردم دوستی
vitartan		martōm zātak	مردم زاده
vitārtan		dahākān	مردم سرزمین دهستان
vitaštan		naxēžik	مردم طبقه پائین
vitāštan		naxēžik	مردم عادی
vitīrtan			مرد کامگی (زنی که خواهان مرد است)
viturtan		mart kāmakih	
maši	مرد نخستین	magōg mart	مرد مع
mašig		martōm kārīh	مردم کاری
murtak	مردم	tītak	مردمک چشم
murt		syāhak	
ristak		kišvarik	مردم کشور
rist		mahrgyā	مردم گیاه (سهر گیاه)
vitart		mahrkyā	
vitartak		mēčanikān	مردم مکران و بخشی از عمان
vitīrān			
viturt			
bē vitart			

marzpān	مرزبان	uzīt	
marzpān	مرزدار	uzīt bōδ	
sahmānōmand	مرزدار (دارای محدوده معین)	nasāy pačišnih	مردہ پزی
sāmānōmand		nasāy xvārišnih	مردہ خواری
vīmandōmand		nasāy ĵawišnih	
marzišn	مرزش (مقاربت)	aparmānd	مردہ ریگ (ارث)
marzišnih	مرزشی (مقاربتی)	rēxn	
marzišnik		murtak šōy	مردہ شوی
marzangōš	مرزنگوش (گیاه خوشبو)	nasāy šōyišnih	مردہ شویی
vīmandik	مرزی	nasā kaš	مردہ کش
marzitan	مرزیدن	murt kašān	مردہ کشان
maršt	مرزیده (مالیده شده)		مردہ کشی که جسدا به تنهایی حمل کند (گناده)
xindakih	مرض	ēvak bar	
xvēt	مرطوب		مردہ هل (کسی که مردہ را بحال خود رهایی کند)
tarr		nasāy hil	
nambitan	مرطوب شدن	martih	مردی
murv	مرغ (چمن)	gušnih	
kark	مرغ	narih	
karg		narik	
mōrv			
mōrvak		viptēnitak	مردی که به غلام بارگی تن دهد
marv		marz	مرز
murv		vīmand	
murvak		sahmān	
kamak	(نوعی مرغ اساطیری)	sāmān	
čamruš	(مرغ اساطیری)	sāmānak	
čināmrōš	~	kiš	

marg	مرگ	مرغ‌اندیش (فالگیر، غیب‌گو)	murvandēš
mīrišn		مرغ اوستاخوان	ašōk zušt
mīrišnīh		مرغ بهمن (جغد)	vohuman murv
murt		مرغ پرنده	parandak
ōš		مرغ پرودرش	murv parōdarš
uš		مرغ خانگی	kark
hōš			karg
ōšišn		مرغزار	rāy
vitarg		مرغ شکاری	murv i škarak
vitartak			škarak
vitartakīh		(نوعی مرغ شکاری)	sārīgar
vitārišn		مرغک	mōrvak
vitīrišn			murvak
vitīrišnīh		مرغ کرشپتن (رد پرندگان)	karšiptan
vitart		مرغ کوچک	murvičak
viturt		مرغ همای	humāk
bōš vartišnīh			humāy
frōt mīrišnīh		مرفه کردن	patēxvēnītan
margēnāk	مرگ‌آور	مرکب	hamēnītak
margōmand			hambavišn
pur marg			gumēxtak
margīh kartār			bahrōmand
margarzān	مرگ ارزان (کشتنی)	مرکز	miyān
margarzānik			mēx
margarzānīh	مرگ ارزانی	مرکز فرماندهی شاه درمیدان جنگ	aparzēn
margān	مرگان (جایگاه نجوسی)	مرکوس (نام دیو)	markūs
margōmand	مرگ مند		
margēnāk	مرگ‌ناک		

marak	مره (شمار، اندازه)	mīrišn	مرگ و میر
hāvišt	مريد	margīh	مرگ و میر عمومی
hāvištīh	مريد بودگی	mīrišnih	مرگ و میری
vaštak	مریض	margīh	مرگی
xindak		nisārišnikih	مرمت (نوسازی)
pētāk	مرئی	vinārtan	مرمت کردن
dītišnik		vīrāstan	
nikīrišnik		marv	مرو (شهر)
vēnāk		murv	
vēnišnik		marv	مرو (گیاه خوشبو)
vēnaft			مرو اردشیران (گل و گیاه خوشبو)
vēnafdāk		marv i artašērān	
vēnāptāk		murv i artaxšatrān	
dītār		marvārīt	مروارید
dītārik		morvārīt	
nišak		murvārīt	
vēnākīhā (بطور مرئی)		murvārīt i šāhvār	مروارید شاهوار
vēnafdākīhā (بطور مرئی)		sūtēnītār	مروج
pētākēnītan	مرئی کردن	dranjēnītan	مروار کردن در ذهن
hōk	مزاج	marv-rōt	مرو رود (شهر)
xēm		marv-rōtik	مرو رودی
mīzd	مزد	marv i zartuštān	مرو زرتشتان (شهر مرو)
mōzd		marv i spēt	مرو سفید (گیاه)
nīrmat		marv i vačakān	مرو کوچک (شهر)
pātdāšn			

mīzdwar	مزدور	ōhrmazd	مزد اهورا
mōzdwar		mazdyasn	مزد اپرست
mīzdīh	مزدی	mazdayasn	
mozdīh		mazdēsn	
		māzdēsn	
mazdayasn	مزد یسن	mazdayast	
māzdēsn		mazdēst	
mazdēst		hūdēn	
āpāt	مزرع	vēh-dēn	
āpātān		mazdayasnān	مزد اپرستان
kišt		mazdayastān	
avarzīt (نامزروع)		mazdayasnīh	مزد اپرستی
kišnzār	مزرعه	mazdayastīh	
kištzār		mazdēsnīh	
gāvyōt		ōhrmazdik	مزدایی
mēčinīk	مزنیك (نام طایفه ای است)	mīzdwar	مزد بر
mēčanikān	مزنیكان	mozdwar	
mazak	مزه	hūmozdīh	مزد خوب داشتگی
mačak		pātdāšnēnītan	مزد دادن
mēčak		tūxtan	
mičak			مزدك بامدادان (نام خاص، دیناوردوران ساما ی)
mizak		mazdak	
mīž		mazdak i bāmdātān	
čāšišn			
čaxšišn			
čāšnik		vas mozdīh	مزد کافی
xvārūm (مزه و طعم غذا)		mazdakīh	مزد کی
mazakōmand	مزه دار	zandik	

dūr vitarg	مسافت دراز	mičakōmand	
vaštār	مسافر	mičak dārīh	مزه‌داری
kārdāk		mēčītan	مزه مزه کردن
kāravānik		mičakōmand	مزه مند
frašn	مسأله	mēčītan	مزیدن (چشیدن)
sūtak	مسامحه کار	mičētan	
sūtakīh	مسامحه کاری	mizītan	
hamtāk	مساوی	pēsītak	مزین
hāvand		pēsīt	
ĵumbāk	مسبب	pēšīt	
vahānik		barāzišk	
dartēnītār	مسبب درد ورنج	mazag	مژه
mast	مست	mēč	
mastūk		mēž	
mastōk		mēžuk	
yut mast	مست بوسیله آداب مذهبی	mēčuk	
sēzdēn	مستبد	mičak	
arzānik	مستحق	muzak	
passāxtihā	مستحکم	mēčītan	مژه برهم زدن
passāxtan	مستحکم کردن	mēčišn	
passāxtār	مستحکم کننده	nimēž	مژه برهم نهادن بعلامت رضایت
ristakēnītan	مستحکم گردانیدن	ēv kartakīhā	مسئولیت مشترك (با ~)
traft	مسترقه	frayātišnik	مساعد
truftak		frayāt	مساعدت
taruftak		frayātišn	
		dūrīh	مسافت

mastih	مستی	ātāv	مستعد
mazgat	مسجد	andar tuwān tuwānkar	
apasōsih	مسخره	nērōkik	
apasōsih	مسخره کنندگی	arvand	
afsōsgar	مسخره کننده	tāy ītan	مستعد بودن
apasōsāk		giyākōmand	مستقر
vartišn	مسخ شدگی	nihāt	
bast	مسدود	mānītan	مستقر شدن
bastan	مسدود کردن	kāmkār	مس قفل
dōšišn	مسرت	kāmak vitār	
vandgar	مُصرف	xvatāy kāmak	
musrkān	مسرکان	kām zīvišn	
masrakān	مسرکان رود	durust	مستقیم
hāmōn	مسطح	mastak	مستک (نوعی آلت موسیقی)
mān	مسکن	mustak	
mānišn		mustak srāy	مستک نواز
māništ		madyān	مست کننده
katak		mustgar	مُستگر (رنجور، آزرده)
kartak		hamāyīk	مستور
hadiš		hamvār	
nisastak		pattān	
nišast		rōwāk	
bunak		mustōmand	مستمند
ēstišn		must kunišnīh	مستندی کردن
ašārišn		apsōsgarihā	مستهلزانه
hūmānišnīh	(دارای مسکن خوب بودن)		

griftārōmand xōrtāk		mānišnōmand	مسکندار
masihā	مسیح	drūjōk tmān	مسکن دروغ
tarsāk	مسیحی	mānistan	مسکن کردن
kalisāik		zrēh patmōxt zēnik	مسلح
tarsāk ih	مسیحیت	zēnāvandih	مسلح بودگی
hvarxšēt pāyak	مسیر خورشید	zēnōmandih	
darrak	مسیل	zēn afzārih	
patkārīt	مشاجره	hūzēn	مسلح به سلاح خوب
patvast oviših	مشارکت	zēnāvandēnitan	مسلح گرداندن
hūčihrgar	مشاطه	yut dātasīānīh	مسلک غلط
sōbār	مشاور	tāšt	مسلح
yātangōk	مشاور حقولی	vičart	
dar handarz pat dar andarz pat	مشاور دربار	mastōk	مسموم
dar andarz pat	مشاور سلطنتی	mastōkīh	مسمومیت
andarz	مشاوره	purgāh	مسن
uskār		purgās	
uskārišn		dušdaft	
uskārišnih		gās	مسند
ham pursak (طرف مشاوره)		nišast	
uskār ītan	مشاوره کردن	bālišn	
must	مشت	amarōmand	مسئول
mušt		pursišnik	

hūšastar	مشرق	apatmān varanik	مشتاق
ūšastar		niyāzān	
dārū i nišāstak	مشروب نشاسته	niyāzāngar	
dāramak	مشرح	hamgās	مشتراکاً
dārmak			
dōkānak		xarītār	مشتري
dōkānik			
gōkānik		tēz sōčāk	مشتعل
gōvičār		vaxšak	
		vaxšāk	
dārmakihā	مشروحاً	xaxšik	
pat dōkānak		vaxšandak	
dātik	مشروع	vaxšēndak	
apēdāt (نامشروع)		muštan	مشمال دادن
adā tastānīhā (نامشروعانه)			
kār	مشفولیت	hangart	مشممل
		hangirtik	
arg	مشقت	kōpēn	مشته
bēš			
ranj		mustih	مشتی
ranjakih			
škaftih		hūvičirišnīk	مشخاص
škaft		vičārtak	
		yutar	
mušk	مشك (ماده عطری)	yutih	مشخاص بودگی
mašk	مشك (بوست)	vičārēnītan	مشخاص کردن
maškičak	مشك كوچك	vičīnīhītan	
anāsān	مشكل	vičārtārih	مشخاص كننده گی
axvār		vičārtār	مشخاص كننده
duškar		vičīnāk	

nāmburtār	مشهور	dušxvār	
nām āwurt		girān	
nāmīk		vítang	
nāmīh		mušk i nāfak	مشک ناه
frāč nāmīk		gumānikīh	مشکوک
nāmakīh		gumānik	
nāmčīštīk		gumāngarīk	
čašmak		gumānōmand	
čašmkāi		varōmand	
čašmakās			
husraw		gumānihā	مشکوکانه
āšnāk		parvastak	مشمول
frāč srūt			
		hampursakīh	مشورت
mašyānē	مشیانہ (حوا)	pursakīh	
mahlāi		huskārišn	
mahliyānāh		hūsikāl	
mahrānē		hūsīgāl	
malhiyānāi		hūsikālišn	
mašyānag		handāčišn	
mašān		sōbārišn	
mašāna		huskārtan	مشورت کردن
mahriyānē		hampursītan	
mihriyānē		handāxtan	
mihriyānīh		sōbārītan	
mitryānē		huskāritan	
māšyōi		tapītan	مشوش بودن
bar baxtārīh	مشیت ایزدی	sūtēnītār	مشوق
mašya	مشیه (آدم)	vēnafdāk	مشهود
māšya		vēnāptāk	

dōgānak	مضاعف	mašā	
dōkānik		maši	
spōžišn	مضایقه	mašig	
apāč astišnih		mahlah	
tanūtan	مضایقه کردن	malhā	
spōxtan		misēh	
spōčkār	مضایقه کننده	mahrē	
ziyānkār	مضر	mihrē	
zyānōmand		mitre	
vizāyišnik		hamdamūn	مصاب
dušdahāk		hampursišn	مصابیت
frašēw		hampursakih	
andarōtak	مضطرب	duš hampursakih	مصابیت بد
handarōtak		hambatast	مصادف
dušxvār		patkōftak	مصادف شده
aram		dranj	مصر
ayārtitan	مضطرب بودن	misr	مصر (کشور)
ayārtēnitan	مضطرب کردن	gibtus	
pat sāy	مطابق	xvartār	مصرف کننده
hūsačitan	مطابق بودن	mučrāik mānišn	مصر نشین
sāčišn	مطابقت	mučrāik	مصری
pat kāmāk	مطابق میل	muḍrāik	
pat xvādišnih		muzrāyik	
pat kāmāk	مطبوع	dār kartārih	مصلوب کردگی
pat xvādišnih		brinōmand	مصمم
rāmišn dāt		hangōmand	
		kāmōmand	

framān niyōxš		dārmak	
hūframān		širēnak	
parvastak		hūdōšak	
niyōšitār		čarp	
ōstikān		xvandrāi	
niyōxšāk		čiš	مطلب
xvatāyōmand		ākās	مطلع
ēvakānak		ākās-kār	
niyōxšitan	مطیع بودن	pursišnik	
mustōmand	مظلوم	azd matan	مطلع شدن
gumāngarik	مظنون	ākāsēnitan	مطلع کردن
hamōk	معادل	azd kartan	
hāvand		apēčakihā	مطلقاً
tarāzēnišnīh	معادل بودگی	ēvar	مطمئن
pargast	معاذالله	ēvarik	
avikān	معارض	vāvar	
pityārak		vistāxv	
duš hampursakih	معاشرت بد	abīm	
hamzamān	معاصر	apēbīm	
pargut	معاف	xōst	
bēšāzišnīh	معالجه	xvastūk	
bēšāzēnitan	معالجه کردن	ōstowār	
bēšāzitan		ōstavār	
	معالجه کردن بوسیله اوراد	ōstikihā (بطور مطمئن)	
mānsrspand bēšāzēnitan		pākēnitak	مطهر
		yošdāsr	
		yōšdāsrēnitan	مطهر گرداندن
		framān burtār	مطیع
		framāngar	

astovān	معتقد	gōhrītan	معاوضه کردن
astuvān		dastyārīh	معاونت
ōspūrik		pašn	معاهده
virravāk		pašt	
virravišnik		patmān	
stāyītār		patmānak	
xastuwān			
virravišnikān	معتقدان	kartak mān	معبد
zand karān	معتقدان به تفسیر	ātaxš gās	
dō bunyašt-hangār	معتقد به دوخدایی	uzdēs čār (بتکده)	
hūp virravišn	معتقد به دین	vitār	معبر
dēn astawān		vitār	
dušīh virravēnītār	معتقد به دین بد	vitarg	
vāvarikānīhastan	معتقد به دین شدن	vitarak	
	معتقد به مسالک مختلف دربارهٔ خلقت	tač	
vas buništ		xumr vičār	معبر (خوابگزار)
astovānītan	معتقد بودن	xvamn vičār	
virravīstan		vitargīh	معبر داشتن
astovān	معتقد	ōst	معتبر
astuvān		ništavānak	
ōstowār		ōstavān	
dēr vistāxv		vičurt	
mātakvar		vičart	
ništavānak		xvastūk	معترف
xōst		xastuwān	
vistāxvīhā (معتقدانه)		patētīkih	معترف بودن به گناه
varz	معجزه	stāyītār	معترف به دین بهی
vitīmās			

dōšast	معشوق	varč	
dōšitak		varč kartik	
dōšit		vitīmāsih	
karxōš	معصره	varčāvandihā	معجزه آسا
hūbōy	معطر	mayānak	معدل
vahugōn		kān	معدن
hūbōyitan	معطر کردن	kān kirpak	معدن ثواب
bōyitan		nigēn sār	معلوم شده
parrēčišn	معطل	aškombak	معهه
hištan	معطل کردن	kōmīk	
xratik	معقول	ōruswar	
čimik		ōruspar	
patmānik		mūlān	(معهه برای موجودات اهریمنی)
andarvāy	معلق	aškambak	معهه* گاو و گوسفند
andarvāy vāčik	معلق بازی	sahišn	معرفت حسی
čāšitār	معلم		معرفتی که از راه قیاس حاصل شود
frahang pat		hangōšitak dānišnih	
zand čāšitār		handēmāngarih	معرفی
nimūtār		handēmāngarih	(مراسم معرفی)
čāšitār	معلم علوم دینی	handēmāngar	معرفی کننده
ēhrpat		nām-burtār	معروف
hērpāt		nāmīk	
ērpātih	معلمی	nāmčīštīk	
dušākāsīh	معلومات بد	hanjāmanīk	
dušdānākih		čašmakās	
vičēnitan	معلوم داشتن	čašmak	

pētākēnītan	معین کردن	frašn	معما
brīhēnītan		kirtak	
handāxtan		rāz	معمار
brēhēnāk	معین کننده* سرفروشت	rāzīgar	
mōy	مغ	rāz kīrrōk	
may		šōnīk	معمولی
magōg		čīmīhā	معناً
magōg bēš	مغ آزار	mēnišnīk	معنوی
mēy	مغاک	vaxšāk	
may		čīm	معنی
mayuk		čīmgān	
	مغ اندرزبد (مغ رایزن)	zand	
magōg handarzpat		čīmīk	معنی دار
magōpat	مغ بد (رؤیس سغان)	pat čīmīktar	معنی دارتر
sūtēnītan	مغتنم داشتن	čīmīh	معنی داری
magōg handarzpat	مغ رایزن	patirānēnītan	معوق داشتن
dōšastar	مغرب	apākīh	معیت
xvarwarān (خوروران)		patišīh	
xvarbarān		pat apākēnītan	
apartan	مغرور	hamēšak apākīh	معیت دایم
mas mēnišn		frazandōmand	معیل
tar mēnišn		pētākēnītak	معین
tar		vičārtak	
tarīhōmand		hūvičīrišnīk	
tarōkmat		brīn	
tarōmat		brīnōmand	
		kumand	

buržītan	مفتخر کردن	xvāt dōšak	
spazg	مفتری	hāvand mas	
viyāpān	مفتون	tarmēnītan	مغرور بودن
viyāwān		mastarg	مغر
viyāpānītan	مفتون کردن	mastōrg	
viyāpānītār	مفتون کننده	mazg	
apatmān	مفرط	uruspar	
frāybūt		mazg	مغر استخوان
frahist		mazgōmand	مغر دار
zand karān	مفسران	mazg čīhrīh	مغر داری
gōkānīk	مفصل	mazg	مغر سر
viptēnītak	مفعول از نظر جنسی	mazgōmand	مغر مند
viŋtak (مفعول مرد)		mazg čīhrīh	مغر مندی
sūtōmand	مفید	āšōftan	مغشوش کردن
kārōmand		šuftan	
apāyišnīk		bōžišn	مغفرت
sūtēnītan	مفید بودن	stav	مغلوب
apāyastan		tarvēnītan	مغلوب ساختن
patīrak	مقابل	magōg mart	مغ مرد
ham bavišnīh	مقاربت	mayūk mart	
ham karpakīh		muγ mart	
ham martīh		mōγ mart	
ham vīmēžišnīh		magīh	مغی
marz		parōn magīh	مغی و پیشوایی کامل
marzīh		buržišnīk	مفتخر
marzišn		garāmīk	

pattōkīh	مقاومت	marzišnih	
patūkīh		marzišnik	
apāč astišnih		māyūt	
hamēmālih		māyišn	
patūtan	مقاومت کردن	daštān marzih (گناه)	مقاربت بازن حائض
pattūtan		daštān marz (گناه)	مقاربت کننده بازن حائض
spōčkār	مقاومت کننده	tan vimēxtan	مقاربت کردن
patirišnik	مقبول	marzitan	
apāyastik	مقنضی	kartan	
apāyistan	مقنضی بودن	marzišnik	مقاربتی
apāyitan		hambatast	مقارن
masāk	مقدار	gās	مقام
handāč		stān	
handāčak		awrang	مقام
andāčak		pād	
čandih		pāy	
anbūh	مقدار زیاد	pādak	
hāsr	مقدار معینی از طول زمان و مکان	pāyak	
čatrušvātak	مقدار و اندازه مکعب	pāyakih	
ēčand	مقداری (یک مقدار)	kūtak pāyakih	مقام کوچک
brēhēnitak	مقدر	māh pāyak	مقام ماه
brīn		gāsih	مقامی
brīnōmand		patūk	مقاوم
handāxtak		pattōk	
barbaxtih	مقدر بودگی	patrān	
ētōnīhitan	مقدر شدن	apāč astēnitār	

mānišn	مقرر	baxšēnītan	مقدر کردن
brihēnītan	مقرر کردن	brēhēnītan	
vičīrītan		baxtan	
framūtan		hanbaxtan	
ōbaxtan		ōbaxtan	
kartan		baxšēnītār	مقدر کننده
dāsr	مقرری	brēhēnītār	
kām	مقصود	brēhēnāk	
nikēžišn		brīnkar	
dranāy (درازا)	مقیاس طول	ahrav	مقدس
drahnāy (طول)		ahrāy	
drahnāδ ~		ahrāδ	
frapād dranā (باندازه جلوی پا)		artāy	
sīnak masāi (باندازه پهنای سینه)		ašōk	
tan masāi (باندازه تن انسان)		pahlom	
gām (باندازه یک گام = سه پا)		yazītak	
nāi (باندازه درازای یک نی)		yōšdāsr	
asp bālāy (باندازه بلندی یک اسب)		pāk	
angust (باندازه یک انگشت)		spand	
yuǰyast (مقیاس طول)		spannāk	
dašmyast (yuǰyast باندازه نصف)		hūfravart	
graw	مقید	varǰāvand	
nivandak		afzōnīktom	مقدس ترین
māništak	مقیم	pēš-raftār	مقدم
frašn	مکالمه	xvastūk	مقرر
hamgōwišnih		astuvān	
		astovān	

mahrkūs	ملکوس (نام خاص)	gāh	مکان
malkōs		gēvāk	
malkōsān	ملکوسان (نام پیرانی است و پیرانگر)	nisastak	
mā kun	مکن (نهی از فعل کردن)	čār	
makkah	مکه (شهر)	mānīh	
mēčītan	مکیدن	stān (پسوند مکان)	
mičētan		nipist	مکتوب
magar	مگر	nipistak	
mā hakar		nipišt	
bē		nipištak	
bē-kā		nipik	
bē kē (مگر اینکه)		makrastān	مکران (ناحیه)
makas	مگس	mukristān	
magas		mukrān	
maxš		mukristān rōt	مکران رود
magas angapēn	مگس انگبین	aparvārak	مکرر
kurk magas	مگس حیوانات	dōbār	
magas i angupēn	مگس عمل	vasihā	مکرراً
magas kāsakēn	مگس لا جوردی	dōkānīhā	
handāčih	ملاحظه	vasihā	مکررانه
handāčišn		dranjītan	مکرر خواندن
handēšišn		burzāvand	مکرم
nikirišn		buržišnīk	
uskār		mukristān	مکرستان (مکران)
uskārišn		burzāvandihā	مکرمانه
dītan	ملاحظه کردن	paytākēnītan	مکشوف ساختن
handēšītan		pētākēnītan	

frēčvānēnītan	ملنزم کردن	mārtan	
lāpak-garihā	ملنمسانه	uskārtan	
taftik	ملنهب	huskārtan	
apastān	ملجأ	hangāštan	
duš-dēn	ملحد	mēnītan	
druvand		niš-	
asrōšt		kartespās	ملازم (نوکر)
zand karān	ملحدان	čārūk	ملاط
hambast	ملحق	ayōj	ملاقات
āyōjītan	ملحق شدن	hampursakīh	
patvandītan		hamrasišnīh	
malak	ملخ	handēmānīh	
malax		patīrakīh	
kulak		patīrak rasišnīh	
mayg		pursakīh	
hangirt	ملخص	hamrasītan	ملاقات کردن
hangirtih		masītan	
hangirtik			ملاقات موجودات اهریمنی بایکدیگر
dravand	ملعون	hamdwārišnīh	
druvand		kafč	ملاقه
gaṣastak		āvēnišn	ملاست
giṣistak		āvēnišnik	ملاست بار
gizāstak		narm	ملایم
guṣastak		sust	
nifritak		čarpīh	ملایمت
dastkart	ملک	čarp ēvāčih	ملایم حرف زدن
hēr		pātram	ملت
		pātarn	

nikīrītār	منتحن	xvāstak	
gumēxtak	مزوج	xvēših	
gumēk		bar	
gumēčihitan	مزوج شدن	vis	ملک اربابی
gumēxtan	مزوج کردن	sar xvatāy	ملک الطایفه
nērōkīk	ممکن	kartak xvatāy	
šāyand		ōstān	ملک سلطنتی
šāyandak		āpsārik	ملک واقع در سرآب
šāyēn		malkōs	ملکوس (نام دیوباران ویرانگر)
tuwānīk		markūs	
šāyēt	ممکن است	markūsān	ملکوسی
šāyastan	ممکن بودن	bānbišn	ملکه
šāyistan		āhōkēn	ملوث
šāyēt būtan		nasrušt	
šahr	مملکت	hamrēt	
šatr		hamkarčak	ملوث شده
šahrīk	مملکتی	hamkaržak	
šatrīk		avinast	ملوث نشده
pur	ملو	kartak xvatāyān	ملوک الطوائف
hanbār		āsnītak	ملهم
vičīnāk	مميز	āsnūtak	
vičīnkār		mānsr-barīh	ملهم بودن به کلام آسمانی
vizītār		kišvarīk	ملی
man	من	arovākīh	ممانعت
az		aparmand	ممتاز
taparzat	من (ترنجبین)	hūgōn	
anayuxtakīh	منازعه		

afsart	منجمد	pasačak	مناسب
afsartan	منجمد کردن	pasačāk	
apērās	منحرف	sačākvār	
aparās		niyāp	
apārak (گناهکار)		niyāpak	
mōšītan	منحرف شدن	niyāw	
vartītan		nēvak	
vartēnītan	منحرف کردن	drust	
viškaftan		xūpsār	
-mand	مند (پسوند اتصاف)	xūpihā (بطور مناسب)	
-ōmand		šāyastan	مناسب بودن
xānak	منزل	apāyītan	
xōn		sačēnītan	مناسب گرداندن
aspanj		patēxv mēnišnīh	مناعت طبع
mānišn		čimīh	منتج
māništ		čītak	منتخب
nisastak		vičītak	
nišēmak		vičītārīhā (بطور منتخب)	
āwarišn		mānsr (درفارسی عامیانه تهرانی)	منتز
nišastak		mānsrīk	منتز
mānēnītan	منزل دادن	srawēnītan	منتشر کردن
giristak	منزل دیوان	mānēnītan	منتظر گذاشتن
mānēnišn	منزل کردگی	bētōm	منتهی الیه
masēnišn		munj	منج (نام گیاهی است)
mānītan	منزل کردن	axtarāmār	منجم
māntan		axtarmār	
		star ōšmār	
		kandāk	

mēnišn ayāftak	منش یافته	nišastan	
ēstātan	منصرف شدن	ēstišn	منزلگاه
pasačāk	منطبق	mēnōk gēvākih	منزلگاه روح
čim gōwākih	منطق (علم)	pitištān	منزلی از ستارگان
pāyak	منطقه	mēnišn	منش
nisang		bun	منشأ
dīt	منظر	buništak	
dītār		buništih	
dītišn		čihrak	
dītišn	منظره	gōhrak	
vēnāp	منظره خیالی	kūih	
vēnāp	منظره رویایی که در بیداری دیده شود	naxun	
virāstak	منظم	tuxmakih	
vinārišnik		anērmēnišnīh	منش پست داشتن
rāḍēnāk		yān mēnišn	منش خجسته
rāyēnāk			منش نامتعادل و افراطی داشتن
pat rastak		frēhbūt mēnišnīh	
uspurr		hūmat	منش نیکو
ospūr		vahuman mēnišn	
patmānik		vēh mēnišn	
rāḍēnišnikih	منظم بودگی	yān mēnišn	
vinārīhistan	منظم شدن	hūmat mēnišnīh	منش نیکو داشتن
rāḍēnītan	منظم کردن	dipīwar	منشی
vinārtan		dipīr	
vināristan		dapīr	
virāstan		mēnišnīh	منشی
		mēnišnik	

apasihītan	منهدم کردن	apāč astišnih	منع
apasastan		škastan	منفصل کردن
apasistan		škastār	منفصل کننده
apasihistan		vaxš	منفعت
apasēnītan		sūt xvāstār	منفعت جو
apasihēnītan		sūt xvāstārīh	منفعت جویی
marnjēnītan		gujastak	منفور
višōftan		gajastak	
višōpēnītan		ayrand	
ōvēnītan		pēsītan	منقش کردن
apasihāk	منهدم کننده	pār	منقضی شده
šusr	منی	brītan	منقطع کردن
āp andar hambavišnih		kalak	منقل گلی
manīk	منی (منسوب به من)	duš nikīrāy	منکر
mōy	مو	nikērāy	
rīš		nakīrāy	
dōčārīh	مواجهه	nikīrāy	
tarāzēnišnih	موازنه	afrāč-guftār	منکر شونده
pasē	مواشی	mang	منگ (بنگ)
pasvik		منگ و پشتاسپان (نوعی بنگ)	
hūdār	مواظب	mang i vištāspān	
nikās-dār		manūščihr	منوچهر (نام خاص)
nikās-dārīh	مواظبت	manūčihr	
brātarōt	موافق	ōvēn	منهدم
hamdātastān		višuft	
hamdātastānōmand		āpaxšītan	منهدم شدن

vāvar	مؤمن	hamkāmak	
vistāxv		pasāxt	
ōstavār		hamdā tastānīh	موافقت
kārōmand	مؤثر	hamdā tastānōmandih	
sūtōmand		sāxtārīh	
sāčīšnīk		hamīh	
kārtar	مؤثر تر	nīmēž	
ōst	موثق	āštīh	
ōstavān		sāxtan	موافقت کردن
stūr		pasāxtan	موافق ساختن
vāvarīkān		magōpat	موبد
mātakvar		mōpat	
ristak		may	
vičurt		moγ	
mātakvarīhā (بطور موثق)		magōg	
nipāstan	موجب افتادن شدن	mōγ mart	
afzāyēnītan	موجب افزایش شدن	mayūk mart	
hangēnītan	موجب شدن	dastōwar	
hangartikēnītan	موجب شمول شدن	dastwar	
drašnīk	موج دار	dēn dastwar	
drašītan	موج زدن	magōpatān magōpat	موبدان موبد
fravītan		magōpatān magōpatih	موبدان موبدی
tāxtan		rāspīk	موبد معاون در مراسم مذهبی یسنا
vindišnīk	موجود	magōpatān magōpat	موبد موبدان
hastōmand		magōpat i magōpatān	
būtak		magīh	موبدی
		magōpatih	

astišnīh		tamikān	موجودات جهان اهریمنی
astōmandīh		gētīgān	موجودات دنیای مادی
tarsēnāk	موش	dō patištān	موجود انسانی
aryand		višūtak	موجود اهریمنی
mūtak	موزی	hastišn	موجود بودگی
mōr	مور	hastakīh	
mūr		hastikīh	
mōr	مورچه	astakīh	
mūr		bavišn ēstišnīh	
mōrčak		būtīh	
murt	مورد (درخت)	būtakīh	
vāvarikān	مورد اطمینان	astišnīh	
sahistan	مورد توجه قرار گرفتن	hangirtēnīt dām	موجود کمال یافته
mūr i dānak kaš	مور دانه کش	mēnōg	موجود مجرد آسمانی
dēvak	موریانه	mēnōk	
mōz	موز (میوه)	būtan	موجود بودن
mōčak	موزه (کفش)	zīvastan	
mōzak		astitan	
mōg		dō zang	موجود دوبا
mūk		dō patišt	
nivāk	موسیقی	dō pāδ	
huniyāk		dravand	موجود شیطانی
huniyākīh (سرگرم موسیقی بودن)		mēnōg	موجود مینوی
huniyākar	موسیقی دان	mēnōk	
mušk	موش	vāxšīk	
mūšak		ēstišn	موجودیت
		astišn	

hūškōh	موفر	mūšakih	موش بودگی
stawr		mūšparik (نام پری زبانکاری است)	موش پری
zamān	مولع	mūšak	موش کوچک
žamān		mōsil	موصل (شهر)
ōvāmih (بموقع)		nišāstan	موضع دادن
āvāmih (بموقع)		čiš	موضوع
pāyakih	موقعیت	dar	
gās		darak	
kūih		kār	
nišastan	موقوف کردن	čāšišnih	موعظه
nihātak	موقوفه	pērōč	موفق
hūp virrawišn	مؤمن	pērōz	
dēn astawān		kāmak rawāk	
virravišnikān	مؤمنان	kāmkār	
ōstowār	مؤمن بدین	pērōč-garīhā	موفقانه
ōspūrīk	مؤمن بدین زردشنی	čirih	موفقیت
mātak	مؤنت	čērīh	
nāirīk		pērōč-garīh	
nārīk		kāmak hanjāmih	
mātaknām (ازجنس مؤنت)		vānitārih	
denūtak (ماده)		xvahrih	
dahišnih	موجب	kāmak vitār	موفقیت آمیز
yān		kadīh	موقت بودگی
frādahišnih	موجب سعادتمندی و نیک انجامی	sačišnik	موقتی
fradahišnih		vitarān	
mōd	موی	ōvāmihā	

hušnāsīh	مهارت	gēs	موی بافته
frahaxtīh		vars	موی بدن
frahaxt kārīh		rīšak	
awzārōmandīh		xvastuhīt	مؤید (تأیید شده)
čāpukīh		mōy	موی سر
ātāvīh		rūtan	موی کردن
kērōk		mōyak	مویه
kīrūk		mōdak	
kīrūkīh		mūyak	
kārākāsīh		mōyak kunišnīh	مویه کنشی
nēzūmānīh		mōyak kunišnīh	مویه گری
patakīh		ham mōy	موی هم رنگ دارند
ōstavārīh		mōyēn	مویی
dast kīrūkīh	مهارت دستی	mōyēn	مویین
stōrpān	مہتر (پرستار اسب)	mā	مه (نه، پیشوند نهی)
āyōxtār		maznāh	مه (ابر نزدیک زمین)
mastar	مہتر (بزرگتر)	nazm	
hačiš masān	مہتران	dūt	
masist	مہترین	kup	
mahist		mēy	
mātak	مہد	mas	مه (بزرگ)
dātmas	مہداد (بزرگسال)	mēh	
sōkšyāns	مہدی (هدایت کننده در آخر زمان)	kārdāk	مہاجر
sōšyāns		frāč fravāyišnīh	مہاجرت
sōšāns		fravāyišn	
mudr	مہر		

xvāparih		مهر (دوستی)	mitr
xvāwarih			hūmitrih
nīrmat			
mitr i tamīk	مهر تاریک (کسوف)		mitr
mitr tars	مهر ترس (نام خاص)		mitr
			mihr
mitrān drūj	مهر دروغ (پیمان شکن)		amahraspand
mitrōdrūj			
mitr zāt	مهر زاد (نام خاص)		mahraspand
mitrō zan	مهر زن (پیمان شکن)		mahraspandān
mitr zan	مهر شکن		mitr akāvēt
mitrak	مهرک (نام خاص)		mitrān
mihrak			
mitrōk			mitrān rōt
	مهرک نوشزادان (نام خاص)		burzēn-mitr
mitrak i anōšak-zātān			
mitr kārih	مهرکاری (محبت)		mitrōpān
avištan	مهر کردن		xvāpar
āvaštan			xvāwar
hambaštan			hūapar
			hūčašm
mitragān	مهرگان		hu-ēvāč
mitr virāz	مهر گراز (نام خاص)		narm
mahrkyā	مهر گیاه		mitrāpān
mahrgyā			
mihr māh	مهر ماه		dilsōčak
mitr māh			hūčašmīh
			hu-ēvāčīh
mitr nāz	مهر ناز (نام خاص)		sāxtārīh
mitr narsahē	مهر نرسه (نام خاص)		hū-aparīh
			nāzišn

aspanj	مهمان نوازی	muhrak	مهره
māhmānih		muhrak	مهره* بازی
nivētvarih		muhrak	مهره* پشت
spanjānakih		frazin	مهره* شطرنج (فرزین)
višāt darih		mahrē	مهری (آدم نخستین)
māhmānih	مهمانی	mihrē	
mahmānih		mitre	
bazm		masist	مهیست
sūr			
sūr virāyih			
spanjānakih			مهیست اندر خواری (کوه)
xvaran	مهمانی بزرگ که در آن غذا داده شود	mahist andar xvārih	
apardazišn	مهمل	mas kārīh	مه کاری
faxēz	مهمیز	spōz	مهلت
mēhnāyik	مهنه ای	spōzišn	
masāi	مهی (بزرگی)	spōžišn	
masih		mātakvar	مهم
pasačak	مهی	mātikān	
patrāstan	مهی کردن	mātiyān	
vēnārastan		girān	
vinārtan		vēš-mātak	
maδ	می	kār nēst (مهم نیست)	
may		māhmān	مهمان
miyān	میان	aspanj	
mayān		aspanj (جای مهمان)	
andar		mayazd-pān (میزبان)	مهماندار
andarg		nivētvar	
apēsahēnitan	(از میان بردن)	aspanj	مهمانداری
		nivētvārih	

mayānak bašn	میانہ بالا	miyān bārīk	میان باریک
bālāy miyānčīk		mētōkzarm	میان بہار (گاہانبار)
mayānak bālāy		mētōk zarmay	
miyānĵakīh	میانہ روی	mētōkšēm	میان تابستان (گاہانبار)
patmānak		gōr	میان تہی
patmānikīh		miyānĵak	میانجی
patmān-kārīh		mayānčīk	
patmān-kunišnīh		pašn	
mitr	میترا	yātak-gōw	
mihr		dāt-gōw	
mitr akāvēt	میترا کاوید (نام خاص)	miyānĵikīhā	میانجیانہ
mitrān	میتراں (مہراں، نام خاص)	duš-miyān	میانجی بد
mitrān rōt	میتراں رود	miyānčakīh	میانجیگری
mitr tars	میترا ترس (نام خاص)	miyānčikīh	
mitrak	میتراک (نام خاص)	miyānĵikīh	
	میتراک انوشک زادان (نام خاص)	miyānĵakīh	
mitrak i anōšak zātān		yātakgōwīh	
mitr virāz	میترا ویراز (نام خاص)	dāt gōwīh	
mētōk zarmay	میتوک زرم (گاہانبار)	miyānčikīhā	(میانجی گرانہ)
mētyōkmāh	میتوک ماہ (نام خاص)	miyānĵikīhā	~
mētōk māh		miyānak	میانہ
mēx	میخ	mayānak	
mīx		miyānčīk	
mēx i ĵānān	میخ جانان (وتد طالع)	nēm	
mēx i gās	میخ زمان (ستارہ قطبی)	nēmak	
	میخ زیر زمین (وتد الارض)	mayānak bašn	میانہ اندام
mēx i azēr zamīg			

nihātak	میراث	میخ میان آسمان (وتد وسط السماء)	mēx i mayān asmān
aparmānd			
murnjēnītan	میراندن	می‌دار (دارای می)	mayōmand
ōšītan		میدان	asprās
kuštan			fravand
murnjēnītārih	میرانندگی		miyān
murnjēnītār	میراننده		mēdān
mīrišn	میرش	میدان اسب‌دوانی	asprās
mīrišnih	میرشی		asprēs
ōšōmand	میرنده	میدان بازی	koring
ōšmand		میدان تیراندازی	asprēs
hōšōmand		میدان جنگی	vitāvanē
sazišnik			mēdān
mērak	میره (شوهر)	میدیارم (گاهانبار)	razmgās
mīrak			maidyāirim
patmānak	میزان		mētyārēm
patmān			mētyāirim gās
tarāzūk	میزان (ترازو)	میدیوزرم (گاهانبار)	mētyār
myazd-pān	میزبان		maidyōzarm
میزد (چیز خوردنی که در مراسم مذهبی برخوان‌نهند)			maidyōk-zarm
myazd		میدیوشم (گاهانبار)	maidyōkšam
mayazd		میرآخور	maidyōšam
myazd-dān	میزد دان		āxvar-patān sardār
myazd-gās	میزد گاه		āxvar sardār
mīzišn	میزشی (ادرار)	میرا	hōšōmand
mīzišnik	میزشی (اداری)		ōšmand
			ōšōmand
		میرا بودن	vitīrān būtan

xvāhišn		mizitan	میزیدن (ادار کردن)
ōnāmišn		misān	ميسان (نام محل)
išt		mēš	میش
vixāz		varak	
vixāzišn		varrak	
varan		kurušk	میش بزرگ
niyāz		mēš takal	میش تکل
apāyast		mēš i dafr	میش تیره رنگ
apāyišn		mēš takal	میش جنگی
varan kāmakih	میل به شهوت	mēš sar	میش سر (نشانی از فره و شکوه است)
kām	میل جنسی	mēš i dafr	میش سیاه رنگ
varan		mēš sar	میشن
kāmistan	میل داشتن	mēš sār	
kāmītan		mēy	میغ
grāyītan		maznāh	
niyāzītan		mayg	میگو
apāyastan		madgōn	میگون
apāyītan		kām	میل
xēm	میل طبیعی	kāmak	
varan	میل غیر طبیعی	kāmakih	
kāmistan	میل کردن	kāmakihā	(بامیل)
kāmītan		grāyastakih	
xvāstan		handāčišn	
mayōmand	میمند (می دار)	xvāst	
kapik vāčik	میمون بازی	xvāstārih	
mīn	مینا	xvāstārōmandih	
mīnāk			

gannāk mēnōk	مینوی بد	mēnōg	مینو
ganāh mēnōk		mēnōk	
mēnōkīh	مینوی بودگی	višōp mēnōg	مینو آشفته
mēnōk xānak	مینوی خانه	mēnōk višōp	مینو آشوب
ahrīman	مینوی خبیث	mēnōg vēn	مینو بین
mēnōk xrat	مینوی خرد	mēnōg vēnīh	مینو بینی
mēnōg ī xrat	مینوی خرد (نام کتاب)	manūš-čīhr	مینو چهر (سنوچهر، نام خاص)
mēnōk nask	مینوی کتاب مقدس	mēnōk xrat	مینو خرد (مینوی خرد، نام کتاب)
mēnōk spend	مینوی مقدس	mēnōg ī xrat	
spannāk mēnōk		mēnōk dōst	مینو دوست
spantōmēn		mēnōk kartārīh	مینو کرداری
spēnāk mēnōk		har dō mēnōk	مینوهای خیر و شر
mēnōk myazd	مینوی موکل بر غذای قربانی	mēnōkīk	مینوی
mēnōk yazīšn	مینوی موکل بر مراسم مذهبی یسنا	mēnōkīkīh	
mēivar	میور (نام خاص)	mēnōyīk	
bar	میوه	mēnōk dāmak	مینوی آفریدگان
mīvak		mēnōgān	مینویان
mēvak		mēnōkān	
dānēnak	میوهٔ هسته‌دار و خشک پوست	mēnōkīhā	مینویانه
mēhan	میهن		
mašīh	میی		

ن

anākās	نا آگاه	anāpātān	نا آبادان
anākāsihā	نا آگاهانه	anāpātānih	نا آبادانی
anākāsīh	نا آگاهی	anāpōmand	نا آب مند (بی آب)
anālūt	نا آلوده	dušxvār	نا آرام
anāmurz	نا آمرز (کسی که نمی بخشد)	aram	
abōžišnīk	نا آمرزیده	dušrāmih	نا آرامی
anāmurzīt		arāmītan	نا آرامیدن
anāyēnih	نا آیینی	apatiyārak	نا آزرده
aburžišnīk	نا ارجمند	anāzmūtak	نا آزموده
anagarāmīk		anāsān	نا آسان
anōst	نا استوار	anāsānih	نا آسانی
anōstih	نا استواری	arāmišn	نا آسوده
anōmēt	نا امید	anāštih	نا آشتی
anōmētihā	نا امیدانه		

نامیدی	نابودی	نابود
نا امیدی	anōmētīh	نابود شدگی
	ōrēpīh	نابود شدن
نا اندیشمند	amēnītār	نابود شده
نابالغ	anūpāy apurnāy	نابود فرجامی
ناباورانه	avirravišnīhā	نابود کردن
ناباوری	avirravišnīh gumānikīh	
نابخشایمندی	anapaxšāyāvandīh	
نابخشاینده	anāmurz	
نابخشش کاری	anapaxšišn-kārih	
نابخشودگی	anāmurzītārih	
نابخشوده	abōžišnik	
نابراذری	brātarōt	
نابرتی	apahrōmīh	
نابردباری	duš-burtīh	
نابریده	abrīn	نابود کننده
نابسامان	pariš	
نابسامان بودن	šīftan	نابود نشدنی
نابلند	anafrāč anafrāz	نابودی
نابود	apēbūt	
	apēsahišn	
	avēn	
	ēvēn	
	ōvēn	
		ōvēn būtakīh
		āpaxšītan
		anāft
		ōvēn frajāmīh
		apasēnītan
		apasahītan
		apasihītan
		āpaxšēnītan
		apasastan
		apasīstan
		gukāntan
		apēsahēnītan
		avēn kartan
		nasītan
		nasānēnītan
		nasēnītan
		ōsēnītan
		ōvēnītan
		patērāngar
		vināsītār
		asējōmand
		anāftakīh
		apasīnišn
		apaxšišn
		avīn būtiḥ
		apāč nasēnišnīh
		apēbūtīh
		gukān

rīmanikīh	ناپاك بودگی	marg (مرگ)	
āhitīh	ناپاکی	ōš (مرگ)	
āhōk		ōvēn būtīh	
āhōkēnišnīh		ōvēn būtakīh	
druvandīh		sēj	
mutrišn		vināsišn	
nasruštīh		sēžišn	
nasūš		pašanjišn	
nē pākīh		avēh	نا به (ناخوب)
palitīh		avēhīh	نا بهی
patvēšak		avēn	نا بین
rīmanīh		kōr	نا بینا
vinastīh		kōr čašm	
vixrūnīh			
abaĵak	ناپالودنی	avēnišn	نا بیذالی
sānišnōmand	ناپایدار	kūrīh	
vitirān		avēnišn	نا بینش
vitarišnik		anašōk	ناپارسا
rōč vart		apāk	ناپاك
sazišn	ناپایداری	āhōkēn	
vartišnīkīh		čirkēn	
apatyārīh	ناپتیارگی (عدم مخالفت)	gannāk	
apatyārak	ناپتیاره (نامخالف)	rīman	
apityārak		vinast	
avēnāft	ناپدید	nasrušt	
apēsahišnīh	ناپدیداری	patvēšakōmand	
avēn kartan	ناپدید کردن	druvand	
		ērāxt	
		anāpītān	

ناپیدا فرجام (کسی که فرجامش معلوم نیست)	bē vartišnīh	ناپیدی
avēnāk fražām	apatīraftak	ناپذیرفته
apēsahēnītan	ayazišnīh	ناپرستی
apaitākīh	apursišnīk	ناپرسیدنی
apētākīh	apārōn	ناپرهیزکار
avēnišnīh	apuhlik	
apēsahišnīh	afravāft	
avēn būtih	apārōnihā	ناپرهیزکارانه
apērōč	apahrēčišnīh	ناپرهیزی
apērōč-garīh	apas	ناپس
apēš	afravāft	ناپسند
apēših	apasandišnīk	ناپسندیده
abaĵak	apasih	ناپسی
apōhišn	anapaxšāvand	ناپشیمان
atišn	apatētikīh	ناپشیمانی از گناه
anafzār	apōhišn	ناپوسیدگی
anātuk	apaitāk	ناپیدا
anātāv	apētāk	
apātiyāvand	apēvēnāft	
apatuvak	apēsahišn	
armēšt	avēnāft	
atawān	avēnāftāk	
atawānik	avēnišn	
atuwān	avēnišnīk	
atuwāngar	avēn būtakīh	ناپیدا بودگی
atuwānik	avēn būtih	

anētōnīh	ناچینی	niruzd	
kam	ناچیز	nizār	
nisang		kam zōr	
nītūm	ناچیز ترین	hušk kūn	ناتوان از نظر جنسی
kasīh	ناچیزی	atuwānīhā	ناتوانانه
kamistīh		apatuvakīhā	
kūtakīh		mōšītan	ناتوان شدن
adātak	ناحق	ačārēnītan	ناتوان کردن
apēdāt		atuwāngar	ناتوانگر
vālan	ناحیه	atuwāngarih	ناتوانگری
bar		anātāvīh	ناتوانی
kišvar		apātiyāvandakīh	
kust		apātiyāvandīh	
kustak		apatūtakīh	
pātkōst		atuwānīh	
nēmak		atuwānikih	
vīs		mōšīh	
vīsik	ناحیه ای	nizārīh	
zandīk		kam zōrīh	
kustak kustak	ناحیه بناحیه	anōst	ناثابت
anaxōnsand	ناخرسند	anāyēnīh	ناجوری
axōnsand		ačār	ناچار
axōnsandihā	ناخرسندانه	ačārīk	
anaxōnsandīh	ناخرسندی	ačārakīhā (بناچار)	زچارانه
axōnsandīh		ačārīhā	
axvansandīh		ačārīh	ناچاری

axvēškār	ناخویشکار (وظیفه ناشناس)	axvašnūt	ناخشنود
axvēškārihā	ناخویشکارانه	axvaftakih	ناخفتگی
axvēškārih	ناخویشکاری	nāxan	ناخن
adātak	ناداده	nāxōn	
vitangih	ناداری	srūb	
adān	نادان	srūw	
dušākās		axvār	ناخوار (سخت، مشکل)
dušdānāk		axvārih	ناخواری (سختی)
vat xrat		ahonsandihā	ناخواهانه
adānihā	نادانانه	axvāyišnih	ناخواهی
dušdānākihā		axvartār	ناخوردار
adānakih	نادانی	axvaš	ناخوش
adānih		vīmār	
dušdānākīh		hiyandak	
apārōn	نادرست	vašt	
ērang		vaštak	
mēt		axvašiḥā	ناخوشانه
tanbān		vīmārkar	ناخوش کننده
zaspān		axvansandih	ناخوشنودی
zēpāk		axvaših	ناخوشی
anāpuhlak		vīmārih	
mitōxtihā	نادرستانه	vištih	
drūjanihā		vaštih	
apārōnih	نادرستی	raxtakih	
ērangih		yask	
mitōxtih		hiyandakih	
zēfānih			

drōgih		adrujišn	نادروغ
drōyih		adrujišnih	نادروغی
mitōxtih		apatyārahkih	نادشمنی
axōnsand	ناراضی	apatyārahkihā	نادشمنانه
anaxōnsand		aviyāwān	نادلبسته
arasih	فارسی بودگی	adōst	نادوست
arasih	فارسی	adōstih	نادوستی
adōšišnih	نارضاقتی	adōšišnih	
axōnsandih		vat dōšārmih	
anaxōnsandih		anafzārah	نادولتمندی
anārgil	نارگیل	avēnāk	نادیده
arawāk	ناروا	dušrām	ناراحت
asačišnih	ناروانی	dušxvār	
arawākih	ناروایی	ayōzitan	ناراحت کردن
arowākih		anāsānih	ناراحتی
arawākih	نارویی (ناراست بودگی)	dušrāmih	
arōyišn	نارویدگی (عدم رویش)	dušxvārah	
starvan	نازا	arāst	ناراست
azātān	نازادگان	avērāy	
anazāt	نازاده	drūjan	
azāt		mēt	
azātak		mitōxtik	
arōyišnik		anāst gōwišn	ناراست گو
nāzūk	نازدار	drūž	ناراستی
nāzēnahkih	نازداری	drūžih	

apasačāk	ناسزا (ناسزاوار)	nāzišn	نازش
asačāk		nāzūk	نازک
dušnām	ناسزا (دشنام)	nāzīk	
apasačāk	ناسزاوار	bārīk	
apasačākīh	ناسزاواری	tunuk	
asačākīh		tarrōk	
asačākīhā	ناسزاپانه	nāzēnakīh	نازکشیدگی
asačākīh	نازایی	miyān bārīk	نازک کمر
abē-sūtakīh	ناسودگی	frōtīhitan	نازل شدن
apē-kār	ناسودمند	nāzēnakīh	نازناکی
apē-sūt		azīvandak	نازنده (بی جان)
asūtak	ناسوده	nāzūk	نازو (نازدار)
asōčīšnīh	ناسوزشی	azīvandakīh	نازیستگی
asōčīšnīk	ناسوزندگی	asāxtār	ناساختار
ašāt mēnišn	ناشادمنش	asāxtārīh	ناساختاری
ašāyast	ناشایست	asāčīšnīh	ناسازشی
asačākīh	ناشایستگی	asāxtār	ناسازگار
asačāk	ناشایسته	anaspās	ناسپاس
apasačāk		aspās	
anarzānīk		anaspāsīhā	ناسپاسانه
dušmānāk	ناشپیه	anaspāsīh	ناسپاسی
nāštak	ناشتا	anāfrikān	ناستوده
duš-burtih	ناشکیبایی	aviyāwān	ناسرگشته
anāmārišnīk	ناشمردنی	aviyāwānīk	
anašnāxtārīh	ناشناختاری		

afraǰāmih afražāmih	نافر جامی	anašnās apēnām	ناشناس
abē-sūtakih afrasāvandih	نافر سودگی	anašnās anašnāsih	ناشناسنده ناشناسی
afrasāvand asūtak afrasāvand	نافر سودنی نافر سوده	anašnavāk aniyōxš asrōšt kar karr karak	ناشنوا ناشنوایی
aburt-framān aniyōšitār aniyōxšitār aniyōxš aniyōxš duš framān aburt framān apāč sar framān spōz handarz anigōxš spōzkār asrōšt (نافرمان در امور دینی)	نافرمان	asrōštih asrāyišnih apēsūtākārih tanbān viyaxman adātihā akartār nāf nāfak āpān nāf anafrāč anafrāz afarǰām afraǰām afražām	ناشنوایی ناشنیدگی ناشیگری ناصحیح ناطق ناعادلانہ ناعامل (غیر عامل) ناف
aniyōšakihā	نافرمانانہ		
aburt-framānih	نافرمانبرداری		ناف آب (سرچشمه)
duš framānih aburt framānih aniyōxšitārih apāč sarīh asrōštih asrāyišnih	نافرمانی		نافراز
			نافر جام

akāmak	ناکام	spōz	
akāmōmandih	ناکامی	spōzišn	
akāmakih		spōžišn	
akāmakōmandih		framān spōxtan	نافرمانی کردن
akanāarakōmandih	ناکارانه‌مندی	framān bē spōxtan	
akārēnītār	ناکردار (عاطل)	afrahaxtīh	نافرهختی (تربیت نشدگی)
akartār		afrahāt	نافریاد رس
akartārih	ناکرداری	afreftārih	نافریفتاری
akart	ناکرده	nāfak	نافه
akōšītār	ناکوشا	abavandak	ناقص
avarzītār		apēbūt	
akōšītār	ناکوشیدار	akār	ناکار
anagarāmik	ناگرامی	akārihastan	ناکارشدن
apēvartišnīh	ناگردشی (عدم گردش)	akāritan	ناکار کردن (نامؤثر کردن)
avartāk	ناگردیده	ačārēnītan	
asōhišn	ناگرسنگی	akārak	ناکاره
agriftār	ناگرفتار	akārih	ناکاری (عاطل بودگی)
agrav	ناگرو	akārēnītan	ناکاریدن (عاطل کردن، عاطل بودن)
avirravišnīh	ناگروشی (عدم اعتقاد)	akāritan	
avičītār	ناگزیدار	avarzīt	ناکاشته
avičārtārih	ناگزیدگی	akām	ناکام
avičirišnik	ناگزیر	akāmakōmand	
avistāxv	ناگستاخ	akāmōmand	
avistāxvih	ناگستاخی	anaspūrik	ناکامل
		anuspurrik	

axvaših	نامطبوع بودگی	axvēšik	نامختص
apatmān	نامعتدل	apēčak	نامخلوط
avirravišnihā	نامعتقدانه	nāmxvāst	نامخواست (نام خاص)
avistāxv	نامعتمد	nāmburtār	نامدار
anāmčištik	نامعروف	frāč srūt	
varōmand	نامعلوم	srūwēnītan	نامدار شدن
varōmandih	نامعلومی	nāmakih	نامداری
anāmčištik	نامعین	nāmikih	
avičirišnik		nāmih	نام داشتگی
anahambasān	نامغایر	amargōmand	نامرگک مند (بی مرگک)
vāhar	نامفهوم	apēvēnāft	نامرئی
apēš	نامقدم	avēn	
atavānik	ناممکن	avēnāftāk	
atavān		avēnišnik	
nē šāyēn		avēnāk	
asačāk	نامناسب	avēnišnīh	نامرئی بودگی
apēčim		anāpītān	نامزدوع
apēčimihā (بطور نامناسب)		anāpātān	
apērāyēnītār	نامنظم	akār	نامستعد
tanbān		anāmčištik	نامشخص
nāmēnītan	نام نهادن	avičirišnik	
apasačāk	ناموافق	adā tastānihā	نامشروعانه
yut dā tastān		afravāft	نامطبوع
akārēnītār	نامؤثر	axvaš	
akārītan	نامؤثر کردن	axvašihā (بطور نامطبوع)	

aniyōšitār	نایوشیدار (نافرمان)	nāmak	نامه
aniyōšitār		gatak	
aniyōšitārīh	نایوشیداری	fravartak	
aniyōšitārīh		parvastak	
aniyōxšitan	نایوشیدن	baydēspān	نامبر شاهی
apaitāk	ناواضح	fravartak	نامه در پیچیده که رسولان آوردند
apētāk		nāmik	نامی
nāvtāk	ناوتاک (قابل کشتی رانی)	nāmīh	
nāyūtāk		nāmēnītan	نامیدن
nāvar	ناور (یکی از مراسم مذهبی است)	xvānīhastan	نامیده شدن
avarzišnīh	ناورزشی (بیکاری)	nān	نان
avarzīt	ناورزیده	kurāčak	
nāhaidyā	ناهندیا (نام دیوی است)	lōzēnak	نان بادامی
anahast	ناهست	xvar i lōzēnak	
anast		garmak	نان تازه
anahastīh	ناهستی	anēr	نانجیب
anastīh		anizār	نانزار
ayōjītan	ناهم آهنگ بودن	šaftēnak	نان شیرینی که با اهل سازند
ayōjišn	ناهم آهنگی	drōn	نان فطیر
ayōjišnīh		kulāčak	نان کلوچه
ahumānāk	ناهمانند	anēvakīh	نانیکویی
dušmānāk		aniyōxš	نایوش (نافرمان)
yut sratak	ناهمجنس	aniyōxš	
yut dāstān	ناهمرأی	aniyōšakīhā	نایوشانه

kōxšišnīh		yut dātaštānīh	ناهمرای
kōxšitārīh		yut dēn	ناهمکیش
napart		yut kēš	
nipart		yut gōhr	ناهمنژاد
patist		anahamīh	ناهمی (جدا بودگی)
nipartītan	نبرد کردن	anāhīt	ناهید
ham nipartītan	نبرد کردن باهم	nāi	نای
kōšītār	نبرد کننده	nād	
kōxšītār		nāy	نای (آلت موسیقی)
nipartak	نبرده	anayyārīh	نایاری
kōxšišnīk	نبردی	avindišn	نایافت
nipartītan	نبردیدن	anayāpakīh	نایاننگی
patkārītan		avindišnīh	
napīrak	نپیره	anāyāftan	نایافتن
anjāmišn	نتیجه	kai bāg	نایب السلطنه
bar		šahrap	
čim		bētaxš	
dātak		nāy bun	نای بن
frajām		giyāh	نبات
hačišik		taparzat	نبات (قند متبلور)
kār		ham rānīh	نبرد
patsār		kārēčār	
frajāmēnītan	نتیجه گرفتن	kōšišn	
fražāmēnītan	(به نتیجه رساندن)	kōšišnīh	
āzātakīh	نجابت	kōšītārīh	
ērīh		kōxšākīh	
āzāt martīh		kōxšišn	
āzātīh			

nasrušt	نجس	bōžākīh	نجات
patrēt		buxtišn	
rīman		bōjītan	نجات دادن
rīmanīkīh	نجس بودگی	bōžēnītan	
axtarāmārīh	نجوم	buxtan	
axtarmārīh		buxtītan	
aparmānīk	نجیب	rastār kartan	
buržišnīk		bōžākīh	نجات دهندگی
āznāwar		buxtār	نجات دهنده
āzātakān	نجیب زادگان	ruwān buxtārīh	نجات روان
vazurgakān		bōjītan	نجات یافتن
āzāt martān		bōžihītan	
vāspuhrakān		buxtan	
vēh zāyišnīh	نجیب زادگی	hūbuxt	نجات پالته
vāspuhrakānīh		buxtak	
ēr	نجیب زاده	ǰastak	
hūpēt		rastār	
hūzahāk		anēraxt	
hūzāt		drōtgar	نجار
vāspuhrak		durgar	
vispuhr		palitīh	نجااست
vāspuhr (نجیب زاده از خاندان شاهی)		rīmanīh	
vāspuhrakānīk	نجیب زاده‌ای	rīmanīkīh	
pārs āzāt	نجیب زادهٔ پارسی	nasūš	
sak āzāt	نجیب زاده سکایی	nasruštīh	
rāk	نخ	mutrišn	
rēštak		guh	

kūyak	نخل	šnor	
mōg		zīk	
naxv-ōhrmazd	نخو اورمزد (نام خاص)	naxčīr	نخجیر
apar mēnišnih	نخوت	naxust	نخست
tarmēnišnih		naxvist	
tarmānih		fratōm	
vāt		pēšōpāy	
naxvat	نخود	frahistih	نخست بودگی
naxot		fratōmih	
axvartārih	نخورداری (نخوری)	mahist	نخست وزیر
ahōšišn	نخوشیدگی (خشک نشدگی)	bītaxš	
nēst čīših	نداری	vazurg framatār	
patist	نذر	naxustēn	نخستین
patistātan	نذر کردن	naxvistēn	
gōšn	نر	nazdist	
gōšnak		fratōm	
gušn		frāčtōm	
nar		frahist	
gōšnih	نر بودگی	buništak	
nēv-artaxšēr	نرد (تخته نرد)	pahrōm	
pīlakān	نردبان	misēh	نخستین آدم
narsah	نرسه (نام خاص)	ēvak-dāt	نخستین آفریده
narsē			
nargis	نرگس	fratōm dānišnān	نخستین آموزگاران دینی
narm	نرم	poryōtkēšān	
namr		fratōm dānišnān	نخستین دانندگان

kāričār		taranak	
patkār		sust	
patkārīt		čarp	
nīpart		narmāh	فرماه (نام خاص)
kōxšišn		narm kartan	نرم کردن
kōxšišnīh		sūtan	
hamēstārīh		sūdan	
ham patkārišnīh		sustīh	فرمی
ayōjīšn		gušnīh	فری
ayōzišn		narīh	
ayōjīšnīh		narīk	
patkārtan	نزع کردن	vartakīh	نر یا ماده طلبیدن حیوان
patkaftan		narīmān	نریمان (نام خاص)
ēraxtan		nairyōsang	نریوسنگ (ایزد)
ayōjītan		nēryōsang	
patkaftak	نزع کرده	nērōsang	
patkārtār	نزع کننده	nazār	نزار
patkārdār		nizār	
kōxšišnīk	نزاعی	nizārīhastan	نزار شدن
nazd	نزد	nazārtan	نزار کردن
pēš		nizārtan	
nazdik	نزدیک	nizārēnītan	
nazd hač		anizār	نزار نشدنی
kasān	نزدیکان (خویشان و یاران)	nizārīh	نزاری
xvēšihā	نزدیکان	nizōrīh	
xvatīh	نزدیک بودگی	jang	نزع
		kārēčār	

nasāy pačišnih	نا پزی	kūtak bin	نزدیک بین
nasāy xvārišnih	نا خواری	nazdik patvand	نزدیک پیوند
nasāy šōyišnih	نا شویی	xvēštar	نزدیک تر
nasā kiš	ناکش (مردہ کش)	nazdist	نزدیک ترین
nasāōmand	نامند (نجس شدہ در اثر تماس با مردہ)	matār	نزدیک شونده (آینده)
nasāy hil	نا هل (مردہ رها کن)	nazd bām	نزدیک صبح
gōhr	نسب	nazdik mānih	نزدیک مانی
tōhmak		nazdikh	نزدیکی
patvand		xvēših	
handāč	نسبت	ōsānišnik	نزولی
sāmāniha	(به نسبت)	čih	نژاد
hārēftan	نسبت دادن چیزی به کسی	čihrak	
tuxmak sraw	نسب نامہ	čitr	
nastarvan	نسترن	gōhr	
rāk	نسج	nāf	
rēštak		tōhm	
pačēn	نسخہ	tōm	
pačēn	نسخہ بدل	tuxm	
pačēn	نسخہ دوم	tuxmak	
ham pačēn		vēj	
dūtak	نسل	hūčih	نژادہ
hanbātak		hūtōhmik	
napat		pat gōhrik	
ōbātak		girān tuxmak	
		anāk tuxmak	(بدنژاد)
		nasā	نا (جسم مردہ)
		nasā pāk	نا پز (پزندہ لاشہ)

nimūtārīh	نشان دهندگی	zahak	
nimāyišn		zahāk	
nimūtār	نشان دهنده	zāyak	
zīvand daxšak	نشان زندگی	nišāstak	نشاسته
drōšītan	نشان کردن	nišān	نشان
sāmān	نشان مرزی	daxšak	
drōš	نشانه	čihr	
drōšom		čihrak	
nišānītak	نشانیده	mārik	
nē šāyēn	نشدنی	drōšom	
nišast	نشست	dēsakīh	نشان دادگی
nišast gās	نشست گاه	nimūtan	نشان دادن
nišastan	نشستن	frāč nimūtan	
apar nišastan (برنشستن)		paitākēnītan	
nišastak	نشسته	pētākēnītan	
ašikand	نشکته	vīnēnītan	
nišēp	نشیب	daxšakēnītan	
anišēp (بی نشیب)		nikēžītan	
nišēpīk	نشیبی	čihrōmand	نشان دار
nišīm	نشیم (نشیمن)	daxšakōmand	
nišīm	نشیمن	daxšakōmandīh	نشان داری
nēm	نصف	daxšakīh	
nēmak	نصف	nišānēnītan	نشاندن
nasībīn	نصبین (شهر)	nišāntan	
		nišāstan	
		nišītan	
		nišānītak	نشاند

rāḍēnākih	handarz	نصیحت
rāḍēnišnīh	pand	
rāḍēnītārīh	āvēnītan	نصیحت کردن
rāyēnišn	handarzēnītan	
rāyišn	šusrih	نطفگی
rāyēnītārīh	šusr	نطفه
rāžēnišn	tōhmak	
nihātak	tōm	
sahmān	šusrih	نطفه‌ای
srōšikīh	gōwišnīk	نطق
vinārtārīh	vinārišn	نظارت
vinārišn	nihišn	نظام (سامان)
vinārišnīh	artēštār	نظامی
virāstakīh	nikās	نظر
vīrāstārīh	dōisr	
vīrāyišn	čašm	
apar vinārišn	sahišn	
dāt	duš čašmīh	نظر بد
dā tastān	drust čašmīh	نظر خوب
sāčīšn	kāmak dōisr	
rastak	hūčašmīhā (بانظر خوب)	
rāḍēnītan	čašm ariškīh	نظر رشک‌آمیز
rāyēnītan	ārāyišn	نظم
rāyēnīhītan	ēv-sānīh	
rāyēnīt kartan	patmān	
rāyēnāk		
rāyēnītār		
rāḍēnītār		
mān		
mānāk		
tāk		

نظم دادن

نظم دهنده

نظیر

vizūtan	نفرین کردن	nasā	نعلش
gazūtan		nasūš	
nifrīn kar	نفرین کننده	rist	
duš saxvan		rist kēš	نعلش کش
nifrīn kar	نفرین گر	sumb	نعل
dam	نفس (دم)	nālin	نعلین
dafišn		frēh dahišnih	نعمت
vāi		nānuk sparham	نعلنا
vaxš		nānuk sparham	نعلنا سپرغم
vēn		pargast	نعود بالله
damišn	نفس بریدگی	naxšak	نغز
varanik	نفس پرست	anāštih	نفاق
varan	نفس پرستی	ayōjišn	
varanikih		naft	نفت
tūsak	نفس تنگی	kēn	نفرت
damišn	نفس زدن	ayrand	نفرت آور
xvistan	نفس نفس زدن	gujastak	نفرت انگیز
sūt	نفع	nifrīn	نفرین
sōk		nafrīn	
kām rawākih	نفوذالمشبه	nafrītak	
nikērāyih	نهی	duš saxvanih	
nikār	نقاشی	garzišn	
sūrākik	نقب زن (حیوان نقب زن)	nifritak	نفرین شده
nipištan	نقر کردن	nifrīn kārīh	نفرین کاری
āsīm	نقره		
asēm			

nikōhēnak	نکوهیده	sīm	
nikōhitak		sēm	
nikār	نگار	sīmēn	نقره‌ای
nikārak	نگاره	sēmēn	
nikās	نگاه	āsīmēn	
nikirišn		āsēmēn	
mān-pān	نگاهبان خانه	āsīmēn	نقره فام
gariv-pān	نگاهبان گردن (سلاح)	nikār (نگار)	نقش
nikāsdār	نگاهدار	nikārak	
nikāstār		abavandakih	نقص
nikās dāštār		frōt mānd	
vinārtār		mōših	
dārāk	نگهدارنده	apēbūtih	
dāštār		kamik	
gīrāk		kamih	نقصان
yatārīh	نگاهداری	narfsišn	
duš nikirīh	نگاهداری بد	nirfsišn	
vinārtak	نگاهداری شده	afrayūt (بی نقصان)	
nikās dārišnīh	نگاه داشتنی	afrayūt hačišihā	نقصان نپذیرفتنی
nikās dāštan	نگاه داشتن	ul varzišnīh	نقض
dārišnik	نگاه داشتنی	bālist	نقطه اوج ستاره
dāštak	نگاهداشته	miyānak	نقطه مرکزی
nikīristan	نگاه کردن	nikōhišn	نکوهش
nišītan		nikōhišnīk	نکوهشی
kasītan (اهریمنی)		nikōhītan	نکوهیدن
		nikōhīdan	
		nikōēnītan	

nigōsār		نگاه کننده	nikirītār
nigēn sār		نگاه مهرآمیز	kāmak dōisr
nikūnītan	نگون کردن	نگذشتگی	afrāč sačišnih
nikūnih	نگونی	نگر	nikir
bān	نگهبان	نگرا	nikirāy
pahr			nikirītār
pātār			nikir
pātyār			
pānak		نگران شدن	āšōftan
pānak kartār		نگرانی	ayārtišn
pāspān		نگرای کل (صفت خداست)	harvisp nikirītār
pās		نگرش	nikirišn
pāspānēnītār		نگرش به گیتی (گیتی نگری، توجه باسورمادی)	
grōkāndār			gētih nikirišnih
stūr			
sardār		نگرشی	nikirišnik
pušt		نگر فزنگی	agirišnih
angust pān	نگهبان انگشت در تیراندازی	نگریدار همه (صفت خداست)	
tan pānak	نگهبان تن		harvisp nikirītār
viš hōrv	نگهبان خانه (سک نگهبان)	نگریدن	nikirītan
kōfdār	نگهبان کوه	نگریدهٔ مرد پرهیزکار	dahmān nikirīt
pasuš harv	نگهبان گله	نگریستن	nikiristan
pahr	نگهبان مرز		nikērītan
kustig pān	نگهبان ناحیه	نگون	nikun
pānākīh	نگهبانی	نگونسار	nikunsār
panākīh			niransār

namāč	نماز	pās	
niyāyišn		sardārih	
namāč burtan	نماز بردن	pānak kartārih	
anāmītan		pānakih kartan	نگهبانی کردن
frāč pētāk	نمایان	pāspānēnītan	
ǰastak		pāšpātan	
ǰastihā (بطور نمایان)		pās dāštan	
huparrōn	نمای پستی خوب	sardārēnītan	
huōrōn	نمای خوب دارنده	pātan	
nīmāyišn	نمایش	pāyītan	
nīmūtārih		pāspānēnītār	نگهدارنده
nīmāyišuihā	نمایشگاه	bān	
nīmūtan	نمایش دادن	dārišn	نگهداری
nīmūtār	نمایش دهنده	dārišnīh	
namat	نمذ	nikās-dārih	
tar	نم‌دار	nikās-dārišn	
tarihā	نم‌دارانه	nikās-dāštārih	
xvistan	نم‌دار شدن	parvartārih	
apē-vitart	نمرده	pāspānīh	
namak	نمک	vinārišn	
sōrak	نم‌کنزار	vinārišnīh	
tarr	نمناک	vinārtārih	
tarihā		pahrēxtan	نگهداری کردن
xvēt		nāmgānīh	نگهداری نام
nambītan	نمناک شدن	pāt uzvānīh	نگهداشتنگی زبان
		nam	نم
		namb	
		parvār	

rustan		xvētīh	نمنا کی
vālitan		tarīgīh	
vaxšēnītan		bālišn	نمو
vaxšītan		vālišn	
anbūsitan		ōruswar	
viheč-		vaxš	
vaxšēnītanīh	نمو کردنی	vaxšākīh	
ārōyišnik		vaxšārišn	
āzāyišnik	نمو کننده	vaxšēnišn	
vaxšāk		vaxšīh	
vaxšak		vaxšišn	
vaxšēnītār		vaxšišnih	
		gavākīh	
nang	ننگ	bālēnītan	نمو دادن
nang parastišnih	ننگ پرستی	pazāmēnītan	
nang-garīh	ننگ کاری	pazzāmēnītan	
nang-garīh	ننگ گری	nimūtār	نمودار
nōk	نو	frāč nimūtan	نمودار کردن
nivāk	نوا	nimūtārīh	نموداری
nōk dātārīh	نو آفرینندگی	nimūtan	نمودن
kustakīhā	نواحی	vālišn dahišnih	نمو دهندگی
nivāxtakīh	نواختگی	vaxšēnītārīh	
nivāzītan	نواختن	vālišn dātār	نمو دهنده
vāzišn	نواختن آلت موسیقی	vaxštōmand	
vāzitan		vaxšēnišnih	نمو کردگی
srūtan		rōdītan	نمو کردن
pazditan		rōyihītan	

nahvat	نود	mār vāčik	نواختن سرنا
navat		šišak vāčik (رباب چهار تار)	نواختن شیشک
nōtar	نوذر	nivāxtak	نواخته
nōtarān	نوذران (نام خاندانی)	napat	نواده
xvaršēt	نور آفتاب	napātak	
asar rōšnīh	نور ازلی	ōbātak	
harvisp rōšnīh	نور الانوار	zayāk	
tāpīk	نورانی	xvatāy nāf	نواده شاه
rōšn		nivāzišn	لوازش
rōšnīhā		nivāxtakīh	
varčak	نور خدایی	navāzak	نواذك (شهر)
hvaršēt	نور خورشید	srāy	نوازنده
hvarxšēt		nāi srāy	نوازنده نی
xvaršēt		vin srāy	نوازنده وین
harvisp rōšnīh	نور کل	vivāzitan	نوازیدن
nōk rōč	نوروز	huniyāk	نوی خوش
nōt zāt	نوزاد	jāvar-ē	نوبتی
nōk zātak		nōk nōk	نوبنو
nōk zōt	نوزود (رسم مذهبی)	bār	نوبه
navazdah	نوزده	aparnāy	نوجوان
nōzdah		kōtak	
navazdahom	نوزدهم	apurnāy zātakān	نوجوانان
nōzdahom		rahīkīh	نوجوانی
nisārišnīkīh	نوسازی	rasīkīh	
škarvitakīh	نوسان		

sartak		škarvan	نوسان کننده
sratak		xvārēnītan	نوشاندن
sartakīhā (بانواع)		nipistār	نوشتار (نویسنده)
šōn		nipištan	نوشتن
zan		nipistan	
zanak		nipik	نوشته
advēnak		nipist	
hamākmand (دارای انواع گوناگون)		nipistak	
pur sartak		nipišt	
		nipištak	
martōm	نوع انسان	dīp	
yut sratak	نوع دیگر	nask	
čakāt	نوک	xūp nipik	نوشته خوب
čagāt			نوشته دینکرت (کتاب دینکرت)
sar		dēnkart nipik	
tēh		nipēsihītan	نوشته شدن
dūzēnak	نوک نیز	nipištak	نوشته شده
gažāk		nipistak	
stik		anōš husraw	نوشن خسرو (نام خاص)
tīr		anōš	نوشدارو
kārān	نوکر	anōšak-zāt	نوشزاد (نام خاص)
kartespās		xvartār	نوشنده
tērak	نوک کوه	gōn	نوع
nēvak gāv	نوک گاو (نام خاص)	gōnak	
nōk nāwar	نوک ناور (تشریفات مذهبی)	sardak	
nōk nōk	نو نو	saredak	
nōk nāwar	نو نوار (درفارسی عامیانه)		

yut nihātakih	نهاد متمایز داشتگی	nāf	نوه
nihātan	نهادن	nap	
hištan		napat	
nihāt	نهاده	nāf bēš	نوه آزار
nihātak		puhr i puhr	نوه پسری
nihāl	نهال	nōkīh	نوی
nihān	نهان	nivēd	نوید
nihumb		nivētvar	نوید بر
nikān		nivēdītan	نوید دادن
nihān xēmīh	نهان خیمی (نهان کردگی سرشت)	nivēdēnītār	نوید دهنده
nihān rawišn	نهان روش	nipēsā	نویسا
nihān rawišnīh	نهان روشی (رفتار پنهانی)	dapīr	نویسنده
nihānīh	نهان کردگی	dipīr	
huftan	نهان کردن	nipistār	
nihumbītan		nipēsā	
nihān kartan		dapīrīh	نویسندگی
nikānēnītan		dipīrīh	
nikānītan		nipīkīh	
nikān kartan		nē	نه
nihān mānīh	نهان مانی	mā	
nihānīk	نهانی	nah	نه (عدد)
nihānīhā	(بطور نهانی)	nav	
nikānītan	نهانیدن	noh	
nihāvand	نهاوند (ناحیه)	nihāt	نهاد (سرشت)
frajām	نهایت	nihātak	
		xōk	

niyāz	نیاز	noh rīn	نه بار
niyāzak		kānakih	نهر
apāyastih		yōy	
apāyišn		ǰōy	
niyāzānēnītan	نیازانیدن	ǰōb	نهر آب
niyāzīk	نیازدار	nāyčak	
niyāzakih	نیاز داشتگی	nahr tīrak	نهر تیرك (شهر)
niyāzišn	نیازش	nihīšn	نیش (وضع، ابداع)
nayāzem	نیازم (نام خاص)	noh sat	نهد
ham apāyastih	نیاز مشترك	nihuftārih	نہفتاری
niyāzōmand	نیازمند	nihuftakih	نہفتگی
niyāzāngar		nihuftārih	
niyāzān		nihumbišn	
mustōmand		nihuftan	نہفتن
abavandak		huftan	
astānakōmand		nihambītan	
niyāzītan	نیازمند بودن	nihuftak	نہفته
niyāzānēnītan	نیازمند کردن	nahom	نهم
niyāzōmandih	نیازمندی	nohom	
niyāzakih		nihīp	نہیب
niyāzīh		nai	نی (آلت موسیقی)
niyāzīk	نیازی	naδ	
niyāzītan	نیازیدن	nay	
		nāy	
anālūt	نیانوده	niyāk	نیا (جد)
niyākān	نیاکان	niyāki	نیا (جده)

niyāyišnih	نیایشی	niyām	نیام
mēnišn	نیت	anāyišn	نیامدگی
čim		anāyišnih	
anākīh kāmākīh	نیت بد	anāmurzītārīh	نیامرزیداری
bavandak mēnišnih	نیت خوب	anāmurzišn	نیامرزیدگی
huskārišn		anāmurzit	نیامرزیده
hūsikālitan	نیت خوب داشتن	azbāyišn	نیایش
nāyčak	نیچه	niyāyišn	
nīrang	نیرنگ (دعا)	niyāyišn	
nērang		stāyītārīh	
		yasn	
		yast	
		yašt	
		yazišn	
		hōmast (نوعی نیایش)	
nīrang var	نیرنگ ور (دعای پیش از سوگند خوردن)	srōš niyāyišn	نیایش سروش
nērōk	نیرو	dēr yazišnih	نیایش طولانی
zōr		niyāyišnēnitan	نیایش کردن
tuwān		nyāēnitan	
tuwānih		nyāitan	
tavih		yazitan	
ōz		yaštan	
ōj			
ōž			
ōžih			
afzār		niyāyišn gōftār	نیایش گر
awzār		niyāyišn gōftār	نیایش گو
patakih		niyāyišnōmand	نیایش مند
patūkih			
pātiyāvandih		niyāyišnōmandih	نیایشمندی
tuxšn			

tuxšn		vazdvarih	
tagik		varz	
takikōmand		āhanjak	
tahm			
tahmak		nērōk dātārih	نیرو بخشی
xružd			
xrušd		tuwānēnitan	نیرو بخشیدن
zand			
zōrōmand		nērōk dātārih	نیرو دهندگی
amāvandihā	نیرومندانه	nērōkōmand	نیرومند
tuxšākihā		frāy nērōk	
tagihā		amāvand	
pātiyāvandihā		arvand	
		attōk	
nērōkmandih	نیرومندی	atūk	
ōžōmandih		apar ōž	
ōjōmandih		gatvar	
amāvandih		ham martāčōk	
garōmandih		mazan	
čērih		nēv	
afzārih		nēvkār	
ham martāčōkih		afzārōmand	
tagih		ōjak	
		ōjōmand	
mēh ōžih	نیروی برتر	ōžōmand	
		pātiyāvand	
frāy nērōk	نیروی بسیاردارنده	pattōk	
		patūk	
viškīt nērōk	نیروی پراکنده	pat nērōk	
		stawr	
pahrēčkārih	نیروی پشتیبانی	tuxšēnitār	
dā tastānōmandih	نیروی تشخیص و داوری		

nēzak	نیزه	tan vazdvarih	نیروی تن
nēčak		tuwān afzārih	نیروی توانا
nēžak		nērōk	نیروی جادویی
aršt		karp tuxšn	نیروی جسمانی
fraš		xrat afzār	نیروی خرد
sel		tuwān afzārih	نیروی زیاد
nēzakvārih	نیزه پرانی	guftārih	نیروی سخن گویی
xur druš	نیزه خونین (دارند ~)	xrat afzār	نیروی عقل
nēzakvārih	نیزه وری	nīrang	نیروی فوق طبیعی
nisāi	نیسا (شهر)	zōr i āhanjak	نیروی کشنده
nehistān	نیستان	martān ōj	نیروی مردانه
nadistān		tuwān afzārih	نیروی مؤثر
anahast-kārih	نیست کاری (انهدام)	zāvar	نیروی نظامی
anahast-gar	نیست کننده	zōr i guhārāk	نیروی هاضمه
anahast-gar	نیست گر	nērōkīh	نیروی
nēst mōy	نیست مو (بی مو)	nērōkīk	
nēstīh	نیستی	-č	نیز
anahastīh		-ič	
nēst čīšīh		ham	
nāi srāy	نی سرا (نی نواز)	nēz	
mīvūk	نیش	nīz	
nīš		nizēšt	نیزشت (نام دیوی است)
nīšāpuhr	نیشابور (شهر)	nāy pazd	نی زن
nīšāpūr		nāy srāy	
nixšāpūr			
nēv-šāhpuhr			

nēvak gōhrīh	نیک سرشتی	nišāpūrīk	نیشابوری
nēvak kunišnīh	نیک کنشی	dūzēnak	نیش حشره
huxt gōftār	نیک گفتار	gazišn	نیش زدگی
hūgōwišn		gazītan	نیش زدن
huxt gōwišnīh	نیک گفتاری	gažāk	نیش زنده
nēvak gōhrīh	نیک گوهری	šapāk	
hūmēnišn	نیک منش	nai šakar	نی شکر
نیک منش کامه (دارای امیال خیرخواهانه)		nēv	نیک
hūmēnišnīh kāmāk		nēvak	
anōš husraw	نیک نام	nīk	
husraw		hūmat mēnītār	نیک اندیش
hūnāmīk		hūmēnītār	
hū-āp		hūmat mēnišnīh	نیک اندیشی
husrawīh	نیک نامی	patēxvēnītan	نیک بخت کردن
hūčīhr	نیک نژاد	hūčašm	نیکخواه
nēv	نیکو	nēvakīh kāmāk	
nēvak		hūčašmīhā	نیکخواهانه
nēvakēn		hūvarzīhā	
nēvakōk		hūčašmīh	نیکخواهی
vēhīk		yazdān xēm	نیک خیم
nēvaktom	نیکوترین	nēvak dāštārīh	نیک داشت
nāyčak	نی کوچک	vēh dōstīh	نیک دوستی
nēvak dāštārīh	نیکوداشتی	hūbāmīh	نیک روزی
nēvak rawišnīh	نیکو روشی	hūnihātīk	نیک سرشت
nēvak frajāmīh	نیکو فرجامی		

pur nēvakīh	نیکویی بسیار	frārōn	نیکو کار
harvisp nēvakīh	نیکویی تام	hūdāk	
hūvaršt varzišnīh	نیکویی ورزیدن	hūgar	
vēhīh	نیکی	hūvaršt varzītār	
xūpīh		hūvarz	
yān		kirpakar	
		kirpakgar	
nēvak baxtārih	نیکی بخشی	kirpak dōst	
harvisp nēvakīh	نیکی کامل	xvābar	
nīl	نیل (رنگ)	xvāpar	
nīlōpar	نیلوفر	hūvarzihā	نیکو کارانه
nēm	نیم	hūvaršt kāmāk	نیکو کار کامه
nēmāsp	نیماسپ (برج قوس)	frārōnīh	نیکو کاری
nēmāsp		kirpak-garīh	
		kirpak-karīh	
nēm vēčak	نیم بهره	kirpak varzītārīh	
nēm-pur	نیم پر	xvābarīh	
nēm dīnār	نیم دینار	xvāpargarīh	
nēm-rōč	نیمروز	vēh kartārīh	
rapīh		nēvakīh kāmāk	نیکو کامه (نیکخواه)
rapiswin		vēh kartārīh	نیکو کرداری
rapitwin		nēvak kunišnīh	
nēm-rōč gās	نیمروز گاه	nēvak kunišnīk	نیکو کنش
nēm rōšn	نیم روشن	kirpak mēnišnīh	نیکو منشی
nēm vēčak	نیم قسمت	nēvakōkīhā	نیکو پانه
nēmāk	نیمه	nēvakīh	نیکویی
nēm		nēvakōkīh	

niyōxšāk		nēm martōm	نیمه انسان
nigōšišn	نیوشش (شنوائی، فرمانبری)	frāyar	نیمه اول روز
niyōšišn		nēm tārīk	نیمه تاریک
niyōxšišn		nēm tansrak	
niyōxšišnōmand	نیوشش مند	nēm tan	نیمه تن
nigōšišnih	نیوششی	nēm dēv	نیمه دیو
niyōxšišnih		nēm šap	نیمه شب
niyōšītār	نیوشنده	nēm šap gās	نیمه شب گاه
niyōkšītār	نیوشیدار	apāxtar nēmak	نیمه شمالی
niyōxšītār		nāi srāy	نی نواز
niyōxšītār		nāi pazd	
niyōkšītārīh	نیوشیداری	nēv	نیو (دلیر)
niyōxšītārīh		nīv	
niyōkšītan	نیوشیدن	niv	نیو (رودی در مصر)
niyōšītan		nēv-artaxšēr	نیو اردشیر (تخته نرد)
niyōxšītan		nēv asp	نیواسپ (نام خاص)
niyōšītan		niyōšāk	نیوشا (فرمانبردار، شنوا)
niyōxšītan		niyōxšāk	
nēvih	نیوی (دلیری)		

و

frēčpānik	واجب	ut	و (واو عطف)
patēmār		u	
vāč dāštan	واج گرفتن	-č	
vāč grīftan		-ič	
vāč kartan			وئورو برشت (نام کشوری از هفت کشور)
vāč guftan	واج گفتن	vohukrubaršt	
vāč gīrišnīh	واج گیری	vōrubaršt	
vāčītan	واجیدن (جمع کردن، بردن)		وئورو جرشت (کشوری از هفت کشور)
vāčīnītan		vohukrujaršt	
tāk	واحد	vōrujaršt	
ētōm		varkaš	وئورو کش (دریا)
ēvaktāk			
hamēn		amākān	وابستگان ما
kafiz	واحد حجم (قفیز)	zamānōmand	وابسته بزمان
nay	واحد طول	vātgis	واتگیس (بادغیس، نام کوه)
yut nāy	واحد طول (بایدازه شش پا)	vāj	واج (دعائی که در سر خوان غذا خوانند)

yātak-gōw		rānēnītan	وادیار بحرکت کردن
miyānĵak		rānakēnītan	
mayānčik		rawēnītan	وادیار بر رفتن کردن
miyānčik		stāyēnītan	وادیار بستایش کردن
duš-miyān	واسطه بد	hangēnītan	وادیار کردن
mayānčikīh	واسطه بودگی	rānēnītār	وادیار کننده
vasnād	واسه (برای درگوشی عامیانه تهرانی)	hāčišn	وادیاری
paytāk	واضح	naxvārītan	وادیار داشتن
rōšnāk		vādašt	وادیار (نام خاص)
rōšnak		nīmūtan	وادیار آوردن
vēnāk		rasītan	وادیار شدن
čimīh		nikūnīh	وادیارونیگی
gōvičār		nikun	وادیارونه
ĵastak		nikunsār	
tāštik		sarkun	
parēxtan	واگذاریدن	nikūnītan	وادیارونه کردن
parrēxtan		spōžišn	وادیارنش
bē	والا	apāč kun	وادیارگون
burzēn	والا	vač	وادیاره
burzōk		vāčak	
burzāk		vāčītan	وادیاریدن (سخن گفتن)
buržišnīk			واس (بزرگترین مخلوق آبی و نگهبان موجودات آبی)
buržišnōmand		vās	
čardār	والد (برای موجودات اهریمنی)	vāstryōš	واسترپوش (کشاورز)
zāyēnītārān	والدین	vihān	واسطه
zātēnītār		bihān	

vitast	وجب	awām	وام
vitist		apām	
vatist		ōwām	
vidast		afkār	وامانده
vitistik	وجبی	xvastak	
vatistik		apāmēnītan	وام پرداختن
bōd	وجدان	awāmēnītan	
bōy		apāmēnītan	وام داشتن
varōm		awāmēnītan	
dēn		vāman	وامن (نام خاص)
axv		ōwāmih	وامی
mēnišnihā	وجداناً	vānēt xvarrah	وانیت خوره (نام خاص)
kāmak axv	وجدان دلخواه	ut	واو عاطفه
dēn	وجدان دینی	ud	
vičar	وجر (حکم)	vāi	وای (ایزد هوا)
frēčvānih	وجوب	vāy	
astakih	وجود	vāi	وای (فریادی که ازرنج و درد برآورده میشود)
astišn		vāy i dirang xvatāy	وای درنگ خدای
stī		vāy vuxt	وای و وخت (نام خاص)
stih		mēx	وتد
axv		mēx i azēr zamīg	وتد الارض
bavih		mēx i jānān	وتد طالع
bavišn		mēx i mayān asmān	وتد وسط السماء
būtakih		vatak	وتک (نام خاص زن)
vindišn		grōkān	وثیقه
xvatih			
anast (لاوجود)			

vaxš-burtārīh	وخشوری (پیامبری)	anastih	(لاوجودیت)
vaxšvarīh		anastakīh	(عدم وجود)
vadagan	ودگن (نام خاص زن)	anbūsitan	وجود آمدن
nihātak	ودیمه	hastōmand	وجود دارنده
ōstān		bavišnih	وجود داشتنگی
nihātan	ودیمه گذاشتن	astitan	وجود داشتن
var	ور (آزمایشی ایزدی)	būtak	وجود داشته
	ور برسم (سوگندی که بادر دست گرفتن برسم)	axvik	وجودی
barsamak var	انجام میشود	hanbavihitan	وجود یافتن در شکم مادر
žūtan	وراجی کردن	advēnak	وجه
varč	ورج	vičēn	وجین
varčāvand	ورجاوند	vičin	
varjāvand		avičin	وجین نشده
varčāvandihā	ورجاوندانه	ēvakīh	وحدت
varčēn	ورج دار	ēv gōhrīh	وحدت ذات
var i yamkart	ورج نکرد	ēv čihrih	وحدت سرشت
var i jamkart		ēv čihrih	وحدت طبع
jamkart var		ēv gōhrīh	وحدت گوهر
varjōmand	ورج مند (شکوهمند)	nihip	وحشت
varčōmandih	ورج مندی	aramak	وحشی
afsōn	ورد	mānsr	وحی
mārīk		mānsrbar	وحی آور
nīrang		vaxšvar	وخشور (پیامبر)
nērang			
niāyišn			
vāč grifan	ورد خواندن		

vōrujaršt (کشور ششم از هفت کشور)	vāč girišnīh	ورد خوانی
vōrujaršn	dastwar	وردست
vohukrujaršt	varz	ورز (کار، عمل، کشت)
vōručihr (وروچهر (نام خاص))	varzišn	ورزش
rasītan	varzišnīh	ورزشی
vōrukaš (وروکش (نام دریا))	varzišnik	
varkaš	varz kartār	ورز کردار (برزگر)
dīwān	varz ut kišn	ورز و کشت
dīwān i kartak	varz kartār	ورز کننده
vāyišn	gāv i varzāk	ورز گاو
vazišn	varzih	ورزی
vāt damak	varzitārīh	ورزیداری
vāyišn	varzitan	ورزیدن
vak	var sardār	ور سردار (کسی که تشریفات سوگند را فراهم می کند)
vazay	vīm	ورطه
vazag	zufāy	
vazag dēs	zufāyak	
pay	varkaš	ورکش (نام دریا)
tarāzēnītārīh	garmōvar	ورگرم (نوعی سوگند)
sanjītan	varen	ورن (ناحیه گیلان)
saxtan		ورو برشت (کشور پنجم از هفت کشور)
tarāzēnītan	vōrubaršt	
sang	vōrubaršn	
vāzitan	vohukrubaršt	
pazditan		
yōd-		
daftan		
vāyītan		

gumēčak	وصل در زناشویی	dastwar	وزیر
apiyuxtan	وصل کردن بهم	bitaxš	وزیر اعظم
apyōxtan		darik pat	وزیر دربار شاهی
patēmār	وصی	dar handarzpat	وزیر فرهنگ و آموزش
andarz	وصیت	miyānjikih	وساطت
handarz		mayān	وسط
andarzēnitan	وصیت کردن	miyān	
astišnih	وضع	miyānak	
bavanih		miyānčik	
kūih		zahyih	وسعت
nihišn	وضع (برقرار کردن)	čandih	
zāyišnih	وضع حمل	tan činakih	وسواس در نظافت
nihātak	وضع شده	gumān-kārih	وسوسه
nihātan	وضع کردن	frāxv	وسیع
kūtak pāyakih	وضع محقر	yut kust	
pasēmārih	وضع مدعی علیه	dūr karānak	
astišn	وضع موجود	anaγrān	
āškārakih	وضوح	čār	وسيله
āškārihā		čārak	
paitākīh		afzār	
vēnākīh		awzār	
rōšn vēnākīh		čārak kartan	وسيله بکار بردن
vēnāfdākīhā (به وضوح)		awzārōmand	وسيله دار
kunišnān	وظایف	čārōmandih	وسيله داری
		čārak kartārih	وسيله سازی

ōstowār	وفادار	xvēškār	وظیفه
mēnišnik		kār	
ōstowārih	وفاداری	kunišn	
vāvarikānih		harg	
tūxtan	وفا کردن	frēč	
tūxtār	وفا کننده* بعهد	frēčpānih (کار بیش از حد وظیفه)	
mitr	وفای بعهد	daxšak	
tūzišn		nikērāy (منکرشونده وظیفه)	
vēfagān	وفگان (شهر)	frēčpānik	وظیفه‌ای
frahistih	وفور	griftārōmand	وظیفه‌دار
awām	وقت	frēčpānik	وظیفه دینی
āwām		xvēškār	وظیفه شخصی
ōwām		xvēškārak	
rōčkār		xvēškārihā	وظیفه شناسانه
hangām		xvēškārih	وظیفه شناسی
damānak		axvēškār	وظیفه ناشناس
zamān		axvēškārihā	وظیفه ناشناسانه
žamān		axvēškārih	وظیفه ناشناسی
žamānak		nivēdēnišn	وعده
zamun		pašt	
yāvar		patist	
jāvar		patistāk	
awām vičitār	وقت شناس	paštak	
hangām būtik		nivēdēnitān	وعده کردن
zamānik	وقت مقرر	nikēžitān	
aparrēčišnih	وقت نداشتگی	patistātān	

vēh rōt	وَه رُود (رُود)	kā	وَقْتَبَكِه
vēh-šāpūr	وَه شاپُور (نام خاص)	nihātak	وَقَف
ōi	وِی	yātakgōwih	وَكَالَت
avē		vōktargā	وَكْتَرِگَا (نام خاص)
vidāt	وِیدَات (نام دیو)	dāt-gōw	وَكِيل
vidatafš	وِیدَنَفَش (کشور چهارم از هفت کشور)	yātakgōw	
vidadafš		dātwar	
vītatafš		patēmār	
vaēdišt	وِئَدِیشت (نام خاص)	yātakgōw	وَكِيل دَعَاوِی
vīr	وِیر (هوش)	yātangōk	
vīrāstār	وِیرَاستَار	yātakgōw	وَكِيل مَدَافِع
vīrāstakīh	وِیرَاستَگِی	bē	وِگَرَنَه
vīrāstan	وِیرَاستَن	ēnyā	
vīrāstak	وِیرَاستَه	nasang	وِلَايَت (شهرستان)
vīrāf	وِیرَا ف (نام خاص)	valaxš	وِلَخَش (نام خاص)
avērān	وِیرَان	bē	وَلِی
avērak		van	وَن (نام خاص زن)
anāp		vanāwat	وَنَاوَت (نام کوه)
višōftak		vanjak	وَنجَك (آلات موسیقی)
višōp		vanjak vāčik	وَنجَك نَوَازِی
tapāh		vindāt gušnasp	وَنَدَاد گُشَسَب (نام خاص)
sēz		vidēvdāt	وَنَدِیدَاد (نام کتاب)
anāpātān		yut dēvdāt	
vani būtih	وِیرَان بُودِگِی	van frōšn	وَن فَرُوشَن (نام خاص)
tapāhihastan	وِیرَان شَدَن	van i yut bēš	وَن یُوت بَش (نام خاص)

vināsītār		[sējōmand	ویران شدنی
vināsišnik		višōpišnik	
viyāpāngar		mūtak	ویران شده
viyāpānkar		vany	
mar	ویرانگر	apasahēnistan	ویران کردن
marnjēnītār		apasihistan	
mrnjēnītār		kantan	
murnjēnītār		kandan	
mūtak		kaftan	
sēj dāt		marnjēnītan	
sēzišnōmand		mrnjēnītan	
vināsišnkar		murnjēnītan	
vināsišnik		nasānēnītan	
vināstār		nasēnītan	
višuftār		ōsēnītan	
višupāk		ōšītan	
zanišnōmand		vāčīnītan	
zatār		stōwēnītan	
dahišn apasēnītār	ویرانگر خلقت	škastan	
mēnōg višōp	ویرانگر عالم مینوی	vikāftan	
gēhān marnjēnītār	ویرانگر گیهان	šuftan	
marnjēnītārīh	ویرانگری	vānītan	
murnjēnītārīh		višōftan	
nasānišnih		višōpēnītan	
vināstārīh		vimuštan	
višōpišn		vināsītan	
viyāpānkarīh		kantār	ویران کننده
vanigarīh		kastār	
vanibūtīh		kāstār	
		višōp	

apēčak	ویژه	avērānih	ویرانی
nāmbarak		anāpišn	
nāmčišt		āsuft kārīh	
nāmčištik		tapāhih	
vāspuhrakān		kastārīh	
vāspuhrakānih		kanišn	
visparat	ویسپرد (بخشی است از اوستا)	vināsišn	
visp-šāt xōsrōi	ویسپ شادخسرو (شهر)	mrnĵēnišn	
visēmakān	ویسمکان (نام سلسله پادشاهی)	nasānišn	
vīsak	ویسه (نام خاص)	nasēnišn	
vēsak		nāsišn	
vištāsp	ویشتاسپ (نام خاص)	višōpišn	
vīn	وین (آلت موسیقی)	vināsišnīk	(قابل ویرانی)
vīn kannār	وین کنار (آلت موسیقی)	virōi pahr	ویروی پهر (نام خاص)
vīn srāy	وین نواز	vizarš	ویزرش (نام خاص)
vīvanghān	ویرنگهان (نام خاص)	vīzak	ویزک (نام خاص)
		apēčakihā	ویژگانه

hāvan-gās	هاونگاه (از سپیده دم تا ظهر)	هاتک مانسریک (بخشی از اوستای قدیم)	hātak mānsrīk
hišt škōhīh	هتک حرمت	هات مانسر	hāt mānsr
hašt dah	هجده	مانسریک	mānsrīk
hašt dahom	هجدهم	هادخت نسک (بخشی از اوستا)	hātōxt
tak	هجوم	هادخت	hādōxt
hēnīh		هاردات	hurdat
patrōtan	هجوم کردن	هارودات	harvdāt
tak kartan apar			xvardat
parvānakīh	هدایت	هاسر (مقیاس زمان و مسافت)	hāsr
ratunay	هدایت شده توسط پیشوای مذهبی	هامون (سیستان)	hāmōn
nītan	هدایت کردن	هامون (دشت)	hāmōn
nayītan		هاون	hāvan
ānīhitan		هاونان (پیشوایی که در مراسم یسنا شرکت میکند)	
hāčītan		هاوانان	hāvanān
jamēnītan			

harāi	هرات	zamēnītan	
harāk		vāzēnītan	
harē		vitārtan	
hirātīk	هراتی	vitārēnītan	
nīhīk	هراسان	haxtan	
		hāxtan	
harān	هران (شهر)	raftēnītan	هدایت کردن گله
har advēnak	هرآینه	parvānak	هدایت کننده
marčikāmči	هرچقدر	hadiš	هدیش (نام ایزدموکل برخانه)
andčand	هرچند	hadayōš	هدیوش (نام گاو اساطیری)
hančand		hatayōš	
harčand			
kā		dahišn	هدیه
har čēyōn	هرچون	dāsr	
har čē	هرچه	dāšn	
andčand		pārak	
kēč		āyaft	
katārčihē		dāšnik	هدیه‌ای
čīš-ič čīš	هرچه باشد	ostōfrīt	هدیه نذری
katārčē	هرچه دیگر	har	هر
hardār	هردار (نام خاص)	harv	
haraitar	هردر (نام خاص)	harvisp	
hardaršn	هردرشن (نام خاص)	harvispēn	
		harvist	
har dōān	هردو	harvistēn	
jōmā		čēkāmič	هرآنچه
har dō axvān	هردو جهان	čikāmči	

vispān sūt	هرگونه سود دارنده	har dō mēnōk (اورمزه راهریمن)	هردومینو
ōhrmazdān	هرمزان (نام خاص)	tarmānīh	هرزگی
hormazd	هرمزد (اهورامزدا)	harzak	هرزه
ōhrmazd		halak	
ōrmazd		hazarag	
ōhrmazd xvatāy	هرمزد خدای	gadōk	
	هرمزد شاپوران (نام خاص)	duš nikīrāy	
ōhrmazd i šāpuhrān		har čēyōn	هرطور
ōhrmazdīh	هرمزدی	čand	هرقدر
ōhrmazdik		hančand	هرقدرکه
hormazdyār	هرمزدیار (نام خاص)	marčikāmči	هرقدرهم
hāmōdēn	هرنوع	čikāmči	هرقسم
hāmōgēn		čikāmči	هرکدام
čikāmči		katārčē	
harē	هری (هرات)	katārčihē	
harēvrōt	هرپرود (رود)	katārčē	هرکدامهم
har ēvak	هریک	harvīn	هرکس
harvīn		katārčē	
katārčihē		katārčihē	
hazār	هزار	katārčē	هرکه
hazārān	هزاران (نام خاص)	hamē kā	هرگاه
gul i ēv-hazār varg (گل)	هزار برگ (گل)	hakarč	هرگر
hazārīhā	هزارساله	bāstān	
hazārakānak	هزارگانه	har čēyōn	هرگونه
hazār-gōšīh	هزارگوشی		

astak	هست	hazārak	هزاره
astakīh	هستی	hazangrōzam	
hastakīh		hazangrōk zam	
hastīh		huzvārišn	هزوارش
hastīk		uzvārišn	
stī		uzēnak	هزینه
stīh		ōzīnak	
hastišn		uzēn	
astišn			
ēstišn		haštdah	هژده
bavanīh		hūzīrišnik	هژیبر
bavišn		hast	هست
bavišnih		ēstēt	
būtakīh		hastān	هستان (زندگان)
ahu			
axv		astišnih	هست بودن
zīvandakīh		ēstišnih	
hamāk būtih	هستی ابدی	astišn	هستش
hast-kar	هستی بخش	būtan	هست شدن
hēt	هستید	hast-kar	هستگر (هستی بخش)
hīm	هستیم	ham	هستم
ham būtih	هستی مشترک	hōm	
hamē būtih	هستی همیشگی	hastōmand	هستمند (دارای وجود)
hašt	هشت (عدد)	ēstātan	هستن
ašt		būtan	
haštāt	هشتاد	hand	هستند
hašt sat	هشتصد	hēnd	

haft-sat	هفتصد	haštom	هشتم
haft kišvar	هفت کشور	day	هشتمین روز ماه
vauruĵaršt	(یکی از کشورهای هفت کشور)	dadv	
vaurubaršt	~	hištan	هشتین
هفت کشور خدای (پادشاه هفت کشور)		haštīh	هشتی (هشت ضلعی)
haft kišvar xvatāy		zēnāvand	هشیار
haftom	هفتم	gukārišn	هضم
haft-māhak	هفت ماه	pazāmišn	
haft-māhik		gukārtan	هضم کردن
haptōkring	هفتورنگ	gukārītan	
haftōirang		gukārihitan	
haftak	هفته	guvārītan	
haft hāt	هفت هات (بخشی از یسنا)	guhārāk	هضم کننده
haft hindūkān	هفت هندوکان (ناحیه)	agukārīt	هضم نشده
haft-dah	هفده	haft	هفت
haft-dahom	هفدهم	haftāt	هفتاد
sēj	هلاک	haftād	
sēz		haftōirang	هفت اورنگ (دب اکبر)
sēž		haptōkring	
sēžišn	هلاکت	haft-rīn	هفت بار
sēžōmand	هلاک شدن	hēftālān	هفتالها
sazišnik		haftān buxt	هفتان بوخت (نام خاص)
sēzišnōmand	هلاک کلنده	haftōrang	هفت اورنگ
sēj dāt		haftōirang	
narfsītan	هلال شدن ماه	haft kamār	هفت سر (اژدها)
		haftān	هفت سیاره

ham-zamān	هم اندر زمان (فوراً)	هلال گشتن ماه (از بیستم تا بیست و پنجم ماه)	vištaftas
ham-advēnak	همان طریق (بهمان طریق)	هلیش (رها کردگی)	hilišn
ham gōnak	همانطور	هلیش نامه (طلاق نامه)	hilišn nāmak
ham-ētōn		هلمند (هیرمند)	hētōmand
ōyōn		هلو	šaft
ham ētōnīh	همانطور بودگی	هلیله	halīlak
ōyōn čēgōn	همانطور که	هلیله* پرورده	halīlak i parvartak
and čand	همانقدر	هم	ham
hand čand		هما (نام خاص)	hūmāy
ham gōnak	همانگونه	هما (مرغ همای)	humāk
hamgōn		هم ارزش	hāvand
ōyōn		هم آرزو	ham-kāmak
ēv sān	همانند	هماره	hamār
hamarj		هم اصل	hamgōhr
hamarz		هم افزار (همکار)	hamafzār
ham gōnak		همال	hamāhl
hamōk			hamāl
hamtāk			hamēmāl
handāčak			hamarz
hāvand		هم آمیختگی (به هم آمیختگی)	hamgōmēčišnīh
hamānāk		همان	ham
hūmānāk		هم اندازه	ham handāčak
mānāk			hamōk handāč
mānākāi			ham bašn
mānišnik			
ham angušitak			
hangōšitakīhā	همانندان		

ham-vāng	هم‌بانگ (هم‌آواز)	mānītan	همانند بودن
ham baxšišnīh	هم بخششی	mānistan	
hamvar	همبر (در کنار هم)	māntan	
ham brāt	هم برادر (دوست)	parčītišnkār	همانند کننده
ham brātīh	هم برادری (دوستی)	hamgōnīh	همانندی
ham vastarg	هم بستر	hangōšitak	
hanbašn		hāvandīh	
tan vimēxtan	هم بستر شدن	hamānākīh	
juftan		hūmānākīh	
ham patvandīh	هم‌بستگی	mānākīh	
hambastan	هم‌بستن (به هم بستن)	ham-ētōnīh	
hambast	هم بسته	ham vāng	هم‌آواز
hambastak		avīkān	هم‌آورد
hamband		patvast axvīh	هم‌آهنگی
hambandīh	هم‌بندی	hamīh	
kai bāg	هم‌بهر با شاه		هم‌آهنگی کامل
ham pursišn	هم‌پرسش (هم صحبت)	bavandak ham-kartārīh	
ham pursakīh	هم‌پرسگی (مصاحبت)	humāy	همای (مرغ)
ham pursītan	هم‌پرسیدن (گفتگو کردن)	humāk	
hamvar	هم‌پهلو	humāy	همای (نام خاص)
ham kust			همای چهارآزاد (نام خاص)
ham patkārīšnīh	هم‌پیکاری (نزاع)	humāy i čīhrāzātān	
hampatmānakīh	هم‌پیمانی	ham-ētōn	هم‌آیدون
ham patvand	هم‌پیوند	ham-ētōnīh	هم‌آیدونی
		ham advēnak	هم‌آیین
		ēvak advēn	
		ham bālišn	هم‌بالش (رفیق)

ham patvandih	هم خاندانی	ham patvandih	هم پیوندی
ham damūnih	هم خانگی	hamtāk	همتا
ham dūtak	هم خانواده	hēmētān	همتان (نام خاص)
ham patvand		ham tōčik	هم تاوان
ham zahāk		ham tōžik	
ham damūn	هم خانه	ham tōxmak	هم تخمه
ham karpakih	هم خوابگی	ham tōhmik	
ham martih		ham-tōhmak	
ham vimēžišnih			
marzih		ham tan	هم تن
hamgōmēčišnih		ham-kirpak	هم ثواب
marzišn		ham kirpakih	هم ثوابی
vēpik		ham tan	هم جنبه
ham bavēnitan	هم خوابگی کردن	ham sartaḱ	هم جنس
hanbašn	هم خوابه	nazdik	هم جوار
ham vastarg		nazdikih	هم جوارِی
ham xurun	هم خوراک	ham kust	هم جهت
ham xvarišnih	هم خوراکی	ham čim rād	هم چرا (بهمین علت)
hamdā tastān	هم داستان	ham čašmih	هم چشمی
hamdā tastānōmand		ham čēyōn	هم چنان
hamdā tastānih	هم داستانی	nēz	هم چنین
hamdā tastānōmandih		niz	
hamadān	همدان (شهر)	-č	
hamtān		-ič	
hamatān		ham čēyōn	هم چون
hanmatān		ham dūtak	هم خاندان
dil sōčak	همدردی	ham patvand	
handarōtakih			

hamdāstān	هم رأی	adiyārīh	همدستی
hamdāastānōmand		hamdam	همدم
hamdāastānīh	هم رأیی	ham nāfān	هم دودمان
hamdāastānōmandih		ham zahāk	
ham-rasītan	هم رسیدن (به هم رسیدن)	ham dūtak	
ham rawišn	هم روش	ham dōšišnīh	هم دوستی
ham advēnak		ham dūtak	هم دوده
ēvak advēnak		ham dēsak	همدیس (هم شکل)
ham-gōnak		ham-dēn	همدین
ham brahmakīh	هم روشی	xvēš-dēn	
ham-damān	هم زمان	ham kēš	
ham-zamān		hamrānīh	همرانی (نبرد)
ham zanišnīh	هم زنی (زد و خورد)	ham rās	همراه
hāvand zōr	هم زور	ham ayōj	
ēvak zōr		ham barišn	
ham-zōrīh	هم زوری	ham būtīk	
ēv zōrīh		ham harz	
ham būtīk	هم زیست	pat apākēnitan	همراه بردن
ham bavišn		patišnīh	همراه بودگی
ham bavišnīh	هم زیستی	apākīh	همراهی
ham būtiḥ		ambāzīh	
ham bavēnitan	همزیستی کردن	apākēnitan	همراهی کردن
hāvand	همسان		
ham-arj			

hampursakīh	هم صحبتی	mānāk	
hamgōwišnīh		ham-arz	
ham gōhr	هم طبع	hāvandih	همسانی
ham dā tastān	هم عقیده	mānākīh	
ham xurun	هم غذا	nazdīh	همسایگی
patvast axvīh	هم فکری	nazdikīh	
ham brēh	هم قامت	hamsāyak	همسایه
ham brēh	هم قد	ham kustak	
ham bašn		ham vīmand	
hamtōčīk	هم قرض	ham-spāhīh	هم سپاهی
hamtōžīk		hamaspamaidayam (گاهانبار)	همسپتندم
		hamaspasmēdēm	
		hamaspatmaidēm	
ham spāhīh	هم قطار بودگی	hamaspatmētyaēm	
hāvand nērōk	هم قوه	ham-gōwišnīh	هم سخنی
hamkār	همکار	zan	همسر
ham kartār		nāirīk	
ham kunišn		nāirīg	
ham afzār		ham gōhrīh	هم سرشتی
ham brāt		hamvar	هم سطح
ham brātak			
ham kartārih	همکاری	hambāgīh	هم سهمی
ham kunišnīh		hamkarpīh	هم شکلی
ham zōrih			
ham kārih		xvat šatrik	هم شهری
ēv kartakīh		hamvāčīk	هم صحبت
duzāpastīh	همکاری با دزد	ham dranjišn	

hamākīhā		bavandak hamkartārīh	همکاری کامل
harvispēn		ham kāmāk	همگاه
hamōgēn		ham kāmākīh	همگامی
ham sāmān	هم مرز	ham kartār	همکردار
ham kustak		ham kartārīh	همکرداری
ham-dēn	هم مسلک	ham kirpak	هم کرفه (هم ثواب)
ham-damūn	هم منزل	ham kunišn	همکنش
ham-damūnīh	هم منزلی	ham kunišnīh	همکنشی
ham mōy	هم مو	ham kōxšišn	همکوشش
ham-kāmāk	هم میل	ham kēš	همکیش
xvat šatrik	هم میهن	xvēš-dēn	
ham nipartīh	هم نبردی	harvin	همگان
ham nipartītan	هم نبردی کردن	harvistēn	همگانی
ham gōhr	هم نژاد	ham-gās	همگاه (با هم)
ham tōhmak		ham-vinās	همگناه
ham tōhmik		ham gōnak	همگونه
ham nāfān		ham gōhr	هم گوهر
ham zahak	هم نسب	ham gōhrīh	هم گوهری
hamdam	همنشین	ēv gōhrīh	
ham nišinišnīh	همنشینی	hamākīh	همگی
pat ham nišinišnīh		hamākīh	
ham sartak		hamagīh	
ham sratak	همنوع	hamāīk	
hāvand nērōk	هم نیرو	hamahīh	
		hamāīkīh	

harvist		هموار	hāmōn
harvistēn			hamōg
visp ākās	همه آگاه		hāmvār
visp ākāsihā	همه آگاهان		hamār
harvisp ākāsih	همه آگاهی	هموار (راحت)	hanbār
harvistēn	همه‌ای		hamāihā
	همه پزشک (درخت اساطیری)		hambār
hamāk bazišk			hamvār
harvisp tan	همه تن		hāmvār
hamāk afzār	همه توانا	همواره فروزان	hamvārak
hamāk doisr	همه چشم	همواری	hamār
hamāk xrat	همه خرد	هم واژه (هم صحبت)	hamafrōk
hamāk dānākīh	همه دانایی	همه	hanbārīh
	همه روشی (تحرک دائمی)		ham-vāčik
hamē hamē rawišnīh			hamāk
hamē rawišnīh			hamak
hamāk viškuftih	همه شکستگی (گل)		hām
hamāk kāmāk	همه کامه		hamē
harvisp kartār	همه کردار (عامل همه چیز)		hamis
hamāk gōnak	همه گونه		hamist
	همه نگریدار (صفت اورمزد)		hamōgēn
harvisp nikiritār			visp
harvisp zamān	همه وقت		visēn
hamē	همی		harv
			har
			harvin
			harvēn
			harvisp
			harvispēn

hamēšak sūt	همیشه سود	ham ayyār	همیار
hamēšak sōč	همیشه سوز (آتشکده)	ham ayyārihā	همیارانه
hamafrōk		ham ayyārih	هم یاری
hamēšak kārihā	همیشه کارانه	hamētōn	همیدون
ham-čim	همین جهت (به‌مین جهت)	hamēšakih	همیشگی
ham-čim rāδ	همین سبب (به‌مین سبب)	hamēik	
hamē kā	همینکه	hamāik	
ham-čim rāδ	همین معنی (به‌مین معنی)	hamagih	
ham ayōj	هم یوغ	hamahik	
āyōjītan	هم یوغ شدن	hamāikih	
hanjār	هناجار	jāvītān	
hanjītan	هناجیدن (برکشیدن)	yāvītān	
sind	هند	hamākihā	(ب‌طور همیشگی)
hind		hamēšak	همیشه
zamik patmānih	هندسه	hamār	
handūk	هندو	hāmvār	
hindūk		hamvār	
hindūkān	هندوستان	hamvārak	
hindūkistān		hamēv	
hindūk	هندی	hamāihā	
handūk		hambār	
hindūkān	هندیان	hamē	
		bāstān	
		hakarč	
		hamāk vahār	همیشه بهار (گل)
		hamēšak pāspānih	همیشه پاسبانی
		hamē zivandak	همیشه زنده

kā-t	هنگامیکه ترا	hunar	هنر
hanōz	هنوز	kīrūk	
hakarč		kīrūkīh	
bē		hunarōmand	هنرمند
-č		hunarāvand	
-ič		awzārōmand	
pas-ič		hūtuxš	
vāi	هوا	hūtuxšāk	
vāy		hunarōmandīh	هنرمندی
vāt		hunarāvandīh	
hvāsp	هواسپ (نام خاص)	hūtuxšīh	
damig	هواکش	nēzumānīh	
mīz vāy	هوای ابری	frārōn hunarīh	هنرمندی خوب
vāi vattar	هوای بد	hunarīh	هنری
vāi vēh	هوای خوب	hangām	هنگام
hubōy xōsrōi	هوبوی خسرو (شهر)	hangāmīk	
hūtuxš	هوتخش (صنعتگر)	zamān	
hūtoxš		zamun	
		āvāmīh (بهنگام)	
hūtuxšīh	هوتوخشی	rōčkār	هنگام روز
hūtōs	هوتوس (نام خاص)	āpustan gās	هنگام زایمان
hūr	هور (نوعی مشروب الکلی است)	ōšbām	هنگام طلوع خورشید
hvaršēt čīhr	هور چهر (نام خاص)	zamun vēhīčakīk	هنگام وهیز کی
hvaršet	هورشید (خورشید)	kā	هنگامیک
hvarxšēt		kā-š	هنگامیکه او
		kā-šān	هنگامیکه ایشان

ōših	هوشی	varan	هوس
hōših		varanik	هوسباز
kirūkīh		varanikīh	هوسبازی
hōš adiyār	هوشیار	tan-kāmākīh	
hōšiyār			هوسپارم نسک (یکی از بخشهای اوستا)
ōšidār		huspāram nask	
ōšyār			
frazānak		varanīh	هوسناکی
hōšiyārihā	هوشیارانه	hōš	هوش
zēnāvandīhā		ōš	
hōšiyārīh	هوشیاری	vīr	
frazānakīh		xrat	
hūšētar	هوشیدر	rād	
hušētarān	هوشیدران	rāy	
hōšētar māh	هوشیدر ماه (نام خاص)	kirūkīh	
hūšētar māh		šnāsakīh	
hukar	هوگر (نام کوه)	šnāxtārīh	
hugar		ōš xvāstār	هوش خواستار (خواستار سرگ)
hōm	هوم	hōš dāštār	هوش دار
hūmān	هومان (نام خاص)	hōš dāštārīh	هوشداری
hōm yazat	هوم ایزد	hōš dāštār	هوش داشتار (نام کوه)
hōmān pālāy	هوم پالا	kirūkīh	هوش داشتگی
hōm pālāk		hōšōmand	هوشمند
	هومت پایه (پایه آسمانی اندیشه لیک)	ōšōmand	
hūmat pāyak		hōšang	هوشنگ (نام خاص)
hūmat gās	هومت گاه	hōšyang	

paitākēnitan	هویدا ساختن	hūmatanām (نام نیایشی است)	هو متنام
brēh	هیئت (شکل)	hōm xvarišnīh	هوم خواری
hēftālān	هفتاد		هوم دار (آمیخته به فشرده گیاه هوم)
hatayōš	هتایش (نام گاو اساطیری است)	hōmōmand	
xrōstakīh	هیجان	hōmēn	
hašt dah	هیجده	hōmikān	
hašt dahom	هیجدهم		هوم درون (نان مقدسی که بنام هوم داده میشود)
hēč	هیچ	gōkart	هوم سپید (درخت اساطیری)
hēč-gōn		hōm i spēt	
nē		hōm hūnišnīh	هوم کوبی
ham bunič		hōmōmand	هوم مند
hēčīh	هیچ بودگی	hōm xvarišnīh	هوم نوشی
haēčatasp	هتچت اسب (نام خاص)	hōmēn	هومی
čīš-ič	هیچ چیز	hōmik	
katārčē		xion	هون (ترکان آسیای مرکزی)
ēčēnitan	هیچ کردن	hvōw	هوو (نام خاص)
mā kas	هیچکس	hūvāsp	هوواسپ (نام خاص)
katāmčē		hūvarš	هوورش (نام خاص)
kasič (حتی کسی)		hvōvi	هووی (نام خاص)
katārčē	هیچکس دیگر	katāmīh	هویت
hakarč	هیچگاه	čīšīh	
hēčgōn	هیچگونه	nišak	هویدا
hēčak	هیچ (دو جسمین)	paitāk	
hēčīh	هیچ	čašm dīt	

ērpatīh		ēvak-ič	هیچ یک
hētōmand	هیرمند (رود)	hēxtan	هیختن
ēsm	هیزم	hērvat	هیر بد
ēzm		ēhrpat	
hēmak		ērvat	
hēzom		ērvat zātak	هیر بد زاده
ēsm dān	هیزم دان	hērvatistān	هیر بدستان
ēsmīh	هیزمی	ērvatistān	
hēmak	هیما	hērvatistānīh	هیر بدستانی
hēzom		hērvatīh	هیر بدی

ی

daxšak		aivap	یا
mānak		ayvap	
varm		ēvap	
anayāt (هی یاد)		hast... hast	
awyātēnītan	یاد آوردن	ē	یاء وحدت
ayātēnītan		ayāpišn	یابش (یافتگی)
ayāsītan		āyaftih	یابندگی
ayāstan		ayāpišnih	
varm kartan		ayāftār	یابنده
rānēnītan (از یاد بردن)		ayāpak	
ayātēnītārih	یادآوری	ayāpāk	
ayāsišn		awyāt	یاد
ayāsišnih		awyātakih	
ōšmurišnih		ayāsišn	
ōšmurišn		ayāt	
framōštan	یاد بردن (از یاد بردن)	ayyāt	
az daxšak hištan			

ham rās		nāmgānih	یادبود
apāk		āmōxtan	یاد دادن
frayātišnik		āmōzānitan	
ayyārihā	یارانه	āmōžānitan	
ayyārītan	یادداری داشتن	azdēnitan	
adiyārītan	یادداشتن	čāšišn	
ayyārītan		vīrōmandih	یادداری
		ayyāt kārīh	یادداشت
ayyārōmand	یارمند (رفیق)	awyātakih	یادداشتگی
adiyārōmandih	یارمندی (یاری)	ōšmurtan	یادداشتن
adiyārīh	یاری	pat daxšak dāštan	
adiyārōmandih		āmōžišn	یاد دهندگی
ayyārīh		āmōzišn	
hayyārīh		varm kartan	یاد سپردن
apāstih		awyātēnitan	یاد کردن
frahāt		ayāt kartan	
frayāt		awyātkār	یادگار
frayātišn		ayātkār	
nīrmat		nāmgānih	
kōč			
ham-ayyārīh	(یاری با یکدیگر)		یادگار زیرپان (کتاب)
duzāpastih	(یاری با دزد)	ayātkār i zarērān	
apar apākīh	یاری برتر	ayyāt-kārīh	یادگاری
apar apākīh	یاری خداوندی	āmōxtan	یاد گرفتن
ayyārītan	یاریدن	adiyār	یار
adiyārītan		ayār	
		ayyār	
frahāt	یاری دهنده	hayyār	
hayyār		yār	

ayāftak	یافته	friyāhīt	یاری شده
vindītak	یافته شده	ayyārītan	یاری کردن
yākand	بالوت	adiyārītan	
yākind		apākēnītan	
čašrit	یا کسارت (رود)	frayātītan	
bōš	پال	friyātītan	
buš		ristakēnītan	
ayyārīh	یاوری	frayātišnik	یاری کردنی
yatahūkveryōk	یتااهوونیریو (دعا)	hamēšak apākīh	یاری همیشگی
pazd	پخ	yāzdah	یازده
yazat	یزت	yāsmīn	یاسمن
yazatān	یزدان	apāč sar	یاغی
yazdān		mustgar	
yazdān ēraxt	یزدان ارخت (نام خاص)	apāč sarīh	یاغیگری
yazdān dōst	یزدان دوست	ayāpišn	یافت
yazdān šnāxtan	یزدان شناختن	ayāft	
yazdān šnās	یزدان شناس	ayāftār	یافتار (یا بنده)
yazdān šnāsīh	یزدان شناسی	vindišn	یافتگی
yazdān-kart	یزدان کرد (نام خاص)	ayāftan	یافتن
yazdān anašnāsīh	یزدان نشناسی	ayāpēnītan	
yazdakart	یزدگرد (پادشاه ماسانی)	vindātan	
yazdēkart		vindītan	
yazdkirt		vijustan	
yazdakartik	یزدگری	jastan	
		ayāpišnik	یافتنی
		ayāpāk	
		vindišnik	

ēvakān	پکان	yazišn	یزش
ēvakānih	پکانی	izišn	
ēvak ēvak	پکا پک	ēzišn	
ēbār	پکبار	yazišn kar	یزش کننده
ēv-bār		ēzišn garīh	یزش گری
ēvak bār		yazišnōmand	یزشمند (قابل پرستش)
ĵāvar-ē		yazišnīh	یزشی
ham-zamān	پکباره	ēzītan	یزیدن
pat ēv kartakih		izītan	
یک پادشاهی (فرمانروائی پادشاه واحد)		yasn	یسن (ستایش)
ēv-xvatāyīh		yast	
hamāyīh	پک پارچگی	haft hāt	پسنای هفت هات
ēv kartak	پک پارچه	yašt	پشت (ستایش)
pančōtak	پک پنجم	ēt	یعنی
panĵ-tak		hat	
panĵ ēvak		ay	
ēvtāk	پکتا	grīvpān	یقه
ētōm		xvastūkīh	یقین
ēvak-tāk		hāzišn	یقین دینی
ēvak-tōk		ē	پک
ēvāzīk		ēv	
ēv-dāt	پکتا خلق شده	ēvak	
ēv-dāt	پکتا داده	yak	
ēvtākīh	پکتایی	ēv-āhang	پک آهنگ (هم آهنگ)
tanihā	پک تنه	ēvak advēn	پک آیین (هم آیین)
		ēvak advēnak	

ēvak kōf	یک کوهانه	ēvak āhang	یک جور
ēv čihrih	یک گوهری	ēv-āhang	یک جهت
ēv mōk	یک لنگه کفش برپای دارنده (گناه)	ēčand	یک چند
ēvak māhak	یک ماهه (کودک)	ēv-čand	
ēv čihrih	یک نژادی	ēvak čand	
ēv kartak	یک خواست	čatrušvātak	یک چهارم
ēv hazār	یک هزار	tasom	
ēvak dāt	یکی آفریده شده	ēv-xvatāyih	یک خدایی
ahuvēt gās	یکی از روزهای کاثانی	ēbār	یک دفعه
ēvakih	یکی بودگی	ēv-bār	
ēvak ēvak	یک یک	dō ēvak	یک دوم
hamēnitan	یکی کردن	dah ēvak	یک دهم
hamēnītār	یکی کننده	ēvak ō dit	یکدیگر (به یکدیگر)
kas kas	یکی یکی	ēvak zōr	یک زور (هم زور)
ēvakānakih	یگانگی	ēvak sālak	یکساله
ēvakānih		ēvsān	یکسان
ēvakih		ēv-sānih	یکسانی
ēvih		ham kunih	
hamih		srišvatak	یک سوم
hamikih		srišōtak	
ayōjišn		sc ēvak	
ēvakānak	یگانه	yak sē	
ēvakēn		rōčak šapān	یک شبانروز
ēvak-tāk		šaš ēvak	یک ششم
ētōm		ēv sat	یک صد
	یگانه منش (دارای منش یگانه)		
ēvakānak mēnišn			

ayōtārih	یوغ داری	yal	یل
gāv yūg	یوغ گاو	yama	یم (= جم، نام خاص)
hrōm	یونان	yaman	یمن (سرزمین)
yūnānāyik	یونانی	yimak	یمه (= جمه، نام خاص)
hrōmāyik		dašnak	یمین لشکر
hrōmīk		yōz	یوز
hrōmāy			
hrōmāyān	یونانیان	yōz	یوزپلنگ
aspast	یونجه	yōšt	یوشت (نام خاص)
yahūtān	یهودان	ayōj	یوغ
yahūt	یهودی	yōg	
yahūtīh		yūg	
		āyōxtan	یوغ بر گردن اسبان نهادن
yahūtakān	یهودیان	ayōjīšn	یوغ بندی
yāhutīh	یهودی بودن	ayōtār	یوغ دار

PERSIAN-PAHLAVI DICTIONARY

by

Bahrām Faravashi

Second Edition

ISBN 964-03-4391-9

پہا : ۳۱۰۰۰ ریال